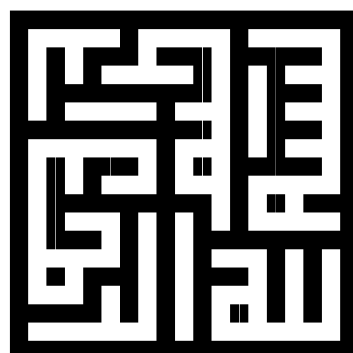






فصلنامه آرشیو ملی

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶
شماره پیاپی ۱۲
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پایاندها): ۲۴۲۳-۶۲۱۷
شمارگان: ۱۵۰ نسخه چاپی و انتشار وبی؛ بها: ۴۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - پژوهشکده اسناد

مدیرمسئول و سردبیر: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

هیئت تحریریه (به ترتیب نام خانوادگی)

دکتر صدیقه احمدی فصیح (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر امیررضا اصنافی (استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)؛ ایوب بنوی (رئیس روابط عمومی و امور فرهنگی، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس)؛ دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی (رئیس مرکز اسناد؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)؛ دکتر فریبرز خسروی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر سعید رضائی شریف‌آبادی (استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء)؛ بهناز زرین‌کلکی (مشاور معاون اسناد ملی)؛ دکتر سیدمحمود سادات (استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی^(ع) و انقلاب اسلامی)، حوریه سعیدی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ محبوب شهبازی (رئیس مرکز اسناد ایثارگران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی)؛ دکتر علی صادق‌زاده وایقان (کارشناس پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ غلامرضا عزیزی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر محمد قهری (استادیار بازنشسته دانشکده علوم پایه، دانشگاه امام حسین^(ع))؛ دکتر نورالله مرادی (مدیرکل بازنشسته آرشیوهای صدا و سیما)؛ دکتر الهام ملک‌زاده (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر شهرام یوسفی‌فر (استاد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی).



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: ندا رسولی

ویراستار و مترجم: زهرا ضرغامی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

طرح لوگو: یوسف امیری

طراح گرافیک: شهره خوری

ناظر چاپ: پرویز بختیاری

چاپ و صحافی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

علی رمضان زاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان آرشیو ملی ایران، پژوهشکده اسناد.

تلفن: ۲۶۴۰۲۹۴۵ | دورنگار: ۲۶۴۰۲۹۷۷

پیام نگار: 1395naq@gmail.com

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.

- فصلنامه در قبول، رد یا ویرایش مقاله‌ها آزاد است.

- استفاده از مقاله‌های منتشر شده در این مجله بدون ذکر منبع در سایر مجله‌ها و کتاب‌ها ممنوع است.

- کلیه مقالات توسط داوران ذی‌صلاح ارزشیابی می‌شوند و نشریه در پذیرش، رد، حذف و یا کوتاه کردن مقالات برای چاپ آزاد است.

- مجله از انتشار گزارش، یادداشت و مانند این‌ها استقبال می‌کند.

- چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی ارسالی نیز در صفحه اول درج گردد.

- مقالات ارسال شده نباید قبلاً در نشریه دیگری چاپ یا به‌طور هم‌زمان به مجلات دیگری ارسال شده باشند.

- چنانچه مقاله‌ای خارج از این ضوابط باشد، قبل از ارائه به گروه داوران، از فهرست موارد بررسی حذف خواهد شد.

- نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲

سخن نخست

- ۵ * سه دانشنامه؛ غلامرضا عزیزی

مقالات آرشیوی

- ۸ * تدوین راهبرد مدیریت اسناد الکترونیکی: تجربه دولت مالزی (۱)؛ علیرضا انتهای
۳۰ * بررسی دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات درباره آرشیو؛ دکتر رحمان معرفت

مقالات تاریخی-اسنادی

- ۴۰ * بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران (۳)؛ ارزیابی شخصیت حقوقی؛ شیرین میزان‌دار و دکتر
اسدالله یآوری
۸۰ * تأثیر اوضاع فرهنگی، علمی-آموزشی ایران عهد قاجاریه و پهلوی اول بر تأسیس و توسعه کتابخانه ملی ایران؛ پریسا
عسگری
۱۱۸ * ملک‌الشعراء بهار، سیاست‌ورزی ادیب، یا ادیبی سیاستمدار؛ حوریه سعیدی
۱۲۶ * جایگاه سند در بازسازی تاریخ ایالات فاقد تاریخ‌نگاری؛ مطالعه موردی کرمانشاهان دوره قاجار؛ دکتر مطلب مطلبی
۱۴۲ * معرفی اسنادی درباره مطالبه حقوق تقاعد اجلال السلطنه از آرشیو اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضائیه با تکیه بر
سندی از مظفرالدین‌شاه؛ فاطمه نوبخت

ویژه همایش نهضت جنگل

- * گزارش همایش نکوداشت نود و ششمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان با عنوان «میرزا کوچک خان در آینه اسناد
ملی ایران»
۱۶۹ * تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل بر مبنای نظریات تغییرات اجتماعی؛ دکتر قربانعلی کنارودی
۱۷۴ * تأثیر جنبش جنگل بر تاریخ‌نگاری توده‌ای ایران؛ دکتر عباس پناهی
۱۹۰ * مقدمه‌ای بر پژوهش درباره میرزا کوچک‌خان جنگلی در منابع سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ سیدعلی کسائی
۲۰۰ * حمله قوای جمهوری انقلابی جنگل به مازندران؛ مصطفی نوری
۲۰۸

مقالات حفظ و نگهداری

- ۲۱۹ * راهنمای انتخاب کاغذ با ماندگاری بالا؛ کارگروه تدوین شیوه‌نامه‌های آرشیوی

معرفی کتاب

- ۲۲۷ * تنظیم و توصیف آرشیوی: آنالوگ به رقمی؛ میترا تابش

گزارش نمایشگاه‌های آرشیوی

- * گزارشی از نمایشگاه‌های سیار بر گزار شده اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) زمستان ۱۳۹۶؛ فریبا امیری
۲۲۹ * حمیده بختیاری

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای مطالعات آرشیوی و حفظ و نگهداری اسناد و تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه پذیرفته می‌شود.
۲. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله بر عهده نویسنده است.
۳. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

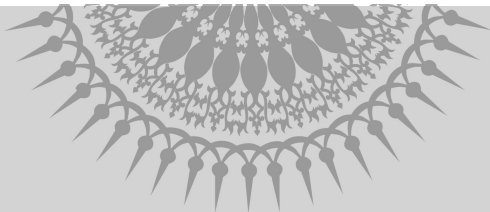
۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۲ Bnazanin تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده تمام نمای فارسی مقاله، حداکثر در ۳۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۷ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه معرفی شده در شماره نخست فصلنامه آرشیو ملی است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.

کوتاه‌نوشت‌ها

- نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:
- ساکما (sākmā): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
 - مارجا (mārajā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
 - کِمَام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 - مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - اِستادوخ (estādukh): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
 - مُمّا (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 - ساکماق (sākmāq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.



سخن نخست

سه دانشنامه

غلامرضا عزیزی^۱

اواسط سال گذشته با تصویب شورای محترم پژوهش سازمان، و با تأیید و تأکید سرکار خانم دکتر بروجردی ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تدوین دانشنامه آرشیو و مدیریت اسناد آغاز شد.

مقرر شد طرح تدوین این دانشنامه، که طرحی برگرفته از نیازهای پژوهشگران و همچنین مراکز مختلف آرشیوی در کشور است، با استفاده از متخصصان برجسته در قالب اثری مرجع در حوزه علوم آرشیو و مدیریت اسناد، بر اساس نظم الفبایی ارائه شود.

با عنایت به انتشار دانشنامه (دایره المعارف) علوم آرشیوی ویراسته لوچيانا دورانتی و پاتریشیا فرانکس^۲، به نظر می‌رسید برای تدوین مدخل‌های آرشیو در دانشنامه آرشیو و مدیریت اسناد ناگزیر از استفاده از مداخل آن دانشنامه هستیم بر همین اساس و با پیشنهاد نگارنده و تأیید و تصویب اعضای محترم شورای سیاست‌گذاری دانشنامه آرشیو و مدیریت اسناد، مقرر شد که دانشنامه علم آرشیوی به‌طور جداگانه ترجمه و مستقلاً منتشر شود و دانشنامه آرشیو و مدیریت اسناد نیز به دانشنامه مدیریت اسناد تبدیل شود.

این تصمیم شورای سیاست‌گذاری، از سوی دیگر به تقویت دانشنامه‌نویسی در پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد. شایان ذکر است که هم‌اکنون در پژوهشکده اسناد، طرح دانشنامه سندشناسی زیر نظر خانم حوریه سعیدی

۱. مربی، عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و رئیس پژوهشکده اسناد؛
greazizi@gmail.com

2. Duranti, Luciana; Franks, Patrica, eds. (2015). Encyclopedia of Archival Science. Rowman & Littlefield. ISBN 978-0-8108-8810-4.



به‌عنوان مجری طرح در حال انجام است و ترجمه دانشنامه آرشیو را گروهی از همکاران پژوهشکده زیر نظر اینجانب در دست کار دارند و تدوین دانشنامه مدیریت اسناد در راستا و در تکمیل آن دو دانشنامه شروع به کار کرده است.

امید می‌رود که انتشار این سه دانشنامه به تقویت سندشناسی و همچنین تقویت مدیریت اسناد و آرشیو و مدیریت آن منجر شود.



تدوین راهبرد مدیریت اسناد الکترونیکی: تجربه دولت مالزی (۱)

علیرضا انتهای

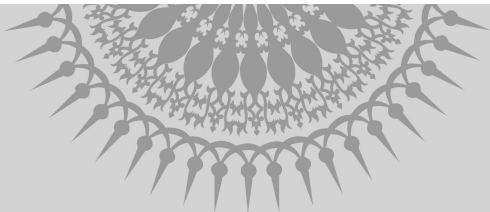
چکیده:

این مقاله به تدوین راهبرد مدیریت اسناد الکترونیکی و تجربه کشور مالزی در این خصوص می‌پردازد. مباحثی که در این حوزه ارائه شده‌اند شامل سناریوی مدیریت اسناد الکترونیکی در مالزی، نوسازی و تحول در بخش دولتی، مقدمه‌ای بر مدیریت اسناد الکترونیکی، پروژه e-SPARK، پاسخ آرشیو ملی مالزی به برنامه دولت الکترونیکی، طراحی و پیاده‌سازی سامانه مدیریت اسناد، پیش‌نیازهای مدیریت اسناد الکترونیکی، ظرفیت‌سازی و نقش‌ها و مسئولیت‌های مدیران اسناد است. رویکرد این مقاله، ارائه راهکارهای عملی برای حل مسائل موجود در خصوص مدیریت اسناد الکترونیکی در چرخه عمر آن‌ها از زمان تولید تا تعیین تکلیف برای امحا یا نگهداری در آرشیو است.

کلیدواژه‌ها

مدیریت اسناد الکترونیکی، حفاظت، آرشیو ملی مالزی، طراحی سامانه، پیش‌نیازها، ظرفیت‌سازی.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲؛ صص: ۲۹-۸



تدوین راهبرد در زمینه مدیریت اسناد الکترونیکی: تجربه دولت مالزی (۱)

علیرضا انتهای^۱

۱- مقدمه

از نتایج به کارگیری فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در سازمان ها و ادارات دولتی، تولید اسناد الکترونیکی^۲ است. اسناد الکترونیکی یا رقمی، داده ها و اطلاعاتی را شامل می شود که روی رسانه های الکترونیکی دریافت، ایجاد، ویرایش و ذخیره می شوند و حاوی اطلاعاتی در مورد فعالیت ها و تصمیمات دولت هستند. این اسناد را اسناد ماشین خوان نیز می نامند. در محیط اسناد الکترونیکی، برخلاف اسناد فیزیکی، ثبات و ایستایی اسناد بیشتر در خطر است چون نمی توان آن ها را مانند اسناد کاغذی در پوشه ای بدون اسید قرار داد و در محیط بایگانی مناسب نگهداری کرد. بنابراین مدیریت اسناد الکترونیکی نیازمند تعیین خط مشی های کلان، برنامه ریزی هدفمند، تعریف فرایندهای مرتبط با چرخه عمر اسناد الکترونیکی از زمان تولید تا زمان امحا یا آرشیو، تدوین استانداردها، شیوه نامه ها و راهنماهاست.

روزانه حجم زیادی از مکاتبات اداری، پست های الکترونیکی، گزارش ها، دفاتر، پرونده ها، عکس ها، نقشه ها، کلیشه ها، نمودارها و سایر اسناد الکترونیکی در دستگاه های دولتی تهیه شده و یا به دولت ارسال می شوند. در حال حاضر هیچ رویه برنامه ریزی شده ای برای مدیریت این اسناد از زمان تولید تا نگهداری در مرکز اسناد و پس از آن تعیین تکلیف نهایی برای امحا یا نگهداری بلندمدت آرشیوی وجود ندارد. وجود قالب های مختلف پرونده ها، عدم انسجام و وحدت رویه در نحوه تولید و ذخیره سازی، عدم تضمین بازخوانی پرونده ها در آینده به دلیل نو

۱. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و
دانش شناسی، رئیس گروه برنامه ریزی
راهبردی سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران؛
rentehaee@gmail.com
2. Electronic Records



شدن سریع فناوری، از جمله مواردی هستند که برنامه‌ریزی برای مدیریت اسناد الکترونیکی را توجیه می‌کنند. عدم توجه به این موضوع می‌تواند برای حافظه اداری کشور مشکل ساز شود. لذا تدوین راهبردهای کلان در خصوص مدیریت اسناد الکترونیکی که از وظایف اساسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشور است و تعمیم آن به دستگاه‌های دولتی، امری حیاتی بوده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

از ضرورت‌های اساسی مدیریت اسناد الکترونیکی ارتقای دانش و تجربه در این حوزه و ایجاد زمینه‌ای برای طرح و بسط این موضوع است. از اقدامات مؤثری که در این خصوص انجام گرفت، توجه معاونت محترم توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است که در راستای آن اعزام کارشناسان متخصص برای شرکت در دوره آموزشی تدوین راهبرد در زمینه مدیریت اسناد الکترونیکی برنامه‌ریزی شد. این دوره از جمله برنامه‌های همکاری‌های فناوری مالی^۱ است که آرشیو ملی مالزی سازماندهی و ارائه می‌کند. هدف از ارائه این دوره عبارت است از:

- ارتقای دانش شرکت‌کنندگان برای برنامه‌ریزی در زمینه سامانه‌های مدیریت اسناد الکترونیکی؛
- انتقال دانش عملیاتی در خصوص مدیریت اسناد الکترونیکی از زمان تولید تا مرحله امحا یا آرشیو؛
- اشتراک تجربه‌های کشور مالزی در توسعه راهبردهای مربوط به مدیریت اسناد الکترونیکی؛
- فراهم کردن زمینه‌ای برای بحث در مورد مسائل و چالش‌های مدیریت اسناد الکترونیکی.

این مقاله حاصل دانش و تجربه‌های کسب شده و مطالب ارائه شده در این دوره است که سعی شده با رویکرد عملیاتی و توسعه دانش تهیه و تنظیم شود.

۲- سناریوی مدیریت اسناد الکترونیکی در مالزی: نوسازی و تحول در بخش دولتی

۲-۱ برنامه تحول ملی مالزی

مدیریت اسناد الکترونیکی از جمله طرح‌های اصلی در برنامه راهبردی دولت مالزی در خصوص نوسازی و تحول در بخش دولتی است. برنامه تحول ملی مالزی در واحد برنامه‌ریزی مدیریت و نوسازی اداری مالزی^۲ در دولت پیگیری می‌شود. دولت مالزی در برنامه تحول ملی اقتصادی خود، ۱۲ حوزه را مشخص کرده است که سرمایه‌گذاری خود را به صورت هدفمند در این حوزه‌ها انجام می‌دهد. این ۱۲ حوزه شامل ۱- گردشگری، ۲- نفت، گاز و انرژی،

1. Malaysian Technical Co-operation Program (MTCP)
-<http://mtcp.kln.gov.my>

2. Malaysian Administrative Modernisation and Management Planning Unit



۳- آموزش و پرورش، ۴- برق و الکترونیک، ۵- بهداشت و سلامت، ۶- روغن خرما، ۷- ارتباطات، محتوا و زیرساخت، ۸- کشاورزی، ۹- خدمات کسب و کار، ۱۰- کوالالامپور بزرگتر، ۱۱- خدمات مالی و ۱۲- عمده‌فروشی و خرده‌فروشی هستند.

چشم‌انداز ۲۰۲۰ دولت مالزی در برنامه راهبردی رقمی مالزی با عنوان «توسعه طرح‌های موجود و ایجاد فرصت‌های جدید در اقتصاد رقمی» عبارت است از:

- ۱- حفظ و تقویت وحدت در کثرت (یک مالزی)؛
- ۲- ارائه خدمات دولتی مؤثر (برنامه تحول اداری)؛
- ۳- مدل جدید اقتصادی: ملتی با درآمد بالا، فراگیر و پایدار (برنامه تحول اقتصادی)؛
- ۴- اجرای بی‌عیب و نقص برنامه‌های توسعه دولت (برنامه توسعه دهم مالزی).

۲-۲ برنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات

در راستای برنامه تحول ملی، برنامه راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات مالزی در بخش دولتی برای سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ تدوین شده است. چشم‌انداز این برنامه استفاده فراگیر از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با رویکرد شهروند-محوری و پوشش کامل خدمات دولتی است. مأموریت این برنامه فراهم کردن خدمات برخپ پایدار به شهروندان، بخش کسب و کار و دولت از طریق خدمت ارتباطی عمومی است.

طرح‌های اصلی فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش دولتی عبارتند از:

- ۱- توسعه اشتراک‌گذاری اطلاعات؛
- ۲- بهبود هدایت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی؛
- ۳- مدیریت دانش مؤثر؛
- ۴- تقویت زیرساخت‌ها.

۲-۳ اقدامات دولت مالزی در زمینه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

اقدامات دولت مالزی در سه بخش معماری زیرساختی، معماری نرم‌افزار/ اطلاعات و معماری کسب و کار انجام گرفته‌اند که در تمام دولت به اشتراک گذاشته شده‌اند. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از:

- ۲-۳-۱ یک مالزی، یک مرکز تماس^۲
- «یک مالزی، یک مرکز تماس»، مرکز تماس



1. 1 Malaysia
2. 1 Malaysia One Call Centre

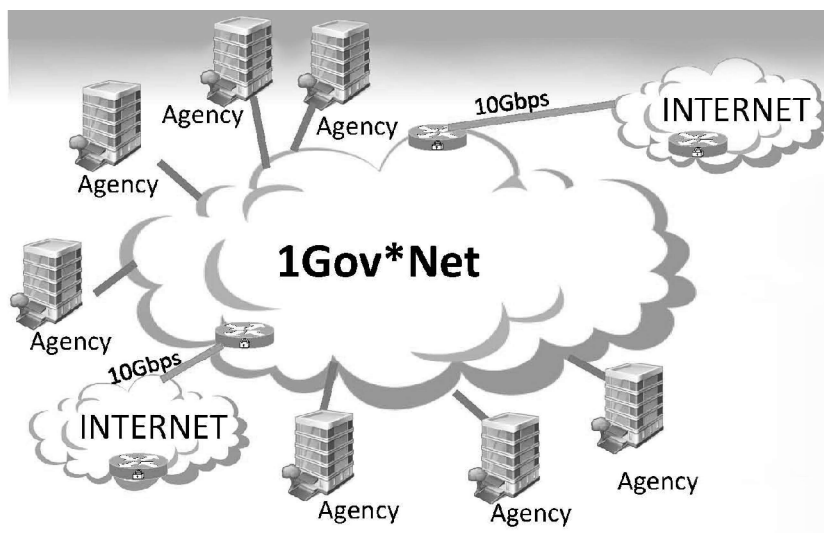


واحدی است که به صورت ۲۴ ساعته در هفت روز هفته آماده پاسخگویی به سؤالات عمومی، شکایت‌ها و پیشنهادات و بازخوردهای مردمی است که از طریق تماس تلفنی، پیام کوتاه، نمابر، پست الکترونیکی و یا شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌شوند.

۲-۳-۲ ابر اطلاعاتی دولت^۱

ابر اطلاعاتی دولت، فضای ذخیره‌سازی اشتراکی ایمن و انعطاف‌پذیری است که برای ارائه خدمات زیرساختی (IaaS)^۲ فناوری اطلاعات و ارتباطات، بسترهای نرم‌افزاری (PaaS)^۳ و برنامه‌های کاربردی (SaaS)^۴ ارائه می‌شود. از مزیت‌های استفاده از ابر اطلاعاتی، انعطاف‌پذیری بیشتر در تخصیص منابع فناوری اطلاعات، تسریع در تحقق نیازها و توسعه مقرون به صرفه خدمات دولت الکترونیکی است.

از جمله سامانه‌های دولتی مستقر شده در ابر دولتی، سامانه مدیریت مستندات رقمی^۵ و سامانه مدیریت جلسات^۶ است.



۲-۳-۳ شبکه اختصاصی و مرکز داده دولت^۷

دولت مالزی از یک زیرساخت شبکه‌ای واحد استفاده می‌کند. این شبکه یکپارچه و امن، به شکل متمرکز به صورت شبانه‌روزی مدیریت می‌شود و در برنامه‌ریزی انجام شده تا سال ۲۰۱۵، ۱۱ هزار مرکز با پهنای باند حداقل ۲-۳۰ Mbps از خدمات این شبکه بهره‌مند شده‌اند. دولت مالزی دارای دو مرکز داده است، یکی در شهر پوتراجایا و محل تمرکز ستاد دولت قرار گرفته که خدمات میزبانی نرم‌افزارها، ابر اطلاعاتی، میزبانی پست الکترونیکی و ویدئو

1. Government Cloud
2. Infrastructure as a Service
3. Platform as a Service
4. Software as a Service
5. Digital Document Management System (DDMS)
6. MyMesyuarat
7. 1Gov*Net



کنفرانس، سامانه بازیابی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، حفظ امنیت اطلاعات، نظارت بر جریان داده‌ها و میز پشتیبانی را ارائه می‌دهد. مرکز داده دوم، خارج از مرکز قرار دارد و خدمات مرکز داده اختصاصی، بازیابی در نتیجه از دست رفتن داده‌ها، پشتیبان‌گیری، مدیریت و نظارت بر سامانه، مدیریت بانک‌های اطلاعاتی، پشتیبانی فنی و از راه دور، مشاوره و برنامه‌ریزی، تأمین فضای ذخیره‌سازی خارج از مرکز و میز پشتیبانی فنی را فراهم می‌کند.

۲-۳-۴ سامانه مدیریت مدارک رقمی^۱

سامانه مدیریت مدارک رقمی به عنوان راه‌حلی برای مدیریت اطلاعات، بازیابی اطلاعات و تحویل اطلاعات راه‌اندازی شده است. به کمک این سامانه، اسناد رقمی جایگزین اسناد کاغذی می‌شوند، استفاده از کاغذ رفته‌رفته کاهش می‌یابد و این امکان به وجود می‌آید که مدارک رقمی و غیررقمی به صورت الکترونیکی ذخیره، حفظ و مدیریت شوند، در دسترس باشند، مورد استفاده قرار گیرند و آرشیو شوند.

۲-۳-۵ اقدامات امنیت اطلاعات و ارتباطات

اقدامات صورت گرفته در خصوص امنیت اطلاعات و ارتباطات شامل برنامه‌های سامانه مدیریت امنیت اطلاعات (ISMS)^۲، کارت امتیازی سنجش وضعیت امنیت اطلاعات (ISCS)^۳ و سامانه Malaysia Trustmark^۴ است. Malaysia Trustmark ابزاری برای ارزیابی اعتبار قانونی سازمانی است که در محیط الکترونیکی خدمات ارائه می‌کنند. به این شیوه مشتریان و مصرف‌کنندگان خدمات می‌توانند با اعتماد معاملات، خریده‌ها و تعاملات خود را در این وبگاه‌ها انجام دهند.

۲-۳-۶ سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی^۴

یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت‌ها در فضای مجازی، رشد انفجاری مستندات الکترونیکی در دولت و تضمین دسترسی درست و شفاف به این اسناد است که حاوی اقدامات و تصمیمات ضبط شده دولت هستند. حجم، سرعت تولید و تنوع این اطلاعات امکان مدیریت دستی آن‌ها را غیرممکن می‌کند. از مشکلات اساسی در نگهداری اسناد به صورت سنتی، استفاده از کاغذ، نیاز به فضای فیزیکی وسیع، زمان‌بر بودن دسترسی به اطلاعات، تخریب محیط‌زیست و از بین رفتن حافظه سازمانی است. مدیریت اسناد الکترونیکی راه‌حل درستی برای مدیریت اسناد کاغذی و اسناد الکترونیکی است. اسناد الکترونیکی در دولت در شکل‌های زیر یافت می‌شوند:

- برنامه‌های کاربردی رایانه‌ای، مانند واژه‌پردازها، صفحات گسترده و نرم‌افزارهای بانک اطلاعاتی شخصی؛
- سامانه‌های پست الکترونیکی؛

1. Digital Document Management System (DDMS)
2. Information Security Management System
3. Information Security Compliance Scoreboard
4. Electronic Records Management System (ERMS)



- سامانه‌های مدیریت مستندات الکترونیکی؛
- وبگاه‌های سازمانی؛
- سامانه‌های اطلاعات مدیریت^۱ و سایر سامانه‌های اطلاعات الکترونیکی؛
- پرونده‌های رسانه‌های رقمی.

۴-۲ اهمیت مدیریت اسناد الکترونیکی در دولت مالزی

این روزها بسیاری از اسناد به شکل الکترونیکی تولید می‌شوند: نامه‌ها، پست‌های الکترونیکی، نامبرها، دادوستدهای وبی و غیروبی از این نمونه‌ها هستند. اجرای پروژه مدیریت اسناد الکترونیکی در مالزی بر اساس توجه به چهار محور اساسی آغاز شده است: اثربخشی^۲، بهره‌وری^۳، سازگاری^۴ و حفاظت بلندمدت^۵.

۴-۲-۱ سازگاری

- در مدیریت اسناد الکترونیکی انطباق با قوانین، مقررات، خط‌مشی‌ها، استانداردها و روش‌های انجام کار مدنظر است. قوانین، خط‌مشی‌ها و استانداردهای موردتوجه در این امر عبارتند از:
- قانون آرشیو ملی مالزی ۲۰۰۳ (قانون شماره ۶۲۹)؛
 - سیاست مدیریت اسناد دولتی (ANM.SDSPK.7 / 2010)؛
 - سیاست مدیریت اسناد و آرشیو الکترونیکی؛
 - شیوه‌نامه‌های مدیریت اسناد الکترونیکی؛
 - استاندارد MS ISO 16175: اصول حاکم بر اطلاعات و مستندسازی و نیازمندی‌های کاربردی برای اسناد در محیط دولت الکترونیکی؛
 - استاندارد MS 2223-1: 2009: مستندسازی اسناد و اطلاعات- مدیریت- بخش اول: کلیات (ISO 15489-1: 2001, IDT)؛
 - استاندارد MS 2223-2: 2009: مستندسازی اسناد و اطلاعات- مدیریت- بخش دوم: راهنماها (ISO 15489-1: 2001, IDT)؛
 - راهنمای سازمان مدیریت، نشریه دوره‌ای شماره ۵، ۲۰۰۷.

۴-۲-۲ اثر بخشی

- مدیریت اسناد الکترونیکی باید اثربخش باشد، یعنی:
- اسناد نباید گم شوند؛
 - اسناد باید به اشتراک گذاشته شوند؛
 - دسترسی به اسناد باید به راحتی میسر شود؛
 - اسناد باید بی‌عیب و نقص و کامل بازیابی شوند.

1. MIS
2. Effectiveness
3. Efficiency
4. Compliance
5. Continuity



۲-۴-۳ بهره‌وری

مدیریت اسناد الکترونیکی باید منجر به بهره‌وری شود، یعنی:

- دسترسی به اسناد تسریع شود؛
- در فضای نگه‌داری اسناد صرفه‌جویی شود؛
- هزینه‌های نقل و انتقال اسناد کاهش یابد؛
- هزینه‌های آرشیو کردن اسناد کاهش یابد؛
- هزینه‌های مواد مصرفی کاهش یابد؛
- هزینه‌های اسباب و تجهیزات نگه‌داری اسناد کاهش یابد.

۲-۴-۴ حفاظت بلندمدت

یکی از مسائل اساسی در مدیریت اسناد الکترونیکی توجه به حفاظت بلندمدت و دائمی است:

- احتمال گم‌شدن اسناد به هر دلیلی وجود دارد؛
- سازمان‌ها با ازدست‌دادن اسناد خود دچار مشکل خواهند شد؛
- امکان بازیابی اسناد الکترونیکی در صورت بروز حوادث و آسیب‌ها سریع‌تر است.

۲-۵ سامانه مدیریت مدارک رقمی؛ لازمه مدیریت اسناد الکترونیکی

سامانه مدیریت مدارک رقمی یکی از پروژه‌های کلیدی دولت الکترونیکی مالزی می‌باشد که ذیل برنامه تحول ملی اقتصادی مالزی در زیرمجموعه ارتباطات، محتوا و زیرساخت تعریف شده است. اهداف اصلی این پروژه جایگزینی اسناد کاغذی با اسناد رقمی، کاهش مصرف کاغذ، فراهم کردن بستر مناسب برای تولید اسناد الکترونیکی یا دریافت اسناد دستی رقمی شده، حفظ و نگه‌داری و دسترسی به آن‌ها در محیط الکترونیکی و در نهایت، ایجاد ارتباط درون سازمانی و بین‌سازمانی برای انجام مکاتبات و تعاملات و فعالیت‌ها به صورت الکترونیکی است. سامانه مدیریت مدارک رقمی دارای مزیت‌های زیر است:

- ۱- افزایش دسترسی و سرعت بازیابی اسناد، همچنین شفافیت در ارائه خدمات دولتی؛
- ۲- کنترل سامانه‌ای بر مدیریت مدارک و اسناد در بخش دولتی برای تضمین صحت و سلامت محتوا، ساختار، اصالت، ثبات و زمینه یا محیط^۱ اسناد؛

۳- حفاظت از حافظه سازمانی؛

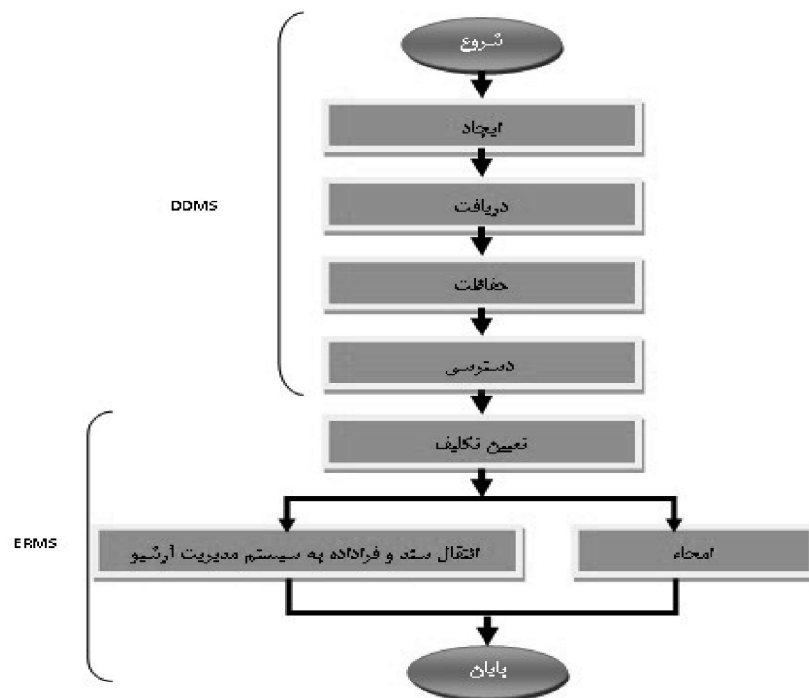
۴- کاهش استفاده از کاغذ در انجام فعالیت‌های روزانه و مدیریت خدمات؛

۵- حمایت از اجرای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی سبز (حامی محیط زیست).

۱. زمینه یا محیط، پیشینه اطلاعاتی است که به توضیح منظور و محتوای مدرک کمک می‌کند. قطعه‌ای از اطلاعات که یک مدرک خاص را معرفی می‌کند، مانند عنوان، نویسنده و تاریخ ایجاد؛ یا اطلاعاتی که ایجادکننده و هدف ایجاد مدرک را مشخص می‌کند، مانند ماهیت عملکرد و فعالیت شغلی یا اداره ایجادکننده و واحد ایجادکننده.



مدل پیاده‌سازی سامانه مدیریت مدارک رقمی در مالزی به‌صورت متمرکز و روی ابر اطلاعاتی دولت است و هزینه استفاده از آن بر اساس تعداد کاربر در ماه است. این پروژه یکی از موفق‌ترین پروژه‌های دولت مالزی است و عوامل اصلی موفقیت آن تعهد و التزام به استفاده، مدیریت تغییر و استفاده از شیوه طبقه‌بندی و تعیین وضعیت اسناد است. چرخه عمر اسناد در سامانه مدیریت مدارک رقمی در سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی تکمیل می‌شود. تفاوت اساسی سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی وجود برنامه تعیین تکلیف زمانی، برای ارسال اسناد به آرشیو بلندمدت و یا امحا است. در شکل ۱ این موضوع نمایش داده شده است.



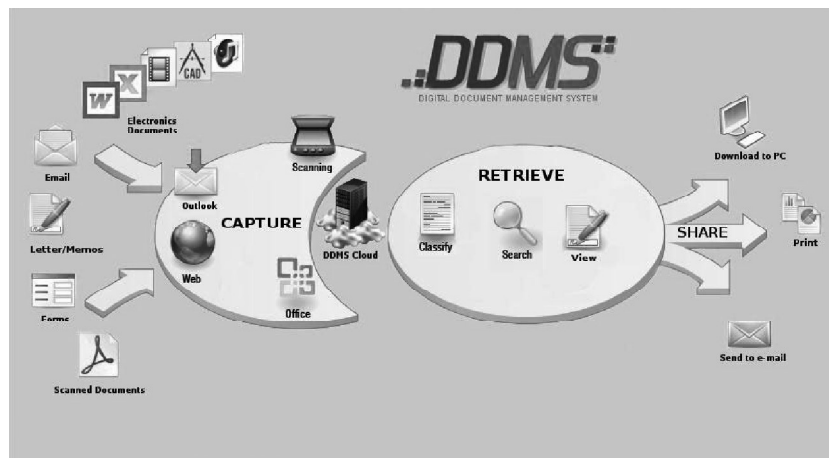
شکل ۱- چرخه عمر اسناد در سامانه مدیریت مدارک رقمی و سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی

کارکردهای اصلی سامانه مدیریت مدارک رقمی شامل موارد زیر است:

- ۱- برنامه مبتنی بر وب، قابل دسترسی از طریق مرورگر اینترنت در داخل شبکه واحد دولت (1Gov*Net)؛
- ۲- مخزن اسناد با امکان طبقه‌بندی هر پرونده از سازمان؛



- ۳- یکپارچگی با سامانه MS Office و پست الکترونیکی؛
- ۴- پشتیبانی از بیش از ۵۰ پرونده و اسناد دارای پرونده‌های متنوع؛
- ۵- امکان جست‌وجوی اسناد و محتوای اسناد؛ جست‌وجوی ساده و پیشرفته؛
- ۶- امکان ذخیره‌سازی سوابق فعالیت‌های کاربران؛
- ۷- امکان مدیریت دسترسی‌های کاربران؛
- ۸- امکان ارسال اسناد به سامانه پست الکترونیکی به همراه مشخصات اصل سند و پیوند دائمی آن؛
- ۹- امکان ذخیره‌سازی یادداشت‌های روی اسناد؛
- ۱۰- امکان مدیریت کاربران؛
- ۱۱- امکان ذخیره‌سازی سوابق ارتباطات انجام گرفته.



شکل ۱- دیاگرام فرایندهای اصلی سامانه مدیریت مدارک رقمی

از مهم‌ترین عوامل موفقیت در پیاده‌سازی سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی پشتیبانی مدیران ارشد، تغییر در فرایندهای کاری کارکنان، به کارگیری متخصصان و کارکنان فناوری اطلاعات و سامانه‌های اطلاعاتی، ایجاد درک لازم از مدیریت اسناد الکترونیکی برای مدیران و کارکنان اسناد، مهندسی مجدد فرایندها، انجام پروژه‌های آزمایش (پایلوت) و آموزش و ارتقای مهارت کارکنان است.

۳- مقدمه‌ای بر مدیریت اسناد الکترونیکی

در این بخش سناریوی کلی مدیریت اسناد، تعاریف مربوط به سند الکترونیکی، سامانه مدیریت مدارک رقمی و سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی، تفاوت‌های ERMS و DDMS، عناصر اصلی



اسناد الکترونیکی، ویژگی‌های سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی، ضوابط حاکم بر مدیریت اسناد الکترونیکی و فرایندهای سامانه مدیریت الکترونیکی ارائه شده‌اند.

۳-۱ سناریوی کلی مدیریت اسناد

اسناد کاغذی در قفسه‌ها و پرونده‌های رایانه‌ای در بانک‌های اطلاعاتی برای مدت مشخصی ذخیره و حفظ می‌شوند، سپس بر اساس قوانین آرشیو، تعیین تکلیف شده و آن‌ها که دارای ارزش اطلاعاتی هستند وارد مخزن آرشیو شده و سایر موارد امحا می‌شوند. منابعی که وارد آرشیو می‌شوند و یا در بانک اطلاعاتی آرشیوی نگهداری می‌شوند بر اساس طبقه‌بندی هر سند، در دسترس عموم قرار می‌گیرند. سناریوی کلی، مدیریت اسناد در شکل شماره ۳ نمایش داده شده است.

بر اساس شکل شماره ۳، چرخه عمر اسناد دارای پنج مرحله اصلی است:

۱- مرحله ایجاد: اسناد به وسیله عوامل داخلی یا خارجی در دولت تهیه می شوند؛

۲- مرحله توزیع و استفاده: اسناد در اختیار کاربران داخلی یا خارجی در دولت قرار می گیرند؛

۳- مرحله ذخیره سازی و حفاظت: اسناد طبقه بندی و قفسه بندی می شوند تا برای اطلاع رسانی

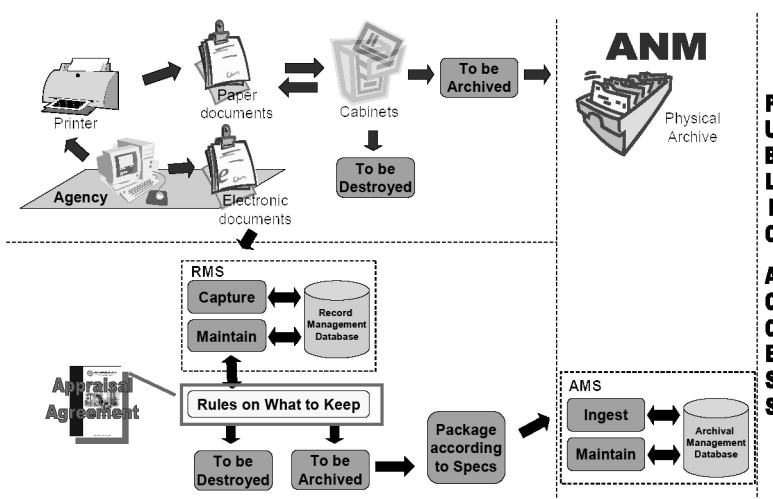
مورد استفاده قرار گیرند؛

۴- مرحله ارزشیابی و تعیین تکلیف: اسناد مورد بررسی قرار می‌گیرند و در صورت غیر قابل

استفاده‌بودن امحا شده و در صورت داشتن ارزش اطلاعاتی به آرشیو منتقل می‌شوند؛

۵- مرحله حفاظت آرشیوی: اسناد دارای ارزش اطلاعاتی برای استفاده در پژوهش‌های تاریخی

به‌طور دائمی در آرشیو نگه‌داری می‌شوند.



شکل ۳- سناریوی مدیریت اسناد



۳-۲ تعاریف

اسناد الکترونیکی یا اسناد رقمی: اسنادی که حاوی داده‌ها و اطلاعاتی هستند که روی رسانه‌های الکترونیکی ایجاد، ضبط و ذخیره می‌شود که دربرگیرنده اقدامات و تصمیم‌های مربوط به امور دولتی هستند. این اسناد به‌عنوان اسناد ماشین‌خوان هم نامیده می‌شوند.

سامانه مدیریت مدارک رقمی: سامانه مدیریت مدارک رقمی، یک سامانه نرم‌افزاری برای سازماندهی و ذخیره‌سازی انواع مختلف مدارک است. این سامانه یک نرم‌افزار تخصصی ذخیره‌سازی است که به کاربران کمک می‌کند تا مدارک کاغذی یا رقمی را سازماندهی و ذخیره کنند. سامانه مدیریت مدارک رقمی، امکان ذخیره‌سازی متمرکز حجم بزرگی از مدارک رقمی را فراهم می‌کند. بسیاری از این سامانه‌ها قابلیت جست‌وجو و بازیابی مؤثر مدارک را دارند.

سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی: برنامه‌ای است که اصول حاکم بر مدیریت اسناد را بر اسناد الکترونیکی اعمال می‌کند. مدیریت اسناد الکترونیکی با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای اعمال اصول مدیریت اسناد را می‌گویند.

سامانه مدیریت مدارک و اسناد الکترونیکی: سامانه مدیریت مدارک و اسناد الکترونیکی یک نرم‌افزار کاربردی برای مدیریت مجموعه‌ای از اطلاعات رقمی، شامل پرونده‌های واژه‌پردازها، صفحات گسترده، پست‌های الکترونیکی، تصاویر و مدارک پوشش شده است. سامانه مدیریت مدارک و اسناد رقمی کارکردهای مدیریت اسناد و مدیریت مدارک را توأمان پوشش می‌دهد.

۳-۳ تفاوت بین سامانه مدیریت مدارک رقمی و سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی

در جدول زیر، سامانه مدیریت مدارک رقمی و سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی با یکدیگر مقایسه شده‌اند:

جدول ۱- مقایسه سامانه مدیریت مدارک رقمی و سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی

ردیف	سامانه مدیریت مدارک رقمی	سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی
۱	محدود به اسناد نمی‌شود.	یک سامانه نگهداری اسناد است.
۲	معمولاً زمینه و محیط اسناد را در بر نمی‌گیرد.	باید زمینه و محیط اسناد و روابط بین آن‌ها را پوشش دهد.
۳	امکان ویرایش مدارک مجاز است/ یا نسخه‌های مختلفی از یک مدرک می‌تواند نگهداری شود.	مانع ویرایش اسناد می‌شود.



ردیف	سامانه مدیریت مدارک رقمی	سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی
۴	امکان حذف کردن مدارک به وسیله مالکان آن‌ها می‌تواند فراهم شود.	مانع حذف اسناد می‌شود، به‌جز اسنادی که تحت برنامه زمانی مشخصی تعیین تکلیف شده و باید امحا شوند.
۵	ممکن است دارای کنترل‌های حفاظتی باشد.	باید دارای کنترل‌های حفاظتی جدی باشد.
۶	ممکن است دارای سامانه طبقه‌بندی و ساختار ذخیره‌سازی مشخصی باشد که توسط کاربران تعریف شود.	باید دارای طرح طبقه‌بندی استاندارد باشد که ساختار مرتب‌سازی اسناد را مشخص می‌کند و توسط مدیر سامانه تعریف و نگهداری می‌شود.
۷	هدف اصلی آن پشتیبانی از استفاده روزمره مستندات جاری برای کار و فعالیت یا اهداف اطلاع‌رسانی است.	می‌تواند کار روزمره را پشتیبانی کند ولی هدف اصلی آن فراهم کردن مخزنی مطمئن برای نگهداری و دسترسی به اسناد با اهمیت کسب و کار در بلندمدت است.

۳-۴ عناصر اصلی اسناد الکترونیکی

اسناد الکترونیکی از سه عنصر محتوا^۱، ساختار^۲ و زمینه^۳ تشکیل می‌شوند:

- محتوا: پیام یا اطلاعاتی است که به‌وسیله سند منتقل می‌شود.
- ساختار: نحوه آرایش ظاهری و تنظیم محتوا را شامل می‌شود (برای مثال: صفحه‌آرایی، اندازه و شکل حروف، محل قطع صفحه و پاراگراف، جدول‌ها، نمودارها، ترسیمات و نقشه‌ها). همچنین شکل ظاهری یا منطقی یک سند یا مجموعه‌ای از اسناد و نحوه ارتباط آن‌هاست؛ برای مثال، محل مدرک در داخل پوشه، پرونده یا در دفتر روزانه.
- زمینه یا محیط: رابطه درونی سند با سایر اسناد و نیز فرایند یا تعاملی است که به‌واسطه آن سند تولید یا دریافت شده باشد. زمینه/ محیط به برنامه‌ها/ فعالیت‌های سازمانی، وظیفه‌ای و عملیاتی که به‌واسطه آن‌ها سند تولید و یا دریافت شده و مورد استفاده قرار گرفته، اشاره دارد. زمینه یا محیط به توضیح منظور و محتوای مدرک کمک می‌کند. قطعه‌ای از اطلاعات که یک مدرک خاص را معرفی می‌کند مثل عنوان، نویسنده و تاریخ ایجاد، یا اطلاعاتی که ایجادکننده و هدف ایجاد مدرک را مشخص می‌کند مثل ماهیت عملکرد و فعالیت شغلی یا اداره ایجادکننده و واحد ایجادکننده.

1. Content
2. Structure
3. Context



۳-۵ ویژگی‌های سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی

سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی باید ضامن اعتبار اسناد، قابل اعتماد، محافظ اسناد در برابر تغییرات، سودمند و کاربردی باشد و تمامیت و یکپارچگی اسناد را حفظ کند.

۳-۵-۱ تضمین اعتبار اسناد

در سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی باید مشخص شود که هر سند همان چیزی است که ادعا می‌کند و توسط فرد مدعی آن، در زمان مشخصی تهیه و یا ارسال شده است. اسناد باید در مقابل هرگونه افزودن، حذف، تغییر، استفاده یا پنهان‌سازی و جعل محافظت شوند و انتقال اسناد باید به‌گونه‌ای کنترل شود که تضمین شود تولیدکنندگان اسناد معتبر و شناخته شده‌اند.

۳-۵-۲ قابل اعتماد بودن

محتوای اسناد باید قابل اعتماد باشند به این معنی که پیام هر سند نمایانگر همان چیزی باشد که انجام شده و گواه آن باشد. سند باید در یک زمان مشخص توسط فردی که نسبت به آن رویداد آگاه بوده و احاطه داشته است تهیه و دریافت شده باشد یا در نتیجه فرایندهای خودکاری که به‌صورت جاری در سازمان‌ها انجام می‌شوند تولید شده باشد.

۳-۵-۳ محافظ اسناد در برابر تغییرات

سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی باید اسناد را در مقابل هرگونه تغییرات غیرمجاز محافظت کند و بتواند هرگونه حاشیه‌نویسی، افزودن مطلب، یا حذف را ردیابی و کنترل کند.

۳-۵-۴ سودمندی و کاربرد

این سامانه باید قابلیت جست‌وجو، بازیابی و ارائه مشخصات و اصل سند را داشته باشد و توالی فعالیت‌هایی که به‌واسطه آن‌ها سند تولید و استفاده شده است را تا زمانی که لازم است حفظ کند.

۳-۵-۵ تمامیت و یکپارچگی

امکان انجام اقدامات نظارتی مانند کنترل دسترسی‌ها، شناسایی هویت کاربران، اصحا مجاز، حفظ امنیت اسناد و مقابله با آسیب‌ها برای جلوگیری از دسترسی‌های غیرمجاز، تخریب‌ها، تغییرات یا حذف اسناد و محافظت از آن‌ها در مقابل صدمات و گم‌شدن‌های تصادفی وجود داشته باشد.

استاندارد MS ISO 16175 برای تهیه نیازمندی‌های سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی را آرشیو ملی مالزی در سه بخش تهیه کرده است که می‌تواند مرجع مناسبی در تحلیل نیازمندی‌های این سامانه باشد:

بخش اول: (ISO 16175-1:2010, IDT) اصول و نیازهای کاربردی برای مدیریت اسناد در محیط سازمان الکترونیکی - ارائه کلیات و اصول.



بخش دوم: (ISO 16175-2:2011, IDT) اصول و نیازهای کاربردی برای مدیریت اسناد در محیط سازمان الکترونیکی - شیوه‌نامه‌ها و نیازهای کاربردی برای سامانه‌های مدیریت اسناد الکترونیکی.

بخش سوم: (ISO 16175-3:2010, IDT) اصول و نیازهای کاربردی برای مدیریت اسناد در محیط سازمان الکترونیکی - شیوه‌نامه‌ها و نیازهای کاربردی برای سامانه‌های تهیه‌شده توسط بخش خصوصی برای اسناد رقمی.

۳-۶ فرایندهای اصلی سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی

سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی دارای هشت فرایند اصلی دریافت، ثبت، طبقه‌بندی، تعیین سطح دسترسی و امنیتی، تعیین وضعیت زمان‌بندی مراقبت، انتقال یا امحا، ذخیره‌سازی، کاربری و پیگیری و اجرای برنامه انتقال یا امحا است.

۳-۶-۱ دریافت

دریافت، فرایند قراردادن یک سند در سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی و اختصاص فراداده برای توصیف سند و مشخص کردن زمینه آن است. دریافت و نگهداری فراداده باید به‌صورت بخش جدایی‌ناپذیری از فرایندهای مدیریت اسناد، اطلاعات و فعالیت‌ها انجام شود. در صورت امکان ایجاد و دریافت فراداده باید به‌صورت خودکار انجام شود.

فراداده «اطلاعات درباره اطلاعات» است. این واژه کمی ابهام‌برانگیز است، زیرا برای دو مفهوم کاملاً متفاوت به کار می‌رود. فراداده ساختاری درباره طراحی و خصیصه‌های ساختار داده‌هاست و صحیح‌تر است که به آن «اطلاعات درباره ظرف اطلاعات» گفته شود، در سوی دیگر، فراداده، توصیفی درباره محتوای اطلاعاتی و اطلاعات کاربردی است. از نمونه عناصر فراداده‌ای می‌توان به عنوان، پدیدآورنده، هرگونه شماره ثبت یا هر کد شناسایی منحصر به فرد دیگر، تاریخ ایجاد یا دریافت، حوزه موضوعی، قالب و تاریخچه استفاده اشاره کرد.

۳-۶-۲ ثبت

ثبت، روشی برای رسمیت‌دادن به افزودن اسناد در سامانه است. اسناد می‌توانند در بیش از یک سطح از دسته‌بندی در سامانه مدیریت اسناد ثبت شوند.

۳-۶-۳ طبقه‌بندی

طبقه‌بندی، فرایند شناسایی موضوع یا موضوع‌های فعالیت سازمان‌ها و اسنادی است که آن‌ها تولید می‌کنند. همچنین دسته‌بندی آن‌ها در پرونده‌هایی که توصیف، کنترل، پیوند و تعیین زمان امحا یا انتقال و وضعیت دسترسی را تسهیل کند. در شکل ۴ و ۵ تصاویری از پودمان (ماژول) طبقه‌بندی سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی در آرشیو ملی مالزی ارائه شده است.





شکل ۴- طبقه‌بندی سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی آرشیو ملی مالزی (سطح یک)



شکل ۵- طبقه‌بندی سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی آرشیو ملی مالزی (سطوح داخلی)

۳-۶-۴ تعیین سطح دسترسی و امنیتی

سطح دسترسی و امنیتی اسناد می‌تواند با مشاوره با سازمان‌های دولتی تولیدکننده آن‌ها تعیین شود.

۳-۶-۵ تعیین وضعیت دوره مراقبت، انتقال و امحا

سامانه‌های سوابق الکترونیکی باید دوره نگهداری، زمان انتقال و امحا یک سند را در زمان دریافت و ثبت مشخص کنند. تعیین تکلیف اسناد باید بر اساس مرجع تصمیم‌گیری و یا برنامه زمان‌بندی شده مشخصی انجام شود. ابزارهای مختلفی می‌تواند برای تعیین ملاک‌های تصمیم‌گیری تهیه شود؛ از دستورالعمل‌هایی که مشخص می‌کنند چه اسنادی باید نابود شوند و چه اسنادی باید وارد سامانه شوند گرفته تا برنامه‌های زمان‌بندی رسمی به تصویب رسیده در خصوص طبقه مشخصی از اسناد، دوره‌های نگهداری و فعالیت‌های درست انتقال و امحا که به‌وسیله مراجع خارج از آرشیو ارسال می‌شوند.



۳-۶-۶ ذخیره سازی

یکی از اساسی ترین امور مدیریت اسناد الکترونیکی، اختصاص ابزارهای مؤثر و کارآمد برای نگهداری، انتقال و ذخیره اسناد قبل از تولید آنهاست و پس از آن لازم است به تناسب تغییر نیازمندی های اسناد، نحوه ذخیره سازی آنها مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

۴- پروژه e-SPARK، پاسخ آرشیو ملی مالزی به برنامه دولت الکترونیکی

در سال ۱۹۹۷، دولت مالزی برنامه دولت الکترونیکی را آغاز کرد تا خود را با عصر اطلاعات همراه کند. تا جایی که مالزی به خاطر می آورد، برای اولین بار، اجرای دولت الکترونیکی با معرفی هیئت عالی چندرسانه ای^۱ در سال ۱۹۹۶ مطرح شد. اجرایی شدن دولت الکترونیکی در مالزی نویددهنده آغاز سفر بازسازی دولت با تغییر در نحوه فعالیت آن، نوسازی و ارتقای خدمات دولتی بود. راه اندازی دولت الکترونیکی به معنی تولید حجم قابل ملاحظه ای از اسناد الکترونیکی است که تولید شده و یا تولید خواهند شد، بنابراین بر مدیریت اسناد به ویژه اسناد الکترونیکی تأثیرگذار است. از زمانی که دستگاه های دولتی درگیر اسناد الکترونیکی شدند آرشیو ملی مالزی به صورت فعالانه و با نگرشی مثبت به تغییرات جدید رفتار کرده است تا به خوبی با پیاده سازی دولت الکترونیکی همراهی کند. سه گام اساسی که آرشیو ملی مالزی در این خصوص برداشته است ایجاد مدیریتی جدید با عنوان مدیریت فناوری اطلاعات و اسناد الکترونیکی^۲، اصلاح قانون آرشیو ملی مالزی ۱۹۶۶ در خصوص اسناد الکترونیکی به عنوان اسناد دولتی و پروژه e-SPARK (راهبرد الکترونیکی برای حفاظت آرشیوها و اسناد دولتی^۳) هستند.

۴-۱ معرفی پروژه e-SPARK

پروژه e-SPARK (راهبرد الکترونیکی برای حفاظت آرشیوها و اسناد دولتی) پروژه ای تحقیقاتی است که با حمایت سطوح بالای دولتی برای مدیریت مناسب اسناد در بخش دولتی تعریف شده است. اجرای این پروژه در دو فاز انجام گرفته است. فاز اول بر تهیه ابزار کار مانند شیوه نامه ها، رهنمودها و ویژگی های سامانه تمرکز دارد. فاز دوم به توسعه و یکپارچه سازی سامانه های مدیریت اسناد الکترونیکی (ERMS) و مدیریت آرشیو (AMS) اختصاص یافته است.

۴-۲ فاز اول پروژه (e-SPARK 1)

فاز اول پروژه e-SPARK را کمیته فناوری و اینترنت دولت^۴ مالزی در مارس ۲۰۰۳ تصویب کرد و با صرف بودجه ۵/۱۰۶/۴۰۰ رینگیت مالزی در سال ۲۰۰۴ به اتمام رسید. تمرکز این پروژه بر مطالعه و تحقیق در خصوص راه حل های مدیریت اسناد الکترونیکی در بخش دولتی در مالزی و همچنین مدیریت آرشیو الکترونیکی در آرشیو ملی مالزی بود. هرچند دامنه پروژه در محدوده نیازمندی های مدیریت اسناد درون مالزی بود، نگاهی نیز به نیازمندی ها و

1. Multimedia Super Corridor
2. Electronic Records and Information Technology Management (PRETM)
3. e-Strategy for Preservation of Government Records and Archives
4. Government Information Technology and Internet Committee (GITIC)



گرایش‌های موجود در حوزه مدیریت اسناد در سطح بین‌المللی شده است. دلیل این امر این بود که بنیاد بین‌المللی مدیریت اسناد^۱ به‌عنوان مشاور پروژه درگیر این کار شد.

اهداف فاز اول پروژه e-SPARK به شرح زیر بود:

- ارزیابی وضعیت جاری نحوه مدیریت آرشیو و اسناد در بخش دولتی مالزی؛
- سنجش میزان سازگاری برنامه فعلی مالزی با سایر سیاست‌ها و دستورالعمل‌های بین‌المللی در خصوص مدیریت آرشیو و اسناد؛
- شناسایی و پیشنهاد راهبردهای جدید مدیریت آرشیو و اسناد در مالزی برای پشتیبانی از اهداف دولت الکترونیکی؛
- شناسایی و توسعه سیاست‌ها، رهنمودها، فرایندها و شیوه‌نامه‌های حفاظت اسناد الکترونیکی در بخش دولتی.

خروجی‌های اصلی این پروژه شامل استانداردها، رهنمودها، شیوه‌نامه‌ها و مشخصات سامانه به فهرست زیر است:

- ۱- سیاست مدیریت اسناد الکترونیکی؛
- ۲- خط‌مشی مدیریت آرشیو برای اسناد الکترونیکی (SOP2)؛
- ۳- مدیریت آرشیو اسناد الکترونیکی (SOP)؛
- ۴- مدیریت ارزشیابی اسناد الکترونیکی (SOP)؛
- ۵- رهنمودهای مدیریت اسناد الکترونیکی برای دستگاه‌های دولتی؛
- ۶- رهنمودهایی در خصوص مدیریت اسناد الکترونیکی؛
- ۷- خصوصیات سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی؛
- ۸- رهنمودهای آموزش و ارتقای مهارت‌ها در خصوص مدیریت اسناد الکترونیکی.

علاوه‌براین استانداردها، شیوه‌نامه‌ها و راهنماها، فاز یک پروژه e-SPARK منجر به تهیه مدل یکپارچه آرشیو^۲ شد که به فرایند کسب‌وکاری سطح بالا تقسیم شده بود. هدف این مدل ایجاد همکاری نزدیک بین آرشیو ملی مالزی و دستگاه‌های دولتی بود. در تمام دستگاه‌های دولتی ضروری بود که در سطوح بالای مدیریتی این اتفاق بیفتد. به‌همین منظور ۳۰ دستگاه برای مشارکت انتخاب شدند که شامل وزارتخانه‌های مختلف مرکزی و دستگاه‌های استانی بودند که با انواع مختلف اسناد سروکار داشتند. از هر دستگاه خواسته شد دو نماینده، یک نفر مدیر فناوری اطلاعات و یک مسئول در حوزه اسناد، را به آرشیو مالزی اعزام کنند. آن‌ها به‌طور مداوم از میزان پیشرفت و توسعه پروژه آگاه می‌شدند. ایده داشتن گروه آزمایشی این بود که

1. International Records Management Trust (IRMT)
2. Standard operating procedure
3. Arkib Unified Model



افرادی تعلیم ببینند تا آمادگی لازم برای تغییر در دستگاه‌ها در آینده ایجاد شود. این خروجی‌ها با مشاوره کارشناسان خبره بنیاد بین‌المللی مدیریت اسناد از کشورهای بریتانیا، ایالات متحده آمریکا، کانادا، هلند و استرالیا تدوین شدند. گزارش‌های یافته‌ها و خروجی‌های این مطالعه به کمیته فناوری و اینترنت دولت ارائه شد. این کمیته موافق این موضوع بود که تمام بخش دولتی نیاز به نگرش استاندارد در امور مربوط به مدیریت اطلاعات و اسناد بر مبنای توصیه‌های آرشیو ملی در پروژه e-SPARK دارند. با پذیرش پیشنهاد e-SPARK، آرشیو ملی مالزی بخشی از مسئولیت حفاظت اسناد را در خصوص دستگاه‌های تولیدکننده عهده‌دار شد. با وجود این، آرشیو ملی مالزی نظارت دوره‌های خود را ادامه خواهد داد. این پیشنهاد مورد استقبال دستگاه‌های دولتی قرار گرفت. علاوه بر این، دستگاه‌های دولتی تشویق شدند تا بر اساس تصمیم کابینه در دسامبر ۲۰۰۵ مدیران اسناد متخصص را استخدام کنند.

۴-۳ فاز دوم پروژه (e-SPARK 2)

فاز دوم پروژه e-SPARK در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶ آغاز و زمان انجام آن تا پایان ۲۰۰۷ برنامه‌ریزی شد. هزینه این فاز از پروژه ۳ میلیارد رینگیت مالزی بوده است. این فاز به توسعه یکپارچه‌سازی سامانه‌های مدیریت اسناد الکترونیکی و مدیریت آرشیو اختصاص داده شد. اهداف پروژه عبارت بودند از:

- ۱- توسعه سامانه مدیریت آرشیو رقمی در آرشیو ملی مالزی برای حفاظت اسناد الکترونیکی با ارزش و ماندگار که توسط دستگاه‌های دولتی منتقل می‌شوند؛
- ۲- در دسترس قراردادن مجموعه آرشیو رقمی که در مخزن رقمی ذخیره شده‌اند از طریق اینترنت برای عموم جامعه؛
- ۳- فراهم کردن امکان مدیریت و حفاظت اسناد الکترونیکی و دسترس‌پذیری آسان در مواقع نیاز.

این سامانه دارای دو بخش اصلی مدیریت اسناد الکترونیکی و مدیریت آرشیو رقمی به شرح زیر است:

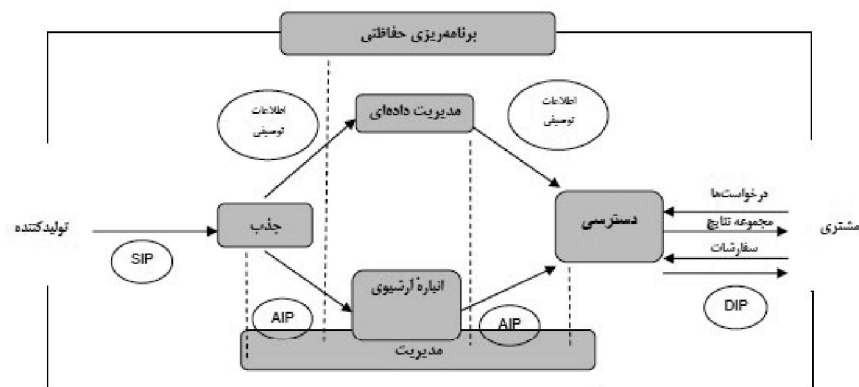
الف: سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی

در زمان اجرای فاز اول پروژه e-SPARK برنامه‌های نرم‌افزاری متعددی در رابطه با مدیریت سامانه اسناد الکترونیکی بررسی شدند. نرم‌افزارهای TRIM Context و File Net Records

Manager دو نرم‌افزاری بودند که نیازمندی‌های تعریف‌شده توسط آرشیو ملی مالزی را برای خصوصیات سامانه کاربردی مدیریت اسناد پوشش می‌دادند. باوجوداین، در نهایت نرم‌افزار TRIM Context برای پیاده‌سازی در آرشیو ملی مالزی برای مدیریت ایجاد، دریافت، نگهداری و استفاده و انتقال یا امحای اسناد انتخاب شد. علاوه‌براین، این سامانه قبل از به‌کارگیری در همه دستگاه‌های دولتی مالزی به‌عنوان نمونه‌ای آزمایشی برای مدیریت اسناد الکترونیکی در آرشیو ملی به‌کار گرفته شد.

ب: سامانه مدیریت آرشیو رقمی

سامانه مدیریت آرشیو رقمی که دارای زیرساخت فنی و انباره رقمی^۱ است اهمیت بالایی در مدیریت اشیاء رقمی و فراهم‌کردن دسترسی به اسناد و فراداده‌های مرتبط آن‌ها دارد. آرشیو ملی مالزی یک نرم‌افزار انگلیسی محصول مرکز علمی تسلا^۲ با نام Tesella SDB را به‌عنوان سامانه مدیریت آرشیو رقمی خود تهیه کرده است. این سامانه بر اساس مدل سامانه اطلاعاتی آرشیوی باز (OAIS)^۳ طراحی شده است و بر همین اساس دارای شش موجودیت عملکردی است:



شکل ۵- شش موجودیت عملکردی سامانه اطلاعاتی آرشیوی باز (OAIS)

1. Digital Repository
2. Tesella Scientific Center
3. Open Archival Information System Model
4. Ingest
5. Submitted Information Packages
6. Archival Information Packages

جذب^۴: این موجودیت خدمات و کارکردهای ضروری را فراهم می‌سازد تا بسته‌های اطلاعاتی ارسالی^۵ (SIPs) از تولیدکننده (یا از عناصر داخلی تحت کنترل مدیریت) پذیرفته شود و محتوای ذخیره آرشیو و مدیریت را آماده سازد. کارکرد جذب، بسته‌های اطلاعاتی ارسالی را دریافت می‌کند، کیفیت بسته‌های اطلاعاتی ارسالی را تضمین می‌کند، بسته اطلاعاتی آرشیوی^۶ (AIP) را بر اساس قالب‌بندی داده‌ای آرشیوی و استانداردهای مستندسازی تهیه می‌کند و اطلاعات توصیفی را از بسته‌های اطلاعاتی آرشیوی برای استقرار در پایگاه داده



آرشیو استخراج می‌کند، ذخیره آرشیوی و مدیریت داده‌ای را برای به‌روزرسانی‌ها هماهنگ می‌سازد.

انبار آرشیوی^۱: این موجودیت خدمات و کارکردهای ضروری را برای ذخیره‌سازی، نگهداری و بازیابی بسته‌های اطلاعاتی آرشیوی فراهم می‌سازد. کارکرد ذخیره‌سازی آرشیوی شامل دریافت بسته‌های اطلاعاتی آرشیوی پس از مرحله جذب و افزودن آن‌ها به یک مخزن دائم، مدیریت ذخیره‌سازی اطلاعات به‌صورت سلسله‌مراتبی، نوسازی رسانه‌هایی که اطلاعات آرشیوی روی آن‌ها ذخیره شده‌اند، بررسی خطاهای خاص و رومره، فراهم کردن قابلیت بازیافت اطلاعات در هنگام حادثه و تهیه بسته‌های اطلاعاتی آرشیوی برای دسترسی مشتریان در پاسخ به سفارشات می‌شود.

مدیریت داده‌ای^۲: این موجودیت خدمات و کارکردهای ضروری برای استقرار، نگهداری و دسترسی به اطلاعات توصیفی، که اطلاعات آرشیوی را شناسایی و مستند می‌کنند و همچنین داده‌های مدیریتی، که برای مدیریت آرشیو استفاده می‌شوند را فراهم می‌سازد. کارکرد مدیریت داده‌ای شامل مدیریت عملیات پایگاه داده آرشیو (نگهداری طرح‌ها و بازیابی تعاریف)، به‌روزرسانی پایگاه داده‌ها (بارگذاری اطلاعات توصیفی جدید یا داده‌های مدیریتی آرشیوی)، اجرای جستارها بر داده‌های مدیریت داده‌ای برای تولید مجموعه نتایج، و تولید گزارش از آن‌ها می‌شود.

مدیریت^۳: این موجودیت خدمات و کارکردهای ضروری برای عملکرد کل سامانه آرشیوی را فراهم می‌سازد. کارکرد مدیریت، شامل تقاضا و مذاکره برای ایجاد توافق‌نامه ارسال با تولیدکنندگان، بررسی اطلاعات ورودی برای اطمینان از منطبق بودن آن‌ها با استانداردها و نگهداری مدیریت پیکره‌بندی سامانه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌شود. همچنین مدیریت، کارکردهای مهندسی سامانه را برای کنترل و ارتقاء عملیات‌های آرشیوی و دارایی‌های موجود در آن، گزارش‌گیری از دارایی‌های آرشیو، انتقال و به‌روزرسانی محتوای آرشیو را فراهم می‌آورد. از دیگر مسئولیت‌های مدیریت، ایجاد و نگهداری استانداردهای آرشیو و سیاست‌ها، حمایت از مشتریان و فعال کردن درخواست‌های ذخیره‌شده است.

برنامه‌ریزی حفاظتی^۴: این موجودیت خدمات و کارکردهای ضروری برای کنترل محیط OAIS و تهیه توصیه‌نامه‌هایی برای اطمینان از در دسترس بودن اطلاعات ذخیره‌شده در OAIS توسط اجتماع کاربران معین در بلندمدت حتی در صورت از کار افتادن محیط محاسباتی اصلی را فراهم می‌سازد. کارکرد برنامه‌ریزی حفاظتی شامل، ارزیابی محتوای آرشیو و معرفی به‌روزرسانی‌های اطلاعات آرشیوی به‌صورت دوره‌ای برای انتقال (مهاجرت) دارایی‌های موجود آرشیو، گسترش توصیه‌هایی برای استانداردها و سیاست‌های آرشیوی، کنترل تغییرات در

1. Archival Storage
2. Data Management
3. Management
4. Preservation Planning



محیط‌های فناورانه، در نیازمندی‌های خدماتی اجتماع کاربران معین و در پایگاه دانش است. برنامه‌ریزی حفاظتی، همچنین قالب بسته‌های اطلاعاتی (IP) را طراحی کرده و کمک‌هایی را در زمینه طراحی و بازبینی این قالب‌ها برای تخصیص آن‌ها به بسته‌های اطلاعاتی ارسالی و آرشیوی فراهم می‌کند. همچنین برنامه‌ریزی حفاظتی طرح‌های مهاجرت داده‌ها، نمونه‌های اولیه نرم‌افزاری و طرح‌های آزمایشی را برای پیاده‌سازی اهداف مهاجرت را توسعه می‌دهد.

دسترسی^۱: این موجودیت خدمات و کارکردهای لازم را برای یافتن، مشاهده فراداده و دسترسی به محتوای اطلاعات ذخیره‌شده در OAIS پشتیبانی می‌کند و همچنین به مشتریان اجازه می‌دهد تا برای اطلاعات به آرشیو درخواست دهند و آن‌ها را دریافت کنند. کارکرد دسترسی شامل ارتباط با مشتریان برای دریافت درخواست‌ها، کنترل سطح دسترسی آن‌ها به اطلاعاتی که به‌صورت خاص محافظت می‌شوند، هماهنگ کردن اجرای درخواست‌ها، تولید پاسخ‌ها (انتشار بسته‌های اطلاعاتی انتشاری^۲، مجموعه نتایج و گزارش‌ها) و ارسال این پاسخ‌ها به مشتریان است.

سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی تولید، دریافت، نگهداری و تعیین تکلیف اسناد الکترونیکی را بر اساس استانداردها تضمین می‌کند، درحالی‌که سامانه مدیریت آرشیو رقمی برای نگهداری بلندمدت و فراهم کردن دسترسی به اسناد با ارزش آرشیوی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. Access
2. Dissemination Information Packages (DIP)



بررسی دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات درباره آرشیو

دکتر رحمان معرفت

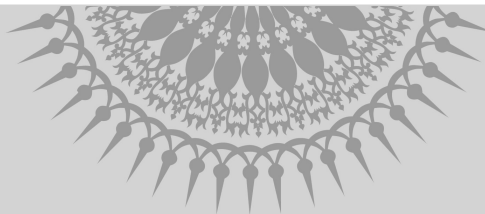
چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان درباره آرشیو طراحی و اجرا شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و داده‌های کیفی گردآوری شده بر اساس پرسش‌نامه پاسخ باز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه پژوهش شامل ۹۸ دانشجوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان در مقطع کارشناسی بود که در بازه زمانی نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تا پایان نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷، درس «مبانی آرشیو» را با پژوهشگر اخذ کرده بودند. پژوهشگر از سرشماری استفاده کرده و نمونه‌گیری صورت نگرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی شرکت‌کننده در پژوهش با مفاهیم مرتبط با آرشیو آشنا نیستند. آشنا نبودن با آرشیو داران ملی و بین‌المللی و متخصصان مطرح این حوزه و نیز ناآشنایی با نشریات فارسی و انگلیسی منتشر شده در این حوزه از یافته‌های پژوهش است. همچنین یافته‌های پژوهش از نیاز به آشنایی با آرشیوهای سنتی و رقمی خبر می‌دهد. توجه به موضوع آرشیو در نیم‌سال‌های پیش از ارائه درس «مبانی آرشیو» برای شناخت بهتر آرشیو با توجه به اهمیت آن ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها

درس «مبانی آرشیو»، آرشیو، دانشگاه سمنان، دانشجوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲؛ صص: ۳۰-۳۸



بررسی دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات درباره آرشیو

دکتر رحمان معرفت^۱

مقدمه:

یکی از درس‌هایی که در دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه می‌شود، درس «مبانی آرشیو» به ارزش دو واحد نظری است. بر اساس برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (نسخه بازنگری شده دوم، مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۸)، آشنایی با مفهوم آرشیو و وجوه اشتراک آرشیو، کتابخانه و موزه، همچنین شناخت نقش آرشیو در حفظ هویت ملی و میراث سندی کشور به عنوان اهداف این درس مطرح می‌شود. به عنوان مدرس و در طی چند نیم‌سال تحصیلی مختلف، فرصت تدریس این درس برای نگارنده این سطور پیش آمد و بر اساس وظیفه به تدریس این درس بر اساس سرفصل مذکور پرداختم. تجربه اولین کلاس‌هایی که در سال‌های اولیه اخذ و ارائه این درس در دانشگاه سمنان داشتم نشان داد که دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مشتاقانه و به صورتی متفاوت نسبت به سایر دروس به موضوعات و مباحث مطرح در این درس توجه دارند. گویی که مباحث این درس نسبت به آنچه در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در نیم‌سال‌های پیشین گذرانده‌اند، برای آن‌ها بسیار جالب و گاهی بسیار متفاوت می‌نمود.

این جذابیت را از انگیزه و علاقه فراوانشان در یادگیری، پیگیری و مشارکت مداوم در مباحث متوجه می‌شدم. همواره این پرسش در ابتدای هر ترم تحصیلی برایم مطرح بوده است که چرا دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا پیش از اخذ درس «مبانی آرشیو»، با آرشیو

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان؛
marefat@semnan.ac.ir.



و مبانی آن آشنا نیستند. به نظر می‌رسد که در برخی از دروس و تا نیم‌سال‌های پیش از ارائه درس «مبانی آرشیو»، به فراخور موضوع اعضای هیئت‌علمی در گروه‌های آموزشی گاهی از آرشیو سخن به میان می‌آورند و به نظر می‌رسد که دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی، اطلاعات حداقلی در این خصوص دارند.

گرچه پرداختن به چرایی ناآشنا بودن دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با مبانی و کارکردهای آرشیو، موضوع پژوهش حاضر نیست و در پژوهش‌های دیگر می‌تواند توسط پژوهشگران دیگر مطرح، پیگیری و بازشناسی شود (می‌توانید به یادداشتی که اخیراً از نگارنده منتشر شده است، معرفت، ۱۳۹۶ مراجعه کنید)، اما به نظر می‌رسد این امر در نگاهی بدیهی‌انگارانه به موضوع دلایل متعددی دارد. از جمله اینکه به موضوع آرشیو در درس‌هایی که تا پیش از اخذ درس «مبانی آرشیو» به دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه می‌شود، به‌طور جدی به موضوع آرشیو پرداخته نشده است.

بر همین اساس و بر مبنای همین پیش‌فرض، در ابتدای نیم‌سال‌های تحصیلی هرگاه که درس «مبانی آرشیو» را در دانشگاه تدریس می‌کردم، از دانشجویان می‌خواستم تا به چند سؤال اساسی در ابتدا و پیش از هر مبحثی پاسخ دهند. برخی از این پرسش‌ها عبارت بودند از: آرشیو چیست؟ چرا آرشیو می‌خوانیم؟ چند مؤسسه آرشیوی را نام ببرید؟ اهمیت آرشیو در زندگی فردی، اجتماعی و ملی افراد چیست؟

به نظر می‌رسد که شناخت حوزه موضوعی و دامنه آن، آشنایی با متخصصان سرشناس آن موضوع، آشنایی با سازمان‌های ملی و بین‌المللی و نیز آگاهی از نشریه‌ها و مجلات تخصصی موجود در آن حوزه، حداقل اطلاعاتی است که درباره یک حوزه موضوعی تخصصی باید دانست و شواهد نشان می‌داد که دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی این اطلاعات حداقلی را درباره آرشیو ندارند.

از سوی دیگر شواهدی در آثار و مقاله‌های منتشرشده در حوزه آرشیو وجود دارد که نشان می‌دهد، این توجه به آرشیو در جامعه نیز چندان پررنگ نیست (معرفت، ۱۳۹۶). همچنین برای مثال برخی پژوهشگران همچون صفی‌پور (۱۳۸۶) به بررسی آموزش علوم آرشیوی در ایران و جهان پرداخته‌اند و ضمن بیان محتوای دروس ارائه‌شده در حوزه آرشیو در ایران و جهان، به تشریح تفاوت‌ها و شباهت‌های این درس با دروس رشته کتابداری پرداخته‌اند. وی از کوتاهی آرشیو ملی ایران در پیگیری‌نکردن تأسیس رشته‌ای برای تربیت آرشیوداران در مراکز دانشگاهی ابراز نارضایتی می‌کند و به‌همین ترتیب از سوی دیگر در نشست تخصصی آرشیوها (یادمان‌ها و فرهنگ) که در سال ۱۳۹۳ در سرای اهل قلم کتاب و رسانه برگزار شد، فدایی‌عراقی و رضایی شریف‌آبادی به‌عنوان دو متخصص در حوزه آرشیو نیز از ناشناخته بودن



آرشیو و دیر وارد شدن این رشته به عنوان یک رشته دانشگاهی سخن به میان آورده‌اند. به اعتقاد رضایی شریف‌آبادی در نشست مزبور با وجود قدمت کوتاه کشور آمریکا (با استقلال کمتر از ۳۰۰ سال)، بیش از ۵۰ سال است که آرشیو در دانشگاه‌های این کشور تدریس می‌شود. همچنین به اعتقاد وی با وجود قدمت فرهنگی چند هزار ساله کشور ایران، تلاش‌های صورت گرفته در دانشگاه الزهراء، برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ منجر به شکل‌گیری آرشیو به عنوان یک رشته دانشگاهی در این دانشگاه شده است.

مقاله حاضر با توجه به این پیش‌فرض که در درس‌های ارائه شده در نیم‌سال‌های قبل و پیش از اخذ درس «مبانی آرشیو»، دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی اطلاعات حداقلی مرتبط با آرشیو را دارند، به دنبال تشریح و توصیف دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در بدو تدریس درس «مبانی آرشیو» در دانشگاه سمنان است. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱- دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی درباره آرشیو چیست؟
 - ۲- دلایل نیاز به مطالعه آرشیو از دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی کدامند؟
 - ۳- دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با کدام سازمان‌های آرشیوی (ملی و بین‌المللی) آشنا هستند؟
 - ۴- دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با کدام آرشیوداران (متخصصان آرشیو) آشنا هستند؟
 - ۵- دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با کدام نشریه‌های حوزه آرشیو آشنا هستند؟
- در تمام بخش‌های این مقاله منظور از دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان می‌باشد که پژوهشگر برای رعایت اصل اختصار از تکرار آن امتناع کرده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و به پیمایش کیفی دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان می‌پردازد. رویکرد پژوهش حاضر توصیفی است. پژوهشگر از پرسش‌نامه پاسخ باز^۱ برای گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده کرده است. مزیت این پرسش‌نامه نسبت به پرسش‌نامه‌های بسته، آزادی عمل پاسخ‌دهنده در پاسخ به پرسش‌هاست. در واقع مهم‌ترین مزیت پرسش‌نامه پاسخ باز این است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا نسبت به آنچه که به عنوان پیش‌فرض در ذهن خود پیش‌بینی کرده است یا در مقایسه با اطلاعات اولیه‌ای که نسبت به موضوع در ذهن خود دارد، بیشتر بداند.

1. Open-ended questionnaire



جامعه پژوهش شامل دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان در مقطع کارشناسی است که طی نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تا پایان نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷، درس «مبانی آرشیو» را با پژوهشگر اخذ کرده‌اند. بر اساس جدول ۱، تعداد این دانشجویان ۹۸ نفر بود. پژوهشگر بر اساس هدف پژوهش و در ابتدای هر نیم‌سال تحصیلی اقدام به توزیع پرسش‌نامه پاسخ باز طراحی شده برای بررسی دیدگاه جامعه پژوهش کرده است. با توجه به نیاز به شناخت حداکثری از سرشماری استفاده شده است و تمام افراد اقدام به پاسخ به پرسش‌ها کرده‌اند و نمونه‌گیری صورت نگرفته است.

جدول ۱- فراوانی و درصد جامعه پژوهش

ردیف	نیم‌سال ارائه درس	تعداد و درصد دانشجو بر حسب جنسیت				مجموع	
		مرد	درصد	زن	درصد	جمع	درصد
۱	نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۲	۲	۱۱/۸	۱۵	۸۸/۲	۱۷	۱۰۰
۲	نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۲-۹۳	۳	۱۱/۵	۲۳	۸۸/۵	۲۶	۱۰۰
۳	نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۳-۹۴	۳	۱۵	۱۷	۸۵	۲۰	۱۰۰
۴	نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۵-۹۶	۱	۱۰	۹	۹۰	۱۰	۱۰۰
۵	نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۵-۹۶	۲	۱۴/۳	۱۲	۸۵/۷	۱۴	۱۰۰
۶	نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷	۲	۱۸/۲	۹	۸۱/۸	۱۱	۱۰۰
مجموع ۶ نیم‌سال		۱۳	۱۳/۳	۸۵	۸۶/۷	۹۸	۱۰۰

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد افراد حاضر در جامعه پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس جدول مذکور، از مجموع ۹۸ نفری که در طی سال‌های انجام پژوهش در پژوهش حضور داشتند، ۱۳ نفر از افراد جامعه پژوهش مرد (۱۳/۳ درصد) و ۸۵ نفر نیز شامل زنان (۸۶/۷ درصد) بوده‌اند.

یافته‌ها

۱- دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی درباره آرشیو

در پاسخ به این پرسش که آرشیو چیست، برخی پاسخ‌های ارائه شده توسط برخی از این دانشجویان در زیر قابل مشاهده است:

- آرشیو همان بایگانی است.



- آرشیو یعنی اینکه منابعی که (کتاب، مجله، نوار کاست، فیلم) دیگر استفاده نمی‌شوند، در یک محل نگهداری کنند.
- آرشیو یعنی ذخیره کردن و انبار کردن اطلاعات قبلی یک سازمان.
- انبار کردن اطلاعات مفید (و البته غیرضروری هم می‌شود گفت) و برای مسائلی چون دسترسی به اطلاعات قدیمی به کار می‌رود.
- به نگهداری، ذخیره و بازیابی اطلاعات قدیمی می‌توان آرشیو گفت.
- آرشیو خدمات ذخیره است. یعنی مجموعه منابع و مدارکی که ذخیره شده‌اند و بعدها در اثر ضرورت و نیاز به آن‌ها مراجعه می‌شود.

شواهد و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان در نیم‌سال پنجم تحصیل خود با مفهوم آرشیو آشنا نیستند. آن‌ها تفاوت بین آرشیو و بایگانی را نمی‌دانند. همچنین آن‌ها تفاوت منابع آرشیوی و منابع وجینی را درک نکرده‌اند. در پاسخ‌های دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی به پرسش آرشیو چیست؟، اصطلاح «انبار کردن» چندین بار تکرار شده است و به نظر می‌رسد از نظر برخی از آن‌ها، آرشیو امری جز انبار کردن منابعی که دیگر استفاده نمی‌شوند، نیست و این موضوع با مفهوم و کاربرد آرشیو در تضاد است.

۲- دلایل نیاز به مطالعه آرشیو از دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی

- در پاسخ به «دلایل نیاز به مطالعه درس مبانی آرشیو»، دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی پاسخ‌دهنده به پرسش‌های پژوهشگر اظهار کرده‌اند که:
- برای اینکه بتوانیم به منابعی که در آرشیو قرار دارند، راحت‌تر دسترسی پیدا کنیم و یا اینکه مطالب را برای قرار گرفتن در آرشیو طبقه‌بندی کنیم.
- برای آنکه بتوانیم اطلاعات را به صورت سند درآوریم و همچنین بتوانیم از آن‌ها به بهترین نحو نگهداری کنیم باید آرشیو بخوانیم.
- زمانی که این منابع [منابع آرشیوی] در جایی نگهداری شوند به یک متخصص نیاز است که نظم و ترتیب منابع و نحوه دسترسی به آن‌ها به ما کمک کند.
- در رشته علم اطلاعات درس خدمات آرشیو را برای ذخیره مدارک و جست‌وجو در آن می‌خوانیم.
- «دسترسی سریع به منابع آرشیوی» و «سازماندهی اطلاعات آرشیوی» از دلایلی است که



دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش، در پاسخ به «دلایل نیاز به مطالعه درس آرشیو» مطرح کرده‌اند. یکی از دانشجویان، «تبدیل اطلاعات به سند» برای «نگهداری آن‌ها به بهترین نحو» را دلیل نیاز به مطالعه آرشیو قلمداد کرده است. بر اساس پاسخ‌های ارائه‌شده توسط دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی به نظر می‌رسد تشریح تفاوت بین «اطلاعات» و «سند» برای دانشجویان مذکور اهمیت دارد. زیرا آن‌ها بر اساس اظهار نظر خود با تفاوت موجود بین این دو مفهوم آشنا نیستند.

همچنین دانشجوی دیگری از نیاز به متخصص آرشیوی برای ایجاد نظم و ترتیب منابع و نحوه دسترسی به آن‌ها سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد که شواهد فوق نشان می‌دهد که دانشجوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی با «اصل منشاء» و «اصل نظم اولیه» درباره منابع آرشیوی آشنا نیستند.

در پاسخ‌های ارائه‌شده توسط یکی از دانشجویان حاضر در پژوهش، «ذخیره مدارک و جست‌وجو» دلیلی بر «چرایی نیاز به مطالعه درس آرشیو» بیان شده است.

۳- آشنایی دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با سازمان‌های آرشیوی (ملی و بین‌المللی)

دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی حاضر در این پژوهش، در پاسخ به این پرسش که «با کدام سازمان‌های آرشیوی (ملی و بین‌المللی) آشنا هستید؟»، موارد زیر را ذکر کرده‌اند:

- سازمان صدا و سیما (یا هر اداره‌ای که معمولاً بخش آرشیو دارد)؛

- کتابخانه ملی؛

- مرکز آرشیو و اسناد ملی ایران؛

- فکر می‌کنم سازمانی به نام آرشیو ملی باشد؛

- سازمان حفاظت و مدیریت اطلاعات [؟]؛

- موزه تاریخ ایران؛

- تمام موزه‌ها؛

- وبگاه کتابخانه ملی؛

- تقریباً خیلی از وبگاه‌ها هستند که آرشیو دارند؛

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

- مرکز اسناد کاخ نیاوران؛

- مرکز اسناد و آرشیو مجلس شورای اسلامی؛

- سازمان آرشیو و مدارک کشور (دانشگاه تهران) [؟].



شواهد و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانشجوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی با تعداد معدودی سازمان آرشیوی در کشور آشناست. برای مثال، برخی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش از «مرکز آرشیو و اسناد ملی ایران»، «آرشیو سازمان صدا و سیما» و برخی مراکز آرشیوی دیگر همچون «مرکز اسناد و آرشیو مجلس شورای اسلامی» نام می‌برند. اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد آرشیوهای شناخته‌شده و مطرح برای دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با گستره ملی و حتی بین‌المللی، بسیار محدود و ناچیز است.

۴- آشنایی دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با آرشیوداران (متخصصان آرشیو)

در پاسخ به این پرسش که «چه متخصصانی در حوزه آرشیو می‌شناسید»، دانشجویان حاضر در پژوهش، پاسخ‌های زیر را ارائه داده‌اند:

- فکر می‌کنم دکتر یزدان منصوریان و دکتر عباس حرّی در زمینه آرشیو کارهایی انجام داده‌اند.
- متأسفانه چیزی به خاطر ندارم.
- نمی‌دانم.

یافته‌ها نشان داد که دانشجوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی با متخصصان داخلی و خارجی حوزه آرشیو آشنایی ندارد و افراد شناخته‌شده و مطرح در این حوزه را نمی‌شناسد. این ناآشنایی با متخصصان آرشیو برای دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی نه تنها در سطح بین‌المللی که حتی در سطح ملی نیز بسیار فاحش و آشکار است.

۵- آشنایی دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با نشریه‌های حوزه آرشیو

در پاسخ به پرسش آخر پژوهش که «چه نشریه‌هایی در حوزه آرشیو می‌شناسید»، دانشجویان پاسخ‌دهنده به پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده در پژوهش، پاسخ‌های زیر را ارائه داده‌اند:

- کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- نمی‌دانم.

عمده پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش مرتبط با آشنایی با نشریه‌های حوزه آرشیو، «نمی‌دانم!» بود و فقط یک نفر از پاسخ‌دهندگان از عنوان «کتابداری و اطلاع‌رسانی» برای معرفی نشریه‌های حوزه آرشیوی استفاده کرده بود.



نتیجه گیری:

آشنایی با آرشیو و مبانی آن گرچه در درسی به نام «مبانی آرشیو» در دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه می‌شود اما با توجه به اهمیت آرشیو و لزوم توجه به مباحث آرشیوی، به نظر می‌رسد که توجه بیشتری به این حوزه باید صورت پذیرد.

با گسترش شبکه‌های آرشیوی و توسعه آرشیوهای رقمی و نیز افزایش تعداد نشریات آرشیوی در سطح کشور و جهان، لزوم توجه بیش از پیش به موضوع آرشیو و اهمیت آن در کنار ارائه درس «مبانی آرشیو» را بیشتر می‌کند. پژوهش حاضر برای شناخت و بررسی دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان درباره آرشیو تا پیش از ارائه درس «مبانی آرشیو» طراحی و اجرا شده است.

پاسخ‌های ارائه شده توسط دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی نشان می‌دهد که دانشجویان مذکور با مفاهیم مرتبط با آرشیو آشنا نیستند. آن‌ها همچنین با جنبه‌های کاربردی آرشیو آشنا نیستند و نرم‌افزارهای آرشیوی را به خوبی نمی‌شناسند. با آرشیوداران آشنایی ندارند و آرشیوداران و متخصصان مطرح ملی و بین‌المللی را نمی‌شناسند. از سوی دیگر آشنایی با آرشیوهای سنتی و رقمی ندارند و نهایتاً از اهمیت آشنایی با آرشیو اطلاعی ندارند.

منابع

- آرشیو (یادمان‌ها و فرهنگ). دوشنبه (۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳) سرای اهل قلم.
- صفی‌پور، علی‌اکبر (۱۳۸۶). نگاهی به آموزش علوم آرشیوی در جهان و ایران. گنجینه / اسناد، (۱۷) ۲، ص ۱۳۱-۱۳۸.
- معرفت، رحمان (۱۳۹۶). آرشیو و اجتماع: آرشیو را با نوشتن آغاز کنیم. فصلنامه نقد کتاب / اطلاعات رسانی و ارتباطات. ۴ (۱۳ و ۱۴)، ص ۲۰۱-۲۰۷.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (نسخه بازنگری شده دوم، مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۸). قابل دسترسی از طریق:

http://hes.msrt.ir/uploads/T_Education/Educ.0_5289_pdf



بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران (۳): ارزیابی شخصیت حقوقی

شیرین میزان‌دار و دکتر اسدالله یآوری

چکیده:

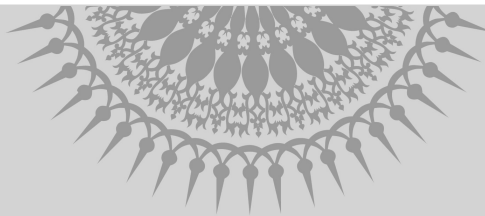
همان‌گونه که در دو قسمت پیشین مقاله آمد سازمان اسناد ملی یکی از سه سازمان وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور بود، که برای جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی و نیز صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی با هدف دسترسی عموم به این اسناد، تأسیس شد.

در بررسی صلاحیت‌های سازمان، خواهیم دید که نهادی چون سازمان مدارک فرهنگی، در کتابخانه ملی ادغام شد؛ لکن این فرصت برای سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران به‌وجود نیامد تا با فهم مشترکی از دلایل و نحوه ادغام، خود را مهیای آن کنند. لذا تصمیم بر ادغام، انتقادات زیادی از سوی متخصصان علوم کتابداری و آرشیوداران مطرح در این عرصه را در پی داشت. به‌نحوی که پس از گذشت دست‌کم ۱۵ سال از زمان ادغام، برخی هنوز بر این باورند که ادغام فوق، تصمیمی غیرکارشناسی و نسنجیده بوده است. از این‌رو، ناکارآمدی و عدم توفیق سازمان در سال‌های بعد را به آن نسبت می‌دهند؛ در مقابل، عده‌ای دیگر، ضعف قوانین و مقررات سازمان نداشتن ضمانت اجرایی کافی و در نتیجه عدم تمکین سایر دستگاه‌ها به مقررات آن را دخیل در عدم توفیق سازمان قلمداد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه ملی ایران، سازمان اسناد ملی ایران، ادغام، ارزیابی.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲، صص: ۴۰-۷۹



بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران (۳): ارزیابی شخصیت حقوقی

شیرین میزان‌دار^۱ و دکتر اسدالله یآوری^۲

مطالبی که در این قسمت مقاله به آن پرداخته می‌شود، جایگاه حقوقی سازمان در بین تشکیلات اداری کل کشور، صلاحیت‌های محلی، ملی و فراملی است. بررسی جایگاه حقوقی ارکان سازمان، و اعتبار مصوباتشان، از دیگر مباحث این قسمت مقاله است، در این مقاله ضمن تبیین وضعیت موجود، تلاش خواهد شد، ذیل هر مبحث، چالش‌های آن نیز مورد واکاوی قرار گیرد. ضرورت‌های آینده سازمان نیز، در مباحث پایانی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. نحوه سازماندهی مطالب به سیاق دو قسمت پیش مبتنی بر تفکیک بخش اسناد و کتابخانه است.

۱- وضعیت حقوقی حاکم بر سازمان

ذیل این گفتار قوانین و مقرراتی که در شکل‌گیری صلاحیت‌های امروزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی دخیل بوده، یا به عبارتی اثرگذار بر صلاحیت‌های سازمان در وضعیت فعلی آن هستند، تبیین و سپس مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱-۱ بند اول- قوانین

۱-۱-۱ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷.

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی، رئیس اداره حقوقی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛

mizandarshirin@yahoo.com

۲. دکترای حقوق عمومی، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛
a_yavari@sbu.ac.ir



قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مشتمل بر هشت ماده و شش تبصره پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ ۱۳۴۹/۰۱/۲۲ در جلسه روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۹ به تصویب رسید.

۱-۲ قانون اساسنامه کتابخانه ملی ایران مصوب ۱۳۶۹/۸/۲ و ماده ۹ الحاقی آن).
قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۲ آبان ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. بعداً یک ماده دیگر به آن اضافه شد. این قانون مشتمل بر ۹ ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۹ خرداد سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی تصویب شده و در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۱-۳ قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰
موضوع تشکیلات و صلاحیت‌های شورای عالی اداری.
بر اساس بند یک قسمت سیاست‌های عمومی از بخش سیاست‌های کلی قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، موضوع کاهش حجم بخش دولتی، دولت وقت تصمیم با اعمال روش‌هایی همچون حذف برخی از تشکیلات یا ادغام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، به شناسایی و احصاء مشمولان حکم مقرر در این ماده گرفت. از جمله دستگاه‌هایی که در واپسین لحظات اعتبار قانون یادشده، مشمول حکم شد، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی بود. سازمان مذکور که نهادی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، از طریق اعمال بند فوق، با تصویب شورای عالی اداری در کتابخانه ملی ادغام شد.

۱-۴ قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷
موضوع تشکیلات و صلاحیت‌های شورای عالی اداری.

محتوای قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه در حوزه سیاست‌های عمومی، با موضوع کاهش حجم دولت از طریق ادغام وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی، این بار به‌طور منسجم و سازمان‌یافته‌تری در برنامه سوم تکرار شد. ضرورت موضوع در حدی بود که این مطلب، در فصل اول از بخش اول قانون گنجانده شد تا دولت بتواند از این طریق، اهداف کلان خود را تعقیب کند. ماده یک فصل یک با عنوان اصلاح ساختار اداری و مدیریت، به این موضوع اختصاص یافت و اجرای مدلول ماده با صلاحیت‌های مشخص، به شورای عالی اداری با ترکیب اعضای مشخص، محول شد. ذکر و بررسی این قانون از جهات گوناگونی حائز اهمیت است. صرف‌نظر از اینکه برخی از منتقدان، ادغام دو سازمانی که دارای قوانین مستقل و با اعتباری برابر به لحاظ مرجع تصویب هستند و نسخ ضمنی برخی از صلاحیت‌های یکی از آن



دو، بر اساس تصمیم یک مرجع اداری نظیر شورای عالی اداری - که شأنی دوتن شأن تقنینی قوه مقننه داشت - مورد نقد قرار می‌دهند، به زعم برخی دیگر از حقوقدانان برجسته، اساساً قوانین برنامه پنج‌ساله، که یک قانون موقت بوده و منشاء آن، قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ است، نمی‌تواند اثرگذار بر قوانین پایدار و دائمی باشد. بنابراین، نسخ ضمنی صلاحیت‌های قوانین دائمی و پایداری که به تصویب مرجع قانونگذاری رسیده‌اند، توسط احکام مقرراتی، که منشاء ایجاد آن‌ها، قوانین برنامه‌ای پنج‌ساله بوده است را در معرض نقد قرار می‌دهند (کاشانی، ۱۳۹۳).

گرچه برخی از الزامات حقوقی در نسخ ضمنی برخی مواد قانونی، در این رهگذر، نادیده انگاشته شده، لکن با توجه به جواز حاصله از بند ب ماده یک قانون برنامه سوم - در باب اختیار ادغام دستگاه‌های دارای وظایف موازی - شورای عالی اداری صلاحیت خویش را در زمینه تصمیماتش از قانونگذار دریافت داشته است و از این لحاظ، به نظر می‌رسد خدش‌های بر صلاحیت و در نتیجه، بر مصوباتش، وارد نباشد. در هر صورت چه پذیرای این نقد باشیم، چه نباشیم، این سبک تدوین قوانین، به صورت یک رویه در طی سه دوره قوانین برنامه‌های پنج‌ساله، حداقل در خصوص صلاحیت‌های قانونی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اثرگذار بوده است و ملاحظه می‌شود که طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، صلاحیت‌های سازمان کاملاً تحت تأثیر قرار گرفته است.

۱-۲ بند دوم: مقررات

۱-۲-۱ مصوبه شماره ۱۴/۲۴۲ موضوع انتزاع سازمان مدارک فرهنگی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادغام آن در کتابخانه ملی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۹.

پیش از ورود به بحث، نخست لازم است اندکی راجع به وضعیت حقوقی سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و جایگاه آن پیش از ادغام در کتابخانه ملی، توضیحاتی ارائه شود تا با درک صلاحیت‌های آن، صلاحیت‌های جدید کتابخانه ملی پس از ادغام با این نهاد، مورد ارزیابی قرار گیرد.

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمانی برآمده از «قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» است، که در اجرای بند ۵ ماده ۳ همان قانون و بنا بر پیشنهاد شماره ۱۴۸۲/۷۲۶۹/۱۱ مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب هیئت وزیران در مورخ ۱۳۶۷/۰۴/۲۸ با شماره ۴۴۴۰/ت ۳۰۶ تأسیس شد. بر اساس مفاد اساسنامه مصوب هیئت وزیران، این سازمان، سازمانی فرهنگی و تحقیقاتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است. هدف سازمان بر اساس ماده دو اساسنامه عبارت است از گردآوری،



تمرکز، رده‌بندی و اشاعه اطلاعات و مدارک فرهنگی و انتشارات مربوط به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و فراهم‌آوردن امکانات لازم برای پژوهش، مطالعه و بهره‌برداری از این اطلاعات و شناساندن مبانی، مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی.

با اندکی تأمل در اساسنامه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مقایسه آن با مفاد اساسنامه کتابخانه ملی، مشابهت امور و هم‌پوشانی برخی از وظایف این دو نهاد، قابل‌ملاحظه است. لذا بر همین اساس، شورای عالی اداری در هشتاد و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و سازمان امور اداری و استخدامی کشور، در راستای سیاست‌های دولت و اهداف و تکالیف مندرج در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تحدید تشکیلات دولت و کاهش هزینه‌های اداری و با جواز حاصله از اختیاراتش در شناسایی و احصاء وظایف مشابه و تکراری دستگاه‌های اجرایی کشور، طی مصوبه شماره ۱۴/۲۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ انتزاع این سازمان را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادغامش در کتابخانه ملی را تصویب کرد. این مصوبه در چهار بند و یک تبصره تنظیم یافته، مستند قانونی تصویب آن همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قانون برنامه دوم می‌باشد و هدفش از تجمیع وظایف در یک نهاد واحد، افزایش کارایی و استفاده از بودجه و امکانات در انجام وظایف قانونی آن‌هاست. در مجموع دو حکم کلی می‌توان از این مصوبه استخراج کرد. از یک‌سو کتابخانه ملی را موظف به بازنگری و اصلاح اساسنامه و لحاظداشتن صلاحیت‌های مربوط به سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی می‌کند و از دیگر سو، اصلاح تشکیلات، با رعایت مفاد مصوبه را نیز به‌عنوان تکلیف دوم برعهده سازمان جدید می‌گذارد.

در این تحقیق با بررسی سوابق و مدارک مشخص شد، پس از ادغام، صرفاً اصلاح تشکیلات اداری در دستور کار قرار گرفته، لکن نسبت به اصلاح و بازنگری اساسنامه اقدامی صورت نپذیرفته و این موضوعی است که موردنقد برخی از منتقدان، به‌ویژه اعضای سابق سازمان مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی قرار گرفته است. برخی از آنان بر این عقیده‌اند که در ادغام دو سازمان، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در کتابخانه ملی حل شده و اثری از صلاحیت‌های قبل از ادغامش با کتابخانه ملی در وضعیت پس از ادغام بر جای نمانده است. اما همان‌گونه که در صدر مطالب اشاره شد، یکی از عوامل اصلی ادغام دو سازمان هم‌پوشانی صلاحیت‌های قانونی آن‌ها بوده و تأمل در ماده ۳ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، به‌خصوص بند ۲ این ماده، که کاملاً ناظر بر صلاحیت‌های سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی می‌باشد، مؤید این مطلب است که این ادغام در هماهنگی کامل با اهداف قانونگذار در ادغام نهادهای موازی صورت پذیرفته، از این‌رو اصلاح مفاد اساسنامه کتابخانه ملی در آن



مقطع زمانی به عنوان یک ضرورت دنبال نشده است. با این توضیح به نظر می‌رسد، خدشه‌ای بر عدم بازنگری مفاد اساسنامه کتابخانه ملی - که به عنوان یکی از تکالیف مصوبه بر آن تأکید شده بود - وارد نباشد. از طرفی به لحاظ مرجع تصویب قوانین و مقررات، سلسله مراتبی بین مقررات وجود دارد زیرا هر مقرره‌ای، صرفاً از طریق مرجع تصویب آن یا مرجع قانونگذاری فراتری قابل تغییر یا نقض و اصلاح است. بنابراین، درحالی که مرجع تصویب مصوبه ۱۴/۲۴۲، شورای عالی اداری است، و مرجع تصویب قانون اساسنامه کتابخانه ملی، مجلس شورای اسلامی است، قاعداً همان مرجع یعنی مجلس شورای اسلامی می‌تواند نسبت به هرگونه تغییر یا اصلاح قانون مصوب، تصمیم گیرد.

۱-۲-۲ مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری موضوع ادغام کتابخانه ملی با سازمان اسناد ملی.

وظیفه تنظیم تشکیلات کلان دولت ملهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌ویژه اصول دوم، سوم، چهل و سوم، شصتم، یکصد و بیست و ششم، یکصد و سی و سوم، تکلیفی است که در موارد مختلف از برنامه دوم توسعه به بعد نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن تأکید شده است. نگاهی به سیر تطور وزارتخانه‌ها در سال‌های متمادی، نشان‌دهنده این است که به اقتضای شرایط خاص کشور یا مجلس و دولت، گاهی اوقات با اعمال سلاقی خاص وزارتخانه‌هایی ایجاد، حذف یا ادغام شده است. اگرچه شایسته‌ترین روش، بررسی دقیق و کارشناسانه اهداف، مأموریت‌ها، وظایف دولت و احصای آن‌ها در سطح کلان و طبقه‌بندی آن‌ها در امور مختلف است - به نحوی که به امر یک یا چند وزارتخانه و یا به چند امر یک وزارتخانه بپردازد - و بدون بررسی همه‌جانبه، نتوان محدودیت کمی برای وزارتخانه‌ها قائل شد، اما در طول سال‌های اخیر به‌ویژه از برنامه دوم توسعه به بعد، همواره شاهد ادغام‌ها یا انتزاع‌هایی در ساماندهی تشکیلات اداری دولت بوده‌ایم که سازمان اسناد و کتابخانه ملی نمونه بارزی از این انتزاعات و ادغام‌هاست (میرمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹-۱۸۸).

گرچه پیش‌تر کتابخانه ملی، تجربه ادغام با نهاد دیگری (سازمان مدارک انقلاب فرهنگی) را در سابقه خود داشت، با این وجود، یکی از مهم‌ترین رخدادهای مربوط به این سازمان، موضوع ادغام کتابخانه ملی با سازمان اسناد ملی است. اهمیت این ادغام از آن جهت است که هریک از این دو نهاد دارای قانون مصوب مجلس (یکی مجلس شورای ملی و دیگری مجلس شورای اسلامی) هستند. لذا تحت الشعاع قرارگرفتن قوانین یادشده، از طریق اعمال مصوبه شورای عالی اداری، اندکی قابل تأمل است. همین نکته، اهمیت بررسی این مصوبه را، دوچندان می‌کند. به هر حال بررسی دقیق‌تر زوایای قانونی مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری کمک شایان توجهی به تبیین وضعیت حقوقی فعلی سازمان



می‌کند لذا برای سازماندهی مطالب ناگزیر از یک تقسیم‌بندی مناسب در بررسی مفاد آن به شرح ذیل هستیم:

الف- تبیین محورهای اصلی مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری:

مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری به لحاظ بررسی محتوایی مشتمل بر سه بخش است که بخش اول آن ناظر بر مبانی قانونی، بخش دوم دربردارنده اهداف و منظور مصوبه و در نهایت بخش سوم معطوف به احکام آن است.

الف-۱ مبانی قانونی مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: این مصوبه در نود و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بر اساس صلاحیت‌های ناشی از ماده یک قانون برنامه سوم توسعه -به شرحی که در قسمت قانون برنامه سوم آمده است- در شورای عالی اداری تصویب شد.

الف-۲ اهداف مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: در متن مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری هدف از مصوبه چنین توصیف شده است که به منظور ساماندهی مدیریت اسنادی و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن و همچنین تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از وظایف تکراری، سازمان اسناد ملی ایران با کلیه وظایف، اختیارات، امکانات، اعتبارات، نیروی انسانی، اموال، مدارک و تعهدات، از تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱ از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منتزع و با کتابخانه ملی ادغام می‌شود و عنوان آن به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تغییر می‌یابد.

دقت در متن مصوبه، این واقعیت را آشکار می‌سازد که شورای عالی اداری، در واقع با کنار هم گذاشتن اهداف هر یک از این دو سازمان -که پیش‌تر در قوانینشان مدون شده بود- هدف از تصویب یا به عبارت دیگر، ادغام دو مؤسسه با یکدیگر را بیان داشته و آنچه که علاوه بر این موضوعات بدان اشاره شده، صرفاً جلوگیری از وظایف تکراری بوده است. اما دقیقاً مشخص نکرده، چه وظایفی در این دو مؤسسه به نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تکراری بوده، که بر اساس آن این ادغام صورت پذیرفته و همین ابهام در تعیین مصادیق وظایف تکراری، سازمان را در تدوین تشکیلات، دچار چالش کرده است. جالب آنکه در زمان تصویب نیز، به نظر می‌رسد در مشابهت وظایف دو مؤسسه، اقتناع کافی حاصل نشده، لذا به نحو محتاطانه‌ای، در قسمت ج از بند ۲ بلافاصله بر انجام فعالیت‌های هریک از این دو نهاد، تحت عنوان دو معاونت مستقل با عناوینی که مبین استقلال تخصصی هر یک آن‌هاست، تأکید می‌شود. البته این



موضوع ذیل عنوان آسیب‌شناسی مصوبه به نحو مفصل‌تری بحث خواهد شد.

الف-۳ احکام مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: احکام متنوع و متعددی از مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری قابل‌استنباط است، که به مختصراً به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

- بند ۲ مصوبه مشتمل بر سه قسمت «الف»، «ب»، «ج» و «د» است. قسمت «الف» سازمان جدید را به بررسی و تطبیق وظایف دو سازمان سابق، و احصاء و ادغام وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه، تکراری و موازی موظف می‌سازد. قسمت «ب» از بند دو مصوبه، بخشی از وظیفه‌ای که در قسمت پیشین بر عهده سازمان گذارده بود را خود ایفا کرده و بر تجمیع بخش‌های پژوهشی هر دو سازمان حکم می‌دهد. قسمت «ج» حکمی با این مضمون را مقرر می‌دارد که وظایف و مأموریت‌های تخصصی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تحت دو معاونت مستقل با عناوین «کتابخانه ملی» و «اسناد ملی» با برنامه مستقل در قوانین بودجه سنواتی انجام می‌یابد و بالاخره در بند «د»، با شرایط مذکور در بندهای پیش گفته، سازمان جدید به تهیه تشکیلات اداری خود موظف می‌شود.

- بند ۳ مصوبه، در عین معتبردانستن قوانین موردعمل دو سازمان سابق، بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی در موارد مغایر، تأکید می‌کند. این بند مشتمل بر دو تبصره است. در تبصره اول وظایف اجرایی مربوط به فروش اوراق امحایی، که تا آن زمان بر عهده سازمان اسناد ملی بوده را به دستگاه‌های اجرایی واگذار کرده و تبصره دوم نیز ناظر بر تعیین تکلیف ساختمان‌های مازاد هر دو دستگاه است.

- با توجه به اینکه سایر بندهای مصوبه تا پایان، به بخش اسناد و تحولات آن حوزه اختصاص یافته، به نظر می‌رسد توجه و تأکید ویژه‌ای بر این بخش از سازمان وجود داشته و این‌گونه می‌توان استنباط کرد که شاید هدف از ادغام، بیشتر متوجه تقویت بخش اسناد ملی از طریق هم‌افزایی بوده است. ناگفته نماند که به موازات توجه و تأکید ویژه به بخش اسناد، صلاحیت‌های آن نیز به نحو چشمگیری گسترش یافته و در این راستا و در جهت تحقق اهداف مصوبه علاوه بر تکالیف فوق، تکالیفی نیز بر عهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گذارده شده است، از جمله وظیفه مربوط به ساماندهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی و تنظیم روش‌های نگهداری و بایگانی از طریق سازمان مدیریت (موضوع بند ۴ مصوبه)، یا اعطای اعتبارات لازم به مؤسسات و واحدهای اسنادی در تحقق اهداف مصوبه (موضوع بند ۷ مصوبه) را از این دسته می‌توان قلمداد کرد. جالب است که در این میان دستگاه‌های اجرایی کشور نیز از تکالیف مندرج در این مصوبه بی‌نصیب نمانده و بر اساس بند ۶ مصوبه، واحدهای اسنادی به تبعیت از ضوابط و استانداردهای سازمان اسناد و کتابخانه ملی مکلف شده‌اند.



الف-۴ آسیب‌شناسی مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: به نظر می‌رسد شتاب‌زدگی در اجرای قانون برنامه سوم توسعه در شناسایی و احصای دستگاه‌های مشمول حکم ماده یک قانون یادشده، در راستای کاهش حجم دولت و نهایتاً شناسایی کتابخانه ملی و اسناد ملی، به‌عنوان دو دستگاه مناسب در اجرای حکم قانون از یک سو و عدم اعطای فرصت مناسب به دو سازمان و کارکنان آن، در آمادگی و تمهید مقدمات لازم در پذیرش امر ادغام از دیگر سو، از آسیب‌های جدی اجرای این طرح بوده باشد. کماکان می‌توان ردپای آثار نامیمون این شتاب‌زدگی را در لابه‌لای اظهارنظرهای کارشناسان و صاحب‌نظران برجسته هر دو سازمان به‌خوبی حس کرد (مرادی، ۱۳۹۲).

برخلاف ادغام سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی که بنا به نظر هر دو نهاد ذی‌نفع (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه ملی ایران) صورت پذیرفت، این‌بار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی راساً و بدون لحاظ داشتن نظر دو سازمان (اسناد ملی و کتابخانه ملی) و صرفاً بنا به تشخیص خود به این امر مبادرت ورزید. نتیجه آنکه، پس از تصمیم بر ادغام و در خلال آن، سازمان جدید را مکلف به بررسی و تطبیق وظایف دو سازمان در جهت احصاء و ادغام وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه و تکراری و تهیه و ارائه تشکیلات سازمان، ظرف سه‌ماه می‌کند. با این وجود و در نگاهی گذرا به روند اجرای مصوبه به‌نظر می‌رسد مقصود نهایی تدوین‌کنندگان مصوبه در بخش اسناد تأمین نشده و بخش اسناد نه‌تنها از این هم‌افزایی بهره‌ای نبرده، بلکه از نقش هدایتی و نظارتی خود که پیش از ادغام بر سایر دستگاه‌ها داشته، بازمانده است. به‌ویژه با محول شدن نقش سازمان اسناد ملی سابق در زمینه ساماندهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی، و تنظیم روش‌های نگه‌داری و بایگانی، به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، و تغییر و تحولات سازمان مدیریت در سال‌های بعد از ادغام از یک سو، و مغفول ماندن این وظیفه محوله از دیگر سو، در واقع یکی از مأموریت‌های اصلی سازمان اسناد ملی سابق، به تعطیلی کشیده شده و بلا تصدی مانده است.

به‌رغم آنکه هدف اصلی از انتخاب این دو سازمان برای اجرای مفاد ماده یک قانون برنامه سوم، موازی، مشابه و تکراری بودن، وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه بوده، و این موضوع به‌صراحت در قسمت الف از بند ۲ مصوبه ادغام آمده است، مشخص نیست به چه دلیل در قسمت «ب» همان بند بلافاصله قانونگذار از نظر کلی خود در این رابطه برگشته و صرفاً احصاء وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه، موازی و تکراری را به امور پژوهشی دو دستگاه محدود کرده و در بند «ج» قائل به استقلال کامل فعالیت‌های تخصصی هر دو دستگاه ذیل دو معاونت مستقل می‌شود.

این تغییر سیاق قانونگذار، می‌تواند متأثر از عوامل متعددی باشد از جمله: شتاب‌زدگی



مرجع تصمیم‌گیری در اجرای مفاد ماده یک قانون برنامه سوم، موضوع شناسایی دستگاه‌های با وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه از یک‌سو، و عدم جلب‌نظر کارشناسان و مسئولان دو دستگاه در تدوین و تصویب مصوبه ادغام، از دیگر سو. این نظر با مطالعه بررسی تطبیقی ساختار اداری و تشکیلاتی آرشیو و کتابخانه ملی ایران و کانادا، تقویت می‌شود، که دولت کانادا در زمان ادغام ضمن تخصیص بودجه مناسب -تخصیصی بالغ بر هفت میلیون دلار در سال ۲۰۰۲م- برای عملیاتی‌ساختن طرح ادغام آرشیو و کتابخانه کانادا، طی یک فرصت سه‌ساله، سازماندهی تشکیلات جدید را به تیمی متشکل از کارشناسان دو حوزه به‌نام «تیم انتقال» محول می‌کند (شاکری مطلق، ۱۳۹۰، ص ۵۲). اگرچه تصمیم‌بر ادغام این سازمان‌ها در هر دو کشور یک تصمیم فراسازمانی و دستوری بوده است، لکن فرایند ادغام در کشور کانادا چه به لحاظ آماده‌سازی ذهنی افکار عمومی کارکنان هر دو نظام، چه به لحاظ رعایت مباحث پیچیده تخصصی هر دو دستگاه که جلب‌نظر متخصصان این دو حوزه را می‌طلبد، اجرای آن مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

در اولین گام برای اجرای مصوبه که همانا تصویب تشکیلات اداری سازمان است، در عین آنکه برابر مصوبه بر اعتبار دو قانون مورد‌عمل در سازمان‌های پیشین تأکید می‌شود، با وجود اختیارات و صلاحیت‌های هیئت‌امنان کتابخانه ملی، بر اساس بندهای الف و ب از ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی موضوع تصویب سازمان و تشکیلات اداری، طی قسمت «د» از بند یک مصوبه ادغام، تصویب تشکیلات سازمان، منوط به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌شود. تقریباً سه‌سال بعد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی به‌دلیل نامناسب‌دیدن تشکیلات تأییدشده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، با اختیارات حاصله از بندهای الف و ب ماده ۷ اساسنامه کتابخانه ملی، به تهیه تشکیلات اداری مناسب با وضعیت موجود مبادرت کرده، و آن را برابر قانون، به تصویب هیئت‌امنا می‌رساند. لکن در سال‌های اخیر، عدم رعایت حکم مندرج در مصوبه -موضوع لزوم تأیید تشکیلات توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور- سازمان اسناد و کتابخانه ملی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. با این توضیح که، به‌دلیل عدم جلب‌نظر سازمان مدیریت، سازمان، از بسیاری از حقوق خود در زمینه‌های مختلف از جمله حق جذب نیروی رسمی -که برابر قوانین و مقررات عمومی منوط به اصلاح ساختار اداری و تأیید آن توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود- محروم مانده یا در خصوص گسترش مراکز استانی، درحالی‌که توسعه و گسترش مراکز استانی به تصویب هیئت‌امنان سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نیز رسیده (مصوبه شماره ۹۰/۲۳۴۵/ص مورخ ۹۰/۵/۱۰) بنا به دلایل فوق بودجه متناسب با نیازهای سازمان در اختیار قرار نمی‌گیرد و هنوز مراکز استانی اخیرالتأسیس، در تشکیلات مورد تأیید سازمان مدیریت و



برنامه‌ریزی نیست. از این رو به نظر می‌رسد تعارضی بین صلاحیت‌های هیئت‌امنای سازمان در زمینه تصویب تشکیلات اداری از یک سو و ضرورت تأیید آن توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سوی دیگر، موجود است که باید، مورد توجه قرار گیرد. خاصه آنکه، سازمان اسناد و کتابخانه ملی به لحاظ بودجه، نهادی وابسته به بودجه دولت است و به رسمیت نشناختن تشکیلات اداری مصوب هیئت‌امنای آن، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر انجام تکالیف قانونی‌اش داشته باشد.

ب- مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۵۳۰۲ ادغام مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۴

این مصوبه در خصوص ادغام مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است که شورای عالی اداری در صد و سی و یکمین جلسه خود مورخ (۱۳۸۵/۴/۲۴) بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به استناد بند (۲) بخش (ب) ماده یک قانون برنامه سوم توسعه کشور تنفیذ شده در ماده (۱۵۴) قانون برنامه چهارم توسعه کشور در اجرای تبصره بند (۶) مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورا در زمینه ساماندهی نظام مدیریت اسنادی کشور و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب، این ادغام را به تصویب رساند. ناگفته نماند مفاد مصوبه یادشده کماکان پس از گذشت ده سال به اجرا درنیامده است.

۲- جایگاه نهادی و سازمانی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حال حاضر یکی از دستگاه‌های اجرایی کشور است که به استناد تعریف ارائه شده از مؤسسه دولتی در قانون مدیریت خدمات کشوری، یک مؤسسه دولتی محسوب می‌شود. از این رو نظر به مواد ۵ و ۱۱۷ قانون اخیرالذکر به عنوان یک دستگاه اجرایی، باید تحت شمول همان قانون باشد. البته به واسطه شرایط دیگری که در قوانین پیش‌بینی شده، از شمول عموم برخی از قوانین و مقررات خارج است. در این گفتار، این مبانی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لکن پیش از ورود به بحث و در مقدمه باید گفت یکی از موضوعات جدی در بررسی صلاحیت‌های حقوقی در ابعاد مختلف جامعه، بحث تورم قوانین است که این مهم، در حقوق عمومی به نحو مضاعفی، به جهت تفاوتی که با حوزه حقوق خصوصی دارد، به عنوان چالش مطرح می‌باشد زیرا در حقوق خصوصی اصل بر صلاحیت، و در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است. به هر روی، نظر به تورم قوانین و مقررات در کشور، که عزم جدی در منقح‌سازی مقررات به لحاظ تعیین قوانین ناسخ و منسوخ، موارد مغایر یا لغو و اصلاح را می‌طلبد، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، طی بخشنامه‌های مکرر و مکاتبات متعدد،



ایجاد وضعیت تنقیحی در رابطه با قوانین و مقررات را -به منظور بسترسازی در اجرای قانون دسترسی آزاد به اطلاعات- بر دستگاه‌های اجرایی تابعه قوه مجریه تکلیف کرده است.

به علاوه سازمان بازرسی کل کشور نیز با عنایت به اهمیت بحث، مقارن با این حرکت دولت، به استناد تبصره ماده واحده قانون اصلاح قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور و بند الف تبصره مزبور (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی)، مشمولان قانون یادشده را (یعنی «کلیه دستگاه‌های موضوع مواد ۵ و ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و قوه قضائیه به استثناء مراجع مذکور در تبصره ماده ۲ این قانون»)، به اقدام در زمینه تدوین و تنقیح قوانین مکلف کرده است. با این مقدمه باید گفت سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم از این قاعده مستثنی نبوده، به دلیل کثرت قوانین و مقررات مورد عمل، و بعضاً وجود تعارضاتی در مقام اجرا، به عنوان یکی از مخاطبان بخشنامه‌ها و قانون یادشده و تحت نظارت و پیگیری‌های سازمان بازرسی کل کشور از یک سو، و به موازات آن پیگیری‌های معاونت حقوقی ریاست جمهوری از دیگر سو، به اقدام در این زمینه ملزم شده است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی به دلیل ساختار نامتناسب حقوقی و عدم اصلاح تشکیلات اداری‌اش در بخش حقوقی سازمان -مبتنی بر بخشنامه‌های مذکور دائر بر لزوم تأسیس اداره‌ای ذیل اداره کل حقوقی به منظور بررسی قوانین و مقررات و تعیین وضعیت اعتبار آن‌ها- در این مسیر، از عمل به تکالیف قانونی خود باز مانده است. در مجموع یکی از این موارد ضرورت ایجاد وضعیت تنقیحی بر اساس بند ۳ مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری است. درست است که تأکید بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی در بند ۳ مصوبه یادشده شورای عالی اداری، در راستای تعیین تکلیف مجریان قوانین مورد عمل دستگاه، در مواجهه با آن دسته از مواد قانونی هر دو سازمان، که به لحاظ مرجع تصویب از اعتبار یکسانی برخوردارند، تا حدودی می‌تواند چاره‌ساز باشد، لکن این کافی به مقصود نبوده، ضروری است بحث منقح‌سازی قوانین و مقررات سازمان، به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و کلیه قوانین و مقررات آن بر اساس ترتیبات مقرر در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های یادشده از لحاظ اعتبار، ناسخ، منسوخ، متروک، مغایر، لغو، نسخ صریح یا ضمنی تعیین تکلیف شوند. از آنجا که صلاحیت‌های قانونی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پس از ادغام به لحاظ قوانین و مقررات متنوع، به نحو چشمگیری گسترش یافته لذا ایجاد وضعیت تنقیحی بر اساس یک حکم روشن اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی تدوین و تنقیح‌های اداری که بر اساس بخشنامه‌های معاونت حقوقی ریاست جمهوری اجرا و در سامانه قوانین و مقررات کشور جای می‌گیرد، از نوع غیراصلاحی بوده و به تعبیر متخصصان، به مثابه «حقوق آن گونه که هست»، می‌باشد و این نوع تنقیح، از آن دسته تنقیح‌هایی است که در زمره تنقیح، گردآوری محسوب می‌شوند، و مقامات



تنقیح‌کننده حق دخل و تصرف در متون قانونی را ندارند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). همان‌گونه که در توضیحات مربوط به بررسی مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ شورای عالی اداری آمده، در مصوبه یادشده در عین معتبربودن قوانین موردعمل هر دو نهاد، بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی در موارد مغایر تأکید شده است که تشخیص موارد مغایر، کار ساده‌ای نبوده و با توضیحات فوق، به‌نظر می‌رسد در صلاحیت مقامات اجرایی نگنجد چه آنکه همان‌طور که در بالا اشاره شد، براساس اختلاف‌نظر موجود، بین ایجاد وضعیت تنقیحی غیراصلاحی و وضعیت تنقیحی اصلاحی تفاوت است. به‌زعم قائلان به این تفکیک، ایجاد وضعیت تنقیحی اصلاحی در صلاحیت تدوین‌کنندگان قوانین یا به‌عبارتی قانونگذار به‌معنای اخص آن است (ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۹). نتیجه آنکه در صورت امکان‌پذیر نبودن ایجاد وضعیت تنقیحی اصلاحی، از طریق سازوکارهای موجود در قوه مجریه برای اهداف فوق، اصلاح قوانین و مقررات سازمان باید، از طریق مرجع ذی‌صلاح قانونی، یعنی توسط مرجع تصویب آن‌ها که همانا قوه مقننه است، صورت پذیرد.

۲-۱ بررسی مبانی قانونی شخصیت حقوقی بعد از ادغام

بدواً ضروری است با توجه به مجموع قوانین و مقرراتی که در قسمت اول توضیحات آن ارائه شد، به معرفی سازمان در ابعاد حقوقی جدیدش پرداخت. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مؤسسه‌ای پژوهشی، آموزشی (علمی) تحقیقاتی و خدماتی است که ذیل نهاد ریاست‌جمهوری با ردیف بودجه مستقل اداره می‌شود. این سازمان در عنوان اخیر خود، که ناشی از ادغام دو مرکز مستقل می‌باشد، کلیه وظایف و اختیارات مصرح قانونی هر دو مجموعه را داراست و در حالی که بر اساس هر دو قانون تأسیس اسناد ملی ایران و اساسنامه کتابخانه ملی ایران اداره می‌شود، به استناد مفاد مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری، در صورت بروز تعارض بین دو قانون یادشده، به مفاد قانون اساسنامه کتابخانه ملی، عمل خواهد شد.

۲-۱-۱ شخصیت حقوقی مستقل

مستنبط از ماده ۲ قانون اساسنامه کتابخانه ملی و بر اساس بند ۳ از مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران دارای استقلال شخصیت حقوقی است. گرچه زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور اداره و ریاست عالیه آن با شخص رئیس‌جمهور است؛ بااین‌وجود، نهادی غیر وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری تلقی شده، لکن می‌تواند راساً موضوع حق و تکلیف واقع شود. نتیجه آنکه رئیس سازمان، به‌عنوان بالاترین مقام، که در رأس سازمان قرار گرفته، راساً پاسخگوی ادعاهای اشخاص



حقیقی و حقوقی است و می‌تواند رأساً علیه اشخاص حقیقی و حقوقی طرح دعوا کند. استقلال حقوقی سازمان را می‌توان از ماده ۸ قانون اساسنامه کتابخانه ملی موضوع وظایف و اختیارات رئیس کتابخانه ملی به‌ویژه بند «ط» آن -موضوع وظیفه نمایندگی کتابخانه ملی در کلیه مراجع اداری و قضایی با حق انتخاب وکیل به‌منظور استیفای حقوق کتابخانه- نیز استنباط کرد.

۲-۱-۲ مؤسسه دولتی و دستگاه اجرایی

قانون مدیریت خدمات کشوری طبق اصل ۸۵ قانون اساسی به‌مدت ۵ سال به‌صورت آزمایشی تصویب و در سال ۱۳۸۶ برای اجرا ابلاغ شد. به‌موجب ماده ۱۲۷ آن، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو شد. قانون استخدام کشوری که تا آن زمان اساس عمل سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی بوده است، در موارد مغایر لغو شده و قانون مدیریت خدمات کشوری جایگزین آن می‌شود. اکنون باید دید این تحول قوانین چه اثر یا آثاری بر موضوع مورد مطالعه داشته است. ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری در تعریفی که از مؤسسه دولتی ارائه می‌دهد، مقرر می‌کند: «مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد، انجام می‌دهد». با توجه به موارد پیش‌گفته از جمله عنایت به حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی و در نتیجه استناد به آن در موارد سکوت یا مغایرت دو قانون، و از طرفی نظر داشت این موضوع که مطابق ماده ۲ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، سازمان دارای استقلال حقوقی است و بودجه آن به‌صورت مستقل ذیل بودجه ریاست‌جمهوری از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود، با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بر اساس تعریف ارائه‌شده از مؤسسه در قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز با رعایت حاکمیت اساسنامه کتابخانه ملی، مؤسسه‌ای دولتی است. بر اساس ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول احکام مندرج در این قانون بوده و با عنایت به تعریف ارائه‌شده از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون یادشده، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، به‌عنوان یک مؤسسه دولتی، دستگاه اجرایی محسوب و مشمول مقررات آن می‌باشد. اکنون در تکمیل بحث تعیین وضعیت حقوقی سازمان به‌عنوان یک دستگاه اجرایی، بر حسب برخی از قوانین و مقررات -که توضیح آن در بند بعدی می‌آید- سازمان در حال حاضر، از شمول برخی از قوانین و مقررات عام از جمله، قانون مدیریت خدمات کشوری و مالی محاسباتی در موارد مصرح قانونی و در حدود آیین‌نامه‌های تدوین‌یافته با استفاده از اختیارات هیئت‌امانی سازمان معاف شده است.



۲-۲ حدود و ثغور استقلال و نظام نظارتی حاکم

قریب به ۱۵ سال از ادغام سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی می‌گذرد. در این رهگذر، برخی از قوانین و مقررات کشور نیز دستخوش تغییر شده‌اند، که بخشی از آن‌ها بر صلاحیت‌های دستگاه‌های اجرایی و از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی اثرگذار بوده‌اند و به‌عنوان قانون اثرگذار، اثر مستقیم خود را بر تعیین جایگاه حقوقی دستگاه‌های اجرایی برجای گذاشته‌اند. لذا اقتضا دارد سازمان اسناد و کتابخانه ملی به‌ویژه در ماهیت جدید پس از ادغامش، در پرتو تحولات به‌وجود آمده، مورد‌ارزیابی قرارگیرد. به‌جز قانون مدیریت خدمات کشوری، قوانین برنامه پنج‌ساله چهارم و پنجم از آن جمله است. از این‌رو در زیر اثرات این قوانین بر صلاحیت‌های دستگاه به بحث گذاشته شده و مورد‌ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱ عدم الزام به تمکین از قوانین و مقررات عمومی در حدود مصوبات

و آیین‌نامه‌های داخلی

به استناد بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تنفیذ مفاد آن در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و از طرفی با رعایت بندهای الف و ب ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، موضوع صلاحیت‌های هیئت‌امنانی سازمان در بحث تدوین آیین‌نامه‌های مالی و اداری و تشکیلاتی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی با تصویب آیین‌نامه مالی معاملات خاص در سال ۱۳۸۶ نخست از شمول قوانین و مقررات عام مالی محاسباتی در حدود تعیین‌شده معاف و سپس با تصویب آیین‌نامه اداری اعضای غیر هیئت‌علمی نیز از رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری به‌همان ترتیب و در چارچوب مصوبات هیئت‌امنانی خود معاف می‌شود. لازم به ذکر آن‌که سازمان مطابق بند ۴ از چهارمین مصوبه هیئت‌امنا (مصوب مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۸) نیز دارای شصت پست هیئت‌علمی است که اعضای یادشده تحت شمول مقررات آیین‌نامه استخدامی دانشگاه تهران هستند.

با این‌وجود، سازمان در عمل به تکالیف قانونی خود و با استناد به صلاحیت‌های پیش‌گفته، با چالش‌هایی مواجه است. از جمله این چالش‌ها، دشواری‌های استفاده از صلاحیت‌های خویش در زمینه اصلاح تشکیلات سازمانی است. به‌طوری‌که به‌نظر می‌رسد، به‌عنوان یک سازمان بودجه‌گیر، باید تشکیلات اداری خود را، با منطق مدنظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعمال کند. لذا آنچه که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مدنظر دارد، جز رعایت چارچوب‌های تعیین‌شده در قانون مدیریت خدمات کشوری -به‌ویژه در خصوص الزام دستگاه‌های اجرایی به رعایت ماده ۲۹ قانون مدیریت خدمات کشوری در تشکیلات اداری خود- نیست.

ناگفته نماند در بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص شد، در گذشته نیز این مسئله مورد تأیید



هیئت‌امنای سازمان بوده است به‌طوری‌که، هیئت یادشده در اولین مصوبه پس از تأسیس سازمان کتابخانه ملی، تصویب تشکیلات تهیه‌شده توسط کتابخانه ملی به استناد اختیارات قانونی را، منوط به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کرده است.

۲-۲-۲ چارچوب و راهکارهای نظارتی

همچنان‌که اشاره شد، یکی از وظایف هیئت‌امنای کتابخانه ملی، تصویب آیین‌نامه‌های مالی معاملاتی، اداری و تشکیلاتی است (بند ب ماده ۷ قانون اساسنامه). از طرفی مستند به ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و تنفیذ آن در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم، در حدود مقرر در آیین‌نامه‌های مربوط، از رعایت قوانین مالی و محاسباتی عام معاف است. لکن این معافیت، نافی نظارت‌های مالی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط نبوده و کماکان، دیوان محاسبات حسب مقررات، و سازمان بازرسی کل کشور حسب اختیارات قانونی، بر عملکرد مالی دستگاه نظارت کامل دارند. با این وجود این اختیار وجود دارد که، مدیر مالی^۱ دستگاه، با همان اختیارات و وظایف ذی‌حساب از میان کارمندان رسمی دستگاه انتخاب شود. در این صورت، وی در حکم ذی‌حساب موضوع ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی و با همان صلاحیت‌های قانونی مندرج در ماده یادشده عمل کند.

۳- صلاحیت‌های ملی، فراملی و محلی سازمان

مرور قوانین و مقررات و نگاهی به تشکیلات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، حاکی از وجود سه دسته صلاحیت در سه سطح ملی، فراملی و محلی است. نکته قابل‌توجه آنکه صلاحیت‌های محلی هیچ‌یک از این دو بخش، در قوانین آن، یعنی قانون تأسیس سازمان اسناد ملی و قانون اساسنامه کتابخانه ملی پیش‌بینی نشده لکن در طول زمان و برحسب احساس نیاز بدو^۲ در بخش اسناد، از یک مقطع زمانی به بعد، برخی صلاحیت‌های محلی با تأسیس شعباتی از اسناد ملی در چند منطقه اصلی کشور شکل گرفت و پس از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی، در پرتو این ادغام و بنا بر سیاست‌های مسئولان وقت، بخش کتابخانه ملی نیز فعالیت‌هایی را در سطح استان‌های راه‌اندازی شده، آغاز کرد. در خصوص صلاحیت‌های فراملی نیز باید گفت، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نظیر سایر سازمان‌های فرهنگی در سطح جهان، در تبادل اطلاعات و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی فراملی عضویت دارد. این عضویت‌ها، فی‌نفسه، صلاحیت خاصی را ایجاد نمی‌کند لکن سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در برخی موارد، متولی این فعالیت‌های بین‌المللی است که در جای خود توضیحات آن ارائه خواهد شد.

۳-۱ صلاحیت‌های ملی

مهم‌ترین ویژگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ویژگی ملی‌بودن آن است. چه در بخش

۱. مستند موضوع ماده ۴۹ آیین‌نامه مالی معاملاتی مصوب هیئت‌امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی است، که پیوست است.



اسناد ملی که نامش پیش از ادغام با کتابخانه ملی «سازمان اسناد ملی ایران» بود، چه در خصوص کتابخانه، که بدو تأسیس «کتابخانه ملی» نام‌گذاری شد. این واژه خصوصیتی به این نهاد می‌دهد، که آن را از سایر نهادهای مشابه و با وظایف موازی، متمایز می‌سازد. آن‌چنان‌که به‌عنوان یگانه متولی این عرصه، به‌ویژه در وظایف حاکمیتی خویش، همتایی ندارد. واژه ملی در خصوص این سازمان، واجد دو بُعدی است، ملی در برابر هم‌تایان خارجی نظیر کتابخانه‌های ملی و آرشیوهای ملی سایر کشورها و ملی در مقابل محلی که البته تأکیدی بر حاکمیتی بودن وظایف و کارکردهای آن و ناشی از نقش راهبری آن در هدایت سایر نهادهای موازی یا نهادهای متصدی امور مشابه است.

صرف‌نظر از مناقشاتی که در خصوص این واژه مطرح است - که بحث راجع به آن، مجال دیگری را می‌طلبد - تعابیر مختلفی است که از این واژه وجود دارد. واژه ملی^۱ در مفهوم واحدی، دست‌کم در کشور ما ندارد و در عرصه‌های مختلف تعابیر متفاوتی از آن می‌شود. برای مثال: ملی‌کردن در فرهنگ معین به دولتی‌شدن تعبیر شده است حال آنکه در همان زمان دانشگاه ملی در مقابل دانشگاه‌های دولتی قرار داشت. این مسئله در خصوص کتابخانه ملی نیز مصداق دارد. همان‌گونه که در فصول پیشین اشاره شد، در ایران، پیش از تأسیس کتابخانه ملی ایران ما شاهد عناوین مشابه در سایر شهرها بوده‌ایم. مثل کتابخانه ملی رشت، یا کتابخانه ملی تبریز، که دارای ماهیت خصوصی بوده و با وجود تفاوت اساسی در ماهیت حقوقی کتابخانه‌های ملی، به یک نام خوانده می‌شدند.

این مقدمه از آن جهت بیان شد که مشخص شود صرف‌نظر از عنوان، اساساً ماهیت حقوقی و اهداف و وظایف مقرر در اساسنامه، می‌تواند بهترین راهنما در شناخت وضعیت حقوقی یک مؤسسه باشد، از طرفی دست‌کم در ایران کمتر کسی با نقش و کارکرد کتابخانه ملی آشناست و چندان تفاوتی مابین آن و کتابخانه‌های عمومی که صرفاً کارکرد خدماتی در عرصه ارائه خدمات کتابخانه‌ای به اشخاص حقیقی دارند، قائل نیستند.

نمایندگان ملت در بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی بر این باور بوده‌اند، که کارکرد کتابخانه ملی در مقابل سایر کتابخانه‌ها منحصر به فرد است و اهدافش، اساساً آن را از ورود به عرصه امور اجرایی که سایر کتابخانه‌ها به آن می‌پردازند، منع می‌کند. به این ترتیب، با تأکید بر استقرار آن در شهر تهران درصددند تا به کتابخانه ملی نقش راهبری و هدایتگرانه در عرصه امور کتابخانه‌ای داده و آن را از ورود به عرصه‌های اجرایی که سایر کتابخانه‌ها مبتلای آن هستند، باز بدارند.

به عبارت دیگر، قانونگذار بر این باور بوده است که نقش کتابخانه ملی، صرفاً هدایت سایر مراکز اطلاع‌رسانی از جمله کتابخانه‌ها، از طریق تهیه و تولید اسنادها، جمع‌آوری و

1. National



متمم‌گز ساختن کلیه آثار مکتوب و غیرمکتوب، به‌عنوان گنجینه فرهنگی کشور و نیز اشاعه اطلاعات از طریق تولید و عرضه کتاب‌شناسی ملی است. نظر به اینکه کلیه امور یادشده، بسیار هزینه‌بر و گزاف است و علی‌رغم نیاز تمام کتابخانه‌ها به این موضوعات، غالباً آن‌ها، ناتوان در انجام آن هستند، از این‌رو دولت موظف است، نسبت به این امور، اهتمام لازم را داشته باشد که البته این منظور با تخصیص بودجه مناسب از طریق کتابخانه ملی تأمین می‌شود.

در بخش اسناد ملی نیز خواهیم دید که، قانونگذار در وهله نخست، اسناد دولتی را مدنظر دارد و در تعقیب دو هدف است: بدواً به‌منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری، از طریق متمم‌گز کردن اسناد دولتی در سازمانی واحد، بدین‌وسیله مقرر داشته آن‌ها به‌صورت یک‌جا جمع‌آوری شده تا فضاهای اداری دستگاه‌های اجرایی آزاد شود، سپس با ارزشیابی اسناد جمع‌آوری شده، اسناد واجد ارزش ثانویه که شورای اسناد ملی به‌عنوان اسناد ملی شناسایی کرده، برای دسترسی عموم، حفظ و نگهداری شوند. ناگفته نماند که صلاحیت‌های قانونی ذکرشده برای سازمان، هم ایجاد حق و هم ایجاد تکلیف می‌کند. حق، از آن جهت که سازمان حق دارد اسنادی را که چهل سال از عمر مفید آن‌ها گذشته است، از دستگاه‌های مشمول قانون مطالبه کند و تکلیف، از آن لحاظ که دستگاه مشمول نیز، متقابلاً می‌تواند تحویل و تعیین تکلیف اسنادی را که چهل سال از عمر تولید آن‌ها گذشته است را از سازمان بخواهد.

۳-۱-۱ اسناد ملی

اکنون برای آشنایی بیشتر با صلاحیت‌های اختصاصی بخش اسناد ملی، که هم‌اکنون مجموعه فعالیت‌های مربوط به این حوزه، در قالب معاونت اسناد ملی در مجموعه تشکیلات سازمان قرار گرفته است، ناگزیر از تبیین اهداف و وظایف قانونی آن هستیم. برای این منظور، ماده یک قانون تأسیس اسناد ملی، که در واقع علاوه بر اهداف طریق اجرای آن را نیز بیان می‌دارد، مرور می‌کنیم. ماده یک قانون تأسیس اسناد ملی ایران که ناظر بر اهداف آن است چنین مقرر می‌کند:

به‌منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم‌آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و امحا اوراق زائد، سازمانی به‌نام سازمان اسناد ملی ایران وابسته به امور اداری و استخدامی کشور تأسیس می‌گردد.

تبصره: اسناد مذکور در این ماده شامل کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها، نوارهای ضبط‌صوت و سایر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه‌شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و به‌طور مداوم یا غیرمداوم در



تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشد.

همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، این ماده در واقع، ناظر بر دستگاه‌های دولتی است. اگرچه مقصود حفظ اسناد ملی است، اما این مقصود، صرفاً از طریق تمرکز اسناد موجود یا وارده به دولت - که پیش‌تر اداری بوده‌اند اما بعدها واجد ارزش ملی یا تاریخی شده‌اند - تأمین می‌شود و هیچ الزام و تکلیفی خارج از آن، برای اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی ایجاد نمی‌کند و برای حفظ و نگهداری اسناد واجد ارزش ملی که خارج از مصادیق مذکور در این ماده هستند، تمهیدی اندیشیده نشده است.

یکی دیگر از چالش‌های سازمان، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، بحث تفکیک قوا و محدود شدن واژه «دولت» مذکور در این ماده، به یک قوه بوده است. از طرفی، وجود اسناد بی‌شماری که به هر ترتیبی به‌دست مردم رسیده و عدم وجود ضمانت اجرایی کافی در انتقال آن به سازمان، برای حفظ و نگهداری اسنادی که غالباً در شرایط بد فیزیکی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند^۱، یا بعضاً ایجاد واحدهای موازی در سایر دستگاه‌ها برای حفظ اسناد در دستگاه‌های متبوع و عدم انتقال به سازمان اسناد ملی، علی‌رغم صراحت لفظ قانون، حتی تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های نحوه امحای اوراق زائد، که از صلاحیت‌های اختصاصی شورای اسناد ملی است، و خلاصه مواجهه با دستگاه‌هایی که به عناوین مختلف، از تمکین به مقررات این قانون به‌دلیل عدم وجود ضمانت اجرایی کافی قانونی سرباز می‌زنند، از دیگر چالش‌های حقوقی سازمان است^۲.

گذشته از موارد یادشده، با وجود صراحت لفظ قانون تأسیس اسناد ملی در حفظ اسناد ملی، به‌ویژه اسنادی که بعد از، از دست دادن ارزش اولیه خود - به‌عنوان اسناد جاری - با انجام ارزشیابی، واجد ارزش‌های ثانویه‌ای نظیر ارزش تاریخی، ملی، فنی، حقوقی و غیره می‌شوند، طی قوانین برنامه پنج‌ساله نظیر ماده ۱۳۱ از قانون برنامه چهارم توسعه^۳، حفظ و نگهداری سوابق برخی از اوراق و پرونده‌های قضایی که توسط قوه قضائیه ضروری تشخیص داده می‌شود، از طریق تهیه نسخه رقمی و انتقال فیزیکی برخی از آن‌ها که واجد ارزش تاریخی است به سازمان اسناد و کتابخانه ملی، از طریق تدوین آیین‌نامه مشترک با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دادستان کل کشور و تأیید رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی شده است. این ماده در حالی تصویب شد که سال‌ها پیش از تدوین ماده یاد شده، سازمان اسناد ملی طبق وظایف قانونی خود، نسبت به شناسایی و تشخیص اوراق و پرونده‌های قضایی قوه قضائیه اقدام می‌کرد و پرونده‌های قضایی را به سازمان اسناد ملی، جهت اقدامات بعدی منتقل می‌کرد.

۱. متأسفانه علی‌رغم جستجوی زیاد، توفیق دستیابی به مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در بررسی لایحه قانونی تأسیس اسناد ملی، حاصل نشد. شاید از این طریق دامنه شمول قانون شایسته‌تر مورد ارزیابی قرار می‌گرفت.

۲. باوجودی که شورای اسناد ملی یگانه متولی تشخیص اسناد ملی و اوراق زائد و قابل‌امحا در کشور می‌باشد اسنادی در دست است که نشان می‌دهد برخی از دستگاه‌ها بی‌توجه به این مهم اقدام به تدوین مقرراتی در این زمینه کرده‌اند.

۳. ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود: الف- براساس آیین‌نامه‌ای توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آن‌ها ضروری است را با استفاده از فناوری‌های اطلاعات روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آن‌ها اقدام کند مشروط بر آن که حداقل سی‌سال از مدت بایگانی قطعی آن‌ها گذشته باشد ...



که این امر، می‌تواند قرینه‌ای بر عام‌الشمول بودن قوانین اسناد ملی بر قوای حاکمه باشد. به‌علاوه حضور دادستان کل کشور^۱ در ترکیب شورای اسناد ملی، به‌منظور تشخیص ارزش اسناد از جنبه قضائی، تأیید دیگری بر این موضوع می‌تواند قلمداد شود. با این تفاسیر، ضرورت تدوین ماده ۱۳۱ در قانون برنامه چهارم و تنفیذ آن در قانون برنامه پنجم (بند ۳ از قسمت ح ماده ۲۱۱) مشخص نیست که از چه روست.

به‌هرحال، صرف‌نظر از نیت قانونگذار از بازتعریف صلاحیت‌های شورای اسناد ملی در قوانین برنامه‌ای -نظیر ماده ۱۳۱ قانون برنامه سوم توسعه در خصوص نحوه امحای اوراق و پرونده‌های قضایی که قبلاً اشاره شد- به‌نظر می‌رسد صلاحیت‌های قانون تأسیس اسناد ملی ایران، صلاحیت‌های عامی است، که واگذاری ضمنی برخی از این صلاحیت‌ها، به سایر نهادها در قوانین مؤخر، نافی صلاحیت‌های عام سازمان نبوده و این مسئله نمی‌تواند مستمسکی برای عدم تمکین به مقررات و احکام قانونی آن به‌طور کلی تلقی شود.

به‌عبارت‌دیگر، سایر دستگاه‌ها نمی‌توانند به حکم قوانین مؤخری که بخشی از وظایف مربوط به اسناد ملی را به آن‌ها یا سایر نهادها واگذار کرده است کلاً خود را خارج از شمول مقررات عام آن بدانند. در این زمینه به چالش حقوقی با بانک مرکزی در رابطه با مقررات نحوه امحای اوراق زائد اشاره می‌شود.

مقدمتاً لازم به ذکر است که یکی از اهداف قانون تأسیس اسناد ملی به‌جز صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری از طریق تمرکز پرونده‌های راکد و وزارتخانه‌ها، تشخیص ارزش‌های ثانویه این اوراق جهت نگهداری دائمی و در دسترس عموم قرار دادن آن‌هاست. بنابراین اگر به هر دلیلی بخشی از صلاحیت‌های عام قانون تأسیس اسناد ملی، طی قوانین و مقررات در خصوص بخشی از جامعه هدف تخصیص بخورد، صرفاً در همان محدوده، نهاد مذکور می‌تواند صلاحیت‌های خویش را در انجام همان موضوع، اعمال کند و با توجه به اصول مسلم حقوقی، در خصوص صلاحیت‌های اشخاص حقوق عمومی، اقدام در سایر صلاحیت‌های مورد مناقشه، نیازمند تصریح قانونی است لکن در موارد عدم تصریح، به‌نظر می‌رسد می‌باید به حکم عام قانون مقدم عمل شود.

معاونت اسناد ملی ایران در انجام وظایف قانونی خویش با عدم همکاری بانک مرکزی مواجه می‌شود. لکن بانک مرکزی به استناد بند «د» ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱۲ خود را از شمول کلیه قوانین و مقررات عام ناظر بر مؤسسات و وزارتخانه‌ها خارج می‌داند و نظر به اینکه قانون تأسیس اسناد ملی مقدم بر قانون یاد شده می‌باشد، با این استدلال، خود را ملزم به رعایت آن نمی‌داند و به همین استناد، به تدوین آیین‌نامه مدت و طرز نگهداری اوراق بازرگانی، اسناد و دفاتر بانک‌ها، مبادرت کرده است. این در حالی است

۱. ماده ۴ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب سال ۱۳۴۹.



که شورای اسناد ملی ایران به عنوان یگانه نهاد متولی تشخیص و تعیین اسناد ملی یا امحای اوراق زائد دولتی، با ترکیب عضوی مشخص، از طریق سازوکار مندرج در آیین نامه های مربوط به تعیین مدت عمر اسناد بوده و تشخیص اسناد ملی، از لایه لای اسناد منتقله یا از طریق ارزشیابی بر اساس مفاد مقررات تدوین یافته توسط همین شورا، از صلاحیت های ویژه آن است. که این بخش از صلاحیت ها، با عملکرد نهاد یادشده، مخدوش شده است. کما اینکه در استدلالات حقوقی، بانک مرکزی اسناد مورد مناقشه را علی الاصول فاقد ارزش آرشیوی پنداشته است. در حالی که این تشخیص، منحصرأ جزو صلاحیت های ذاتی شورای اسناد ملی است.

همین گونه سایر نهادهای بخش عمومی حتی دولتی که به بهانه هایی از این دست، از تمکین به مقررات آن سرباز می زنند. نظیر شرکت ایران خودرو که پس از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوصی سازی شرکت های دولتی با کاهش سهام دولتی از وصف دولتی خارج شده و با تمسک به این دست تفاسیر حاضر به همکاری با سازمان نیستند در حالی که قطعاً بسیاری از این مؤسسات، واجد اسناد با ارزش بالای آرشیوی هستند که می توانند محل مراجعه عموم باشند. عنایت به موارد مذکور ضرورت بازنگری قوانین در تعیین دامنه شمول آن را اجتناب ناپذیر می کند زیرا صدور بخشنامه هایی در این زمینه از بدو تأسیس سازمان اسناد ملی تاکنون، چندان کارساز نبوده و به دلیل عدم وجود ضمانت اجرای کافی بلااثر مانده اند. حتی رئیس قوه مقننه^۱ باوری براین قانون نداشته و طی مکاتبه با بخش اسناد ملی سازمان، خواستار استرداد آن بخش از اسنادش شده که قبلاً از طریق اجرای مفاد قانون تأسیس اسناد ملی به این سازمان واگذار شده است و به نظر می رسد این موضوع را با تفسیرش از واژه «دولت» مذکور در ماده یک قانون تأسیس سازمان اسناد ملی، توجیه کرده باشد. حال آنکه توجه به فلسفه ایجاد چنین سازمانی و اهداف مقرر در آن، کاملاً با این طرز عمل سایر قوا در مغایرت است. کما اینکه بنا به ماده ۸ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی، صرفاً وزارت جنگ از شمول مقررات این قانون خارج است.

از طرفی، نظر به ترکیب اعضای شورای اسناد ملی و حضور اعضای فراقوه ای نظیر دادستان کل کشور یا دادستان دیوان محاسبات، می تواند به جهاتی تقویت کننده و مؤید این نظر باشد که مقصود از دولت مذکور در ماده یک این قانون، در واقع، دولت در مفهوم «حاکمیت» بوده و همچنین توجه به اولین مصوبه شورای مذکور (۱۳۵۰/۰۳/۱۰) و مباحث مطروحه در زمینه تسری دامنه شمول قانون به اسناد ملی در دست مردم و نگرانی اعضای شورا از عدم تصریح قانون در این خصوص، حاوی این پیام است که قدر متیقن آن است که نظر مؤسسان سازمان و قانونگذار، بر عام الشمول بودن مقررات بر دستگاه های حاکمیتی

۱. متن مکاتبه به پیوست است.



بوده است. ناگفته نماند بخشنامه‌های متعددی در زمینه الزام دستگاه‌ها به تمکین از قوانین و مقررات سازمان اسناد ملی وجود دارد که به‌نظر می‌رسد، به‌دلیل نداشتن ضمانت اجرایی، کافی به مقصود نبوده‌اند (معاونت اسناد ملی، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

۳-۱-۲ کتابخانه ملی

در حال حاضر صلاحیت‌های کتابخانه ملی، تحت معاونتی با همین نام اعمال می‌شود. لکن برای مرور آن، ضروری است قانون اساسنامه کتابخانه ملی بررسی شود تا وظایف و کارکردهای بخش کتابخانه ملی احصاء شود. آنچه که در مورد صلاحیت‌های بخش معاونت کتابخانه ملی حائز اهمیت است، مصوبات هیئت‌امناست. زیرا بسیاری از اقدامات و فعالیت‌های کتابخانه ملی علاوه بر قانون، ناشی از تصمیمات و مصوبات هیئت مذکور بوده است. لذا در بررسی صلاحیت‌ها، ناگزیر از مراجعه به برخی از این مصوبات هستیم. اگرچه پس از ادغام، صلاحیت هیئت یادشده فراگیر شده و این نهاد می‌تواند برای بخش اسناد ملی نیز تصمیم‌گیری کند. لکن در اینجا مقصود آن قسم از صلاحیت‌هایی است که، پیش از ادغام با سازمان اسناد ملی، از طریق مصوبات هیئت‌امنا شکل گرفته است. نیز تفاهم‌نامه‌هایی که بین کتابخانه ملی و سایر نهادها منعقد شده و طی آن صلاحیت‌های کتابخانه ملی گسترش یافته است.

مطابق ماده ۳ قانون کتابخانه ملی، از صلاحیت‌های این نهاد، گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب در ایران یا متعلق به ایرانیان خارج از کشور و یا پیرامون ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، خصوصاً انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، و نیز آثار مکتوب و غیرمکتوب علمی، فرهنگی و فنی از کشورهای دیگر است. همچنین پژوهش و برنامه‌ریزی علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی، مشاوره، نظارت، هدایت، ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و سازماندهی کتابخانه‌های کشور و ارائه روش‌های مطلوب به‌منظور هماهنگ‌کردن خدمات و فعالیت‌های کتابخانه‌های عمومی و تخصصی برای تسهیل مبادله اطلاعات از دیگر وظایف آن است. این وظایف که تحت‌عنوان «اهداف» و در هفت بند ذیل ماده ۳ قانون اساسنامه کتابخانه ملی تدوین یافته تقریباً مشتمل بر تمام وظایفی است که اغلب کتابخانه‌های ملی دنیا به آن می‌پردازند.

همان‌گونه که در صدر مطالب اشاره شده برخی از صلاحیت‌ها نیز ناشی از مصوبات هیئت‌امنا یا تفاهم‌نامه‌هایی است که در حدود صلاحیت طرفین آن بین کتابخانه ملی و سایر نهادها تنظیم یافته و وظایف جدیدی را به سازمان محول کرده است. از آن جمله وظیفه فراهم‌آوری و حفظ و نگهداری همه نسخه‌هایی است که توسط انتشارات کشور تولید و منتشر می‌شوند که تقریباً تمام کتابخانه‌های ملی دنیا در حکم یک «کتابخانه واسپاری» به این امر مبادرت می‌ورزند و کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و این همان چیزی است که



تحت عنوان قانون واسپاری جزو صلاحیت‌های فعلی کتابخانه ملی شناخته شده است. البته این صلاحیت به طور مستقیم به کتابخانه ملی واگذار نشده است، بدواً طی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان کامل «الزام ناشران به تحویل تعدادی نسخ رایگان انتشارات جهت وزارت فرهنگ» (مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵)، این موضوع در صلاحیت وزارتخانه یادشده قرار گرفت، سپس این وظیفه به کتابخانه ملی محول شد. در بررسی‌های به عمل آمده پس از جست‌وجوی بسیار، سندی دال بر نحوه واگذاری این صلاحیت یافت نشد، لکن طی تحقیقاتی که به عمل آمد، به نظر می‌رسد این فعالیت با ادغام سازمان مدارک فرهنگی در کتابخانه ملی شکل گرفته است، از آنجا که سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی از سازمان‌های تابعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، سازمان اخیرالذکر مجری واسپاری بوده است که با ادغام در کتابخانه ملی عین این وظیفه به کتابخانه ملی محول می‌شود.

یکی دیگر از صلاحیت‌های سازمان به‌ویژه در راستای حفظ و صیانت از کتب و آثار خطی نادر به موجب بند «ط» از ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، تهیه آمار کتب خطی و نادر موجود در ایران است که بحث‌های زیادی در خصوص سازوکار اجرایی این بند در مجلس در زمان بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی مطرح می‌شود که در نهایت این بند به تصویب می‌رسد، لکن سازوکار آن در اولین جلسه هیئت‌امنای سازمان به ترتیب ذیل پیش‌بینی شده است:

در اولین جلسه هیئت‌امنای کتابخانه مورخ ۶۹/۱۲/۱۶ مطابق بند الف از مصوبه ۲ در راستای سیاست‌گذاری و خط‌مشی سازمان در گردآوری کلیه آثار مکتوب چاپی و خطی به‌ویژه در اجرای بند «ط» ماده ۷ اساسنامه و عطف به نظریه شماره ۶۹/۷۱۱/م مورخ ۶۹/۲/۲۶ قوه قضائیه مبنی بر میراث ملی شناخته‌شدن نسخ خطی در حیطه مالکیت اشخاص حقیقی و منع هر نوع معامله، جابه‌جایی، تغییر و تصرف در آن بدون جلب موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف شدند، اظهارنامه نسخ خطی تحت تملک خود را، به صورت یک دوره ریزفیلم کامل از تمام صفحات و جلد کتاب، به کتابخانه ملی داده و شماره ثبت و پروانه مخصوص دریافت کنند. هرگونه تغییر و جابه‌جایی در مالکیت نسخ یادشده منوط به تهیه آیین‌نامه اجرایی این بند می‌شود. علی‌رغم جست‌وجوی فراوان توفیقی در دستیابی به مستندات این موضوع حاصل نشد و اینکه آیا تاکنون به آن عمل شده است یا نه نیز، اطلاعاتی واصل نشد.

۱-۲ صلاحیت‌های فراملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حال حاضر عضو مجامع بین‌المللی متعددی در حوزه

علوم کتابداری و آرشیوی است که عمر عضویت در برخی از این مجامع، به سال‌های پیش از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی می‌رسد و برخی دیگر نیز مربوط به سال‌های اخیر، یعنی سال‌های پس از ادغام این دو نهاد است. از این‌رو علاوه بر تفکیک بخش اسناد و کتابخانه در زمینه معرفی سازمان‌های مربوط به هر حوزه، عنوانی نیز تحت‌نام «سایر صلاحیت‌های فراملی» به این بند افزوده می‌شود. البته تصویب شرکت نمایندگان سازمان در جلسات، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و یا همکاری‌های بین‌المللی و بین‌دولتی و منطقه‌ای بر اساس بند «ه» از ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی از صلاحیت‌های هیئت‌امناست. این نهادها که اختصاصاً مربوط به این سازمان است، به شرح ذیل هستند:

۳-۲-۱ اسناد ملی

الف- شورای جهانی آرشیو ایکا^۱

این شورا در ماه می ۱۹۴۸، به‌منظور تأسیس سازمانی جهانی برای متخصصان آرشیو به‌وجود آمد. نخستین کنگره آن در پاریس در سال ۱۹۵۰ برگزار شد. هدف از ایجاد ایکا، بهبود استانداردهای جهانی مدیریت آرشیو و پیشبرد نظریه‌های آن است. شورا، به برقراری ارتباط حرفه‌ای میان مؤسسات و سازمان‌های آرشیوی به‌منظور تبادل اندیشه‌ها و اطلاعات، حل مشکلات آرشیوی، اطمینان از حفاظت مادی میراث آرشیو بشر و حمایت از توسعه آرشیو و آموزش آن کمک می‌کند. آن‌گونه که از انتشارات و گردهمایی‌ها برمی‌آید، مباحث و مسائل مطرح در مجامع بین‌المللی آرشیو عبارتند از: (۱) سازماندهی محتوایی اسناد، (۲) حفاظت، (۳) تکثیر در ابعاد ریز، (۴) دستیابی به آرشیوها، (۵) پیشرفت‌های فناوریانه در ایجاد، کنترل و حفاظت آرشیوها. برنامه‌های شورا که از اهداف آن نشأت می‌گیرند، توسط کنگره‌ها، بخش‌ها، شعبه‌های منطقه‌ای، کمیته‌های دائمی و موقتی، گروه‌های کاری و دبیرخانه ایکا اجرا می‌شود. اعضای ایکا عبارتند از: سازمان‌های آرشیو بخش عمومی در سطوح بین‌المللی، ملی، و فراملی (گروه A)، انجمن‌های حرفه‌ای (گروه B)، مؤسسات ایالتی، محلی و خصوصی (گروه C)، افراد (گروه D) و عضوهای افتخاری (گروه E). بر این اساس، گردانندگان ایکا مجمع عمومی، کمیته اجرایی و دفتر شورا هستند. مجمع عمومی برای هدایت فعالیت‌های کاری شورا، انتخاب مسئولان، صدور قطعنامه‌ها و ارائه توصیه‌نامه در باب منافع حرفه‌ای جامعه جهانی آرشیودارها، هر چهار سال یک‌بار در خلال کنگره‌های بین‌المللی آرشیوها تشکیل می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

ب- شورای جهانی آرشیو شعبه جنوب و غرب آسیا (سواریکا)^۲

بر اساس ماده ۱۰ اساسنامه شورای جهانی آرشیو (ایکا)، کشورهای غیراروپایی در یک منطقه جغرافیایی با فرهنگ مشترک یا مشابه مجازند، دارای شعبه‌های منطقه‌ای آرشیو باشند.

1. International Council on Archives (ICA)

2. South and West Asian Regional Branch of the International Council on Archives (SWARBICA)



بدین ترتیب، شعبه منطقه‌ای شورای جهانی آرشیو در جنوب و غرب آسیا متشکل از کشورهای هند، پاکستان، ایران، نپال، بنگلادش، سری‌لانکا و مالدیو به‌وجود آمد. هدف از تشکیل این شعبه برقراری و استحکام رابطه بین آرشیوهای کشورهای عضو، اقدام برای بهبود وضعیت حفظ و نگهداری مجموعه‌های اسناد و میراث آرشیوی و توسعه مدیریت اسناد و آرشیو در منطقه، با توجه به اهداف کلی شورای جهانی آرشیو است. عضویت در سواریکا منحصر به کشورهای «جنوب و غرب آسیا» است. اعضای رسمی، یعنی رؤسا یا مدیران آرشیوهای کشورهای عضو، رؤسای مؤسسات آرشیوی که با اسناد سر و کار دارند، اعضای مستقل، آرشیوهای حرفه‌ای و کارشناسان علوم آرشیوی و اعضای افتخاری که به نحوی خدمت برجسته‌ای در زمینه آرشیو انجام داده‌اند، می‌توانند به عضویت سواریکا درآیند ولی در رأی‌گیری‌ها، فقط «رؤسای آرشیوهای ملی» حق رأی دارند (عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۳۱-۳۵).

۳-۲-۲ کتابخانه ملی

الف- فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)^۱

ایفلا، فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)، ارگانی مستقل، غیردولتی، بین‌المللی و غیرانتفاعی است. هدف ایفلا ارتقاء تفاهم بین‌المللی، همکاری، گفت‌و شنود، پژوهش و توسعه در همه زمینه‌های کتابداری از جمله کتاب‌شناسی، خدمات اطلاع‌رسانی، و آموزش کارکنان و ایجاد تشکیلاتی است که از طریق آن بتوان جنبه‌های بین‌المللی کتابداری را ارائه کرد. در جهت دستیابی به این اهداف، فدراسیون در مورد فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که مناسب و مطلوب تشخیص داده شود تصمیم‌گیری می‌کند. این فعالیت‌ها عبارتند از: حمایت و هماهنگ کردن مطالعات و پژوهش‌ها، گردآوری، بررسی، انتشار و اشاعه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های کتابداری، تهیه کتاب‌شناسی اطلاعات و آموزش، سازماندهی و برگزاری همایش‌های تخصصی، همکاری با مؤسسات بین‌المللی در زمینه اطلاع‌رسانی، سندپردازی و آرشیوداری و ایجاد دفاتری برای انجام وظایف مشخص، در عنوان ایفلا علاوه بر واژه انجمن‌ها، واژه مؤسسات نیز حضور دارد که شامل کتابخانه‌ها، مدارس کتابداری و مؤسسات کتاب‌شناختی است. زبان رسمی ایفلا، انگلیسی، فرانسوی، روسی، آلمانی و اسپانیولی است. در همایش‌ها و جلسات عمومی متن سخنرانی به یکی از این زبان‌ها ایراد می‌شود و ترجمه هم‌زمان آن به زبان‌های دیگر انجام می‌گیرد.

فکر ایجاد سازمانی بین‌المللی در حوزه کتابداری در سال ۱۹۲۶، در همایشی مطرح شد که به مناسبت سالگرد انجمن کتابداران آمریکا در آتلانتا و فیلادلفیا برگزار گردید. اساسنامه ایفلا در نخستین کنگره جهانی کتابداری و کتاب‌شناسی در رم در سال ۱۹۲۹ تهیه شد. در ابتدا ایفلا عمدتاً محل دیدار کتابداران مهم اروپایی و آمریکایی بود و تا مدت‌ها نیز همین وضع

1. International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA)



ادامه داشت. نخستین اجلاس ایفلا پس از جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۷ در اسلو با کمک مالی بنیاد راکفلر و با حضور ۵۲ نماینده از ۱۸ کشور برگزار شد که مهم‌ترین دستاورد آن امضای توافقنامه همکاری میان ایفلا و یونسکو و نیز پذیرفته‌شدن ساختار بین‌المللی فهرست برگه‌ها بود. مقر اصلی ایفلا کتابخانه سلطنتی در شهر لاهه است. ایفلا دارای هشت شاخه اصلی به شرح زیر است:

- شاخه کتابخانه‌های پژوهشی عمومی اعم از ملی، دانشگاهی و پارلمانی؛
 - شاخه کتابخانه‌های تخصصی؛
 - شاخه کتابخانه‌های عمومی که بخش‌های کتابخانه‌های نابینایان، کودکان، آموزشگاهی و سیار در آن قرار می‌گیرند؛
 - شاخه کنترل کتاب‌شناختی اعم از کتاب‌شناسی، فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی؛
 - شاخه مجموعه‌سازی و خدمات عمومی؛
 - شاخه مدیریت و فناوری اطلاعات؛
 - شاخه آموزش و پرورش؛
 - شاخه فعالیت‌های منطقه‌ای.
- زبان رسمی ایفلا، انگلیسی، فرانسوی، روسی، آلمانی و اسپانیولی است. در همایش‌ها و جلسات عمومی متن سخنرانی به یکی از این زبان‌ها ایراد می‌شود و ترجمه هم زمان آن به زبان‌های دیگر انجام می‌گیرد (نشاط، ۱۳۸۵).

ب- کنگره کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی مسلمان (کاملیس)^۱

کاملیس همان‌گونه که از نام آن پیداست، یک مجمع بین‌المللی کتابداری و اطلاع‌رسانی ویژه کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان است که قصد دارد هرچند سال یک‌بار متخصصان اسلامی این دو رشته را از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای مسلمان فراخوانده و در یک محل برای بحث و بررسی مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی خود گرد هم آورد. این سازمان بین‌المللی هر چند از نظر نام با فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا) و فدراسیون بین‌المللی اطلاع‌رسانی و اسناد (فید) مشترکاتی دارد ولی از نظر سابقه و استحکام هنوز در آغاز راه است و در محدوده کوچک‌تری در مقایسه با آن دو فدراسیون عمل کرده و شدیداً به تقویت و مساعدت نیاز دارد. سابقه تشکیل این سازمان به شهریورماه ۱۳۶۱، سپتامبر ۱۹۸۲ باز می‌گردد. در این زمان اولین اجلاس بین‌المللی کاملیس با پشتیبانی انجمن دانشمندان مسلمان علوم اجتماعی، مؤسسه اندیشه اسلامی در واشنگتن و دیگر سازمان‌های اسلامی توسط تعدادی از دانشجویان مسلمان کتابداری و با حضور تعدادی شرکت‌کننده از

1. International Congress
of Muslim Librarians &
Information Scientists
(Comlice)



کشورهای جهان در ایالت ایندیانا در ایالات متحده امریکا تشکیل شد. از اهداف کاملیس که در اجلاس دوم و سوم اعلام شد، موارد ذیل را می‌توان نام برد:

- تحقیق و بررسی در وضع موجود خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی و چگونگی دستیابی به اطلاعات برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فنی این کشورها؛
- راه‌اندازی طرحهای عملی و برنامه‌های مناسب برای تحول مدیریت منابع اطلاعات و مفیدتر کردن این منابع در جهت فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین منطقه‌ای در جهان اسلام؛

- برپایی کنگره کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی مسلمان به‌عنوان یک مجمع رسمی به‌منظور تبادل نظر در زمینه مسائل تخصصی کتابداری و اطلاع‌رسانی؛
- ایجاد ارتباط و همکاری بین مسلمانان جهان (متخصصان مسلمان) در زمینه مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی و طبقه‌بندی و ارائه اسناد و مانند آن‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و جهان و ارتباط حرفه‌ای با سراسر جهان؛
- همکاری برای تعیین اصول، قواعد و سیاست‌های حاکم بر تحقیقات اسلامی، فنون کتابداری، خدمات اطلاع‌رسانی و فعالیت‌های مرتبط؛ مانند طبقه‌بندی موضوعات اسلامی، اصول فهرست‌نویسی نام‌های اسلامی و سرعنوان‌های موضوعی عناوین اسلامی (طاهری، ۱۳۸۵).

ج- شاپا (ISSN) شاپک (ISBN)^۲

شاپا یا شماره استاندارد بین‌المللی پیاپی‌ها یک شماره هشت‌رقمی منحصر به فردی است که برای مشخص کردن یک نشریه دوره‌ای چاپی یا الکترونیکی به کار می‌رود. این استاندارد توسط سازمان بین‌المللی استانداردسازی تحت نام ایزو ۳۲۹۷ در سال ۱۹۷۵ تبیین شده است. کدهای ISSN از جانب شبکه‌های مراکزی بین‌المللی که غالب آن‌ها در کتابخانه‌های ملی کشورهای مختلف قرار دارند تعیین می‌شوند. سازمان استاندارد بین‌المللی ISSN یک سازمان نیمه‌دولتی است که در سال ۱۹۷۴ با امضای یک موافقت‌نامه بین یونسکو و دولت فرانسه تأسیس شده است و همچنین مقر اصلی این سازمان در پاریس می‌باشد. این سازمان وظیفه حفظ و نگهداری و همچنین گسترش کدهای نوع ISSN را بر عهده دارد (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱).

شاپک یا شماره استاندارد بین‌المللی کتاب است که دارای شماره ۱۰ رقمی منحصر به فردی است که برای مشخص کردن کتاب به کار می‌رود. این دو شماره استاندارد بین‌المللی دو نوع نظام رمزگذاری در مفهوم یکی هستند ولی کدهای شاپک (ISBN) فقط برای کتاب تخصیص

1. International Standard Serial Number
2. International Standard Book Number



می‌شوند در حالی که ISSN بیشتر برای نشریه‌هایی که دوره‌ای و خاص هستند تخصیص می‌یابد. برخلاف شابک ISSN نامی «مستعار» است که برای نشریه عنوان، محتویات و موضوعیت مطالب و یا ناشر و محل انتشارهای دوره‌ای گسترش داده می‌شود. ISBN در ایران توسط خانه کتاب که تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است صادر می‌شود و کتابخانه ملی صرفاً متولی صدور ISSN است (مطلبی، ۱۳۸۵).

۳-۲-۳ سایر نهادهای بین‌المللی پس از ادغام

الف - حافظه جهانی

کمیته ملی حافظه جهانی، یکی از کمیته‌های کمیسیون ملی یونسکو در ایران است که دبیرخانه آن در سال ۱۳۸۴ ش. در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. بر اساس دستورالعمل اجرایی، در حال حاضر این کمیته پانزده عضو دارد که هشت نفر از اعضای آن حقوقی و نمایندگان صاحب‌نظر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان صدا و سیما، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران و کمیسیون ملی یونسکو هستند و هفت نفر عضو حقیقی دارد که صاحب‌نظران و متخصصان میراث مستند هستند. همچنین ریاست کمیته با رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است. برای معرفی هر اثر، ابتدا برگ پیشنهاد ثبت - که بر اساس پرسش‌نامه رسمی یونسکو تنظیم شده - تکمیل و پس از بررسی اولیه و احراز شرایط، به گروه ارزیابی کمیته ملی حافظه جهانی ارسال می‌شود. این کمیته نیز در مرحله نخست، آثار واجد شرایط را به ثبت ملی حافظه جهانی می‌رساند و از بین آثار برای هر دوره، دو اثر را برای ثبت در حافظه جهانی معرفی می‌کند. این آثار، از طریق کمیسیون ملی یونسکو در ایران به برنامه حافظه جهانی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ارسال می‌شود (ادموندسون، ۱۳۸۹، ص ۲-۳).

ب - اتحادیه بین‌المللی رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو

اتحادیه بین‌المللی رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو، یک نهاد منطقه‌ای است، که بر پایه اهداف مندرج در اساسنامه سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) و بنا به پیشنهاد رئیس وقت کتابخانه ملی ایران در دهه ۸۰ ش. تأسیس یافت. این نهاد، همکاری خود را در راستای اهداف فرهنگی سازمان آغاز کرده و دبیرخانه دائمی آن ایران و در کتابخانه ملی است.^۱

۱. برگرفته از وبگاه کتابخانه ملی به نشانی
<http://www.nlai.ir/Default.aspx?tabid=1171>
مورخ 5/10/93.



۳-۳ صلاحیت‌های محلی

در حال حاضر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، دارای مدیریت‌های استانی است که به نمایندگی از حوزه ستادی در سطح استان‌های مربوط مشغول به فعالیت هستند. سابقه برخی از این مدیریت‌ها، به بیش از دو دهه می‌رسد و سابقه برخی دیگر نیز به یک‌سال نمی‌رسد. سیاست سازمان در گسترش واحدهای خارج از حوزه ستادی در طول زمان متغیر بوده است و کماکان بحث‌های جدی راجع به نحوه مدیریت، جایگاه حقوقی و صلاحیت‌های آن‌ها، نحوه جذب اعتبارات و جذب نیرو وجود دارد. اما آنچه که در پژوهش حاضر حائز اهمیت است، بررسی مبانی قانونی ایجاد این مراکز است. مراجعه به قوانین سازمان یعنی قانون تأسیس سازمان اسناد ملی و نیز همچنین قانون اساسنامه کتابخانه ملی کمک چندانی در یافتن مبانی قانونی تأسیس مراکز استانی نکرد. کماینکه مطالعه مشروح مذاکرات مجلس در زمان بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی واقعیت‌هایی را در این زمینه آشکار می‌سازد که در بخش کتابخانه ملی ذیل همین بند به آن پرداخته می‌شود:

۱- اسناد ملی

سابقه راهاندازی مراکز استانی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی به پیش از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی باز می‌گردد. این مراکز با هدف اجتناب از تمرکز اسناد منطقه‌ای در مرکز و ایجاد تسهیلات برای پژوهشگران و محققان، همچنین جمع‌آوری و ساماندهی اسناد بومی، در ۵ منطقه اصلی مجوز تأسیس گرفتند.^۱ واحدهای آرشیوی استانی با وظایف کلی سازمانی ایجاد شدند که از نظر تشکیلاتی این واحدها مستقیماً زیر نظر ریاست سازمان اسناد ملی ایران انجام وظیفه می‌کردند. بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده، به‌نظر می‌رسد این مدیریت‌ها در آغاز راه، طبق مجوز صادره از سوی سازمان امور اداری و استخدامی، راهاندازی شده‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها برحسب زمان تأسیس عبارتند از:

- آرشيو منطقه‌ای شمال غرب کشور با مرکزیت تبریز (۱۳۷۱)؛
- آرشيو منطقه‌ای غرب کشور با مرکزیت همدان (۱۳۷۱)؛
- آرشيو منطقه‌ای جنوب شرق کشور با مرکزیت کرمان (۱۳۷۲)؛
- آرشيو منطقه‌ای منطقه مرکز کشور با مرکزیت اصفهان (۱۳۷۵)؛
- آرشيو منطقه‌ای شمال شرق کشور با مرکزیت خراسان (مجوز صادره دهه هفتاد، راه‌اندازی در سال ۱۳۹۱).

استان‌های دیگری نیز در این میان تا زمان ادغام با کتابخانه ملی تأسیس یافتند که البته فاقد مجوز سازمان مدیریت بودند و این، به دلیل رویکرد قوانین برنامه‌های پنج‌ساله مبتنی بر

۱. مجوز تأسیس آن‌ها درسازمان اسناد و کتابخانه ملی موجود است.



کوچک‌سازی بدنه دولت و جلوگیری از تعریض تشکیلات دولتی بود. به هر روی، در مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۰ هیئت‌امانی کتابخانه ملی با استفاده از اختیارات حاصله از بند «ب» ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، بر معضل قانونی یادشده، فائق آمد. بدین معنا، که به سازمان اجازه داد، تا پایان سال ۱۳۹۲ نسبت به راه‌اندازی نمایندگی‌های خود در استان‌های گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، زنجان، کردستان، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، آذربایجان غربی، ایلام، مرکزی، قم، البرز، هرمزگان، قزوین، کرمانشاه، و لرستان اقدام کند.^۱

اگرچه در قانون تأسیس اسناد ملی ایران، اشاره‌ای به فعالیت در سایر مناطق کشور نشده، لکن فرایند اجرایی عمل به وظایف سازمان، فعالیت در سطح منطقه‌ای یا نقاط مهم کشور، به‌ویژه از لحاظ پراکندگی اداری و تمرکز اسناد دولتی، این اقتضا را دارد که مراکز با هدف هماهنگی در اجرای این وظایف، ایجاد شوند. کماینکه در هشتمین جلسه شورای اسناد ملی به تاریخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ در خصوص نحوه امحای اوراق زائد شهرستان‌ها و نقاطی که فاقد کارخانه مقواسازی هستند، نسبت به امحای اوراق به نحو دیگر از قبیل سوزاندن، تصمیم‌گیری می‌شود^۲ و این موضوع نشان می‌دهد که فرایند اجرایی در عمل به وظایف سازمان و مآلاً فرایند نظارت بر آن وظایف، سازوکار مناسب می‌طلبد، که این سازوکار از طریق تأسیس آرشیوهای منطقه‌ای در آن مقاطع زمانی تأمین گشته است.

۲- کتابخانه ملی

بر اساس مفاد ماده یک قانون اساسنامه کتابخانه ملی این نهاد زیرنظر مستقیم ریاست‌جمهوری اداره می‌شود و محل آن تهران است. با مطالعه مشروح مذاکرات مجلس در هنگام بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی، به‌نظر می‌رسد آنچه که سبب می‌شود بر مقر کتابخانه ملی در شهر تهران تأکید شود، اصرار بر یگانه‌بودن این نهاد و اجتناب از سوق‌دادن تشکیلات کتابخانه ملی، به‌سوی امور اجرایی است.^۳ از این‌رو پس از بحث و تبادل نظر نمایندگان، ماده یک قانون به شرح فوق به‌تصویب می‌رسد.

پس از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی، همان‌گونه که در گفتار اول همین فصل اشاره شد، مصوبه شماره ۱۳۳۸۲/۱۰/۱۹۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ با تأکید بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی تدوین یافت. حال این سؤال مطرح می‌شود آیا بین صلاحیت‌های کتابخانه ملی و اسناد ملی در این وضعیت، تعارضی حاصل می‌شود در این‌صورت به چه وضعیتی باید رفع تعارض کرد. آیا باید صلاحیت‌های کتابخانه ملی به استناد صلاحیت‌های اجرایی اسناد ملی در سطح کشور گسترش یابد یا صلاحیت‌های محلی اسناد ملی به تبعیت از قانون اساسنامه

۱. مصوبه شماره ۲۲۴۵/۹۰/ص مورخ ۹۰/۵/۱۰ هیئت‌امانی سازمان متن مصوبه پیوست است.
۲. صورتجلسه شماره ۸ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ شورای اسناد ملی که متن آن پیوست است.
۳. مشروح مذاکرات مجلس موضوع بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی.



کتابخانه ملی محدود شود.

پاسخ به این سؤالات از جهات بسیاری حائز اهمیت است زیرا هم‌اکنون سازمان در برنامه‌های خود به لحاظ تشکیلات اداری و سطوح مدیریتی مراکز استانی، بودجه، نیرو و جذب اعتبارات استانی دچار چالش است. مضافاً آنکه بخشی از فعالیت‌های معاونت کتابخانه ملی نیز در راستای عدم تراکم به مراکز استانی محول شده است و این مسئله مناقشاتی را مطرح ساخته است.

برخی از کارشناسان و به استناد تأکید قانونی به استقرار محل کتابخانه ملی در شهر تهران، فعالیت‌های حوزه کتابخانه ملی خارج از محدوده تعیین‌شده در شهر تهران را فاقد وجاهت قانونی می‌پندارند و برخی دیگر نیز گسترش صلاحیت حوزه کتابخانه ملی به واسطه وضعیت جدید پس از ادغام با سازمان اسناد ملی را کاملاً منطبق با قانون می‌دانند. برخی نیز با مطالعات تطبیقی به طرز عمل سایر کتابخانه‌ها و آرشیوهای ملی در این زمینه استناد می‌کنند که ورود به این موضوع خارج از چارچوب پژوهش حاضر است.

صرف‌نظر از مناقشات موجود، علی‌رغم آنکه نمایندگان محترم بر حاکمیتی بودن اهداف و وظایف کتابخانه ملی تأکید داشته‌اند، به‌نظر می‌رسد کتابخانه ملی نیز در عرصه عمل به تکالیف قانونی خود، ناگزیر از ورود به عرصه اجرایی است. که این موضوع سازوکار مناسبی را می‌طلبد. همان‌گونه که در خصوص اسناد ملی و آرشیوهای منطقه‌ای مطرح شد، تأسیس واحدهای استانی، می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد و این مسئله منافاتی با حاکمیتی بودن وظایف کتابخانه ملی ندارد زیرا این عمل، در راستای تراکم‌زدایی صورت می‌پذیرد نه تمرکززایی. یعنی کتابخانه ملی در تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری همچنان متمرکز عمل می‌کند لکن بخشی از وظایف اجرایی را به واحدهای استانی تفویض می‌کند. که البته این عمل می‌تواند به لحاظ تعریض تشکیلات دولت موردنقد قرار گیرد.

منابع

- ادموندسون، ری (۱۳۸۹). *حافظه جهانی رهنمودهای یونسکو برای حفاظت از میراث مستند*، ترجمه: کمیته حافظه جهانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ریاست‌جمهوری (۱۳۸۹). *راهنمای سامانه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران*. تهیه و تدوین: مهدی نیک‌نژاد، امیر هوشنگ ملکیان، حسین اخباری، امیر حسین محمدی. تهران: ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، اداره چاپ و انتشار.
- سلطانی، پوری؛ فروردین، راستین. (۱۳۷۹). *شاپا. دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی ذیل: شماره استاندارد بین‌المللی پیابندها*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.



- شاکری مطلق، محبوبه (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه‌های ملی کانادا و استرالیا. رساله کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- طاهری، طاهره (۱۳۸۵). کاملیس. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی ج ۲. ذیل واژه کاملیس تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- عزیزی، غلامرضا (۱۳۸۸). *سورای جهانی آرشیو شاخه جنوب و غرب آسیا*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
- کاشانی، محمود (۱۳۹۳). لایحه برنامه پنجم قابل طرح در مجلس نیست. سایت خبری خبرآنلاین ۹ اسفند.
- مرادی، نورالله (۱۳۹۲) پاسخ دکتر نورالله مرادی نکاتی درباره ادغام کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی: پاسخ به استاد کاوه بیات (۱۳۹۲) / *نیزنا*. ۲۱ اسفند کد مطلب ۱۴۳۶۷
- مطلبی، داریوش. (۱۳۸۵). شابک. *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی ج ۲ ذیل واژه شابک*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- معاونت اسناد ملی، (۱۳۹۱). *مجموعه قوانین و مقررات اسناد ملی ایران*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- میرمحمدی، محمد (۱۳۹۲). تحلیل کیفی و واکاوی ادغام دستگاه‌های دولتی. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*. دوره ۱۷، ش. ۱، ص ۱۶۹-۱۸۸.
- نشاط، نرگش (۱۳۸۵). ایفلا. *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۱. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۹). *مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*. تهیه و تدوین معاونت حقوقی امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. خانه کتاب.





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حوزه ریاست

تهران
پلاک ۱۱۱، خیابان ولیعصر
کد پستی: ۱۵۸۷۵/۳۶۱۳
تلفن: ۸۶۹۱۰۷۳۰
فکس: ۸۶۹۱۰۷۴۰
پست الکترونیک: pubir@nli.ir

تاریخ

شماره

پیوست

ریاست جمهوری

شماره

مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۹ بیات اسنایی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به موجب بند (ب) ماده (۱۶) قانون اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران آئین نامه مالی و معاملاتی پیشنهادی سازمان شکل بر ۱۶ ماده و ۱۷ تبصره به همراه دستورالعملی مربوطه تصویب قرار گرفته و از آغاز سال ۱۳۸۷ قابل اجرایی باشد.

محمد مهدی نژاد
رئیس جمهور و رئیس هیئت امنای

عبدالله خلیلی
وزیر امور اقتصادی و دارایی
عضو هیئت امنای

محمد حسین صفار مهرندی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
عضو هیئت امنای

محمد مهدی نژادی
وزیر راه و ترابری
عضو هیئت امنای

مصطفی تقی داماد
عضو هیئت امنای

محمد حسن مهرندی
عضو هیئت امنای

علی اکبر اشوری
رئیس هیئت مدیره و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی
عضو هیئت امنای

ارتباطات و تحقیقات و فناوری
کتابخانه - مجامع صنعت - خیابان ولیعصر
تهران - پستی: ۱۵۸۷۵-۳۶۱۳
تلفن: ۸۶۹۱۰۷۳۰-۸۶۹۱۰۷۴۰

آئین نامه مالی معاملاتی مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۹ هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شماره: ۸۹۴۰۲۳۱۹/۴۲
تاریخ: ۸۹/۸/۱۱
پیوست:



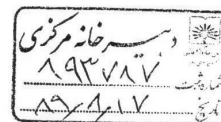
ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

با سلام،

احتراماً، بازگشت به نامه ارسالی آن سازمان محترم تحت شماره ۸۹/۲۷۹۴/ص مورخ ۸۹/۴/۱۷ به مؤدای شمول قانون اسناد ملی ایران به شرکت متبوع به استحضار می‌رساند: نظر به اینکه به استناد مواد قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹ خاصه ماده ۶ و نیز مندرجات آئین نامه تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحاء آن مصوب ۱۳۵۱ که در هر دو سند مخاطب اجرای ضوابط مقرر، وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت تعیین گردیده، لذا با عنایت به اینکه مواد ۲ و ۳ قانون محاسبات عمومی و نیز مواد ۱ و ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری بالصراحه در مقام تعریف « وزارتخانه » و « مؤسسه دولتی » برآمده و شرکت متبوع به دلیل اعمال تصدی نه تنها از مصادیق مؤسسه دولتی تلقی نمی‌گردد، بلکه به دلیل تعلق کمتر از ۵۰ درصد به بخش دولتی، از ذیل عنوان شرکت دولتی نیز خروج موضوعی دارد و نامه شماره ۸۵/۲۰۱۳۶ مورخ ۸۵/۵/۸ سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (تصویر پیوست) نیز مؤید این امر است، انتهایه بنا به جامع مراتب معنونه به استحضار می‌رساند این شرکت از حیث مقررات فوق‌الاشاره مشمول شرایط مقرر درخصوص کیفیت بایگانی یا امحاء اسناد دولتی نمی‌گردد.

جواد نجم‌الدین
مدیر عامل

مستند
۱۹۷۸۷
۱۹/۸/۱۱
حاج محمد علی
برای رسیدگی به
۸۱۸



معاونت بازاریابی و فروش
تهران، کیلومتر ۱۴ جاده قدیم کرج

شرکت ایران خودرو (سهام عام)
تهران، کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج

مکاتبه شرکت ایران خودرو به تاریخ ۸۹/۸/۱۱ به شماره ۸۹۴۰۲۳۱۹/۴۲/ص خ



بسم تعالی
ریاست جمهوری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رئیس سازمان

مصوبه هیأت امناء سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به پیشنهاد رئیس سازمان و براسناد بنده «ب» ماده (۷) اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی اجازه داده می شود تا پایان سال ۱۳۹۲
فایندگی های خود را در استان های: کهستان، مازندران، گیلان، اردبیل، زنجان، کردستان، خوزستان، گنگیلو و بویراحمد، چهارمحال
بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، آذربایجان غربی، ایلام، مرکزی، قم، البرز، هرمزگان، قزوین، کرمانشاه و لرستان
تأسیس نماید.

محمود احمدی نژاد
رئیس جمهوری اسلامی ایران

تاریخ:
۹۰/۰۵/۱۰
شماره:
۹۰/۲۳۴۵ ص
پیوست:

محمد رضا حاجی بابایی
وزیر آموزش و پرورش و عضو هیأت امناء

کامران دانشجو
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و عضو هیأت امناء

سید سید ابوالور
عضو هیأت امناء

سید محمد حسینی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو هیأت امناء

اسحق صلاحی
وزیر هیأت امناء و

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تهران
صدور دفتر پستی: ۱۵۸۷۵ ۳۶۹۳
تلفن: ۸۸۶۴۴۰۷۰-۸۸۶۴۴۱۱۴
شماره: ۸۸۶۴۴۰۵۳
پست الکترونیک: Pna@nlai.ir
http://www.nlai.ir

مصوبه شماره ۲۳۴۵ / ۹۰ / ص مورخ ۹۰/۵/۱۰ هیئت امنای سازمان



صور تجلسه
شورای سازمان اسناد ملی ایران
مورخ ۵۲/۹/۲۷

هشتمین جلسه شورای سازمان اسناد ملی ایران طبق دعوت قبلی در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۵۲ به ریاست آقای محمود کشفیان وزیر مشاور و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور به شرکت آقایان اکبرزاد معاون پارلمانی وزارت فرهنگ و هنر، غلامرضا سلحشور معاون اول دادستان کل کشور، علی اکبرسیدزاده دادستان دیوان محاسبات، مجتبی مینوی و عباس زریاب خوشی استادان دانشگاه (اعضا شور) و سیروس پرهام دبیر شور و رئیس سازمان اسناد ملی ایران تشکیل گردید.

پس از اعلام رسمیت جلسه شور و وارد دستور شد ابتدا نامه ژاندارمری کشور که در آن درخواست شده بود اوراق ژاندارمری بعلت محرمانه بودن بجای تحویل به کارخانه های مقواسازی بنحوی یگری (نظیر سوئد) امحا شود مطرح گردید. شور پس از استماع اظهارات نماینده تام الاختیار ژاندارمری کشور نظر داد که در مواردی که به تشخیص ژاندارمری کشور اوراق ژاندارمری باید سوزانیده شود ژاندارمری می تواند با رعایت تشریفات و مقررات مربوط نسبت به سوزاندن اوراق مزبور اقدام نماید. در نامه فوق الذکر همچنین درخواست شده بود که به ژاندارمری کشور اجازه داده شود که برای امحا اوراق ژاندارمری خود از آئین نامه پایگانی ارتش شاهنشاهی که از سال ۱۳۴۹ در ژاندارمری کشور پیروی اجرا کرده شده و در آن مدت نگهداری اوراق و پرونده ها تعیین گردیده است تبعیت نماید. دبیر شور در این مورد توضیح داد که طبق قانون تاسیس سازمان اسناد ملی ایران ژاندارمری کشور تابع آئین نامه ها و دستورالعمل های این سازمان می باشد و نمی تواند مستقیماً از آئین نامه مورد عمل ارتش شاهنشاهی تبعیت نماید و در صورتیکه منظور ژاندارمری کشور اجرای ضوابط و موازین مندرج در آئین نامه مزبور می باشد می تواند این ضوابط را به شور پیشنهاد نماید پس از تصویب شور ملاک عمل قرار دهد. این نظر مورد تصویب شور قرار گرفت و مقرر گردید که به همین ترتیب مراتب به ژاندارمری ابلاغ شود.

نشانی: بهجت آباد خیابان زاهد - شماره ۶۶ - تلفن: ۴۶۵۲۵ - ۶۶۶۱۱۶

صور تجلسه شماره ۸ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ شورای اسناد ملی - صفحه اول

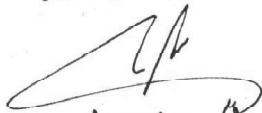
سپس فهرستهای اوراق زائد ژاندارمری کشور و شهرهای کشور و سازمان مرکزی تعاون روستائی با حضور نمایندگان تام الاختیار آنها مطرح گردید و نسبت به آنها به شرح تصویبنامههای پیوست اتخاذ تصمیم بعمل آمد .

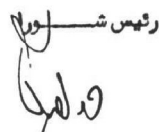
پس از رسیدگی به فهرستهای اوراق زائد دبیرشورا طرح پیشنهادی سازمان اسناد ملی ایران را در مورد جدول زمانی بعضی از اسناد و اوراق عمومی مطرح نمود . شورا پس از بررسی طرح پیشنهادی آنرا با تغییر جزئی بصورت پیوست مورد تصویب قرار داد و مقدر نمود که مدت های تعیین شده در این جدول ملاک عمل سازمان اسناد ملی ایران در رسیدگی به فهرستهای اوراق زائد قرار گیرد . بدین معنی که سازمان پس از انطباق فهرستهای اوراق زائد با جدول منبهر فقط مواردی را در شورا مطرح نماید که مدت نگهداری تعیین شده در فهرست کمتر از مدت مقرر در جدول زمانی اسناد و اوراق عمومی باشد و در سایر موارد اجازه امحاء اوراق منطبق با جدول منبهر را "رأساً" صادر نماید .

آخرین مسئلهای که در شورا مطرح گردید و مورد بررسی و اخذ تصمیم واقع شد موضوع ترتیب امحاء اوراق زائد در شهرستانها بود . دبیرشورا توضیح داد که به علت محدود بودن کارخانههای کاغذ و مقواسازی امحاء اوراق زائد در اکثر ادارات دولتی در شهرستانها از طریق فروش و واگذاری به کارخانههای منبهر امکان ندارد و بنابراین لازم است در اینگونه موارد ترتیب دیگری برای امحاء اوراق زائد تعیین گردد . شورا پس از بررسی جوانب امر تصویب نمود در نقاطیکه کارخانههای کاغذ و مقواسازی وجود ندارد امحاء اوراق زائد بترتیب مقتضی و مناسب (نظیر سوزاندن) و یا رعایت تشریفات و مقررات مربوط انجام گیرد .

جلسه شورا در ساعت ۱۲ خاتمه یافت و جلسه آینده به دعوت دبیرشورا

موکول گردید .


رئیس شورا


دبیر

تاریخ
 شماره
 پیوست

جدول زمانی اسناد و اوراق عمومی
 مصوب جلسه مورخ ۲۷ / ۹ / ۵۲ شورای سازمان اسناد ملی ایران

عنوان و شرح ردیف	مدت نگهداری
۱- <u>دفاتر اندکس (یا اندکس) دبیرخانه</u> : در این گونه دفاتر نامه های وارده براساس شماره اصلی آنها ثبت می شود و نشان دهند شماره اندیکاتور وارده مربوط می باشد .	د سال
۲- <u>دفاتر ارسال مراسلات یا کارت ها و اسناد مشابه</u> که صرفاً جنبه اثبات تحویل مراسلات به تحویل گیرنده دارد .	د سال
۳- <u>دفاتر یا کارت های حضور و غیاب و اسناد و برگه های مشابه</u>	یک سال
۴- <u>پرونده گردان یا لیور و کپی که شامل نسخه های زنا مه های صادره در روز می باشد .</u>	یک سال
۵- <u>اسناد و اوراق مربوط به درخواست شغل و اوطالبان استخدام که مورد اقدام قرار نگرفته است</u> بشرط آنکه نسخ اصلی مدارک و اوطالبان پیوست نباشد .	د سال
۶- <u>اوراق یا دفاتر مربوط به ثبت ورود و خروج افراد مختلف و مراجعان به سازمان .</u>	یک سال
۷- <u>پاکت الف و ب مناقصه های دولتی</u> مربوط به کسانی که برنده مناقصه نشد فاند و سپرد مخود را دریافت داشته اند و برگه دعای اعتراض نیز از آنان اخذ شده است .	یک سال
۸- <u>نامه های که به پیوست آنها کتب چاپی و نشریات ارسال یا دریافت میشود</u> و با وصول آنها اعلام می گردد .	یک سال
۹- <u>کاتالوگ ها و پرو شورها ی موسسات تولیدی یا وار د کنند ه کالاهای که رسماً</u> دریافت می شود بشرط آنکه صرفاً جنبه تجارتی و معرفی کالا داشته و مالا اقدام اداری نیز قرار نگرفته باشد .	شش ماه

نشانی : بهجت آباد خیابان زاهد - شماره ۶۶ - تلفن : ۴۶۵۲۵ - ۶۶۶۱۶

صور تجلسه شماره ۸ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ شورای اسناد ملی - صفحه سوم





بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

رئیس کل

باسمه تعالی

جناب آقای علی اکبر اشعری

مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

باسلام

عطف به نامه شماره ۸۶/۱۰۷۹۴/ص مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۶ به استحضار می‌رساند، طبق بند ۵۵ ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی ج.ا.ا. جزء در مواردی که قانون صریحاً مقرر داشته باشد، مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت نمی‌باشد. با توجه به اینکه در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷، صراحتاً ذکر می‌شود از نام این بانک به میان نیامده و از نظر تاریخ نیز مقدم بر قانون پولی و بانکی است، قانون یادشده و تمام مقررات و مصوباتی که بر اساس آن تهیه شده‌اند، این بانک را در بر نمی‌گیرد.

لذا بانک مرکزی ج.ا.ا. از نظر مدت و طرز نگهداری اوراق بازرگانی و اسناد و دفاتر، تابع و مشمول آیین‌نامه‌ای می‌باشد که وفق بند ۵۵ ماده ۳۳ قانون پولی و بانکی کشور به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده و چون اسناد و مدارک موجود در این بانک صرفاً جنبه تجاری و حسابداری دارند، قانونگذار در نحوه نگهداری آنها ترتیب ویژه‌ای را پیش‌بینی نموده است.

مراتب جهت استحضار تقدیم می‌گردد.

ابراهیم حبیبی

رئیس کل

مقام کند، مدیریت کل امور

انواع ۵۴/۵

مکاتبه بانک مرکزی به تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۲



جناب آقای اشعری
رئیس محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی

با سلام

نظر به اینکه برخی اسناد و مدارک (راکد) مجلس شورای اسلامی از چند سال قبل به آن سازمان منتقل گردیده است، بنا به دلایل زیر و نیاز ضروری مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دستور فرمایید نسبت به بازگرداندن تمام اسناد اقدام شود.

۱- موضوع انتقال اسناد مجلس شورای اسلامی به مکان دیگری به غیر از محدوده قوه مقننه عملی است غیرقانونی و همانگونه که مطلعید مشابه همین امر در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی مصوب ۱۳۴۹ به صراحت به این موضوع اشاره دارد.

۲- این در حالی است که قوه مقننه خود دارای مرکز اسنادی مستقل، با امکانات و استعداد نیروی متخصص می باشد.

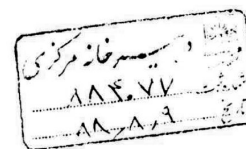
۳- قالب این اسناد به لحاظ تجربی در روند قانونگذاری مؤثر است و مرکز اسناد مجلس محل رجوع نمایندگان و مدیران ارشد مجموعه می باشد.

۴- همچنین لازم به توضیح است که برخی از اسناد مجلس به لحاظ طبقه بندی کاملاً منحصر بفرد بوده و بازگشت آن ضروری به نظر می رسد.

۵- علاوه بر موارد فوق، بدلیل فقدان اسناد مربوط به دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی طی سالهای اخیر مختل و در بخشهای فراهم آوری و اطلاع رسانی با مشکل جدی مواجه گردیده و صلاح بر این منوال است که کلیه اسناد مجلس شورا از ابتدای تأسیس نهاد مشروطیت تاکنون در یک مجموعه آرشیو و متمرکز تا در اختیار پژوهشگران و محققان قرار گیرد.

بنابراین شایسته است با توجه به مراتب فوق همکاری لازم را در اسرع وقت معمول دارید.

علی لاریجانی



مکاتبه مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۸/۸/۳ به شماره ۱۰/۳۷۳۹۵

تأثیر اوضاع فرهنگی، علمی-آموزشی ایران عهد قاجاریه و پهلوی اول بر تأسیس و توسعه کتابخانه ملی ایران

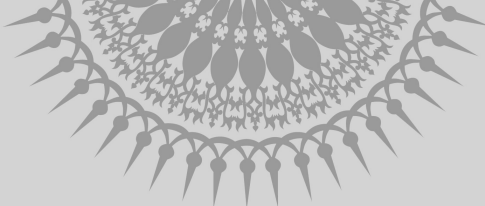
پریسا عسگری

چکیده:

مقوله فرهنگ و آموزش، از جمله مهم‌ترین مسائل مؤثر بر رشد و توسعه در جوامع انسانی است. هر جزئی از فرهنگ یک متغیر است که از عوامل بیرونی و درونی جامعه متأثر خواهد بود و به‌همین دلیل در حال تحول و گذر است. تغییر و تحولاتی که در جوامع رخ می‌دهد، مانند ایجاد مؤسسات فرهنگی و تمدنی، از مقوله فرهنگ مردم و مسئولان و شخصیت‌های آن جوامع نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، دستیابی به توسعه جامعه، ایجاد زمینه برای تمدن‌سازی مطلوب، از دیگر تأثیرات تغییر و تحولات فرهنگی در جامعه به‌شمار می‌آید. ایرانیان در طول تاریخ کهن خود به‌عنوان ملتی متمدن و با فرهنگ و صاحب ادب و هنر شناخته شده‌اند و دارای پیشینه فرهنگی و تمدنی عظیم و برجسته‌ای هستند. دوره قاجاریه و پهلوی اول، شاهد رویکرد جدید نسبت به فرهنگ و دانش در سیر تحولات اجتماعی ایران بود. با شناخت ویژگی‌های فرهنگی این دیار می‌توان گامی اساسی در راستای شناخت بهتر فرهنگ و تمدن و توسعه روزافزون آن، برداشت. این مقاله می‌کوشد تا وضعیت پایگاه‌های علمی، آموزشی، چاپخانه، ترجمه و تألیف، روزنامه و ... را که از جمله عوامل فرهنگی است در عهد قاجاریه و پهلوی اول مورد‌ارزیابی قرار دهد تا از این رهگذر بتواند به تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم این عوامل بر تأسیس و رشد کتابخانه ملی ایران بپردازد.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ، آموزش، کتابخانه ملی، قاجاریه، پهلوی اول.



تأثیر اوضاع فرهنگی، علمی-آموزشی ایران عهد قاجاریه و پهلوی اول بر تأسیس و توسعه کتابخانه ملی ایران

پریسا عسگری^۱

مقدمه:

جریان فرهنگ‌پذیری و رشد اجتماعی، از طریق آموزش و پایگاه‌های علمی-آموزشی صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، پایگاه‌های علمی-آموزشی مهم‌ترین گذرگاه انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر محسوب می‌شوند. این پایگاه‌ها مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی متولد می‌شوند، می‌بالند و در مسیر ترقی و پیشرفت گام برمی‌دارند. هدف از ایجاد مراکز علمی-آموزشی، آشکارشدن و پرورش دانستنی‌ها و استعدادهای درونی و نیروهای نهفته و در واقع تربیت آینده‌سازان است، که منجر به شگفتی و پرباری هر چه بیشتر انسان می‌شود. ارتقاء حوزه‌های شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، رشد فرهنگی و نظام‌های درون فرهنگی را در پی خواهد داشت. به این ترتیب، توسعه فرهنگی، ارتباطی عمیق و غیرقابل‌انکار با آموزش و پایگاه‌های علمی-آموزشی دارد. یادگیری‌های آموزش مدرسه‌ای که شامل مکتب‌خانه‌ها، مدارس جدید، مدرسه دارالفنون و غیره است، در زمینه آموزش چندفرهنگی بر آموزش عالی شامل دارالمعلمین، دانشسراها، دانشگاه‌ها و غیره تأثیرگذار بوده است.

مراکز آموزش عمومی و مدرسه‌ای مکتب‌خانه

در دوره قاجاریه، مکتب‌خانه‌ها در ایران از جمله ابتدایی‌ترین مراکز یادگیری و آموزش به

۱. کارشناسی‌ارشد تاریخ، کارشناس
گروه وب‌سایت، سازمان اسناد و
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛
Parisa7268@yahoo.com



حساب می‌آمدند و آموزش در سطوح پایین را بر عهده داشتند، چنان‌که حد آن از خواندن و نوشتن زبان فارسی، قرائت قرآن و فراگرفتن بعضی مسائل اصلی دینی و اصول حساب تجاوز نمی‌کرد. زیرا مکتب‌دارها عمدتاً معلمانی بودند که خود از معلومات و سواد کافی برخوردار نبودند و یا حتی قادر نبودند معلومات محدود خود را به روشی درست به کودکان منتقل کنند (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۳۵۵؛ قنبری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹).

مکتب‌خانه‌ها چه از دید متفکران داخلی و چه از سوی جهانگردان خارجی، در اوایل مشروطیت و نیز پس از آن، مورد انتقاد قرار گرفتند و بر لزوم تغییر در نظام آموزشی و ایجاد مدارس جدید بسیار تأکید شد (خامنه، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷). بسیاری از روزنامه‌ها بر ضرورت تغییر نظام آموزشی و از جمله اصلاح وضع مکتب‌خانه تأکید کردند. به‌طور نمونه روزنامه عدالت مقاله‌ای درباره مکتب‌خانه‌ها و ضرورت اصلاح آن‌ها به چاپ رساند و نوشت: «مکاتب ابتداییه مکتب‌های بازاری است که در مساجد و داکین، که نه موافق حفظ‌الصحه و نه موافق نظافت است، دایر می‌باشد. طفل پس از اینکه در این مکاتب در مدت ده سال دو هزار چوب خورد و مشق‌ها تحمل نمود، تنها خواندن و نوشتن می‌داند و از سایر علوم اطلاعی ندارد...» (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷، ص ۸۹-۹۰). به‌واسطه این امر، در سال ۱۳۴۲ ق. / ۱۳۰۳ ش. در بیستمین جلسه شورای عالی معارف، نظام‌نامه مکتب به تصویب وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه رسید (ساکما، شماره سند ۲۹۷۴۴۷۶۹) اما تا بعد از جنگ جهانی دوم، علی‌رغم توسعه مدارس نوع اروپایی، مکتب‌خانه‌ها به فعالیت خود ادامه دادند و تا سال ۱۳۱۶ ش. تعداد ۲۳۵۶ مکتب‌خانه در ایران وجود داشتند، درحالی‌که تعداد مدارس جدید اروپایی ۱۲۱۸ عدد بوده است (درانی، ۱۳۸۰، ص ۷۰-۷۱؛ صدیق، ۱۳۴۸، ص ۴۰۵).

مدارس جدید

گذر از مکتب‌خانه‌ها به مدارس، یکی از مهم‌ترین تغییرات نظام آموزشی ماست. در عهد قاجاریه نظام آموزشی دچار تحولات اساسی شد و به‌دنبال ارتباطات سیاسی ایران با کشورهای اروپایی، شمار قابل‌توجهی از مکتب‌خانه‌ها جای خود را به مدارس دادند. تحولی که در گذر زمان باعث شد، نوع مدارس و شیوه‌های جدید آموزش، نحوه درس‌خواندن و مدرسه رفتن و به نوعی استفاده از امکانات آموزشی برای دانش‌آموزان تغییر پیدا کند و دیگر به مکتب‌خانه‌های قدیم هیچ شباهتی نداشته باشد (راوندی، ۱۳۷۸، ص ۱۳-۱۴).

از نخستین مدرسی که به‌دست شخصیت‌های فرهنگ‌دوست ایرانی تأسیس شد می‌توان به مدرسه رشدیه اشاره کرد. این مدرسه به‌دست میرزا حسن رشدیه در سال ۱۳۰۰ ق. / ۱۲۶۱ ش.

پایه‌ریزی شد. گزارش وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مبنی بر تقاضای میرزا حسن رشديه در خصوص مساعدت با وی برای تأسیس دبستان رشديه موجود است (ساکما، شماره سند ۲۹۷۱۱۴۲۹). تدوین الفبای صوتی و ساختارمند کردن آموزش خواندن و نوشتن، از مهم‌ترین خدمات رشديه به نظام آموزش همگانی بود که به موجب آن، افراد می‌توانستند نه تنها کتاب‌های خاص در مدرسه بلکه دیگر منابع نوشتاری را نیز به راحتی مطالعه کنند (ساکما، شماره سند ۲۹۷۴۷۴۴؛ رشديه، ۱۳۶۲، ص ۱۶).

فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته توسط امین‌الدوله نیز، درخور یادآوری است. وی نیز همچون رشديه در برپایی مدارس جدید نقش به‌سزایی داشت. بیشتر این نهادها در زمان صدارت او و از سال ۱۳۱۴ق./۱۲۷۵ش. به بعد تأسیس شد (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۶۴). امین‌الدوله در همکاری با میرزا حسن رشديه کوتاهی نکرد، تا آنجا که مدرسه رشديه را که خواسته بود در آذربایجان دایر کند، به تهران آورد و مدیریت را از آن او کرد (الماسی، ۱۳۷۷، ص ۴۳۶). یکی دیگر از اقدامات فرهنگی امین‌الدوله، رسمیت دادن نخستین نشست انجمن معارف در ۱۳۱۴ق./۱۲۷۶ش. بود. اعضای انجمن هرکدام، شخصاً یک یا دو مدرسه تأسیس کردند. امین‌الدوله از طریق برپا کردن این انجمن و با همکاری احتشام‌السلطنه و میرزا حسن رشديه توانست بر تعداد مدارس بیفزاید و نقش مهمی در روشن کردن افکار مردم داشته باشد (پزشک‌زاد، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

از تغییر در ساختار نظام آموزشی می‌توان به ایجاد چندین دبستان ملی دولتی در اوایل روزهای حکومت مشروطه در سال ۱۳۲۷ق./۱۲۸۸ش. اشاره کرد که نمایانگر توسعه فرهنگی است (قدسی، ۱۳۴۲، ص ۲۶۲). چنان‌که احتشام‌السلطنه در کتاب خاطرات خود این چنین نوشت: «یکی از اقداماتی که هنگام تصدی در وزارت خارجه آغاز کردم، مسئله تأسیس مدارس ملی در تهران و تشکیل انجمن معارف و کتابخانه عمومی و انتشار روزنامه یومیه ملی بود» (موسوی، ۱۳۶۶، ص ۳۱۴).

رضاشاه نیز، بعد از مستحکم کردن پایه‌های قدرت خود به فکر توسعه فرهنگ و تأسیس مدارس افتاد. در خرداد ۱۳۴۳ق./۱۳۰۴ش. دو مدرسه عالی وجود داشت، یکی مدرسه طب و دیگری مدرسه حقوق. مدرسه طب دویست دانشجو داشت و دوره‌اش چهار سال بود و مدرسه حقوق هفتاد و سه دانشجو داشت و دوره‌اش سه ساله بود (صدیق، ۱۳۵۶، ص ۲۳). در اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تعداد شاگردان و نوع مدارس تهران از جمله: عالیه، متوسطه کامل، متوسطه سه‌ساله، ابتدایی، دارالمعلمات و قدیمیه در سال تحصیلی ۱۳۴۳-۱۳۴۴ق./۱۳۰۴-۱۳۰۵ش. آمده است (ساکما، شماره سند ۲۹۷۰۰۲۷۴۳۹). در سال ۱۳۵۲ق./۱۳۱۳ش. نظام‌نامه مدارس شامل ۹ ماده و ۴ تبصره، توسط مجلس



شورای ملی به تصویب رسید (ساکما، شماره سند ۳۹۸۱۸-۲۹۷۰-۲). مدارس ایران به دلیل استقبال تدریجی از آموزش و پرورش جدید و افزایش جمعیت، از نظر تعداد و میزان دانش‌آموزان در عهد پهلوی اول، همواره رشد و توسعه یافته است (جعفرپور، ۱۳۸۷، ص ۴۲). به‌طوری‌که در سال ۱۳۵۶ ق. / ۱۳۱۶ ش. ۳۲ مدرسه از جمله دبیرستان ایرانشهر، پانزده بهمن، پهلوی، تجارت، دارالفنون، شرف، دانشسرای مقدماتی و هنرستان موسیقی وجود داشته است (ساکما، شماره سند ۲۷۹-۲۹۷۰-۲).

مدرسه دارالفنون

تأسیس دارالفنون، سرآغاز تاریخ مدارس عالی نوین در ایران و از اقدامات مهم فرهنگی در سده‌های اخیر ایران است. به عبارت دیگر، این مدرسه کانون جدیدی برای تبادل افکار و آشنایی طبقه جوان با مزایای تمدن غرب و به‌گونه‌ای دروازه‌های مدرنیسم بود که به‌روی ایرانیان عصر قاجار باز شد. صدراعظم اصلاح‌طلب ایران (امیرکبیر)، در اندیشه استقلال و سربلندی ایران و ایرانی بود. وی به‌واسطه افکار و اندیشه‌های ترقی‌خواهانه‌ای که داشت، برای تعلیم و تعلم علوم و صنایع جدید، بر پایه شیوه‌های درست آموزشی، بر آن شد تا در تهران مدرسه‌ای بنا کند. وی، یکی از طرفداران کسب تمدن جدید اروپایی بود. به این ترتیب، او دارالفنون را تأسیس کرد (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴). با احداث دارالفنون، نخستین گام در راه اشاعه علوم و فنون جدید برداشته شد و مدرسه‌ای در سطح متوسطه و عالی، برای انجام فعالیت‌های علمی، فرهنگی برای طبقه جوان باسواد ایران با علوم عقلی و متون جدید، به‌وجود آمد (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۵۳).

دارالفنون در روز یکشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق. / ششم دی ۱۲۳۰ ش. با حضور ناصرالدین‌شاه و گروهی از درباریان و بزرگان و ۷ تن معلم اتریشی و گروهی از معلمان ایرانی و اروپایی با ۳۰ شاگرد، که سپس به ۶۰ تن افزایش یافت، شروع به فعالیت کرد (روشنی‌زعفرانلو، ۱۳۵۴، ص ۷۱؛ هاشمیان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲). استادان دارالفنون به هفت آموزگار نخستین (که به دعوت امیرکبیر و به همراهی جان داوودخان مسیحی به دارالفنون آمده بودند) و ۱۱ آموزگار ایرانی و ۱۱ آموزگار خارجی، بخش می‌شوند (خلخالی و تقدیری، ۱۳۹۱، ص ۴۹۷-۴۹۸). این رؤسا از میان بالاترین و بانفوذترین افراد سیاسی برگزیده می‌شدند و همه زیرنظر دربار بودند (شماره نسخه خطی، ۱۰۴۳-۵).

دارالفنون به‌نوعی دانشکده (کالج) نوین در ایران بود که پیشگام دانشگاه‌های امروزی ایران شد و در آن رشته‌های سواره نظام، مهندسی، ریاضیات، نقشه‌کشی، کانی‌شناسی (معدن‌شناسی)، فیزیک، شیمی، داروسازی، طب، تشریح (جراحی)، تاریخ، جغرافیا و زبان خارجه (شامل فرانسه



که بعدها روسی و انگلیسی بدان افزوده شد)، تدریس می‌شد (شماره نسخه خطی، ۱۴۸۹۲-۵؛ آدمیت، ۱۳۴۸، ۳۴۸؛ بهنام، ۱۳۷۵، ص ۳۱). سیریل الگود^۱ پزشک سفارت انگلیس در تهران در آن زمان نیز، رشته‌های تحصیلی در دارالفنون را هفت رشته می‌داند که به نوشته او عبارت بودند از: پزشکی، جراحی، داروسازی، معدن‌شناسی، سواره نظام، مهندسی پیاده نظام و توپخانه (الگود، ۱۳۵۲، ص ۷۱۶).

در دوران مشروطه، به‌ویژه از سال ۱۳۲۲ق/۱۲۸۲ش. به بعد اقداماتی در جهت بهبود اوضاع مدرسه دارالفنون صورت گرفت. از جمله این اقدامات: تفکیک شاگردان خردسال از میانسال، افزایش شمار کلاس‌ها، استخدام چندین پزشک و استاد زبان از فرانسه و غیره بود تا بلکه بتوانند تغییراتی در فضای آموزشی و سطح آموزش بدهند و این مدرسه را به دبیرستان تبدیل کنند (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۴۲).

چنانچه گفته شد، مدرسه دارالفنون، از اندیشه‌های تجددخواهی و اصلاحی و متمدنی ایرانیان بود که با اندیشه امیرکبیر به بهره‌برداری رسید. این مدرسه که بنیاد مدارس و دانشکده‌های نوین در ایران است، با هدف آشنایی ایرانیان با ره‌آوردهای دانش نوین در سرزمین‌های پیشرفته اروپایی ساخته شد و چنان‌که یاد شد، موضوعات درسی آن موقع در رشته‌های گوناگون بود و معلمان خارجی دعوت‌شده از کشورهای اروپایی مطالبشان را به‌وسیله مترجم بیان می‌کردند. مجموعه نوشته‌های همین استادان، اولین کتاب‌های درسی مدرسه دارالفنون را تشکیل داد (درباره کتابخانه دارالفنون، ۱۳۸۸، شماره ۲۴؛ یغمایی، بی‌تا، ص ۱۴۵). از سوی دیگر، چنین آموزشگاهی به کتابخانه تخصصی ویژه‌ای نیاز مبرم داشت.

با مکتوب‌شدن دانسته‌ها و گنجینه‌های ذهنی و با اضافه‌شدن نسخه‌های خطی و چاپی، تألیفات معلمان اروپایی و دانشجویان دارالفنون و نیز کتاب‌های تاریخ اروپایی، به‌تدریج بر تعداد این منابع افزوده شد و نیاز به فضا و مکانی برای نگهداری و حفاظت از این منابع احساس شد. تا اینکه اعتضادالسلطنه (نخستین وزیر فرهنگ)، کتابخانه نسبتاً مجهز و معتبری در سال ۱۲۸۰ق/۱۲۴۳ش. در طبقه فوقانی مدرسه دارالفنون، برای استفاده شاگردان و معلمان تشکیل داد که سنگ بنای کتابخانه ملی بود.

این کتابخانه از آغاز دارای کتاب‌های اندکی بود و چنین می‌نماید که هدف از آن بیشتر برای پاسخگویی به نیاز علمی استادان و دانشجویان در رشته‌های گوناگون علمی بود و بعدها با نیاز استادان و دانشجویان به کتاب‌های بیشتر و همچنین کتاب‌هایی که استادان و دانشجویان در رشته‌های گوناگون علمی می‌نوشتند و با کتاب‌هایی که رؤسای کتابخانه و مجموعه‌داران شخصی اهدا می‌کردند، بر تعداد کتاب‌های کتابخانه افزوده گشت و کتابخانه گسترده شد (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۴). کتابخانه دارالفنون تا زمان وزارت علاءالملک

1. CyrilAllgood



(۱۳۳۴ق/۱۲۸۴ش)، دایر و مورد استفاده شاگردان و معلمان مدرسه بود (یغمایی، بی‌تا، ص ۵۱۸).

مراکز آموزش عالی دارالمعلمین

با توسعه و افزایش مدارس جدید، نیاز به وجود مکانی برای تعلیم و تربیت معلمان، مطرح و مورد توجه قرار گرفت. تا آنجا که در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۷ق/۱۲۹۰ تا ۱۲۹۸ش. چندین بار تأسیس مرکزی برای رفع نواقص تدریس معلمان، به نام دارالمعلمین مرکزی تقاضا شد. سرانجام در سال ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. با تلاش‌های میرزا احمدخان بدر (نصیرالدوله) در مسیر پیشرفت آموزش و همچنین آگاهی وی به نقش معلم، دارالمعلمین مرکزی تأسیس شد و ریاست آن به دست میرزا ابوالحسن خان فروغی بود (مشایخی، ۱۳۵۶، ص ۲۸-۲۹).

دارالمعلمین مرکزی، فقط دارای دو کلاس، یکی ابتدایی (تأمین معلم برای ۴ سال اول دوره ابتدایی) و دیگری عالی (تأمین معلم برای سال پنجم و ششم ابتدایی و دوره اول متوسطه) بود و آموزش زبان فرانسه و انگلیسی در دارالمعلمین مرکزی برای تمامی محصلان اجباری بود (نوایی، ۱۳۷۷، ص ۳۸). کتاب‌هایی در موضوعات مختلف در این دارالمعلم‌ها جمع‌آوری شد. قاریان قرآن، ستاره‌شناسان، دستوردانان، زبان‌دانان و پزشکان نیز برای آموزش در این مراکز گمارده شدند و تلاش شد تا ابزارهای مورد نیاز آن‌ها از قبیل: کاغذ، مرکب و قلم را تهیه و به صورت رایگان در اختیارشان قرار دهند (اسلامی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

در سال ۱۳۰۶ش. آموزشگاهی به نام دارالمعلمین عالی برای گسترش دبیرستان‌ها و تربیت دبیران مورد نیاز، توسط وزارت معارف تأسیس و ضمیمه دارالمعلمین مرکزی شد. برنامه دارالمعلمین عالی تقریباً همان برنامه مدارس متوسطه بود با این تفاوت که علاوه بر آن، روانشناسی، منطق و اصول آموزش و پرورش نیز تدریس می‌شد. توجه به ترغیب معلمان به قدری بود که برگزیدگان علم و فرهنگ آن زمان مشغول به تعلیم و تربیت معلمان کشور شدند (معمودی، ۱۳۷۷، ص ۱۸؛ صدیق، ۱۳۵۶، ص ۲۰).

به دلیل کمبود استاد برای دروس مختلف در سطح عالی، ناچار به استخدام معلم از فرانسه برای تدریس برخی مواد درسی شدند. در نخستین سال افتتاح دارالمعلمین عالی، ۵ تن از استادان فرانسه مشغول به کار شدند و به تدریج به منظور گسترش دبیرستان‌ها و تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز، در سال ۱۳۱۱ش. نام دارالمعلمین عالی به دانشسرای عالی تبدیل شد (درانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴).

دانشسراها

تغییر دارالمعلمین عالی به دانشسرای عالی در زمان ریاست عیسی صدیق اتفاق افتاد که در فروردین ۱۳۱۱ ش. از طرف وزارت معارف به ریاست آنجا منصوب شد. هدف وی توسعه و تکمیل این مؤسسه بود. به همین خاطر به پیشنهاد ایشان در ۱۳۱۱ ش. دارالمعلمین عالی به ساختمان نگارستان منتقل شد و یک سال بعد به دانشسرای عالی تغییر نام یافت (مصاحب، ج ۱، ۱۳۴۵، ص ۹۳۶).

بنای این دانشسرا در سال ۱۳۱۲ ش. شروع و در ۱۱ بهمن ۱۳۵۳ ش. با حضور شاه و همسرش افتتاح شد. اصول فنی در این ساختمان به بهترین شکل رعایت شد. ساختمان شامل دو طبقه، یکی مربوط به کلاس‌ها، تالار، کتابخانه، سالن ورزش و دیگری شامل دو تالار وسیع برای خوابگاه محصلان بود. تعداد محصلان این دانشسرا تا سال ۱۳۱۵ ش. صد نفر بود که به صورت شبانه‌روزی به کسب علم مشغول بودند (حکمت، ۱۳۵۳، ص ۱۲-۱۳). به دنبال تأسیس دانشسراها و فعالیت‌های انجام شده، تعداد آموزگاران در مدارس قدیم و جدید از سه هزار و سی و سه نفر در سال ۱۳۴۰ ق. / ۱۳۰۱ ش. به سیزده هزار و ششصد و چهار نفر در سال ۱۳۲۰ ش. افزایش یافت (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱).

به موجب ماده اول قانون استقلال دانشسرای عالی، این مراکز برای تربیت دبیران مورد نیاز کشور تأسیس یافت و دارای شخصیت حقوقی بود که به صورت یک مؤسسه مستقل زیر نظر مستقیم وزیر فرهنگ اداره می‌شد (مشایخی، ۱۳۵۶، ص ۳۷). دانشسرای عالی نخستین دانشگاه رسمی کشور بعد از دارالفنون بود و متشکل از دو دانشکده ادبیات و علوم، و به گونه‌ای تکمیل شده دارالمعلمین‌ها بوده است (امین و ساکت، ۱۳۵۱، ص ۷۶).

در آغاز تأسیس دانشسرای عالی، اکثر استادان خارجی و فقط نه نفر آنان ایرانی بودند (معمودی، ۱۳۷۷، ص ۱۹). استادان دانشسرای عالی در سال ۱۳۵۳ ق. / ۱۳۱۴ ش. شامل: استادان ریاضی، استادان ادبیات، استادان فیزیک و شیمی، استادان تاریخ طبیعی و استادان تاریخ و جغرافیا بود (ساکما، شماره سند ۲۹۷۰۲۰۳۱۴). بعد از توسعه دانشسرای عالی، دانشجویان پزشکی و علوم و سرانجام ادبیات به محل دانشگاه تهران که بعدها تأسیس شد، منتقل شدند و ساختمان‌های دانشسرای عالی به لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه جغرافیا و مدرسه زبان‌های خارجی اختصاص یافت (نیرومنش، ۱۳۷۳، ص ۷۷).

دانشگاه تهران

بررسی‌ها نشان از آن دارد که در ایران مدرن، از همان ابتدای تجدد ایرانی یعنی از سال‌های آغازین قرن نوزدهم میلادی، فکر اخذ علوم و فنون جدید و تأسیس مرکزی برای آموزش



عالی در ایران و یا به عبارت دیگر دانشگاه، در ذهن‌ها ایجاد شده بود. اعزام دانشجویان به غرب، تأسیس مدارس جدید (دارالفنون)، ایجاد نهادهای ترجمه و نشر کتاب، توسعه نظام آموزشی، تأسیس دارالمعلمین‌ها، دانشسراها و دیگر مؤسسات آموزش عالی، همگی اقداماتی بود که برای تولید تجدد و توسعه در کشور صورت گرفت.

دانشگاه تهران مرکز علمی مهمی برای رواج اندیشه و فن غربی بود. فکر تأسیس دانشگاه به سبک اروپایی در سال ۱۳۰۶ش. در زمان وزارت محمدتدین مطرح شد. اما به دلیل فراهم‌نبودن مقدمات کار، این هدف به تأخیر افتاد (درانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴).

در بهمن سال ۱۳۱۲ش. علی‌اصغر حکمت پیشنهاد تأسیس این مرکز علمی را مجدداً مطرح کرد و بالاخره تصویب شد. در این راستا با تخصیص بودجه اولیه به مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان، به وزارت معارف اجازه داده شد تا به دنبال زمین مناسب برای تأسیس دانشگاه تهران باشد. حکمت با کمک و مشاوره آندره گدار (معمار فرانسوی)، در جست‌وجوی مکانی مناسب بودند، تا اینکه باغ جلالیه در شمال تهران را برای احداث دانشگاه برگزیدند و گدار مأمور طراحی و اجرای عملیات ساختمانی آن شد. در نهایت در سال ۱۳۱۳ش. نخستین دانشگاه ایران در زمان رضاشاه و با همکاری کارشناسان آلمانی و به‌عنوان مرکزی که همه یا اکثر مدارس عالی را در بردارد، تأسیس و شروع به فعالیت کرد (محمدنیا سماکوش، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱).

بعد از تأسیس دانشگاه تهران، دانشسرای عالی جزو آن شد به‌گونه‌ای که بخش ادبی دانشسرای عالی تبدیل به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن تبدیل به دانشکده علوم شد. از آن موقع به بعد، دانشسرای عالی به انضمام دانشکده ادبیات و علوم، یک مؤسسه تلقی شد. از این‌رو، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم، از نخستین دانشکده‌های دانشگاه تهران بودند که در سال ۱۳۱۳ش. در محل دانشسرای عالی تشکیل شدند (درانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴). در سال ۱۳۱۴ش. نظام‌نامه قانون تأسیس دانشگاه تهران به تصویب رسید. در این نظام‌نامه، هفت ماده از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه پیشنهاد شده است (ساکما، شماره سند ۲۹۷۰۳۸۰۲۳).

از همان ابتدای تأسیس، این دانشگاه با استقبال مراجعه‌کننده روبه‌رو شد. تا آنجا که در طی هفت‌سال، از سال ۱۳۱۳ش. تا ۱۳۲۰ش. تعداد دانشجویان از ۸۸۰ نفر به ۳۵۰۰ نفر افزایش یافت (یزدانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱).

به این ترتیب، تأسیس دانشگاه تهران که با آغاز ارتباط و آشنایی جدی ایرانیان با مغرب‌زمین همراه بود، این دانشگاه را به بستر اصلی ارتباط با تمدن مغرب‌زمین و علوم جدید تبدیل کرد. دانشگاه تهران گامی اساسی در توسعه آموزش عالی برداشت. دانشجویان اعزامی به غرب یا فرنگ، از عوامل اصلی تأثیرگذار در نظام دانشگاهی و سازماندهی نهادهای جدید صنعتی

و اداری بودند. دانشگاه، به‌مثابه ابزار یا ماشین انتقال علم است که به‌اهتمام آن محصولات فرهنگی را از جهان غرب به ایران منتقل یا وارد ساخت. با گذشت زمان، این نهاد آموزشی به سبک جدید گسترش و توسعه یافت و توانست در طی تاریخ جای خود را ثبت کند (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱).

اعزام دانشجو به اروپا در عهد قاجاریه و پهلوی اول

از عوامل تأثیرگذار در آمادگی افکار عمومی برای قبول تجدد و اصلاحات فرهنگی و تحولات متناسب با اوضاع اجتماعی عصر قاجار، فرایند اعزام دانشجویان به غرب و انتشار افکار جدید میان عامه مردم و کسب اعتبار از نظر پایگاه‌های اجتماعی، می‌تواند باشد (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲). اعزام محصلان به غرب در اواسط سلطنت فتحعلی‌شاه (۱۲۱۱-۱۲۵۰ ق. / ۱۱۷۶-۱۲۱۳ ش.)، آغاز شد. افراد سفر کرده با نهادهای مدارس، کتابخانه‌ها، دانشکده‌ها و به‌طور کلی با پیشرفت‌های علمی غرب آشنا شدند و در انتقال دانش‌ها و افکار جدید اروپایی نقش فعالی ایفا کردند (فراستخواه، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲). در این دوران، عباس‌میرزا ولیعهد تصمیم گرفت تا چندین دانش‌آموز ایرانی را برای آموختن رموز کار تمدن اروپایی و یادگرفتن زبان آن‌ها و فراگرفتن علوم و فنونی که به‌کار نظام و ترقی صنعت و غیره بیاید، به خارج اعزام کند. وی پیشرفت امور کشور را بیشتر توسط کارشناسان و دانش‌آموختگان هر رشته‌ای می‌دانست. به‌این‌ترتیب، عباس‌میرزا اولین کاروان دانش‌آموزی را در سال ۱۲۲۶ ق. / ۱۱۸۹ ش. به‌راه انداخت. انتخاب این افراد بر عهده میرزا صالح شیرازی بود (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۵۷-۶۰).

دومین گروه محصلان در سال ۱۱۹۳ ش. و باز به انتخاب میرزای شیرازی به اروپا اعزام شدند. این افراد برای تحصیل در رشته‌های مختلف و نشر تمدن جدید در ایران به اروپا فرستاده شده بودند. هدف عباس‌میرزا، فراگیری علوم و فنون و دانش نظامی در اروپا بوده است. وی مایه تحول بزرگ در عصر را خدمات فرهنگی دانست. ذکر این نکته در اینجا حائز اهمیت است که فناوری چاپ در ایران اولین بار توسط این گروه اعزامی به ایران انتقال پیدا کرد (کیان‌فر، ۱۳۶۸، ص ۲۷۳).

اعزام سومین گروه از دانشجویان در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، یعنی هفت‌سال بعد از تأسیس دارالفنون در رمضان ۱۲۸۸ ق. / ۱۲۳۷ ش. انجام گرفت (قریشی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). این گروه، از بزرگترین دسته اعزامی دانشجویان به فرنگ و شامل ۴۲ تن بود که برای آموختن رموز کار تمدن اروپایی و فراگرفتن علوم و فنون آن‌ها به فرانسه اعزام شدند. این محصلان هم مانند دیگر کاروان اعزامی بعد از چند سال به تحصیلات خود خاتمه دادند و با کوله‌باری از اندیشه‌های آزادی‌خواهی و ضداستبدادی به ایران مراجعت کرده و هریک در رشته خود کمک



شیانی به توسعه فرهنگ جدید در ایران کردند و به تدریج نهضت‌های فکری و علوم و فنون غربی را در ایران رواج دادند چنان‌که بخشی از پیشرفت‌هایی که در فرهنگ جدید حاصل شد، بیشتر به واسطه مقدماتی است که آن‌ها آماده کرده بودند (راوندی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱؛ الماسی، ۱۳۷۷، ص ۴۳۶).

اعزام دانشجویان به اروپا برای تحصیل علوم و فنون که از اوایل قرن ۱۳ قمری در عصر قاجار آغاز شده بود، در عصر پهلوی با اهتمام بیشتری پیگیری شد و از نظر کمی رشد یافت. وابستگی به غرب در زمان فرمانروایی رضاشاه شدت گرفت. به طوری که از سال ۱۳۰۷ ش.، قانون مخصوص اعزام دانشجویان به خارج، مشتمل بر شش ماده و چهار تبصره وضع شد و در آن مسائلی چون: تکلیف دولت در تأمین اعتبار لازم برای اعزام دانشجویان، به تفکیک از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ ش.، با تعیین مبلغ اعتبار، برشمردن شرایط دانشجویان شامل: تابعیت ایران و ایرانی بودن، دادن امتحان مطابق برنامه مسابقه و تقبل تحصیل در رشته‌ای که دولت تعیین می‌کند و خدمت به دولت ایران پس از اتمام تحصیلات، تکلیف دولت در استخدام دانش‌آموختگان پس از مراجعت به کشور و پرداخت حقوق رتبه آن‌ها در صورت نبود کار، تکلیف دولت در اعزام سرپرست‌هایی همراه دانشجویان اعزامی و پرداخت حقوق آنان و همچنین به مأموریت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در تهیه نظام‌نامه مربوط و اجرای آن، اشاره شده است (ساکما، شماره سند ۳-۲۹۷۰۰۹۲۱۷). تا چند سال بعد هر ساله حدود ۱۰۰ نفر دانشجویان از طریق برگزاری آزمون برای فراگرفتن فنون مختلف به آمریکا و فرانسه اعزام می‌شدند (صامعی‌یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰). اعلان وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، مبنی بر برگزاری آزمونی برای انتخاب افراد داوطلب واجد شرایط و اعزام آن‌ها به خارج، برای فراگیری علوم مختلف، در اسناد آمده است (ساکما، شماره سند ۲-۲۹۷۰۳۱۴۸۴).

انجمن‌های عهد قاجاریه و پهلوی اول

انجمن‌های ادبی و علمی

جریان ادبی ایران از نخستین سده‌ها تا پایان دوره قاجار با مرکزیت چند نهاد شکل گرفت و گسترش یافت. چنان‌که اولین محافل ادبی در حوزه زبان و ادب پارسی، در بزم‌ها و جشن‌های اشراف و دهقانان بازمانده از روزگار ساسانیان بعد از حمله اعراب، برگزار شد. از قرن ۴ تا ۱۰ شمسی محل گردهمایی جامعه ادبی، نهاد بازار، خانقاه و مدرسه بود. از قرن ۱۰ شمسی به بعد، نهاد بازار با محوریت قهوه‌خانه‌ها، محل تجمع اهل ادب شد (مروری کوتاه بر شکل‌گیری و نقش انجمن‌های ادبی فارسی، ۱۳۸۸، ص ۱۶). در دوره قاجاریه، هجده انجمن در تهران



تشکیل و هرکدام با نظام‌نامه و برنامه مخصوص به خود در پیشرفت آزادی می‌کوشیدند (مستوفی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳۱).

در عهد قاجاریه، بیشتر انجمن‌ها در خانه‌های فرمانروایان تشکیل می‌شد. در آنجا دانشمندان پیرامون لغت، شعر، فقه، فلسفه، منطق و دانش کلام به گفت‌وگو و مناظره می‌نشستند (امین، ۱۳۵۱، ص ۷۴۹). این انجمن‌ها در ابتدا سری و به مرور به صورت علنی برگزار می‌شد. به طوری که هر صنف و هر مرحله برای خود انجمنی داشت که هر شب دایر می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲۱).

فعالیت اکثر قریب به اتفاق انجمن‌های ادبی محدود به همین جلسات بود که در محلی ثابت یا در دفاتر نشریه تشکیل می‌شدند. فقط یکی از انجمن‌های ادبی بود که فعالیت متنوع‌تری داشت و آن هم انجمن ادبی صائب بود. از فعالیت‌های این انجمن، انتشار کتاب‌های سالیانه‌ای بود که در آن اشعاری به استقبال و افتراح گذاشته شده بود. انجمن ادبی توفیق، ایران و پاکستان، خدنگ، آذر، دانشوران از دیگر انجمن‌های ادبی بودند که در ایام هفته برگزار می‌شدند (همدانی، ۱۳۸۸، ص ۶۰-۶۱).

انجمن‌های علمی نیز نقش بسیار مؤثری در پیشرفت علم و ترویج اخلاق علمی، شناخت استعداد‌های علمی افراد، انتقال متقابل تجربیات، ارتباط بین نهادهای اجرایی و دانشگاه، اطلاع‌رسانی علمی، تشویق و شکل‌دادن خلاقیت‌ها، تعریف و اجرای پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای دارد و همچنین می‌تواند به عنوان یک نهاد غیردولتی مستقل در جامعه باشد و به کارآمدترین و صالح‌ترین نهاد تبدیل شود (پیراهری، ۱۳۸۸، ص ۸۷-۸۹).

انجمن معارف

در سال ۱۳۱۵ ق. / ۱۲۷۶ ش. انجمنی به منظور اشاعه فرهنگ جدید و حمایت از مدارس جدید در ایران تشکیل شد. در ابتدا نام آن را «انجمن مکاتب ملیه ایران» و بعدها انجمن معارف گذاشتند. ریاست انجمن در آن دوره بر عهده حاج میرزا محمودخان احتشام السلطنه بود. تأسیس مدارس، تدوین کتب‌های درسی، ایجاد کتابخانه، دارالترجمه، دارالتألیف، برگزاری کلاس‌های شبانه برای بزرگسالان و انتشار روزنامه معارف، از جمله اقدامات صورت گرفته توسط انجمن معارف به شمار می‌آید. هدف از تأسیس انجمن معارف در وهله اول، توسعه مدارس جدید بر اساس مدل‌های اروپایی برای تربیت یک قشر تحصیل کرده و ایجاد کتابخانه‌هایی به شیوه غربی بود (درانی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ آدمیت، ۱۳۵۵، ص ۱۵۹).

اعضای انجمن، ۲۶ نفر شامل گروهی از روحانیون، دولتمردان و تجار روشنفکر و ترقی‌خواه از جمله: سید بحرینی و میرزا حسین‌خان سروش و غیره بودند (مرادی، ۱۳۸۷، ص ۲۷).



فعالیت‌های فرهنگی متعددی از سوی اعضای انجمن صورت گرفت، یکی از اقدامات فرهنگی اعضای انجمن معارف، تأسیس کتابخانه معارف بود. انجمن معارف از آغاز کار، که با شور و موفقیت همراه بود، مخالفان زیادی هم داشت (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷).

چنان‌که گفته شد، اهداف همه انجمن‌ها و آموزشگاه‌ها و مدارس نوین ایران بر پایه مقتضیات زمانه آن روزگار به رهایی ایرانی از قید و بند عقب‌ماندگی از دانش روز، برمی‌گردد. این انجمن در آغاز با همین نام و با کوشش‌های میرزا حسن تبریزی، که بعدها به رشدی رشدیه نامبردار شد، پدید آمد. بنیاد این انجمن، از مدرسه رشدیه بود که میرزا حسن تبریزی ایجاد کرده است (مرادی، ۱۳۸۷، ص ۲۷؛ محبوبی‌اردکانی، ج ۲، ۱۳۵۴، ص ۳۷). این انجمن با همین نام شروع به فعالیت فرهنگی کرد تا پس از مدتی بعد از مشاجره میرزا حسن رشدیه با هیئت‌مدیره منتخب میرزا علی‌خان امین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین‌شاه، به ایجاد انجمن معارف با هفت عضو انجامید. در شوال ۱۳۱۵ ق. / ۱۲۷۶ ش. در زمان صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله، نخستین انجمن رسمی معارف دائر شد. در این انجمن علاوه بر جعفرقلی‌خان نیرالملک (وزیر علوم)، گروهی از اندیشمندان و فضایی عصر از جمله میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، محمدباقر اعتمادالسلطنه و حاج میرزا حسن رشدیه حضور داشتند که هرکدام خدمات مهمی را در راستای توسعه فرهنگ جدید انجام دادند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۸؛ تکمیل‌همایون، ج ۲، ۱۳۹۴، ص ۲۲۸).

شورای عالی معارف در ۱۳۱۹ ق. / ۱۲۸۰ ش. مرکب از تعدادی از وزرا و مقامات دولت و تعدادی از رجال اجتماعی و فرهنگی، به ریاست وزیر علوم تأسیس شد. این شورا پس از انحلال انجمن معارف به‌وجود آمد و جایگزین آن شد و به‌عنوان مشاور وزارت معارف عمل می‌کرد (رینگر، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲). غلامحسین رهنما، محمد مومتن، امیراعلم، سیدمهدی لاهیجی، حسین سمیعی، ولی‌الله‌خان، علی‌محمد شیبانی، محمدتقی فخرداعی، حسینقلی میرزا سالور، اسمعیل مرآت، حسینقلی قزل‌ایاغ و نقیب‌زاده طباطبایی از اعضای انجمن بودند (ساکما، شماره سند ۱۰۱۲۷-۲۹۷۰). نکته مهم اینکه این شورا هرگز به‌مانند انجمن معارف نبود و کارکردهای فرهنگی ارزشمند نداشته است. ربع قرن پس از فعالیت شورای عالی معارف قانون اجازه تأسیس شعب آن در مراکز مهمه ایالات و ولایات، در جلسه ۱۴ شهریور ۱۳۰۶ ش. به تصویب مجلس شورای ملی رسید (ساکما، شماره سند ۲۸۶۹-۲۹۷).

چنان‌که یاد شد، از جمله برنامه‌های انجمن معارف، تأسیس کتابخانه، دارالترجمه و دارالتألیف بوده است. این وظایف در زمان صدرالاعظمی امین‌الدوله (۱۳۱۴ ق. / ۱۲۷۵ ش.)، تعیین شده بود. انجمن همچنین در نظر داشت برای آشنایی مردم با دانش نوین و رواج تجددخواهی و اندیشه‌های اصلاحی مترقی در شیوه دانش‌اندوزی و سوادآموزی، مرکز بزرگ و ویژه‌ای

آماده کند تا در آن اندیشمندان و میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان گرد هم آیند و درباره مسائل سیاسی و اقتصادی و علمی و فرهنگی و علل عقب‌ماندگی ایرانی با هم به بحث و مناظره بپردازند و چنین بود که کتابخانه ملی معارف را به‌وجود آوردند و جلسات خود را در آنجا برگزار کردند. اختصاص نام ملی به معنی این بود که این کتابخانه هیچ‌گونه وابستگی به دولت ندارد، بلکه مردمی بود. اعضای انجمن در زمان صدارت امین‌الدوله (۱۳۱۴ق./۱۲۷۵ش.) بعد از تدوین نظام‌نامه داخلی، ساختمانی در تهران اول خیابان علاءالدوله در کوچه مقابل میدان مشق را برای کتابخانه ملی معارف در نظر گرفتند و کتابخانه را تشکیل دادند (مزیانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲-۱۸۳).

بعدها به دلیل اختلافات داخلی و ناهمگونی بین اعضای انجمن و اوضاع سیاسی کشور و همچنین وجود افراد سودجو و جاه‌طلب در بین آن‌ها، کتابخانه ملی معارف در سال ۱۳۱۶ق./۱۲۷۷ش. تعطیل شد. تا اینکه بعد از تلاش‌های بسیار اعضای انجمن برای راه‌اندازی مجدد و با پیگیری‌های نصرالله تقوی و میرزا محمدعلی خان نصره‌السلطان و ملک‌المکملین، در سال ۱۳۲۴ق./۱۲۸۴ش. برای بار دوم کتابخانه ملی معارف شروع به کار کرد و برای آن تشکیلات و نحوه اداره نیز تدوین شد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۷۱؛ مرسلوند، ۱۳۶۹، ص ۲۷۰). آن‌ها عمارتی در خیابان ناصری جنب سقاخانه در تهران اجاره کردند. نصرالله تقوی از نمایندگان مجلس شورای ملی به ریاست کتابخانه ملی معارف انتخاب شد. وی و عده‌ای از معارف‌پروران کتاب‌هایی به این کتابخانه اهدا کردند (سادات صوتی، ۱۳۵۲، ص ۲).

اعضای انجمن در گردآوری کتاب برای کتابخانه، کوشش فراوان می‌کردند. چنان‌که در اندک زمانی بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب در کتابخانه فراهم‌آوری شد. در این زمان (۱۳۲۴ق./۱۲۸۴ش.) مدیریت کتابخانه با محمداسماعیل خان آجودانباشی بود. از تلاش‌های دیگر اعضای انجمن در راستای کتاب و کتابخانه، کوشش آن‌ها در ایجاد یک شرکت برای چاپ و پخش کتاب بود و برای انجام آن میرزا محمدحسین فروغی (ذکاءالملک) و پسرش میرزا محمدعلی خان فروغی (ذکاءالملک دوم) و محمدبن عبدالوهاب قزوینی (علامه قزوینی)، را به کار گرفتند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۲).

با تشکیل کتابخانه ملی معارف در زمان وزارت معارف علاءالملک در سال ۱۳۲۴ق./۱۲۸۴ش. کتاب‌های کتابخانه ملی معارف به کتابخانه دارالفنون منتقل و این دو کتابخانه باهم ادغام شدند و به همین‌گونه برجا بود تا که در سال ۱۳۳۸ق./۱۲۹۸ش. در زمان وزارت آقای حکیمی (میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک) نام کتابخانه معارف را بر این کتابخانه نهادند و بالاخره در ۱۳۱۳ش. در دوره وزارت معارف علی‌اصغر حکمت، به نام «کتابخانه عمومی معارف» خوانده شد (کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۳، ص ۱؛ اخگر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴).



افزایش تدریجی شمار باسوادان و تحصیلکردگان و فرنگ‌رفته‌ها در عهد قاجاریه و پهلوی اول

از عوامل اصلی و تعیین‌کننده در تغییر و تحول فرهنگی، تحولات آموزشی و سواد است. آموزش امری مؤثر و مهم در تغییر دیدگاه و نگرش افراد دارد و منجر به توسعه می‌شود. به‌طور کلی هیچ تغییری چون آموزش در جامعه اسلامی دچار تحول نشده است (عبدی و گودرزی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹).

به‌نظر برخی از محققان، در عهد قاجاریه، نزدیک به ۹۷ درصد افراد جامعه بی‌سواد بودند. به غیر از افرادی که با تمدن غرب آشنا بودند و با علوم جدید سروکار داشتند، مابقی از همان ابتدای تأسیس مکتب‌خانه، شروع به آموختن خواندن و نوشتن و شریعت و حساب کردند و هیچ‌گونه وسیله پرورش فکری برای افراد جامعه در آن دوره وجود نداشت (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۳۵۶). رفته‌رفته تحولی عظیم در نظام آموزش و پرورش کشور به‌وجود آمد. در سال ۱۳۲۵ ق. / ۱۲۸۵ ش. آموزش ابتدایی جدید، اجباری و همگانی شده بود. در سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۲۸۸ ش. وزارت علوم بازسازی و تربیت معلمان، آموزش بزرگسالان و تهیه کتب درسی مورد تأکید قرار گرفت. بعد از خلع محمدعلی‌شاه، مدارس ملی و دولتی بسیاری در تهران و شهرهای دیگر ایجاد شد. تا این زمان در تهران ۷۶ مدرسه ابتدایی پسرانه و ۴۷ مدرسه ابتدایی دخترانه وجود داشت و در این مدارس طبعاً ۱۰ هزار و ۵۳۱ شاگرد به تحصیل اشتغال داشتند. تعداد محصلان مدارس عالی نیز ۱۵۷ نفر بود. به‌طور کلی تعداد دانش‌آموزان مدارس جدید و قدیم و مکتب‌خانه‌ها جمعاً در تهران بالغ بر ۱۴ هزار و ۸۳۴ نفر بود (درانی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). در بین شخصیت‌های فرهنگ‌دوست عهد قاجاریه، حاج میرزا حسن رشیدی، سهمی عظیم در افزایش شمار باسوادان دارد. وی علاوه بر تدریس کودکان، بی‌سوادان ۲۵ تا ۴۵ ساله را نیز آموزش می‌داد به‌گونه‌ای که بعد از ۹۰ ساعات، خواندن و نوشتن را می‌آموختند (معمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶). به‌این ترتیب، به مرور زمان نسبت تحصیل‌کرده‌ها به عامه مردم کم‌سواد و بی‌سواد در حال افزایش است و مقایسه این دو دسته از افراد تا حدودی چشم‌انداز آینده فرهنگی و رفتاری جامعه را نشان می‌دهد (عبدی و گودرزی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵).

چاپخانه، روزنامه در عهد قاجاریه و پهلوی اول

نیاز به اطلاعات یکی از ضروریات زندگی اجتماعی انسان است. اهمیت مطبوعات به‌خصوص روزنامه برکسی پوشیده نیست. از جمله عوامل مؤثر بر سیر تکاملی تاریخ مطبوعات و جراید، پیدایش فن چاپ و احداث چاپخانه است. پیدایش روزنامه‌نگاری و صنعت چاپ در ایران، نقش سازنده و هدایتگر داشته و به‌خصوص به روشنگری و تغییر افکار عمومی کمک کرده است.



روزنامه، نشانه نیاز شدید مردم به ایجاد ارتباط با یکدیگر و داشتن خبر از جریان عادی زندگی است.

چاپ و چاپخانه

صنعت چاپ و چاپخانه منشأ بسیاری از تغییر و تحولات علمی و فرهنگی و در واقع فرایندی است که زمینه ترویج اندیشه‌ها و تبادل افکار را فراهم کرده است و در بهبود کیفیت زندگی و جهش‌های علمی و آگاهی افراد تأثیر به‌سزایی داشته است. اختراع این صنعت از جمله بزرگترین و مهم‌ترین اختراعات بشری است. این فن شریف در توسعه سواد و بالابردن سطح فکر و اطلاعات عمومی افراد نقش مؤثری داشت (صافی، ۱۳۷۸، ص ۱۴-۱۵).

جنگ‌های ایران و روسیه و پیامدهای حاصل از آن نیز عاملی مؤثر بر پیدایش و پیشرفت صنعت چاپ در ایران شد. زیرا بسیاری از مردان اهل سیاست و نخبگان به فکر اصلاح‌طلبی و تجددخواهی افتادند و متوجه لزوم اخذ علوم و فنون شدند. آن‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت و ترقی جامعه را علاوه بر گسترش آموزش و پرورش، در رشد آگاهی مردم از اخبار و تحولات جهان دانستند (حسین‌طلایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

بعد از چاپ و انتشار روزنامه در اروپا، صنعت چاپ در قرن ۱۹ میلادی به ایران نیز راه یافت. در زمان سلطنت فتح‌علی‌شاه قاجار (۱۲۱۱-۱۲۵۰ ق. / ۱۱۷۶-۱۲۱۳ ش.). به کوشش عباس‌میرزا، تعدادی صنعت کار برای آموختن فن چاپ به فرنگستان اعزام شدند. در میان این افراد، میرزا زین‌العابدین تبریزی فنون چاپ و روش ساختن مرکب را فرا گرفت و در سال ۱۲۳۲ ق. / ۱۱۹۵ ش. به ایران مراجعت کرد (محمدی و قائینی، ۱۳۸۰، ص ۶۹۲). ماشین چاپ با همت وی وارد ایران گشت و در تبریز مستقر شد. میرزا زین‌العابدین تبریزی با تأسیس چاپخانه شروع به فعالیت کرد. این چاپخانه با حروف سربی و ریخته‌ای کار می‌کرد و پس از مدتی کتابی موسوم به فتح‌نامه از آن بیرون آمد. این کتاب نخستین کتابی بود که در ایران به حروف سربی چاپ شد (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۰، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ فرج‌زاده‌ها، ۱۳۷۳، ص ۶۵).

میرزا صالح شیرازی که در سال ۱۲۳۴ ق. / ۱۱۹۷ ش. عازم اروپا شد و علوم و فنون چاپ را فراگرفت. هنگام بازگشت از لندن چندین دستگاه چاپ را با خود به ایران آورد. یکی دو تا از این دستگاه‌های میرزای شیرازی را به تهران بردند و در آنجا دایر کردند. به این ترتیب میرزا صالح شیرازی بانی امر خیری شد که در ترویج علم و فرهنگ مقام اول را داشت (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۰، ص ۲۱۴-۲۱۵).

به‌دنبال تأسیس مدرسه دارالفنون، چاپخانه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ق. / ۱۲۳۰ ش. در قسمتی از مدرسه به‌نام «مطبعه دولتی» تأسیس شد. دو دستگاه ماشین چاپ سنگی برای این



چاپخانه از هندوستان وارد شد. در این چاپخانه آثار استادان دارالفنون و پاره‌ای از کتاب‌های دیگر چاپ می‌شد. علم توپخانه، تألیف دکتر شلیمر^۱ ترجمه میرزا زکی مازندرانی، علم هندسه و علم مساحت، تألیف کرتیش^۲ و ترجمه میرزا زکی مازندرانی در سال ۱۲۷۴ق./۱۲۳۶ش. و زبده‌الحکمه، تألیف علیقلی خان حکیم‌الملک در سال ۱۲۷۵ق./۱۲۳۷ش. از جمله کتاب‌های چاپ‌شده در دارالفنون است (محمدنیا سماکوش، ۱۳۹۰، ص ۲۱۵).

ناصرالدین‌شاه نیز در اولین سفر خود به اروپا (۱۲۹۰ق./۱۲۵۲ش)، یک دستگاه چاپخانه سربی با حروف فارسی و لاتین خرید و آن را به ایران فرستاد. این چاپخانه تا مدتی به دلیل نبودن سرپرست و حروف‌چین معطل بود تا اینکه بارون لویی دونرمال^۳ فرانسوی این چاپخانه را در سال ۱۲۹۳ق./۱۲۵۳ش. به کار انداخت (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

همچنان‌که از نظر گذرانده شد، با گسترش تدریجی صنعت چاپ در جهان و افزایش شمار باسوادان در ایران، علاقه و توجه به چاپخانه‌ها افزایش یافت. در دوره ناصرالدین‌شاه کتاب‌های زیادی به چاپ رسید به گونه‌ای که چاپ سنگی و چاپ سنگی مصور در سال‌های ۱۲۷۰-۱۳۰۰ق/۱۲۳۲-۱۲۶۱ش. به اوج شکوفایی خود رسید (محمدی‌فایینی، ۱۳۸۰، ص ۶۹۳). دوره پهلوی اول فاصله بین دو جنگ جهانی و همزمان با دوره‌ای از تحولات جهانی در فناوری چاپ است. بنا به برآورد آماری، حدود ۴۲ چاپخانه، پیش از سال ۱۳۳۹ق./۱۳۰۰ش. در سراسر کشور وجود داشت درحالی‌که به سال ۱۳۱۵ش. شمار چاپخانه‌های کشور به ۱۴۵ واحد رسیده بود که از این تعداد، ۶۲ واحد در تهران و مابقی در شهرستان‌ها فعالیت داشتند (قاسمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۰). تغییر و تحولات عمده‌ای برای چاپ و نشر کتاب‌های درسی در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۷ش. صورت گرفت به گونه‌ای که نیاز به چاپ برخی مطالب در مقیاسی وسیع‌تر، با تأسیس دانشگاه تهران و نهادهای جدید آموزشی، احساس شد (خسروی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹).

روزنامه‌ها

مطبوعات در تعمیم اطلاعات عمومی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مهم‌ترین عامل در انتقال معلومات به افراد و ذخیره اطلاعات هستند. نقش روزنامه‌ها از بعضی کتاب‌ها مهم‌تر بوده و این جایگاه در سایه دو قرن تجربه و کار مداوم کسب شده است. در واقع مطبوعات حاصل افکار و تحقیقات گسترده دانشمندان بوده است (صافی، ۱۳۷۸، ص ۸۱). بدون توجه به خوبی و بدی روزنامه‌ها می‌توان گفت که از نظر اساس و یا شکل، مطبوعات خدمات بزرگی به ملت ایران کردند. زیرا باعث شدند تا ذوق مطالعه در مردم ایجاد و تقویت شود. حتی افراد بی‌سواد به‌خاطر نشان‌دادن تصاویر آن به فرزندان خود روزنامه می‌خریدند و به‌همین ترتیب بود که روزنامه‌ها

1. Schlimmer
2. Curtis
3. Baron Louis de Naurman



سهم برجسته‌ای در پیشرفت فرهنگ عامه داشتند (خامی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۰). در دوره قاجاریه یکی از عامل‌هایی که سبب ایجاد تحولی بزرگ در مردم شد، انتشار روزنامه‌ها بود. اولین روزنامه ایران را میرزا صالح شیرازی با نام «روزنامه کاغذ اخبار» انتشار داد و یک نسخه از آن عیناً در مجله آسیای انگلیسی^۱ نقل شده است (فرج‌زاده‌ها، ۱۳۷۳، ص ۷۲). وی بنیان‌گذار روزنامه در ایران و از شاگردان عباس‌میرزا بود که برای تحصیل علوم جدید به انگلستان اعزام شد. (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۶۹-۳۷۰؛ ورهرام، ۱۳۶۷، ص ۱۸۸).

ادامه جدی فعالیت روزنامه‌ای در ایران را بایستی در زمان چهارمین پادشاه قاجار، ناصرالدین‌شاه دنبال کرد. «روزنامه وقایع‌اتفاقیه» در سال ۱۲۶۷ ق. / ۱۲۲۹ ش. زیر نظر میرزا تقی‌خان امیرکبیر در تهران انتشار یافت. این روزنامه در واقع دنباله کار میرزا صالح شیرازی است و هر هفته و به‌صورت چاپ سنگی منتشر می‌شد. از مشخصات شماره‌های اول این روزنامه، نقش شیر و خوشید در میان دو درخت و عبارت یا اسدالله الغالب، بالای شیر و خورشید بود. در شماره‌های بعدی به‌جای عبارت یا اسدالله الغالب، عبارت روزنامه وقایع‌اتفاقیه، نوشته می‌شد (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰). هدف امیرکبیر از انتشار روزنامه وقایع‌اتفاقیه، تربیت و افزایش آگاهی صاحب‌منصبان حکومتی از رخدادهای بین‌المللی بود. این روزنامه شباهت زیادی به «روزنامه کاغذ اخبار» منتشرشده از سوی میرزا صالح شیرازی داشت (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵).

روزنامه وقایع‌اتفاقیه چند سال بعد از قتل امیرکبیر، در سال ۱۲۷۷ ق. / ۱۲۳۹ ش. به «روزنامه دولت علیه ایران» تغییر نام یافت. امور مطبوعاتی به میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی معروف به صنیع‌الملک غفاری کاشانی واگذار شده بود. اهمیت این روزنامه بیشتر از منظر تصاویر آن است. در واقع این نخستین روزنامه مصور است که در ایران به انتشار درآمده بود از آن پس نیز در مدت زمان کوتاهی مجدداً نام روزنامه تغییر پیدا کرد (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۳۷۲، ص ۸۳؛ خامی‌زاده، ۱۳۸۰، ص نشانه‌ها).

روزنامه دولت علیه ایران از نظر محتوا همان روزنامه وقایع‌اتفاقیه بود که در آن ابتدا اخبار مربوط به تهران و بعد دیگر ایالات و ولایات و در آخر اخبار خارجه چاپ می‌شد. در واقع در کیفیت محتوایی روزنامه هیچ تغییری صورت نگرفت، بلکه فقط مصوربودن عامل تفکیک‌کننده آن‌هاست. در سال ۱۲۸۸ ق. / ۱۲۵۰ ش. روزنامه دولت علیه ایران به «روزنامه دولت» تغییر نام یافت (کیان‌فر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۲-۲۸۳).

در واقع علاقه‌مندی ناصرالدین‌شاه به داشتن روزنامه مصور، علت تغییر نام روزنامه بود. مدیریت این روزنامه بر عهده ابوالقاسم خان نقاش کاشانی، ملقب به صنیع‌الملک بود. صنیع‌الملک روزنامه را با تصاویر هنرمندانه خود از درباریان و دولتمردان درآمیخت و در

1. Asia Sentinel



نهایت، مجموعه با ارزشی از نظر هنری در مطبوعات ایران بر جای گذاشت (کهن، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۴۴).

روال انتشار روزنامه دولت هم مانند روزنامه دولت علیه ایران، با چاپ سنگی و به صورت ماهانه بود و در آن به حوادث و وقایع مملکتی و اوضاع درباری اشاره می شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰، ص ۲۴).

در دوره مظفرالدین شاه (۱۳۱۴-۱۳۲۴ ق. / ۱۲۷۵-۱۲۸۵ ش). به ویژه در پایان سلطنت وی، با آزادی انتشار روزنامه موافقت شد و بر تعداد روزنامه ها افزوده شد. در این دوره علاوه بر روزنامه های چاپ خارج که اینک آزادانه به فعالیت می پرداختند، ده ها روزنامه هفتگی، ماهانه و روزانه نیز منتشر شد و اکثر مدیران آن ها را مدیران مدارس تشکیل می دادند و می گویند که مشوق این امر حاجی میرزا علی خان امین الدوله بوده است. هدف از انتشار این روزنامه ها این بود که بنیان گذاران آن دانسته های خود را بیرون ریزند و در جایی ثبت کنند و بیشتر در گفتارهای خود به حدیث، فلسفه، شعر و اصول می پرداختند (کسروی، ۱۳۸۴، ص ۵۷۱؛ خمایی زاده، ۱۳۸۰، ص ۹).

از سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۲۸۴ ش. که کشور ایران از نظر اوضاع سیاسی دچار بزرگترین تحول تاریخی شد، یعنی انقلاب مشروطه، روزنامه های مختلف منتشره در ایران مانند روزنامه ایران نیز از نظر نوع خبر و حجم مطالب از یک دگرگونی عظیم برخوردار شد (کیان فر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۳). روزنامه «دانش» در سال ۱۲۹۹ ق. / ۱۲۶۱ ش. در زمان علی قلی خان مخبرالدوله که وزیر علوم و رئیس مدرسه دارالفنون بود، در تهران تأسیس و در مطبعه مخصوص دارالفنون به چاپ رسیده و منتشر شد. این روزنامه با چاپ سنگی و به خط نسخ خوب و از نظر محتوای علمی پربار بود (کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۶).

در بررسی نقش مطبوعات در جنبش روشنفکری ایران عهد قاجاریه، باید سهم درخوری برای مطبوعات منتشره در خارج در نظر گرفت. عده زیادی از روشنفکران و نویسندگان خارج از کشور که از مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی ایران باخبر بودند و از طرفی می دانستند سایر ملل با پیشرفت، رشد و بالندگی همراه اند، برخود واجب دانستند تا ایرانیان را از خواب غفلت بیدار کنند و هرچه سریع تر جلوی این عقب ماندگی را بگیرند. انتشار و ارسال مطبوعات به ایران، یکی از جمله گام های برداشته شده توسط آن ها در این راستا بوده است (زاهد، ۱۳۸۵، ص ۸۲-۸۳).

اختر، قانون، حبل المتین، پرورش، ثریا و دانش از جمله روزنامه های مشهور فارسی بودند که در بیداری افکار عمومی مؤثر افتادند و در خارج از کشور چاپ و توسط جهانگردان، مسافران و زوار یا ضمن بارهای تجاری به ایران وارد شدند (پزشک زاد، ۱۳۸۵، ص ۱۴-۱۵).



در عصر رضاشاه پهلوی، انتشار مطبوعات از سوی دولت انجام می‌شد. به واقع فقط روزنامه‌هایی که در راستای ثبات و تحکیم پایه‌های استبداد رضاشاهی و توجیه‌گر اهداف و نیات حکومت باشد، چاپ و انتشار می‌یافت. دیدگاه رضاشاه دربارهٔ مطبوعات در سفر وی به ترکیه کاملاً مشهود است. وی در ملاقات با آتاتورک اظهار کرد که در ایران به روزنامه‌نگاران اجازه نگارش آزاد و انتقاد از دولت را نمی‌دهد (حدادعادل، ۱۳۷۹، ص ۸۴۷). اما از شهریور ۱۳۲۰ ش. نگارش آزاد شد و روشنفکران ایرانی از طریق قلم، فکر و زبان به خدمت پرداختند. برخی افراد از قدرت مطبوعات سوءاستفاده کردند. به گونه‌ای که هر کجا دستگاه چاپی وجود داشت، روزنامه‌ای در معرض انتشار قرار می‌گرفت (امین، ۱۳۸۱، ص ۲۸۳). به دلیل توجه و علاقه روزافزون بشر به مطبوعات در دوره رضاشاه، وزیران و نمایندگان مجلس شورای ملی تلاش زیادی برای جلب نظر نویسندگان داشتند تا از اتهامات و بی‌حرمتی‌های بعضی از مطبوعات در امان باشند (شمیم، ۱۳۴۶، ص ۳۳).

ترجمه و تألیف کتاب

اولویت نهضت ترجمه در عهد قاجاریه، نخست با ترجمه لغات و اصطلاحات و مطالب درسی و سپس با ترجمه مطالب متفرقه و تفنیی بود. تعدادی از کتاب‌ها و جزوه‌هایی که استادان و دانشجویان مدرسه دارالفنون تألیف می‌کردند به دست مترجمانی که به خصوص در زبان فرانسه مهارت داشتند، ترجمه می‌شد (جنابزاده، ۱۳۸۳، ص ۸۵-۸۶).

ارتباطات ایران با کشورهای دیگر در دهه‌های آغازین سلطنت قاجار گسترده‌تر شد. با افزایش این ارتباطات، احساس نیاز شناخت ایران برای اروپاییان بیشتر شد. آن‌ها می‌دانستند که چکیده و مایه تمدن اسلامی، در آثار و کتاب‌های اسلامی است که عموماً به زبان عربی و سپس زبان فارسی نوشته شده بود. بدین ترتیب شرق‌شناسی و به ویژه ایران‌شناسی را دنبال کردند و به سرعت به ترجمه این آثار پرداختند (حسین‌طلایی، ۱۳۹۰، ص ۹).

تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر یکی دیگر از دلایل گرایش به ترجمه در ایران در دوره ناصری بود. امیرکبیر تصمیم داشت هر آنچه که منجر به پیشرفت و ترقی ملت و دولت می‌شود را فراهم کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۲۱۳). وی تا آنجا که امکان داشت در ترجمه و تألیف کتاب کوشید. طی چند دوره، نقشه جغرافیا از ایران و ۵ قاره عالم، ۲ جلد تاریخ ناپلئون، کتاب نظام ناصری تألیف بهرام میرزا قاجار، رسالاتی درباره لزوم تلقیح ضد آبله و امثال آن‌ها، به همت امیرکبیر ترجمه و تألیف شده است (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰-۱۵۱).

امیرکبیر با دایرکردن رشته زبان‌های خارجی در مدرسه دارالفنون امکان دستیابی به فن ترجمه را دوصد چندان ساخت. دعوت و به کار گماشتن عده‌ای معلم ایرانی آشنا به زبان خارجی



برای تدریس و ترجمه برخی مطالب، از دیگر اقدامات امیرکبیر بعد از تأسیس دارالفنون بود، که خود نیز به رواج ترجمه در ایران کمک کرد (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۶۲).

به هرحال دایره ترجمه و تألیف کتاب در دارالفنون توسعه یافت و کتاب‌های متعددی از جمله طب، شیمی، ریاضی، داروسازی و غیره از زیر دست ترجمه و تألیف می‌گذشت. دایره محدود به استفاده از اصطلاحات قدیم با توجه به الفاظ فرانسه توسعه و پیشرفت پیدا می‌کرد (روشنی‌زعفرانلو، ۱۳۵۴، ص ۱۹۳). صفحه اول کتاب تنبیه و تأدیب مقصران سربازان که ظاهراً ترجمه آن به دست معلمان دارالفنون است، در مخازن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران موجود است (شماره نسخه خطی، ۱۰۷۰۴-۵).

بررسی تاریخ ترجمه در ایران نشان می‌دهد که وقوع حوادث تکان‌دهنده، در سرنوشت و سیر ترجمه اثرات ژرف و جدی داشته است. ایجاد واحدی زیر عنوان دارالترجمه یا مرکز تجمع مترجمان دولتی منجر به گردآمدن افراد آشنا به زبان‌های خارجی و هماهنگی با یکدیگر برای ایجاد کانونی برای ترجمه مطالب موردنیاز کشور شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۴؛ واعظ شهرستانی، ۱۳۷۸، ص ۹۴-۹۵). هیئت مترجمان امیرکبیر متشکل از اتباع فرنگی در استخدام دولت و ایرانیان مسیحی و شاگردان ایرانی تحصیل کرده آشنا به زبان بودند (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۷۹).

در دوره قاجاریه، به علت اشتیاق سلاطین و فرمانروایان به ثبت وقایع و حوادث دوران خویش، فن تاریخ‌نویسی و یا به عبارت دیگر تألیف کتب رونق یافت و آن عصر را از لحاظ کتب و منابع تاریخی غنی دانستند (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳). تاریخ‌نویسان دوره قاجار، اغلب کاتب و منشی دربار و تحت حمایت بزرگان قاجار بودند؛ مانند میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی (مؤلف تاریخ ذوالقرنین)، عبدالرزاق مفتون دنبلی (مؤلف مآثرسلطانی)، محمد ساروی (مؤلف تاریخ محمدی). برخی نیز از شاهزادگان قاجاری بودند مانند اعتضادالسلطنه (نویسنده اکسیرالتواریخ) و عضدالدوله سلطان احمد میرزا (نویسنده تاریخ عضدی). (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۳۰۵۹). برخی هم از شخصیت‌های فرهنگ‌دوست ایرانی، چون میرزا حسن رشیدیه (مؤلف بدایه‌التعلیم، نهایه‌التعلیم، کفایه‌التعلیم، اخلاق و اصول عقاید) بودند (محمودیان، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

دوره پهلوی اول تأثیر به‌سزایی بر روند ترجمه و تألیف کتاب گذاشت. این دوره مصادف با دوره میان دو جنگ جهانی اول و دوم، دوره جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و بالاخره دوره‌ای بود که امور آن بدون ترجمه نمی‌گذشت. به‌طوری‌که در ۱۸ بهمن ۱۳۱۲ ش. نظام‌نامه اداره انطباعات به تصویب شورای معارف رسید و به‌دنبال آن در کار ترجمه و تألیف کتاب، نظمی نو بخشید. در ۱۳۳۰ ش. به‌خاطر آشفته‌گی اوضاع سیاسی و اقتصادی، دولت توانایی مالی برای چاپ کتاب‌های درسی را نداشت و تألیف کتب آزاد شد (معمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹-۱۲۰).

نتیجه‌گیری:

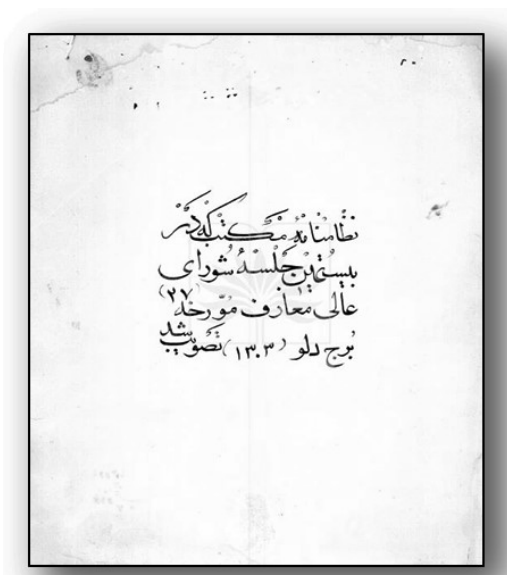
ایجاد پایگاه‌های علمی، آموزشی و به‌دنبال آن تغییر و تحولات آموزشی و نظام سوادآموزی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده در تحول و تغییر فرهنگی است. تقریباً تمام کسانی که به‌دنبال توسعه و اصلاحات فرهنگی و تمدنی هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می‌کنند. بهره‌مندی از آموزش منجر به دگرگونی در دیدگاه و نگرش افراد نسبت به خود و محیط اطراف خود می‌شود و بالتبع رفتار متفاوتی نیز پدید می‌آورد.

تغییرات فرهنگی در ایران دوره قاجار با رویکردی تکاملی صورت گرفت. در واقع یکی از دلایلی که دوره قاجار در تاریخ ایران مورد توجه قرار گرفته است، پیدایی و رشد و تحولات قابل توجه در زمینه‌های فرهنگی، علمی و آموزشی این دوره است. این تغییر و تحولات، متأثر از مسائل مختلفی چون تأثیرپذیری ایران از پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی مغرب‌زمین و افزون شدن تکاپوی فرهنگ دوستان ایران‌زمین است. یکی از نمودهای بارز و عینی پیشرفت‌های فرهنگی ایران قاجاریه، در پیدایش روزنامه‌های مختلف چون اطلاعات و وقایع‌اتفاقیه، انجمن‌های ادبی و نیز مدارس و مؤسسات مختلف آموزشی توسط نهادهای حکومتی و اشخاص فرهنگ‌دوست، ظهور و بروز یافته است.

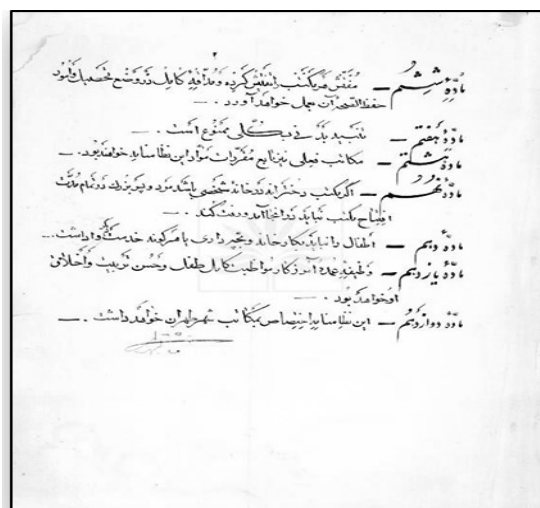
از پیامدهای رواج روزافزون این پدیده‌های تمدنی، فرهنگی در جامعه ایران، اهمیت یافتن مضاعف برخی دیگر از پدیده‌های فرهنگی و علمی چون کتابخانه‌ها در جامعه بوده است. البته سابقه پیدایش کتابخانه در ایران زمین، به قدرت تمدن و فرهنگ ایران برمی‌گردد. در دوران مختلف تاریخ ایران به موازات کارهای مختلفی که زمامداران یا دولتمردان یا فرهنگ‌دوستان در راستای گسترش نهال تعلیم و تربیت برداشته‌اند، همواره مراکزی به‌عنوان کتابخانه در دربارهای حکومتی یا در برخی شهرها وجود داشته است. معمولاً رابطه مستقیمی بین میزان علاقه و توجه حکام به علم و دانش و اقدامات صورت گرفته برای توسعه علم و ادب و شمار کتابخانه‌ها و میزان اهمیت آن‌ها وجود داشته است. با وجود سابقه توجه به احداث کتابخانه در جامعه ایران در قرون گذشته، پیدایش کتابخانه ملی در نیمه دوم حکومت قاجاریه از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. بخشی از این پیدایی به شکل‌گیری نهادی شبیه این در کشورهای دیگر به‌خصوص مغرب‌زمین مربوط است. افزون بر احتمال تقلید و الگوبرداری از غرب نمی‌توان پیامدهای نهضت فرهنگی ایران قاجاری را نادیده گرفت. به‌عبارت دیگر دلایل پیدایش و شکل‌گیری کتابخانه ملی ایران را باید در ارتباط تنگاتنگ با تحولات فرهنگی ایران عهد قاجاریه چون پیدایش مدارس جدید، مدرسه دارالفنون و انتشار روزنامه‌ها و پیدایی صنعت جدید چاپ و چاپخانه دنبال کرد.

با گذر زمان و افزون شدن دامنه فعالیت دارالفنون و نیز پیدایی مدارس مختلف در مناطق





نظام‌نامه مکتب، مصوب شورای عالی معارف
ساکما ۲۹۷۴۴۷۶۹-۱، تاریخ سند: ۱۳۰۳/۱۱/۲۷ ش.

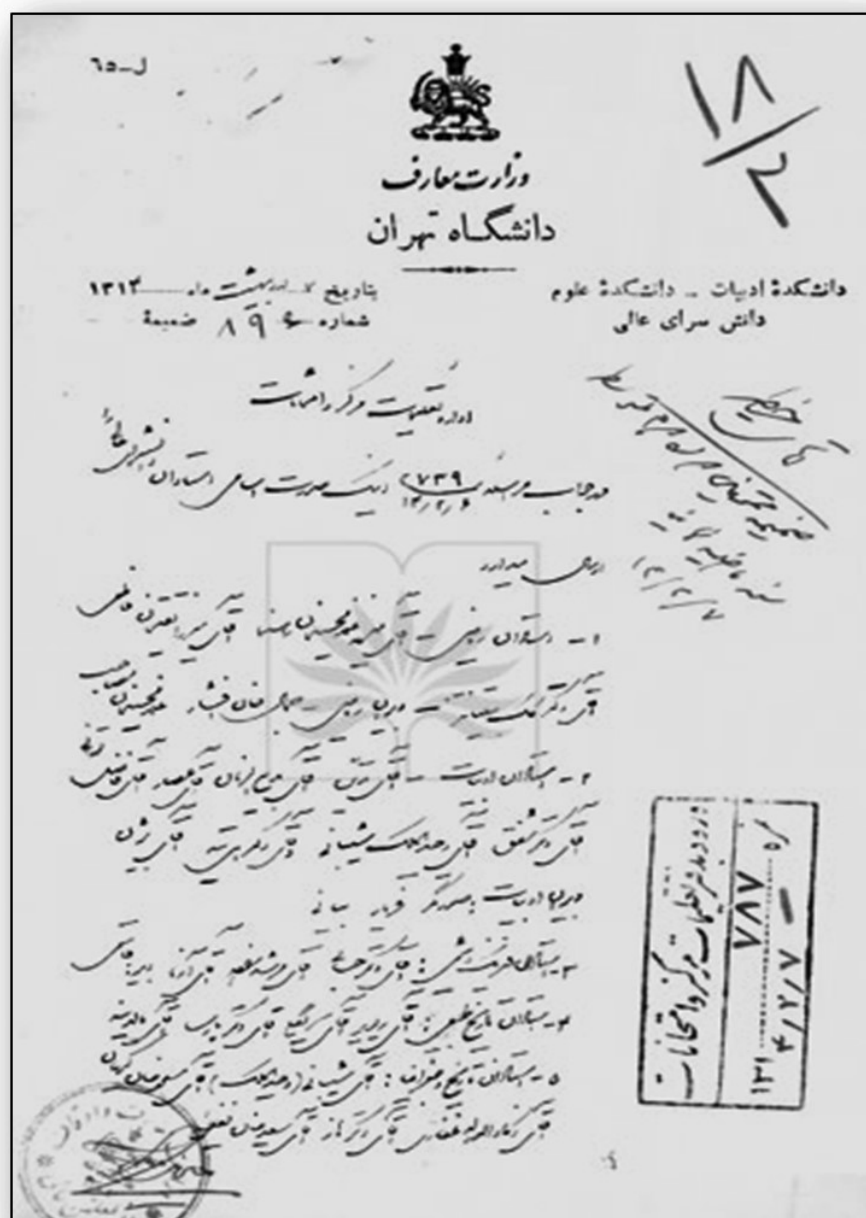


نظام‌نامه مکتب، مصوب شورای عالی معارف
ساکما ۲۹۷۴۴۷۶۹-۳، تاریخ سند: ۱۳۰۳/۱۱/۲۷ ش.



نظام‌نامه مکتب، مصوب شورای عالی معارف
ساکما ۲۹۷۴۴۷۶۹-۲، تاریخ سند: ۱۳۰۳/۱۱/۲۷ ش.





صورت اسامی استادان دانشسرای عالی
ساکما ۲۰۳۱۴، تاریخ سند: ۱۳۱۴/۰۲/۰۷ ش.





وزارت معارف، عالی و متوسط

تاریخ ماه سنه ۱۳۱۱

دوره نهم تقویم نهمه
مورخه بیست و یکم آذرماه ۱۳۱۳ - شماره ۶۱۱۶

اداره اول - بعد ارسای کمک خرج داده میشود که واجد شرایط ذیل باشند :

۱ - دبستانهای ابتدائی که دارای شش کلاس کامل بوده و پیش از صد و هشتاد نفر شاگرد داشته باشند .
۲ - دبیرستانهای تک کلاسه اقل مجموع عدد محصلین دوره اول آن در حد و نه نفر و دوره دوم آن در حد و نه نفر
این نفر باشند .

۳ - نظامنامه ها و مقررات و دستورات وزارت معارف را نسبت با انتخاب آموزگاران و دبیران و تهیه اثاثیه و لوازم علمی و تدارک محل مدرسه و ترتیب امور صحتی کامل مراعات نمایند .

۴ - ماده دوم - اعجاری که در رسال تحصیلی گذشته دبستانهای داده میشد از نیمه شهریورماه هر ساله باید بر کل عدد قبول شدگان در امتحانات نهائی خود اد ماه همان سال بین دبستانهای ملی طهران که در رسال تحصیلی (۱۳۱۲ - ۱۳۱۳) اعانه دریافت میداشته اند و واجد شرایط مدرسه در ماده اول این نظامنامه باشند تقسیم شود تا سهم هر دبستان به نسبت عدد قبول شدگان تعیین و با قسط ماهیانه تا نیمه شهریور سال بعد پرداخت شود . و همچنین دبیرستانهای ذکور که در رسال تحصیلی ۱۳۱۳ - ۱۳۱۲ اعانه دریافت داشته و واجد شرایط مدرسه در ماده اول این نظامنامه باشند برای کلیه کلاسهای دوره اول و اول متوسطی ماهی هزار ریال و برای کلیه کلاسهای دوره دوم متوسطی ماهی سه هزار ریال از نیمه شهریور ماه هر سال پرداخت خواهد شد .

۵ - تبصره ۱ - دبستانهای ملی طهران در صورتی بر طبق ماده فوق اعانه دریافت خواهند داشت که عدد قبول شدگان کلاس ششم آنها کمتر از و نه باشد و محصلین همان کلاس در جریان سال تحصیلی نباشند و الا اعانه آنها قطع خواهد شد .

۶ - تبصره ۲ - هرگاه بر طبق تبصره اول ماده دوم و ماده سوم این نظامنامه اعانه یک یا چند مدرسه قطع شود وزارت معارف اعانه قطع شده را میتوان کمک خرج بیک یا چند مدرسه که واجد شرایط مقرر باشند میدهند .

۷ - تبصره ۳ - دبیرستان اقدامیه که در رسال گذشته بابت قسمت متوسطه اعانه دریافت نمیداشته مبلغ پانصد رسال ماهیانه اعانه دریافت خواهد داشت .

۸ - ماده سوم - دریک از دبیرستانها که بر طبق این نظامنامه کمک خرج میگیرند اگر عدد قبول شدگان از شاگردان کلاس ششم یا ششم آن در امتحانات نهائی دوره اول یا دوره دوم بعد نصاب نازل نشوند از اخذ کمک خرج همان کلاس (سوم یا ششم) برای یکسال محروم خواهد گردید هرگاه همان دبیرستان در رسال

نظامنامه مدارس مصوب مجلس شورای ملی

ساکما ۳۹۷۰۳۹۸۱۸ - ۱، تاریخ سند: ۲۱/ آذر ۱۳۱۳ ش.



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره
دفتر
شماره
تاریخ

بعد قبول شدن شاگردان از شاگردان این کلاس سوم یا ششم آن بعد نصاب رسید مجدد اکمل خرج موقوفه از نیمه شهریور ماه آن سال برقرار گردد و اخته میشود.

و اگر در سال مالی عده قبول شدن آن بعد نصاب نرسد از اخذ کمک خرج آن کلاس یکی محروم خواهد گردید و چنانچه سه سال متوالی بعد نصاب نرسد کمک خرج آن دبیرستان بکلی قطع میشود.

تبصره - عده نصاب مقرر ر ماده فوق عبارت است از نصف عده شاگردان این کلاس سوم یا ششم دبیرستان در هر یک از سال تحصیلی.

ماده چهارم - مدارس و مدارس که در خارج میگیرند باید بترتیب ذیل شاگردان را که وزارت معارف معرفی می نماید بپذیرند.

اول - دبیرستانها که در امتحان نهایی قبول شده اند.

دوم - دبیرستانها برای دوره اول و دوم نفر.

سوم - دبیرستانها برای دوره دوم و سیم نفر.

ماده پنجم - دبیرستانها و مدارس که اساسا مجانی است از نیمه شهریور ماه هزار و سیصد و سی و سه (۱۳۱۳) به بعد ما بانه لغو یک هزار و پانصد ریال (۱۵۰۰ ریال) بطور ثابت دریافت خواهد داشت.

ماده ششم - نظامنامه و مقررات اول پیمین ماه ۱۳۱۲ از این تاریخ ملغی خواهد بود.

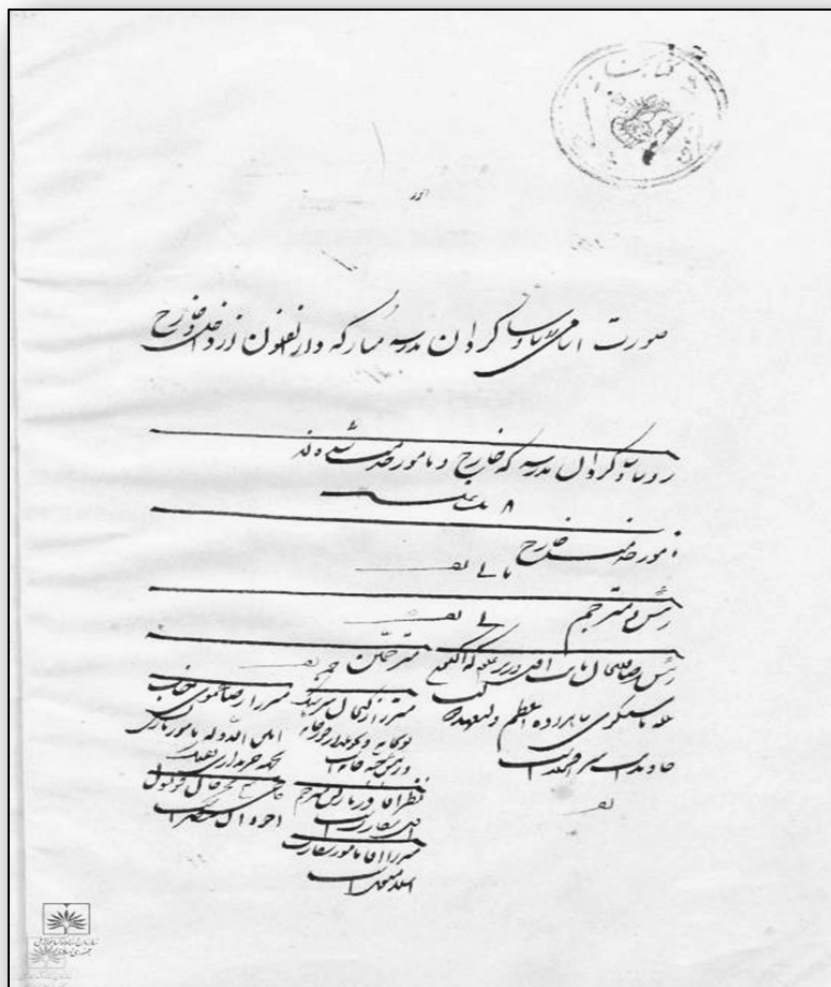
این نظامنامه که مشتمل بر شش ماده است در تاریخ سوم آذرماه ۱۳۱۳ شمسی بتصویب کمیسیون

مجلس شورای ملی رسید و بموجب قانون مصوب ششم پیمین ماه ۱۳۰۸ تأیید اجراء است.

رئیس مجلس شورای ملی دادگر

برگ دوم نظامنامه مدارس





صورت اسامی رؤسا و شاگردان مدرسه دارالفنون از داخل و خارج
شماره نسخه خطی: ۱۰۴۳-۵؛ محل نگهداری: مخزن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران





آغاز و انجام یکی از کتاب‌های مکتب علمی دارالفنون؛ در علم تشریح شرح: تشریح بدن انسان، که یاکوب ادوارد پولاک (معلم طب و جراحی و چشم‌پزشکی)، در مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۷۰ ق. / ۱۲۳۲ ش. (۱۶۸ سال پیش) نگاشته است. وی در سفرنامه خود در این خصوص، چنین نوشت: «به منظور آموختن زبان فارسی به صورتی اساسی به خواندن آثار طبی موجود پرداختم و این کار به من توانایی داد که خود به تألیف کتاب‌هایی درسی در زمینه تشریح و جراحی به زبان مردم این سرزمین همت گمارم» (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۲۱۱)



این نسخه خطی، به دست عبدالجلیل فرزند استاد زین‌العابدین اصفهانی، خوشنویس اسناد، به خط نسخ خوش دستنویس شده است و به زبان فارسی است. شماره نسخه خطی: ۱۴۸۹۲-۵؛ محل نگهداری: مخزن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران



فهرست منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران شماره‌های بازایی:

۲۹۷۱۱۴۲۹ - ۲۹۷۴۴۷۶۹ - ۲۹۷۴۷۴۴ - ۲۹۷۰۰۲۷۴۳۹ - ۲۹۷۰۳۹۸۱۸ - ۲۹۷۰۲۰۲۷۹ -
۲۹۷۰۱۳۹۰۹ - ۲۹۷۰۱۶۹۲۶ - ۲۹۷۰۳۱۴۸۴ - ۲۹۷۰۲۰۳۱۴ - ۲۹۷۰۳۱۰۲۳ - ۲۹۷۰۰۹۲۱۷ -
۲۹۷۲۸۶۹ - ۲۹۷۰۱۰۱۲۷

نسخ خطی

- آغاز و انجام یکی از کتاب‌های مکتب علمی دارالفنون؛ در علم تشریح، مخزن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ۱۴۸۹۲-۵.
- کتاب تنبیه و تأدیب مقصران سرباز، مخزن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ۱۰۷۰۴-۵.
- صورت اسامی رؤسا و شاگردان مدرسه دارالفنون از داخل و خارج، مخزن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ۱۰۴۳-۵.

کتاب‌ها

- آبراهامیان، پروانه (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. ج. اول، تهران: پیام.
- اسلامی‌فرد، زهرا (۱۳۸۹). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام*. قم: دفتر نشر معارف.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷). *صدرالتواریخ*. به کوشش محمد شیری، چاپ دوم، تهران: روزبهان.
- اقبال‌آشتیانی، عباس (۱۳۹۲). *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*. تهران: نگاه.
- الگود، سیریل لوید (۱۳۵۲). *تاریخ پزشکی ایران از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴*. ترجمه محسن جاویدان، تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء.
- الماسی، علی محمد (۱۳۷۷). *تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران*. تهران: امیرکبیر.
- امین، حسین (۱۳۸۱). *کارنامه غنی، نقدی بر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی*. تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: فروزان روز.
- پزشک‌زاد، ایرج (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطیت*. آلمان: البرز، چاپ دوم.
- پوراحمدجکتاجی، اسماعیل (۱۳۵۷). *تاریخچه کتابخانه ملی*. تهران: کتابخانه ملی ایران.



- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۹۴). *رویدادها و یادمان‌های تاریخی تهران*. ج ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جعفرپور، داوود (۱۳۸۷). *مدرسه و تربیت*. تبریز: هنر اول.
- حدادعادل، غلامعلی (۱۳۷۹). *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- خسروی، فریبرز (۱۳۷۸). *سانسور: تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم*. تهران: چاپ و نشر نظر.
- خمایی‌زاده، جعفر (۱۳۸۰). *روزنامه‌های ایران: از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق*. با اضافات و شرح کامل به‌همراه تصاویر روزنامه‌ها: برداشتی از فهرست ه. ل. رابینو. چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
- درانی، کمال (۱۳۸۰). *تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام*. تهران: سمت.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. ج ۱، تهران: عطار.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۸). *سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا*. تهران: نگاه.
- رشیدیه، شمس‌الدین (۱۳۶۲). *سوانح عمر*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- روشنی‌زعفرانلو، قدرت‌الله (۱۳۵۴). *امیرکبیر و دارالفنون*. تهران: دانشگاه تهران.
- سادات‌صوتی، مرتضی (۱۳۵۲). *کتابخانه ملی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۴۶). *ایران در دوره سلطنت محمد رضا شاه پهلوی*. تهران: ابن سینا.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده*. تهران: بهزاد.
- صدیق، عبسی (۱۳۴۸). *مختصری از تعلیم و تربیت در ایران*. تهران: شرکت سهامی طبع.
- عبدی، عباس؛ گودرزی، محسن (۱۳۸۸). *تحولات فرهنگی در ایران*. تهران: علم.
- قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاسمی، سیدفرید (۱۳۷۹). *تاریخ روزنامه‌نگاری ایران مجموعه مقالات*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قدسی، حسن‌اعظم (۱۳۴۲). *کتاب خاطرات من یا، روشن‌شدن تاریخ صد ساله*. ج ۱، تهران: حیدری.
- قریشی، حسن (۱۳۹۱). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ایران از آغاز دوره قاجار تا انقلاب مشروطیت*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*. ج ۱. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۵۴). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدنیا سماکوش، مرتضی (۱۳۹۰). *سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران*. تهران: کتابدار.
- محمدی، محمدهادی؛ فایینی، زهره (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. ج ۴، چاپ اول، تهران: چیستا.
- مرسلوند، حسن (۱۳۶۹). *زندگینامه رجال و مشاهیر*. تهران: الهام.
- مزینانی، علی (۱۳۸۵). *کتابخانه و کتابداری*. تهران: سمت.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. ج ۱، تهران: هرمس.



مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵). *دایره‌المعارف فارسی*. ج ۱، تهران: مؤسسه فرانکلین.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: علمی

موسوی، محمد مهدی (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام السلطنه*. تهران: انتشارات زوار.

ناطق، هما (۱۳۷۵). *کارنامه فرهنگی در ایران*. تهران: خاوران.

هاشمیان، احمد (۱۳۷۹). *تحولات ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون*. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.

ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*. تهران: معین.

یغمایی، اقبال (بی‌تا). *مدرسه دارالفنون*. تهران: سروا.

مقالات

- اخگر، آذر (۱۳۷۴). آشنایی با کتابخانه ملی ایران. *رهیافت*، ش ۱۱، ص ۱۰۴-۱۰۹.
- امین، حسین (۱۳۵۱). جایگاه دانش در جهان اسلامی پیدایی و دگرگونی آنها از مسجد تا مدرسه. *ینما*، ش ۲۹۴، ص ۷۴۸-۷۵۲.
- پیراهری، نیر (۱۳۸۸). بررسی وضعیت انجمن‌های علمی. *پژوهشنامه*، ش ۳۹، ص ۸۷-۱۲۰.
- جناب‌زاده، رویا (۱۳۸۳). *دارالفنون. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ش ۵۷، ص ۸۱-۸۷.
- حسین‌طلایی، پرویز؛ نجفیان رضوی، لیلا (۱۳۹۰). علل گرایش به ترجمه کتاب‌های تاریخی در عصر قاجار (با نگاهی به جریان‌های عمده ترجمه در ایران). *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم/انسانی*، ش ۲۲، ص ۱-۱۴.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۵۳). یادداشت‌هایی از عصر پهلوی: دبیرستان‌های نوینیا. *خاطرات وحید*، ش ۳۸، ص ۷-۱۵.
- خلخالی، محی‌الدین؛ تقدیری، سعید (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر. *پیام بهارستان*، ش ۱۹، ص ۴۷۹-۵۱۱.
- درباره کتابخانه دارالفنون (۱۳۸۸). *مثلت*، ش ۲۴.
- روزنامه دولت علیه ایران (۱۳۷۲). *رسانه*، ش ۱۵، ص ۸۳-۸۳.
- زاهد، فیاض (۱۳۸۵). مقالات: پیشینه روزنامه‌نگاری در ایران. *یاد*، ش ۸۱، ص ۷۳-۱۱۱.
- صدیق، اعلم (۱۳۵۶). پی‌ریزی آموزش عالی در سلطنت رضاشاه کبیر. *وحید*، ش ۲۱۰، ص ۱۵-۲۳.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۱). گذری بر زمینه‌های نوسازی و اندیشه اصلاح‌گرانه در ایران عصر قاجار با تأکید بر مسئله اعزام دانشجو به خارج از ایران. *تاریخ پژوهی*، ش ۵۱، ص ۴۵-۶۶.
- قنبری، محمدرضا (۱۳۸۶). نگاهی به مکتب‌خانه در ایران. *فرهنگ مردم/ایران*، ش ۹، ص ۱۱۹-۱۴۰.
- کتابخانه ملی ایران (۱۳۶۳). *علوم اجتماعی. پیام یونسکو*. ش ۱۷۸، ص ۲-۱.



- کیان فر، جمشید (۱۳۶۸). ترجمه در عهد قاجار. نشر دانش، ش ۵۵، ص ۲۳-۲۸.
- کیان فر، جمشید (۱۳۸۸). مطبوعات دولتی ایران در عصر قاجار. پیام بهارستان، ش ۳، ص ۲۷۳-۲۹۹.
- محمودیان، فاطمه (۱۳۹۰). رشدیه: تاریخ آموزش و پرورش در ایران. تاریخ تربیت معلم، ش ۶، ص ۲۲-۲۳.
- مرادی، نورالله (۱۳۸۷). کتابخانه ملی چیست و چه می کند. کتاب ماه کلیات، ش ۱۳۳، ص ۲۶-۳۱.
- مروری کوتاه بر شکل گیری و نقش انجمن های ادبی فارسی (۱۳۸۸). شعر، ش ۶۸، ص ۱۶-۱۷.
- مشایخی، محمد (۱۳۵۶). گذشته و آینده تربیت معلم. تعلیم و تربیت، ش ۱۳۶، ص ۲۵-۴۸.
- معتمدی، اسفندیار (۱۳۷۷). دانشسرای تهران و اثر آن در آموزش متوسطه. رشد معلم، ش ۱۳۵، ص ۱۸-۱۹.
- معتمدی، اسفندیار (۱۳۹۱). بررسی تاریخ تحولات کتاب های درسی مدارس در ایران. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۲۵، ص ۱۱۱-۱۳۱.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷). دارالمعلمین عالی و پروگرام مدارس. تاریخ معاصر ایران، ش ۵، ص ۳۵-۶۰.
- نیرومنش، مهدی (۱۳۷۳). دارالمعلمین عالی، اولین دانشگاه ایرانی. رشد معلم، ش ۱۰۷، ص ۷۵-۷۷.
- همدانی، باور (۱۳۸۸). انجمن های ادبی تهران قدیم. شعر، ش ۶۷، ص ۶۰-۶۱.
- واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۷۸). نقش دارالفنون در روند ترجمه. مترجم، ش ۳۰.
- یزدانی، سهراب. و دیگران (۱۳۸۸). تأثیر تمرکزگرایی به اقتصاد سیاسی عصر پهلوی اول. تاریخ ایران، ش ۵، ص ۱۵۱-۱۷۹.

روزنامه

- معارف. مورخ ۲۴ شوال ۱۳۲۸، شماره ۷۲.

پایان نامه

- صامعی یزدی، نسرين (۱۳۹۰). سیر تحولات آموزش و پرورش ایران در دوره پهلوی دوم. پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان، دانشگاه تهران مرکزی.
- فرج زاده ها، معصومه (۱۳۷۳). تاریخ ورود مظاهر تمدن جدید به ایران (از قاجار تا انقلاب اسلامی). پایان نامه کارشناسی علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران مرکزی.
- فرزانه خامنه، فریبا (۱۳۸۲). مدارس نوین در دوره قاجار. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه تهران مرکزی.



ملک الشعراء بهار، سیاست‌ورزی ادیب، یا ادیبی سیاستمدار

حوریه سعیدی

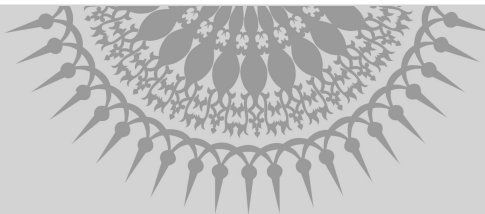
چکیده:

دیوانسالاری در ایران بسیاری مواقع در دستان مردانی بوده که دارای شخصیتی چندوجهی بودند. این اشخاص که در دوره‌های متفاوت تاریخی با شخصیت‌های چندگانه، در دربار سلاطین و حاکمان حاضر شده و رشد یافتند، گاه به دلیل شخصیت فرهیخته فرهنگی و دانش خود تقرب یافته و ماندگار شدند و گاه نیز به سبب شخصیت سیاسی خود مقهور گشته و حذف و طرد نصیب‌شان شد. در دوره معاصر نیز این روند حضور شخصیت‌هایی با چند شخصیت و منش و روش در دستگاه‌های اداری و نظام حکومتی ادامه یافت. از میان ایشان محمدتقی بهار (ملک الشعراء) به واسطه حضور تأثیرگذارش در صحنه قانونگذاری، وزارت و نیز شعر و ادب و روزنامه‌نویسی، شخصیتی قابل توجه است. این مقاله گذری کوتاه دارد بر دو نمونه از تأملات سیاسی و نیز بُعد فرهنگی او که نشان از هر دو وجه بارز و توانای وی دارد.

کلیدواژه‌ها

تاریخ معاصر ایران، محمدتقی بهار (ملک الشعراء)، رضا پهلوی، کوهی کرمانی.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲، صص: ۱۱۸-۱۲۵



ملک الشعراء بهار، سیاست‌ورزی ادیب، یا ادیبی سیاستمدار

حوریه سعیدی^۱

محمدتقی صبور (۱۳۰۵ ه.ق./۱۲۶۵ خ.-۱۳۳۰ خ.) متخلص به بهار، پسر میرزا محمدکاظم صبورى ملقب به ملک الشعراء بود که پس از مرگ پدر از جانب مظفرالدین شاه لقب وی به او رسید. ملک الشعراء متولد مشهد بوده و در خانواده‌ای باسواد و اهل ادب و فرهنگ رشد یافت و طبع شعر وی نیز در همان اوان کودکی شکوفا شده و بدان مشهور شد. در جوانی به انجمن سعادت خراسان که از طرفداران مشروطه بودند پیوست و فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد. شخصیت ادبی ملک الشعراء بهار، گاه چنان با شخصیت سیاست‌ورز وی درهم آمیخته که تفکیک آن و یا رجحان هر یک بر دیگری، بسیار دشوار می‌نماید.

از جمله فعالیت‌های ادبی-سیاسی وی، چاپ و نشر روزنامه‌های نوبهار و تازه بهار است که در چندین نوبت به سبب مقالات و اشعار انتقادی و مطالبی در مخالفت با سیاست‌های دولت، دخالت‌های بیگانگان و نیز شخص رضاخان، دچار توقیف و تعطیلی شد.

بهار با شاعران زمان خود که هم‌فکر او بودند حشر و نشر و همکاری داشت. چنان‌که با میرزاده عشقی در سال ۱۳۰۳ خ. مثنوی معروف جمهوری‌نامه را در مخالفت با جمهوری رضاخانی نوشت. وی به سبب فعالیت‌های سیاسی نهان و آشکار خود، چندین نوبت نیز تبعید شد.

۱. مربی، عضو هیئت‌علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، معاون پژوهشکده اسناد؛

hooriehsaeidi@yahoo.com



از فعالیت‌های سیاسی وی چند دوره نمایندگی مجلس شورای ملی (مجالس سوم، چهارم، پنجم و ششم) بود. بهار به وزارت فرهنگ نیز رسید (شهاب‌قرب، ۱۳۷۲).
درباره فعالیت‌های فرهنگی وی که تفکیک آن از فعالیت‌های سیاسی خود به سبب نوع آن که روزنامه‌نویسی و نویسندگی بود بسیار سخت می‌نماید. اشعار او که در قالب قصاید واگویه‌ای از اوضاع زمان خود بوده نیز در زمره فعالیت‌های چند وجهی (فرهنگی-سیاسی) او به حساب می‌آید.

هم‌زمانی و آشنایی وی با سرآمدان علم و فرهنگ آن دوران یعنی بدیع‌الزمان فروزانفر، رشید یاسمی، عباس اقبال آشتیانی و دیگرانی که باعث گرم‌شدن محافل فرهنگی بودند؛ دستاوردهای علمی مؤثری به جامعه علمی و ادبی کشور عرضه کرد. بهار بعد از مجلس ششم و تثبیت حکومت رضا شاه، که در واقع دوره انزوای سیاسی وی آغاز شد، دست به تألیف کتاب‌های مؤثری در حوزه ادبی نظیر سبک‌شناسی و احزاب سیاسی و نیز تصحیح متون ادبی پرداخت. برونداد آثار علمی-ادبی وی از همان هنگام که از حضور در عرصه‌های سیاسی پرهیز داشت، افزون گشت. بهانه این مقاله دو نوشته است که یکی در قالب مکتوبی در روزنامه نسیم صبا چاپ شد و دیگری سندی که خطاب به کوهی کرمانی سردبیر مجله نوشته است. در این دو اثر یکی وجه سیاسی بهار و دیگری وجه علمی و ادبی وی نمودار است. وی در هر دو اثر، حد والای توانایی خود را نشان داده است.

آنکه در قالب نوشته‌ای است با عنوان «توشیح عقاید» که در نشریه نسیم صبا ش. ۳، ص. ۴ (۱۳۰۳ خ.) چاپ شده، ظاهراً در تائید رضاخان سردار سپه و نخست‌وزیر آن دوره نوشته شده، ولی در پوششی جالب انتقادی سخت دارد به او.

در این متن چپ‌پس وائزه‌ها طوری است که با کنار هم گذاشتن اولین کلمات هر سطر، عبارتی مشهور به دست می‌آید که اشاره دارد به اینکه رضاخان در هنگام نخست‌وزیری خود و معرفی کابینه‌اش نتوانست اسامی افراد دولت را بخواند و یا معرفی کند (رضاخان بی‌سواد که وزرای خود را نتوانست به مجلس معرفی بنماید چطور لایق ریاست‌جمهور است؛ تأمینات نمی‌گذارد آزادانه بنویسیم لذا ما موشح و لفافه‌دار عقاید حقه را می‌نویسیم). به نقل از بهار است که: رئیس اداره سانسور ابوالقاسم شمیم آن (مطلب) را دید، از بهار پرسید که شما که مخالف دولت هستید چطور موافق شدید و این مقاله را نوشتید؟ گفتم نمی‌شود با این دولت مخالفت کرد، موافق شدم. گفت خوب است آن را در صفحه اول بگذارید، گفتم عیبی ندارد. ماحصل اینکه روزنامه چاپ شد. آن روزها میانه ماه رمضان بود. همان روز خالصی‌زاده که در مسجد شاه به منبر می‌رفت؛ مقاله را به مسجد برد و بر بالای منبر خواند و گفت که ببینید بر اثر سانسور حاکم، روزنامه‌نگاران چگونه سعی می‌کنند اطلاع‌رسانی کنند. آن روز، روزنامه صبا تا



شماره‌ای ده تومان به فروش رفت. مأمورین به دنبال من بودند (طاهباز، ۱۳۵۷).
از مکاتیب وارده

توشیح عقاید
رضای ملت بر این است، که قائد ایران، حکومت
خان خانی و ملوک الطوائفی را از دست یک‌مشت
بی‌سواد برهاند و مملکت ایران مانند ممالک مهم اروپا
که مقدرات خودشان را تعیین می‌کنند بشود، که
وزرای خود را به مسئولیت خود تعیین نموده و رئیس عالی
خود را خود انتخاب کند؛ هرگاه ملتی به واسطه موانع
نتوانست مقدرات خود را با دست خود تعیین و در قضایا
به مجلس و اراده نمایندگان تکیه کرده، خود را زنده به عالم
معرفی کند؛ نمی‌تواند در دنیای امروزه زندگی مستقل
بنماید و وقتی یک ملتی خود را نتوانست زنده بداند
چطور می‌تواند در پیشگاه دنیای آزاد قرن بیستم، خود را
لایق و شایسته درک ترقیات شناسانده، محو
ریاست‌ها و سلطنت‌های موروثی را خواستگار و در مقابل
جمهور ملل سرافراز شده؛ آسایش خود را چنانچه لازم
است اداره نماید؛ همچنین تسطیح طرق و تجارت و سایر
تأمینات لازمه تدارک کند؛ ولی دست اجنبی
نمی‌گذارد ناجی ایران و قائد توانای ایرانیان، سردار ملت
آزادانه اصلاحات را اجرا نماید و آمال ملی را برآورد؛ چه
بنویسیم و چه ننویسیم، ملت باید صلاح خود را تشخیص دهد؛
لذا ما به ملت می‌گوئیم گوش به دسائس اجانب نداده به الفاظ
موشح و لفافه‌دار، بی‌پرده به ظواهر کلمات ملون
عقاید ملی را که تلگرافات ایالات شاهد آن است، نیالوده از
حقه بازان عوام‌فریب، پرهیز کنند. ما حقایق ساده
را می‌نویسیم، بگذار مرتجعین، ما را تکفیر کنند.
بر رسولان پیام باشد و بس.

و بهار شاعر و استاد ادبیات و فرهنگ، در نامه‌ای که به کوهی کرمانی نوشته به پرسشی



از او در مقام یک ادیب و فرزانه فرهنگی پاسخ داده است. هیچ رگه‌ای از بهار سیاستمدار در آن وجود ندارد. بهار ادیب در نوشته در پایین آمده، به‌خوبی نشان شده است.

آقای کوهی کرمانی مدیر مجله نسیم صبا

شرحی که در باب ترانه‌ها و افسانه‌های منظوم مرقوم فرموده بودید و در آن خصوص پرسش شده بود، توضیح می‌دهد که ترانه‌ها در صورت صحت و حسن انتظام، چنانکه سابق هم توسط خود شما به‌طبع رسیده است بسیار خوب است که باز هم بقیه آن‌ها چاپ شود. اما در باب قصه و افسانه‌های معروف به (هَتَل مَتَل)، طبع و نشر آن‌ها بسیار مفید است؛ اما باید در حسن انتظام و صحت عبارات آن‌ها دقت بسیار به‌کار برد؛ چه با اندک غفلتی ممکن است چیز زشت و ناقابلی از کار بیرون آید. اولاً باید آن‌ها را از حیث وزن تجزیه کرد و هر جزئی را مقابل یا بالای جزئی دیگر در طبع قرار داد و دقت کرد که نواقص آن‌ها را که گوینده عامی اشتباهاً حذف کرده است از جای دیگر پرسید و اصلاح کرد و رعایت وزن هر جزء و قوافی آن‌ها را با دقت به‌عمل آورد و هر کدام که خراب و ناقص یا مکرر است رها کرد و دور انداخت؛ چه این قصه‌ها در هر شهری و روستایی از ایران به طریقی است و بایستی آنچه اکثریت دارد یا به ذوق چسبنده‌تر و با شیوه قدیم نزدیک‌تر است، اختیار شود.

در باب لفظ (هَتَل مَتَل)، درست معلوم نیست که چه سنی دارد. قسمت دوم آن ظاهراً (مَتَل) به‌معنی (مَثَل) است که (مَثَلک) هم به همان معنی است و (هَتَل) معلوم نیست؛ لیکن بین مردم به‌همین شکل معروف است.

اگر بنا شد (هتل متل‌ها) چاپ شود، خوب است قبل از چاپ، آن‌ها را به اینجانب نشان بدهید تا بار دیگر در آن دقت کرده و اگر نظری بود اظهار نماید. مراد آن است که این افسانه‌ها خیلی مهم و از نظر وزن و مضمون قابل‌توجه و جزو ادبیات عمده ملی است و نباید به‌نظر بی‌اهمیتی بدان‌ها نگاه کرده شود. زیاده‌مطلبی نیست. ۳ اسفند ۱۳۱۵



درین هر خنده و جوانی آنها را با وقت بهر آورد - و هر کدام چه
 و باقی بگذشت رها کرد و هر انداخت ، چه این قصه در میان
 و درست لا در ازلان بطریق است و با ترانجه اکبر است دارد با جوان
 چینه آه و با شیشه نیم نرنگ است ، آفتاب نور
 در با لطف ، آفتاب در است معلوم است و هر چه در است
 ضم آن غمها و مستی بکنش ارشاد است در روشنی
 بهای سمرقند و در صفت سمرقند کینین بن مردم بهی کل
 سمرقند
 اگر بنام سمرقند با چه شود دولت تیر از با - از این
 سمرقند نان جامه تمام در دران وقت کرده و اگر نظار
 سمرقند - سمرقند که این با به خفا هم در در نظار
 قاتل و فرزند احمات عمیق تا است و با نظار به سمرقند
 گاه که در نظر ، با به سمرقند ۳۱ صفحه ۱۳۵

ملک الشعراء بهار

سند به خط بهار

هر که در این مرد بهی کل
 شعر که در باب ترانه ، و با به سمرقند مردم و گاه
 در آن شخصی ترانجه بود و توضیح میداد در ترانه و در
 صفت چون نظم چنانکه باقی و ترانجه مردم و طبع سمرقند
 بسیار خوب است و با به بهی کل بود ، او را به سمرقند
 و باقی به سمرقند به (سمرقند) طبع و ترانجه
 سمرقند اما با به سمرقند و سمرقند است آن وقت
 بسیار که در به با به سمرقند سمرقند است باقی
 در این سمرقند که - آفتاب به سمرقند و سمرقند
 نمود و هر خنده را سمرقند با سمرقند و سمرقند
 و وقت که در سمرقند آنرا که سمرقند سمرقند
 که به است از با به سمرقند و سمرقند که در وقت

از مکاتب وارده توشیح عقاید

رضا، ی ملت بر اینست که قائد ایران حکومت
 خان، خانی و ملوک الطوائفی را از دست یکمشت
 بیسواد، برهاند و مملکت ایران مانند ممالك مهم اروپا
 که، مقدرات خودشان را تعیین میکنند بشود که
 وزرای خود را بمسئولیت خود تعیین نموده و رئیس عالی
 خود را، خود انتخاب کند هرگاه ملتی بواسطه موانع
 نتوانست، مقدرات خود را با دست خود تعیین و در قضایا
 بمجلس، و اراده نمایندگان تکیه کرده خود را زنده بمالم
 معرفی، کند نمیتواند در دنیای امروزه زندگی مستقل
 بنماید، و وقتی يك ملتی خود را نتوانست زنده بداند
 چطور، میتواند در بیشگاه دنیای آزاد قرن بیستم خود را
 لایق، و شایسته درك ترقیات شناسانده، محو
 ریاست، ها و سلطنت های موروئی را خواستگار و در مقابل
 جمهور، ملل سرافراز شده آسایش خود را چنانچه لازم
 است، اداره نماید همچنین تسطیح طرق و تجارت و سایر
 تأمینات، لازمه تدارك میکند ولی دست اجنبی
 نمیکندارد، ناجی ایران وفائد توانای ایرانیان سردار ملت
 آزادانه، اصلاحات را اجرا نماید و آمال ملی را بر آورد چه
 بنویسیم، و چه ننویسیم ملت باید صلاح خود را تشخیص دهد
 لذا ما، بملت میگوئیم گوش بدسائس اجانب نداده بالفاظ
 موشع، و لفاظیه دار بی برده بظواهر کلمات ملون
 عقاید، ملی را که تلکرافات ایالات شاهد آنست نیالوده از
 حقه، بازان عوام فریب پرهیز کنند - ما حقایق ساده
 را، مینویسیم بگذار مرتجعین ما را تکفیر کنند
 بر رسولان پیام باشد و بس ..



منابع

- برگرفته از پایان‌نامه دکتر: زندگی و اندیشه‌های سیاسی محمدتقی بهار (ملک الشعرا) (۱۳۷۲).
- خسرو شهاب قریب.
- دفترهای زمانه (۱۳۴۶). به کوشش سیروس طاهباز. تهران: بی‌جا.



جایگاه سند در بازسازی تاریخ ایالات فاقد تاریخ‌نگاری

مطالعه موردی کرمانشاهان دوره قاجار

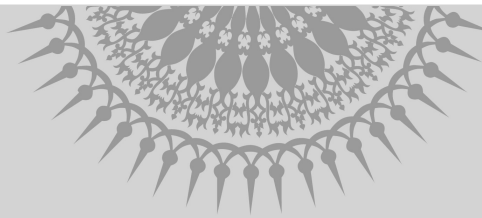
دکتر مطلب مطلبی

چکیده:

اولویت‌بخشی و اولویت‌دهی به منابع تاریخ‌نگارانه یکی از گرایش‌های عام در مطالعات تاریخی ماست. این رویکرد ارجحیت منابع کتابخانه‌ای بر دیگر سرچشمه‌های تاریخی را همچون یک اصل مسلم معرفت‌شناختی قلمداد می‌کند و دیگر سرچشمه‌ها و منابع استخراج حقیقت تاریخی را در حاشیه تبع و تحقیق تاریخی قرار می‌دهد. اما نقص و آسیب چنین رویکردی در شرایط فقدان، کمبود یا محدودیت منابع تاریخ‌نگارانه به‌وضوح پیداست. در این شرایط بازسازی امر تاریخی با اتکا به متون تاریخ‌نگارانه بسیار دشوار می‌نماید و چه بسا غیرممکن. اما در مواجهه با چنین وضعی چه باید کرد؟ نمونه موردی این مقاله یعنی «کرمانشاهان دوره قاجار» به‌خوبی نشان می‌دهد که مناسب‌ترین مواجهه با خلاء و فقدان منابع تاریخ‌نگارانه بهره‌گیری از اسناد و منابع آرشیوی است. کرمانشاهان دوره قاجار فاقد هرگونه سنت تاریخ‌نویسی محلی بود و در تاریخ‌های عمومی و محلی ولایات هم‌جوار نیز فقط اشاره‌های گذرای به آن شده بود. در شرایط مذکور، منابع سندی مهم‌ترین و مناسب‌ترین جایگزین برای پژوهش پیرامون کرمانشاهان دوره قاجار است. نقش و جایگاه اسناد در بازسازی تاریخ مناطق فاقد تاریخ‌نگاری ابهام این پژوهش است که در این پژوهش سعی شده با روشی توصیفی-تحلیلی مورد‌آزمایی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

کرمانشاهان، قاجار، اسناد، تاریخ‌نگاری.



جایگاه سند در بازسازی تاریخ ایالات فاقد تاریخ نگاری

مطالعه موردی کرمانشاهان دوره قاجار

دکتر مطلب مطلبی^۱

مقدمه:

از دوره صفویه، کرمانشاهان همواره یکی از نواحی مهم سرحد غربی ایران بوده است. این ایالت از شمال به کردستانِ اردلان، از شرق به همدان، از جنوب شرقی به لرستان، از جنوب به خوزستان و از غرب به عثمانی محدود بود. با اینکه شهر کرمانشاه دارای سابقه دیرینه‌ای است، اما در دوره اسلامی تا اواسط دوره صفویه، تحت الشعاع شهرهایی چون دینور، حلوان و بیستون قرار داشت. بار دیگر در زمان صفویه بود که کرمانشاهان اهمیت و اعتبار یافت. در دوره سلطنت شاه طهماسب اول، حکومتی به نام کلهر و در زمان شاه صفی، حکومتی با عنوان سنقر و کلهر در این حدود وجود داشت که به خوانین زنگنه تفویض شده بود (روملو، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸۳؛ تتوی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۸). در حقیقت از این زمان، تجدید بنای کرمانشاه و تشکیل ایالت کرمانشاهان شروع شد. تا قبل از این تاریخ، اطلاق نام کرمانشاهان یا صورت‌های معرب آن منحصر به شهر کرمانشاه بود، از این دوره به بعد است که کرمانشاهان هم شهر و هم ایالت بزرگ‌تری را شامل شد.

محدوده جغرافیایی این ولایت از زمان صفویه تا اواخر دوره قاجار تقریباً به صورت یکسان ذکر شده است (روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، ش ۳۲۴، ص ۲). جمعیت این شهر در اواخر قرن چهاردهم هجری «از قرار مقدار گندمی که خبازخانه‌ها صرف

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام،
کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد
و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
m.motalebi59@gmail.com



می‌نمایند ... قریب یکصد هزار نفر» (روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، ش ۳۲۴، ص ۲) تخمین زده شده است.

با وجودی که کرمانشاهان یکی از ولایات مهم ایران شمرده می‌شد، اما از دوره صفویه تا دهه دوم قرن سیزدهم هجری، همچون سایر والی‌نشینان و حاکم‌نشینان حوزه غربی ایران تحت‌الشعاع والیان اردلان قرار داشت؛ حوزه نفوذ و تأثیرگذاری والیان اردلان به اندازه‌ای بود که حاکم‌نشینان این مناطق، برای استمرار حکمرانی خویش، سعی در نزدیکی و وابستگی هر چه بیشتر به آن‌ها داشتند. حمایت اردلان‌ها از حکام موجود یا یکی از مدعیان، در تثبیت یا زوال حکومت آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (سندجی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰). این وضعیت با انتصاب محمدعلی‌میرزا به حکومت کرمانشاهان و سرحداری عراق از دهه دوم سده سیزدهم/نوزدهم صورت دیگری یافت. قرارگرفتن بخش زیادی از حوزه غربی و جنوب‌غربی ایران تحت قلمرو شاهزاده قاجار، کرمانشاهان را به‌عنوان مرکز نیروی سیاسی-نظامی غرب ایران درآورد. به‌طوری که در دوره حکمرانی محمدعلی‌میرزا (۱۲۲۱-۱۳۳۷)، (اعتمادالسلطنه، مرآه‌البلدان، ۱۳۶۷، ص ۸۷۲؛ خاوری‌شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۴۳-۵۴۴؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ص ۱۷). کرمانشاهان مرکز ولایات لرستان و خوزستان هم بود. موقعیت جدید کرمانشاهان پس از فوت او برای مدتی دچار افول شد و نزدیک به سه دهه ولایات لرستان و خوزستان از حکومت کرمانشاهان منفک شدند و حتی خود ولایت هم از حوزه سلطنتی به قلمرو ولایتعهدی ضمیمه شد (سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۳). اما بار دیگر در اواخر دهه هفتاد قمری، حکومت لرستان ضمیمه قلمرو کرمانشاهان شد (اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، ۱۳۶۷، ص ۱۸۱۵؛ روزنامه دولت علیه ایران، پنج‌شنبه، ۱۲ رجب ۱۲۸۰، شماره ۵۵۲، ص ۳-۴). این اهمیت در دوره‌های بعدی هم استمرار یافت، به‌طوری که حتی پس از برچیده‌شدن خاندان اردلان در سال ۱۲۸۴ قمری، چندین نوبت کردستان نیز ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان شد (روزنامه ایران، سه‌شنبه ۲۶ شوال ۱۲۹۳، ش ۳۰۱، ص ۱؛ روزنامه ایران پنج‌شنبه، ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۹، ش ۷۶۱، ص ۳).

عدم شکل‌گیری سنت تاریخ‌نگاری محلی در کرمانشاهان

از دوره صفویه، کرمانشاهان یکی از نواحی مهم سرحدی ایران شمرده می‌شد. این موقعیت مهم سیاسی به‌تدریج حیات شهری را در کرمانشاه گسترش داد و حتی ارتقاء جایگاه اقتصادی و رونق کسب‌وکار و تجارت را نیز موجب شد. در دوره قاجار، به‌ویژه پس از انتصاب محمدعلی‌میرزا اهمیت کرمانشاه بیش از پیش شد. اما با وجود اهمیت کرمانشاه، در شرایط فقدان مراکز علمی و آموزشی کلاسیک و نبود سنت‌های قدرتمند مرتبط، علوم متداول به نضج و رشد قابل‌توجهی دست نیافت. این عدم رشد و توسعه به‌ویژه در عدم شکل‌گیری سنت



تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری به‌خوبی پیداست. هر چند حکمرانی کرمانشاهان در بیشتر دوره قاجار با محمدعلی‌میرزا دولتشاه و فرزندان وی بود و این ناحیه به نوعی به قلمرو خانوادگی آن‌ها تبدیل شده بود، اما نه‌تنها تاریخ‌نگاری در این ولایت رونقی نیافت بلکه در این دوره هیچ کتابی با هدف نگارش تاریخ کرمانشاهان نوشته نشد. این در حالی بود که ولایت هم‌جوار آن یعنی کردستان اردلان، در این دوره زمانی شاهد خلق بیش از ده اثر با هدف تاریخ‌نگاری بود.^۱ چرایی عدم شکل‌گیری سنت تاریخ‌نگاری در کرمانشاه، مستلزم یک بررسی عمیق تاریخی و بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی است که چنین موضوعی خارج از دستور کار این پژوهش است. در این میان سؤال اصلی این است که در شرایط فقدان منابع تاریخ‌نگارانه چگونه باید تاریخ کرمانشاهان را بازسازی کرد؟

شاید پاسخ نخست این باشد که لازم است از دیگر منابع «تاریخ محلی» بهره گرفت. البته هر چند نمی‌توان منکر لزوم بهره‌گیری از این تاریخ‌ها بود، اما تاریخ‌های محلی به‌ویژه تاریخ ولایات هم‌جوار، بنا بر سرشت این نوع از تاریخ‌نگاری که بیشتر مطالب آن‌ها مختص همان ولایت است و جز به‌ندرت و تناسب از ذکر حوادث دیگر ولایات پرهیز دارند، نمی‌توانند اطلاعات وافی در مورد کرمانشاهان به‌دست دهند.

«تاریخ‌های درباری» نیز حاوی برخی اطلاعات و داده‌های تاریخی هستند، اما باید اذعان کرد این اطلاعات بسیار پراکنده هستند. احتمالاً یکی از علل جسته‌وگریخته بودن این اطلاعات، اختلاف‌ها و رقابت‌های عباس‌میرزا ولیعهد و محمدعلی‌میرزا دولتشاه، پسران فتح‌علی‌شاه است. این اختلافات پس از مرگ آن دو، در خاندان آن‌ها هم برای مدت زمان طولانی ادامه یافت (جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷، ص ۱۳۱؛ سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۷) و شاید همین امر و اطلاع مورخان درباری از این رقابت‌ها، آن‌ها را از پوشش حوادث و وقایع تحت قلمرو محمدعلی‌میرزا دولتشاه و فرزندان او که ممکن بود ناخشنودی عباس‌میرزا و یا فرزندان وی را در پی داشته باشد برحذر داشته است.

بنابراین در نبود تاریخ‌های محلی و منابعی که به‌شکل مستقیم به تاریخ این ولایت بپردازند و نیز فقر اطلاعاتی ایالت کرمانشاهان در دیگر تاریخ‌های هم‌زمان، در نگاه اول امید به انجام پژوهش در مورد جنبه‌های مختلف تاریخ این ولایت در دوره قاجاریه بسیار کم‌فروغ به‌نظر می‌رسد.

منابع اسنادی جایگزین منابع تاریخ‌نگاری

پرسش اصلی این است که چگونه باید فقدان مواد اطلاعاتی و کمبود حقیقت‌های تاریخی در ارتباط با تاریخ کرمانشاهان را جبران کرد و به بازسازی تاریخ این ولایت پرداخت؟ این

تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، تألیف شکرالله سنندجی (فخرالکتاب)؛ با مقابله و تصحیح، حواشی و تعلیقات به‌انضمام پنج مقاله درباره قبايل کرد از حشمت‌الله طیبی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶. تاریخ کرد و کردستان (و توابع)، تألیف محمد مردوخ‌کردستانی، سنندج: شوان: کانی کتیب، ۱۳۹۴. حدیقه ناصریه و مرآت‌الطفر، (جغرافیا و تاریخ کردستان): به‌قلم علی‌اکبر وقایع‌نگار کردستانی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۷۹. زبده‌التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان، ملامحمدشریف قاضی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۷۹. سیرالاکراد، به‌قلم عبدالقادر ابن رستم بابانی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۶۶. عشایر و ایلات و طوایف کرد، علی‌اکبر وقایع‌نگار کردستانی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۸۷. لب‌التواریخ یا تاریخ اردلان، خسرو بن محمد بن منوچهر، انتشارات کانون خانوادگی اردلان، تهران، ۲۵۴۶. تذکره‌حدیقه امان‌الهی، میرزا عبدالله سنندجی، تصحیح و تحشیه عبدالرسول خیام پور، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۴۴. تاریخ‌الاکراد، مستوره اردلان، به‌کوشش جمال احمدی آئین، انتشارات آراس، اربیل، ۲۰۰۵.



فقدان در ادوار قبل از قاجار با بهره‌گیری از مانده‌های مختلف تاریخی اعم از کتیبه‌ها، سکه‌ها و منابع مکتوب تا حدودی قابل‌جبران است و چه بسا راهی جز توسل به این گروه از منابع امکان‌پذیر نباشد. اما در ادوار متأخر تاریخی، منابعی دیگر هستند که کار بازسازی تاریخی را در شرایط فقدان منابع اصلی تاریخ‌نگاری تا حدود زیادی تسهیل می‌سازند. در دوره قاجار و با وقوع تحولات مهم سیاسی، اقتصادی و فناوریانه، ایران همچون بیشتر ممالک از انزوای سده‌های میانه خارج شد. این خروج از انزوا باعث شد در گام نخست نظام اداری و سیاسی با وجود ماهیت سنتی آن، به سمت مدرن‌شدن روی بنماید، بازرگانان، دیپلمات‌ها و اتباع خارجی حضوری پررنگ‌تر از گذشته در ایران داشته باشند و محصولات نوین غرب همچون روزنامه و کتب چاپی به ایران آورده شوند. در کل باید گفت در این عصر دروازه‌های ایران محصور در سده‌های گذشته به‌روی جهان خارج بیشتر گشوده شود. بی‌گمان تبیین این تحولات مجالی بیشتر می‌طلبد، اما از نگاه پژوهشگر امروزی ثمره مهم این تحولات تولید حجم عظیمی از مدارک و منابع بود که امروز به منابع تاریخی تبدیل شده‌اند؛ به‌شکلی ایجازگونه باید گفت مدرن‌شدن نظام اداری و سیاسی باعث تولید حجم عظیمی از گزارش‌ها و نامه‌های اداری، در قیاس با ادوار قبلی شد، حضور اتباع خارجی، نگارش بسیاری از کتب، سفرنامه‌ها و خاطرات را موجب شد و انتشار روزنامه در ایران ثبت وقایع تاریخی را از حوزه وظایف مورخان سنتی خارج ساخت.

در میان منابعی که در نتیجه تحولات عصر قاجار تولید شدند، منابع و مدارک آرشیوی بیش از منابع دیگر واجد اهمیت هستند. باید گفت مدارک آرشیوی دارای اصالت و اعتبار بیشتری است زیرا هر سند اداری و دیوانی و هر فرمان و نامه رسمی که امروزه در دست است به زمان و رویدادی خاص و حقیقی بستگی داشته و در نتیجه رابطه مستقیم و طبیعی بین اثر و مؤثر موجود است. به‌علاوه، قضاوت‌ها و داوری‌هایی که درباره آن‌ها می‌شود و آنچه از محتوای آن‌ها استنباط می‌شود برخلاف متون قدیمی که دستخوش تغییر و تبدیل و شک و اصلاح بوده‌اند، بر پایه اعتبار و یقین و اصالت آن‌ها استوار است و چون برای حفظ روابط جامعه با دستگاه‌های اداری و حاکمه تهیه و تنظیم شده و می‌شوند کمتر دستخوش شایعه، دروغ، تظاهر، اغراض خصوصی و ملاحظه‌کاری هستند.

استفاده از اسناد برای بازسازی جنبه‌های مختلف تاریخ کرمانشاهان دوره قاجار علی‌رغم تمرکز جغرافیایی محدودش طیف گسترده‌ای از مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را پوشش می‌دهد. دسترسی پژوهشگران به حجم انبوهی از این اسناد با وجودی که این ایالت فاقد هر نوع اثر تاریخ‌نگاری در دوره مورد مطالعه است زوایای بسیاری از تاریخ این قسمت از ایران را روشن می‌سازد.

پژوهشگر کرمانشاهان دوره قاجار در نبود منابع کتابی، اسناد و منابع آرشیوی را به عنوان مهم ترین منبع رویدادها، وقایع و تحولات در اختیار دارد. نگاهی به اسناد موجود نشان می دهد که درباره حوزه معیشت، اقتصاد، کشاورزی، نوع و چگونگی مالکیت زمین های خصوصی، دولتی، وقفی کرمانشاهان منابع آرشیوی و اسناد اطلاعات منحصر به فردی وجود دارد. بررسی وضعیت ایلات و زندگی گروه های نیمه یک جانشین و یک جانشین و چگونگی ارتباط و پیوستگی آنها با ایلات قدرتمند، نوع معیشت، آسیب پذیری در مقابل تعدیات یا بلایای طبیعی از جمله موضوعاتی است که پژوهشگر می تواند با انتخاب یکی از آنها، نکات ریزی را که کمتر به آن توجه شده و روبه فراموشی است، بازسازی و تبیین کند (ساکما ۲۳۳۶۲-۲۴۰؛ ساکما ۲۵۴۳-۲۴۰؛ ساکما ۲۸۹۷۳-۲۴۰).

برای نشان دادن اهمیت اسناد در بازسازی جنبه های مختلف تاریخ این ولایت چند موضوع در ذیل مورد اشاره قرار می گیرد.

اسناد و اقتصاد ایلی کرمانشاهان

اقتصاد ایلی در ایلات کوچنده ایران اساساً بر دامپروری و تولید فرآورده های دامی نهاده شده بود و فعالیت های زراعی در میان آنان نقش ثانویه داشت. دام، سرمایه اصلی ایل، به ویژه کوچندگان به شمار می رفت و هر خانواده ایلی ناگزیر از حفظ و توسعه این سرمایه همگانی بود. تولید صنایع دستی نیز بخشی از وظایف روزانه خانواده عشایری، به ویژه زنان و مکمل فعالیت های دامداری و زراعت بود. توصیف بالا از فعالیت های اقتصادی عشایر در مورد ایل های کرمانشاهان هم مصداق دارد اما باید در نظر داشت که تفاوت هایی هم در ساختار اقتصادی عشایر با توجه به شرایط سیاسی و جغرافیایی آنها وجود دارد.

این تفاوت ها و جزئیات را در نبود سایر منابع مکتوب موجود، منحصراً در اسناد می توان یافت؛ برای مثال با استناد بر این اسناد متوجه می شویم که فعالیت های زراعی و باغی هم بخش قابل توجهی از اقتصاد ایلات کرمانشاهان را تشکیل می داد. فعالیت های زراعی و باغی مربوط به طوایف و تیره هایی از ایل بود که یک جانشین و یا نیمه کوچ رو بودند. در این میان طوایف کنوله ای و پریایی از ایل زنگنه، سردسیر و گرمسیر نداشتند و آنها به فعالیت های باغی مشغول بودند و کسب آنها میوه فروشی بود. آنچه در مورد این دو طایفه قابل توجه و ذکر است اینکه مالکیت زمین های کشاورزی که روی آن کار می کردند، مربوط به خود آنها بود. غیر از این دو طایفه، زمین های زراعی عثمان و ندها هم ملک شخصی آنها بود. در این میان طوایف دیگری در ایل زنگنه بودند که نه ملک و باغی داشتند و نه اینکه به سردسیر و گرمسیر می رفتند، بلکه شغل آنها رعیتی بود. طایفه کرابی زنگنه از این گونه بودند. در میان



ایل کلهر صیفی کاری و به‌ویژه شلتوک کاری رواج بیشتری داشت. در این میان محصول برنج گیلان غرب شهرت بیشتری داشته است «برنج گیلانی خیلی تعریف دارد و خوراری پنج هزار تفاوت نرخ آن با برنج‌های دیگر است» (کتابچه ایلات کرمانشاهان، نسخه خطی، ص ۲-۲۱). شرایط محیطی، نقش زیادی در تعیین نوع معیشت و شغل مردمان آن منطقه داشت. در یکی از بخش‌های دیگر کلهر که بیشتر زمین‌های آن دیم بود به دلیل فراوانی گون، شغل مردمان آن کتیرا فروشی بود و از این طریق معاش خود را تهیه می‌کردند (کتابچه ایلات کرمانشاهان، نسخه خطی، ص ۱۸).

کشت و زرع، نوع محصولات، صادرات و واردات محصولات، آفت‌ها، نوع زمین‌های زیر کشت و سایر موارد مرتبط از جمله مواردی است که در کتاب‌های تاریخی کمتر بدان پرداخته شده است و یا به اشارات گذرای بسنده شده است. اما از آنجا که این موضوعات به‌صورت مستقیم به حکمران و ادارات دولتی به‌ویژه اداره مالیه ربط پیدا می‌کرد و هر یک از این موارد دارای نوع مالیات‌دهی خاصی بود و در شرایط استثنایی هم میزان پرداخت آن تغییر می‌کرد به‌صورت مفصل و مشروح در اسناد این دوره آمده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۹۹ بیوتات؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات؛ ساکما ۵۴۴-۲۴۰). با رجوع به این دسته از اسناد بسیاری از جنبه‌های حیات مادی این منطقه تبیین می‌شود. در یکی از اسناد جمع‌وخرج ولایت کرمانشاهان مربوط به سال ۱۳۰۱ قمری، اطلاعات ارزشمندی از شیوه مالیات‌گیری، اسامی مالیات‌دهندگان، میزان مالیات‌ها و ... وجود دارد که این اطلاعات به‌ویژه در تبیین اوضاع اقتصادی آن دوره حائز اهمیت است (کتابچه جمع‌وخرج کرمانشاهان و محال، نسخه خطی).

اسناد و اوضاع سیاسی کرمانشاهان

کرمانشاهان به دلایل متعددی همچون هم‌مرزی با عثمانی، هم‌جواری با عتبات عالیات، قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری و بازرگانی و ... دارای موقعیت سوق‌الجیشی ویژه‌ای بود. ثبات و برقراری امنیت این منطقه یکی از چالش‌های جدی دولت مرکزی و حکمران ولایت بود. در مورد نحوه ایجاد امنیت و نقش ایلات منطقه در این امر، میزان دخل و تصرف دولت مرکزی در ایجاد امنیت و ... اطلاعات وافری در اسناد دوره قاجار یافت می‌شود.

برای مثال، مشکلات امنیتی شهرهایی چون قصرشیرین و سرپل‌ذهاب که در معرض تجاوز ایلات عثمانی قرار داشتند و همچنین مناطق داخلی ولایت که هر بخش آن قلمرو یکی از ایلات عمده ولایت بود -ایل‌هایی که هر آن مترصد ضربه‌زدن به رقیب بودند- موضوعاتی دیگری است که حجم وسیعی از اسناد را به‌خود اختصاص داده است (آرشیو مرکز اسناد

وزارت امور خارجه، ۳ پ- ۲۶ ک-۱۳۲۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، پ ۷۰- ک ۱-۱۳۲۷؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۰۱-۳۴-۱۳۱۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۲-۱۶-۱۳۹۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، پ ۹- ک ۱۱-۱۷-۱۳۲۵؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، پ ۱۰- ک ۱۵-۱۳۲۵؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه پ ۹- ک ۲۴-۱۳۲۶). اما مهم‌ترین مسئله‌ای که امنیت و ثبات کرمانشاهان را به چالش می‌کشید چگونگی تعامل و تقابل درون‌ایلی و برون‌ایلی بود که با تکیه بر اسناد آرشیوی در محورهای چندی قابل تقسیم‌بندی است:

- اختلافات ایلات کرمانشاهان با یکدیگر؛

- اختلافات درون‌ایلی؛

- اختلاف ایلات کرمانشاهان با ایلات قلمرو عثمانی.

اختلافات ایلات با یکدیگر

بیشترین نزاع و تصادم ایلات کرمانشاهان، با ایلات رقیب بود. ریشه منازعات و اختلاف ایلات کرمانشاهان بیشتر بر سر مرتع بود (روزنامه ایران سلطانی، ۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۱، سال پنجم و ششم، ص ۸). در مواقعی که نزاع بین دو ایل روی می‌داد، طوایف و تیره‌های کوچک‌تر در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌گرفتند، که بیشتر به‌شکل غارت از جانب ایل رقیب بود (روزنامه فرهنگ، پنج‌شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۴، سال دهم، ش ۴۱۴، ص ۲).

اما در برخی مواقع اختلاف بین ایل‌ها خود را در شکل رویارویی‌های مستقیم نظامی نشان می‌داد. در این مواقع یک یا چند ایل در مقابل ایل‌های دیگر جبهه‌گیری می‌کردند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸ پ- ۷۰ ک ۱-۱۳۲۷). در صورتی که تصادمات دو ایل ادامه می‌یافت و از زد و خوردهای کوچک خارج می‌شد، جبهه‌بندی‌ها شکل مشخص‌تری به‌خود گرفته و معمولاً هر یک از ایل‌ها با توجه به منافع خویش، در کنار یکی از طرفین قرار می‌گرفت (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸ پ- ۷۰ ک ۱-۱۳۲۷). این امر در مواقع خشکسالی و ظهور آفت شدیدتر می‌شد. در چنین مواقعی به‌دلیل هم‌جواری مراتع، منازعه سنجابی‌ها بیشتر با جاف‌های مرادی بود و کله‌رها با گوران‌ها برخوردهایی پیدا می‌کردند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات، گزارش امام‌قلی عمادالدوله). این امر بدان معنی نیست که دو ایل برای همیشه در کنار هم و یا علیه هم قرار می‌گرفتند. آنچه بیش از همه، جبهه‌گیری را مشخص می‌کرد، منافع ایل بود. برای نمونه در سال ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹ م. اختلاف‌ها و تصادمات ایل سنجابی با گوران‌ها منجر به جنگ این دو شد. در این میان احمدوند‌ها با هشتصد سوار به کمک و حمایت سنجابی برخاستند و ایل



کلهر به حمایت گوران‌ها برخاست. این جنگ در نهایت به شکست جبهه گوران-کلهر خاتمه یافت. آنچه مهم است حمایت احمدوندها از سنجابی و پذیرش آن از جانب سنجابی‌ها بود. زیرا احمدوندها تابعیت ایران را نداشتند. به نظر می‌رسد روابط و وابستگی ایلی و عشیره‌ای گذشته در قبال تابعیت، قدرتمندتر و پرجذبه‌تر بوده است (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸ پ-۷۰-ک ۱-۱۳۲۷).

اختلافات درون ایلی

اختلاف و نزاع‌های یک ایل به تقابل‌های برون ایلی منحصر نمی‌شد. بلکه نزاع‌های درون ایلی هم همواره وجود داشت. این نزاع‌ها بین طوایف روی می‌داد. به‌ویژه اگر این طوایف قدرتمند و مدعی ریاست بر ایل بودند ریشه‌دارتر بود و ممکن بود چند نسل ادامه یابد. نزاع طایفه خالدي با حاکمان وقت کلهر از این دسته بود. چنان‌که زین‌العابدین‌خان ایلخان کلهر، اسدخان رئیس طایفه خالدي را با طناب خفه کرده بود. دیری نپایید که زین‌العابدین به‌دست پسران اسدخان خالدي کشته شد. اختلاف بین این دو طایفه به‌رغم سازشی زودگذر مابین محمدعلی‌خان برادرزاده زین‌العابدین‌خان که حاکم کلهر شده بود و داودخان نوه اسدخان که به‌پیشکاری ایلخان انتخاب شده بود دوباره آغاز شد و از این رهگذر داودخان ریاست تامه ایل کلهر را به‌دست آورد (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۶). اختلافات درون ایلی اگر به انشعاب منتهی نمی‌شد، معمولاً آن بخشی از ایل که ناراضی بود و توان مقابله را در خود نمی‌دید دست به مهاجرت می‌زد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده ۲۳۹۲۲-۲۴۰، راپورت وضعیت ایل گوران). در اثر همین نزاع‌های درون ایلی بود که برخی از طوایف و تیره‌های ایل کلهر از جمله خمان، بیگزاده‌های گیلان، طوایف سیاه سیاه، ایران را ترک کردند و در اطراف خانقین و مندلیج متوطن شدند (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۶). کشمکش‌های داخلی ایل کلهر آن‌ها را عملاً به دو تیره مقابل هم قرار داده بود (روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۰، ش ۷۸۶، ص ۲). اختلاف‌های درون ایلی ممکن بود در نتیجه تقسیم مراتع یا دودستگی بر سر ریاست ایل بروز یابد؛ یا یکی از این موارد بهانه دیگری شود. چنین رویدادی در سال‌های ۱۵-۱۳۱۰ ق. ۶-۱۸۹۲ م. برای ایل سنجابی روی داد (روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۰، ش ۷۸۶، ص ۲). زمانی که اختلافات درون گروهی منجر به زد و خورد می‌شد، معمولاً شکست‌یافتگان به پناه رئیس ایل رقیب می‌رفتند و از وی برای مقابله با ایل خود یاری می‌خواستند. چنین درخواست‌هایی معمولاً با پاسخ مساعد روبه‌رو می‌شدند. زیرا از یک طرف این امر به تقویت وی و تضعیف ایل مقابل می‌انجامید و از طرف دیگر غارت طوایف مقابل همواره وسوسه پر قدرتی بود. چنین نمونه‌هایی در ایل‌های کرمانشاهان به‌وفور دیده می‌شود.



(سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۴-۱۰). وقتی اختلاف به جایی می‌رسید که التیام‌پذیر نبود و همچنین بخش ناراضی از ایل توان مقابله را در خود می‌دید و یا اتحادی با ایل‌های رقیب به وجود آورده بود در این صورت ممکن بود که ایل جدیدی متولد شود. شکل‌گیری ایل سنجابی در اوایل قرن سیزدهم/ نوزدهم از این مقوله بود (مکری، ۱۳۲۶، ص ۵-۸۱).

اختلاف با ایلات عثمانی

بیلاق و قشلاق در دو طرف مرز و سکونت در نواحی سرحدی، موقعیت و جایگاه خاصی به ایلات کرمانشاهان نزد حکام داده بود. حتی‌المقدور سعی می‌شد امنیت مناطق تحت نفوذ به آن‌ها واگذار شود. بنابراین نقش ایلات در نظم و امنیت منطقه تحت نفوذ، قابل‌توجه و مؤثر بود. به‌ویژه این که آن‌ها مدت زیادی را در نواحی مرزی به‌سر می‌بردند و می‌توان گفت در این مناطق فقط نیروی مؤثر بودند. سعی دولت‌ها و حکام بیشتر مبتنی بر مدارا با آن‌ها بود. برای مثال، حکومت کرمانشاهان، نواحی قلعه‌سبزی را به سنجابی‌ها واگذار کرد و حتی در آنجا برای آن‌ها قلعه‌ای ساخت و حفظ سرحد را به آن‌ها واگذار کرد (ساکما ۲۳۹۲-۲۴۰، گزارش رئیس مالیه به وزارت مالیه، ۲۴ برج اسد ۱۲۹۹). مدارای دولت، جنبه‌های مالیاتی، سربازگیری و یا کمک و اعانت در مواقعی که متحمل ضررها و خسارت‌هایی از سوی همسایگان و یا بلایای طبیعی می‌شدند را نیز شامل می‌شد. مدارای حکومت ناشی از واقعیت‌های چندی بود؛ اینکه ایلات ساکن در نواحی مرزی در «محلی سکنا دارند که اگر زور بر سر آن‌ها آورند، به‌زودی فرار کرده به خاک دولت عثمانی خواهند رفت لهذا باید به مدارا» با آن‌ها برخورد می‌شد (ساکما، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات، گزارش سلطان مرادمیرزا به ناصرالدین‌شاه، ص ۱۴۴). دیگر اینکه ایلات و عشایر، در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و ادعاهای ارضی عثمانی همیشه نیروی مؤثری بودند و مشاوران آگاه و مطمئن برای زمامداران ایران قلمداد می‌شدند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸۴-پ ۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ مشیرالدوله به سرحددار). از طرف دیگر، دولت عثمانی نیز به‌منظور جلب و جذب رؤسای عشایر همه‌گونه وعده و وعیدی به آن‌ها می‌داد تا بدین ترتیب و با جلب عشایر و ایلات، دسترسی خویش را به ادعاهای ارضی هموار کند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸۴-پ ۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ مشیرالدوله به سرحددار ذهاب).

همان‌طور که ایل‌های تابع دولت ایران، بنا بر رسم دیرینه به سرزمین‌های عثمانی قشلاق می‌رفتند، ایل‌های عثمانی نیز دوره‌ای از سال را در سرزمین‌های ایران به‌سر می‌بردند. مهم‌ترین آن‌ها جاف‌ها و احمدوندها بودند (ساکما، آلبوم شماره ۴۶۶ بیوتات، گزارش حسام‌الملک به امین‌السلطان مورخ ۱۳۰۴، ص ۲). این آمد و شد ایلات فی‌نفسه مسئله‌ساز بود؛ بنابراین ایلات



این حدود علاوه بر زد و خورد‌های درون‌گروهی و زد و خورد با ایل‌های هم‌جوار با ایل‌های خارجی هم تصادمات مستمری داشتند.

بیشترین دل‌مشغولی ایلات کرمانشاهان، مرزهای غربی ایران بود که در طول روابط ایران و عثمانی مدام در تهدید و تیررس عثمانی بود. در این میان ایلات و عشایر یکی از موانع اصلی توسعه‌طلبی عثمانی‌ها بودند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸۰ پ-۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ مشیرالدوله به کارپردازی بغداد). تجاوز و غارت‌های مرزی عثمانی‌ها در نواحی سرحدی کرمانشاهان از دو جانب صورت می‌گرفت. یکی از جانب عشایر و اشخاص بدون دخالت دولت و دیگر تجاوزهایی که نیروهای نظامی دو دولت به‌صورت رسمی در آن حضور داشتند. تجاوز از طرف اشخاص و عشایر عثمانی، با نهب اموال و مواشی رعایا به‌ویژه در روستاها و مردم یک‌جانشین همراه بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۹ پ-۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگذاری کرمانشاهان). در چنین مواقعی مأمور سرحد سعی می‌کرد با کمک افواج کرمانشاهان حدود را از تخطی محفوظ بدارد (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۴۷ پ-۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، گزارش بهرامی به وزارت خارجه).

گویا درگیری‌ها و غارت‌هایی که ایل‌های تحت تابعیت دو دولت ایران و عثمانی از یکدیگر داشتند، امر پذیرفته‌شده تلقی می‌شد و آن را خارج از اراده دولت مجاور می‌دانستند و یا شاید این نوع قتل و غارت‌ها بخشی از زندگی روزمره مردم سرحدنشین بود و دولت‌ها حل‌وفصل آن را به خود ایل‌ها واگذارده بودند و به‌عبارتی دیگر، امری خارج از کنترل دولت‌ها بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸ پ-۳-ک ۱۵-۱۳۲۲، تلگراف از کرمانشاه به تهران، ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۸). یکی از مواردی که برخلاف میل و خواسته دو دولت روی داد، تصادم و برخورد دو ایل بنی‌ویس و سنجابی در سال ۱۳۱۶ق. / ۱۸۹۸م. درحوالی خانقین بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۱ پ-۱-ک ۳۴-۱۳۱۶، سواد مراسله به قائم‌مقام خانقین). ورود به قلمرو بیلاقی از جانب ایلات و عشایر مجاور و خوراندن علف‌چر از سوی آنان، از دلایل عمده بروز تصادمات بود. اگرچه دولت‌های ایران و عثمانی در شروع آن چندان نقشی نداشتند، با وجود این، چنین رویدادهایی، مستقیم یا غیرمستقیم آنان را وادار به واکنش می‌کرد. در نمونه بالا «دولت عثمانی از عسکر نظامیه و سوار ضبطیه و سوار عشایر، اجتماعی فراهم آورده، تجاوز حدود نموده به حمایت عشیره بنی‌ویس» و منازعه با سنجابی برخاست (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۹ پ-۱-ک ۳۴-۱۳۱۶، سواد مراسله کارگزاری خانقین به وزارت امور خارجه). دلیل اولیه منازعه ایل سنجابی و عشیره بنی‌ویس این بود که یک کاروان تجاری منسوب به ایل سنجابی به‌منظور آوردن خرما به مندلیج رفته بود. در مراجعت موردحمله عشیره بنی‌ویس قرار گرفت و تمام بار کاروان به همراه چهارپایان به تصرف آن‌ها درآمد.

به فاصله دو روز بعد همین عشیره بنی‌ویس به بهانه اینکه رومیان محمودخان سنجابی به میان محصول آن‌ها رفته به سر طایفه محمودخان سنجابی هجوم آورده دو گله گوسفند آن‌ها ... با روم آن‌ها نهب نموده به علاوه فیض‌الله‌خان پسر محمودخان را با چهار نفر دیگر مقتول کرده ... به این فقره اکتفا نکرده به سر طایفه شیرمحمدخان رفته ... شیرمحمدخان در مقام دفاع برآمده از طرفین چند نفر مقتول و متجاوز از ده دوازده رأس اسب و مادیان تلف شد (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰-۱۰-۱۰ ک ۳۴-۱۳۱۶، سواد جواب به جواب مراسله قائم مقام).

تصادم ایل‌ها در درجه اول با هدف کسب غارت بود. مقاومت ایل موردتهاجم و یا تلاش برای استرداد کالاهای غارت‌شده و اقدام تلافی‌جویانه، تصادم بعدی را به دنبال داشت. در چنین مواردی نواحی روستایی، بخش‌های اسکان‌یافته یا نیمه‌اسکان‌یافته ایلات بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شد. تجاوز احمدوندها و زنگنه‌های تابع دولت عثمانی به نواحی روستایی ایل کلهر از این موارد بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۵۲-۱۰-پ ۱۵ ک-۱۳۲۵، سواد مراسله مشیرالدوله به وزارت خارجه، ۳ شوال ۱۳۲۵). این تجاوز که منجر به قتل چند تن از کلهرها و غارت سبب رأس گاو و الاغ و اسباب و اثاثیه روستاهای چم‌امام و شکرآب شده بود، مراسله‌های متعددی از وزارت خارجه ایران به سفارت عثمانی را برای تنبیه متجاوزین و استرداد اموال مسروقه به دنبال داشت، که نه تنها به جایی نرسید (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۵۵-۱۰ پ-۱۵ ک-۱۳۲۵، سواد تلگراف از کرمانشاهان به تهران، ۲۱ رجب ۱۳۲۵). بلکه به فاصله کوتاهی پس از آن مجدداً غارت کلهرها تکرار شد (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۵۱-۱۰ پ-۱۵ ک-۱۳۲۵، تلگراف از کرمانشاهان به تهران، ۱۰ شوال ۱۳۲۵). این تهاجم‌ها و غارت‌ها منحصر به ایل‌های کرد رقیب نبود. بلکه عشایر عرب در مواقع ییلاق و قشلاق ایل‌های کرمانشاهان به مناطق ایشان، دست به غارت آن‌ها می‌زدند. چنان‌که عشایر بنی‌دلس و ربیعه در سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. احشام سنجابی‌ها را غارت کردند و نزدیک به شش هزار گوسفند آن‌ها را بردند. تلاش حاکم کرمانشاهان، فرمانفرما، برای استرداد گوسفندهای غارت‌شده ایل سنجابی، از طریق وزارت خارجه و کنسولگری‌های ایران در بغداد و سفارت عثمانی به جایی نرسید؛ تا اینکه ایل سنجابی در سال بعد به مراتع عشایر بنی‌دلس و ربیعه رفته و تعداد زیادی از گوسفندهای منهوبه سال قبل را از مراتع آن‌ها کوچ داده و به میان ایل خود آورد. اقدام سنجابی‌ها مورد اعتراض والی بغداد و مأموران عثمانی واقع شد و حتی مأموران عثمانی قول دادند در صورت همراهی و مساعدت، حسام‌الملک^۱، حاکم کرمانشاهان در استرداد احشام از سنجابی‌ها، مساعدت ویژه‌ای در مورد زوار ایرانی به عمل آورند، اما تلاش آن‌ها به جایی نرسید (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳-۴ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴). غارت احشام و اغنام ایل‌ها و

۱. زین‌العابدین‌خان حسام‌الملک دوم، بار سوم- از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ ق.



طوایف مجاور سردرازی داشت. این وضع بیشتر در بین ایل‌ها و عشیره‌هایی که هر یک تابعیت یکی از دولت‌های ایران و عثمانی را داشتند، مشاهده شده است. غارت احشام معمولاً بدون خونریزی صورت نمی‌گرفت، خونریزی‌ای که قربانیان آن بیشتر شبانان و نگهبانان بودند و این امر مقدمه‌ای می‌شد برای کشمکش و برخوردهای بعدی.

به‌وجودآمدن چنین وضعی بالطبع منحصر به دو ایل و یا عشیره متنازع نمی‌ماند و به بی‌ثباتی کل منطقه می‌انجامید. از آنجا که ایل‌ها و عشایر، نواحی مرزی را در دست داشتند و جاده‌های تجاری و بازرگانی از مناطق قلمرو آن‌ها می‌گذشت، بی‌ثباتی و نزاع آن‌ها بر معادله‌های داخلی و خارجی تأثیر مستقیم داشت و موجب تنزل درآمدهای حاصله از راهداری و گمرک می‌شد. در سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. یک دسته از اعراب مسلح در نواحی مرزی سومار به احشام ایل کلهر دست برد زد و نزدیک به ۵۰۰ رأس گوسفند ایل کلهر را غارت کرد. در جریان امر دو نفر از کلهرها کشته و دو نفر اروپایی نیز مجروح شدند. این واقعه سبب بی‌ثباتی کل منطقه شد تا جایی که افراد مشغول در گمرک سومار محل کار خویش را ترک کردند و به ایوان عقب نشستند. در گزارشی که در این باب موجود است ضمن توصیف جریان امر، از مسئولین با تأکید درخواست شده است: «در این کار همراهی نمایند چون به کلی ایاب و ذهاب ... از ایالت سومار و ایوان قطع» شده است و «بلاشک اگر وضع به این شکل باقی بماند واردات گمرکی تخفیف کلی خواهند نمود علاوه‌براین الحال موقع حمل خرماي ترکستان است» (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۶۷-۳ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴). اما اگر این تهاجم‌ها و تجاوزها با همراهی نیروهای رسمی یکی از دولت‌ها همراه بود، موضوع به کلی متفاوت می‌نمود.

اطلاع از جزئیات و چگونگی تعامل ایالات این حدود که اصلی‌ترین بازیگران منطقه بودند فقط از طریق اسناد امکان‌پذیر است. در صورت نبودن این گزارش‌ها که زمانی صرفاً دارای ارزش اداری بوده‌اند امروزه ما از خیل عظیمی از این اطلاعات بی‌نصیب بودیم. در صورتی که در اختیار داشتن آن‌ها پژوهشگر را در تجزیه و تحلیل جنبه‌های گوناگون تاریخ این حدود یاری می‌کند و با پایه قرار دادن این اسناد و با اتخاذ رویکردی علمی جزئیات تاریخ آن دوره قابل‌بازسازی است.

مسئله قضاوت و چگونگی اجرای آن در بین طوایف متعدد یک ایل، چگونگی تعامل ایالات با یکدیگر، اختلاف ایالات کرمانشاهان با ایالات عثمانی، تعامل با حکمران و مأموران حکومتی، تعامل با ادارات حکومتی به‌ویژه اداره مالیه، اختلاف بر سر مراتع و ... از موارد دیگر است که گزارش‌های مشروح و مستمری از آن در دوره موردنظر موجود است (ساکما، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات؛ ساکما، آلبوم شماره ۴۴۶ بیوتات؛ ساکما، پرونده ۲۳۹۲۲-۲۴۰؛ ساکما، پرونده ۷۱۲۴-۲۴۰؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۳-ک-۲۴-۱۳۲۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه،

۱۰پ- ۱۵ ک- ۱۳۲۵؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۳پ- ۱۷ ک- ۱۳۲۴) که پژوهشگر با استفاده از این اسناد می‌تواند به ریشه‌یابی و زمینه‌های تعامل و تقابل درون‌ایلی، برون‌ایلی، و با ایلات عثمانی در هنگام یلاق و قشلاق بپردازد.

نتیجه‌گیری:

ولایت کرمانشاهان با وجود مرکزیت سیاسی که در غرب ایران و در دوره قاجار کسب کرد از جنبه تاریخ‌نگاری کاملاً از ولایات هم‌جوار عقب ماند به‌طوری‌که هیچ‌گونه کتابی با هدف نوشتن تاریخ در این ولایت نوشته نشد. در نگاه اول و در نبود منابع کتابی پژوهش در مورد جنبه‌های گوناگون تحولات این ولایت در دوره مورد مطالعه مبهم و نارسا می‌نماید. اما با استفاده از نوع دیگری از منابع، این موضوع صورت دیگری می‌یابد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که هر چند در نبود منابع تاریخ‌نگارانه، پژوهشگر در امر بازسازی تاریخی با مشکل مواجه است اما با پایه قرار دادن اسناد بسیاری از این کاستی‌ها جبران می‌شود. حجم اسناد باقی‌مانده در دوره مورد مطالعه و همچنین حجم موضوعات مندرج در این اسناد، بسیاری از زوایای پنهان و تاریک تاریخ این ولایت را روشن می‌کند که در صورت فقدان اسناد ممکن بود برای همیشه پنهان بماند.

منابع

- اردلان، مستوره (۲۰۰۵). *تاریخ/لاکرد*. به کوشش جمال احمدی آئین. انتشارات آراس: اربیل.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح دکتر اسماعیل رضوانی. ج ۱. چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*. ج ۱ و ۲. تصحیح و حواشی: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- بابانی عبدالقادر این‌رستم (۱۳۶۶). *سیر/لاکرد*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- تتوی، احمد بن نصرالله (۱۳۷۸). *تاریخ النبی. تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال‌های ۹۸۴ - ۱۵۰* هـ. تصحیح علی آل داود. تهران: فکر روز.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷). *تاریخ نو*. به اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکاء.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار: حقایق/لاخبار ناصری*. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: کتابفروشی زوار.



- روملو، حسن بیك (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*. تحشیة عبدالحسین نوایی. ج ۲. تهران: انتشارات اساطیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*. ج ۳. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سها.
- سنندجی شکرالله (فخرالکتاب) (۱۳۶۶). *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*. تصحیح حواشی و تعلیقات به انضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد از حشمت‌الله طبیبی. تهران: امیرکبیر.
- سنندجی، میرزا عبدالله (۱۳۴۴). *تذکره حدیقه امان الهی*. تصحیح و تحشیه عبدالرسول خیام‌پور. مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران: تبریز.
- قاضی، ملامحمدشریف (۱۳۷۹). *زبدہ التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی
- کتابچه ایلات کرمانشاهان. نسخه خطی، کتابخانه و موزه کاخ گلستان. در جلد ۵ مجموعه ناصری.
- کتابچه جمع و خرج کرمانشاهان و محال. مرکز اسناد و کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۱۱۷۰۱۲.
- محمد بن منوچهر، خسرو (۲۵۳۶). *لب التواریخ یا تاریخ اردلان*. تهران: انتشارات کانون خانوادگی اردلان.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۹۴). *تاریخ کرد و کردستان (و توابع)*. سنندج: شوان - کانی کتیب.
- مکرری، محمد (۱۳۲۶). *عشایر کرد*. طوایف سنجابی. مجله یادگار. ش ۳۶.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۸۱). *حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان*. تصحیح: محمدرئوف توکلی. چاپ اول. تهران: انتشارات توکلی.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۸۷). *عشایر و ایلات و طوایف کرد*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- سنجابی، سردار مقتدر (۱۳۸۰). *ایلی سنجابی و مجاهدات ملی ایران*. تحریر و تحشیه کریم سنجابی. تهران: انتشارات شیرازه.

روزنامه‌ها

- روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، شماره ۳۲۴.
- روزنامه دولت علیّه ایران، پنج‌شنبه، ۱۲ رجب ۱۲۸۰، شماره ۵۵۲.
- روزنامه ایران پنج‌شنبه، ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۹، شماره ۷۶۱.
- روزنامه ایران، سه‌شنبه ۲۶ شوال ۱۲۹۳، شماره ۳۰۱.
- روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۰، شماره ۷۸۶.
- روزنامه ایران سلطانی، ۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۱، سال پنجم و ششم.
- روزنامه فرهنگ، پنج‌شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۴، سال دهم، شماره ۴۱۴.



اسناد و نسخ خطی

- ساکما، آلبوم شماره ۹۹ بیوتات.
- ساکما، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات.
- ساکما، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات.
- ساکما، آلبوم شماره ۴۴۶ بیوتات.
- ساکما، پرونده ۲۳۹۲۲-۲۴۰.
- ساکما، پرونده ۷۱۲۴-۲۴۰.
- ساکما، پرونده ۵۴۴-۲۴۰.
- ساکما، پرونده شماره ۲۳۳۶۲-۲۴۰.
- ساکما، پرونده شماره ۲۵۴۳-۲۴۰.
- ساکما، پرونده شماره ۲۸۹۷۳-۲۴۰.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۲۴-۳ پ-۲۶ ک-۱۳۲۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸-۳ پ-۷۰ ک-۱-۱۳۲۷.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰-۱-۰۱-۳۴-۱۳۱۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲-۱۶-۱۲۹۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۶۵-۱۰ پ-۹ ک-۱۱-۱۷-۱۳۲۵.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۲-۱۰ پ-۱۰ ک-۱۵-۱۳۲۵.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱-۹ پ-۹ ک-۲۴-۱۳۲۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۰-۱-۳۴-۱۳۱۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱-۳ پ-۳ ک-۲۴-۱۳۲۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۱-۱۰ پ-۱۵ ک-۱۳۲۵.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۶۷-۳ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳-۴ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴.



معرفی اسنادی دربارهٔ مطالبه حقوق تقاعد اجلال السلطنه از آرشیو اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضائیه با تکیه بر سندی از مظفرالدین شاه

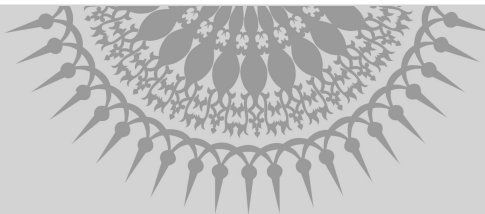
فاطمه نوبخت

چکیده:

از آنجا که پژوهش پیرامون تاریخ به دلیل عدم دسترسی و مشاهده مورخ با محدودیت‌هایی روبه‌رو است، اسناد و مدارک متعلق به دورهٔ موردبررسی می‌تواند چراغ راه پژوهشگر باشد. اداره کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوه قضائیه به عنوان گنجینه‌ای بی‌بدیل از اسناد تاریخی به شمار می‌رود. در این مرکز پرونده‌هایی از دوره قاجار تا دوره معاصر وجود دارد و می‌توان از دل آن‌ها اسنادی که به لحاظ دوره تاریخی، شخصیت، حوادث تاریخی و مکان‌های تاریخی حائز اهمیت هستند را انتخاب و از آن‌ها در پژوهش‌های گوناگون استفاده کرد. برای مثال، از اجلال السلطنه که در زمان قاجار حائز پست‌های مهم کشوری و لشکری بوده، در منابع و مؤاخذ یا نامی برده نشده و یا فقط به ذکر مختصری از منصب وی اکتفا شده است. در این اداره کل پرونده بازنشستگی مشارالیه وجود دارد که اطلاعات بسیار ارزنده‌ای در مورد احوال شخصیه و مناصب وی در دوره‌های مختلف در اختیار ما می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها

مظفرالدین شاه، اجلال السلطنه، تقاعد، قاجار.



معرفی اسنادی دربارهٔ مطالبه حقوق تقاعد اجلال السلطنه از آرشیو اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضائیه با تکیه بر سندی از مظفرالدین شاه

فاطمه نوبخت^۱

مقدمه:

تقاعد به معنای بازایستادن، بازماندن از کاری، کناره‌گیری و بازنشستگی است (معین، ۱۳۸۲، ص ۸۶۴). در واقع تقاعد همان دوران بازنشستگی است که به سبب کهولت سن شخص از کار کناره‌گیری می‌کند. دولت موظف است پس از بازنشستگی تا زمان حیات شخص حقوقش را به خود او و در زمان مرگ به بازماندگانش پرداخت کند. لازم به ذکر است که تا قبل از تصویب قانون حمایت از کارکنان دولتی، در برابر وراثت مستخدمین دولتی به صورت کاملاً سلیقه‌ای رفتار می‌شد. در واقع بازماندگان شاهزادگان، درباریان و سفارش‌شدگان مورد عنایت قرار گرفته و مابقی مردم از هرگونه حقوقی محروم می‌شدند.

موضوع لزوم حمایت سازمان‌یافته و رسمی از کارکنان دولتی، برای اولین بار در قانون «وظایف» در اول اردیبهشت ۱۲۸۷ نمایان شد (مصوبات مجلس، ص ۲۵۱). برابر این قانون امر دستگیری و مساعدت دولت نسبت به وراثت کارکنان متوفی از شکل پراکنده و غیرمنظم به صورت منظم و قانونمند درآمد. در این قانون چنین نوشته شده است: «وظیفه مرسوم است که به بازماندگان ارباب حقوقی دیوانی از هر قبیل داده می‌شود».

این قانون در ده ماه تنظیم شده که در این ده ماده مراد از ورثه و نحوه تقسیم حقوق بین آن‌ها مشخص شده است.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ، کارشناس
بررسی اسناد و مدارک قوه قضائیه؛
f.nobakht59@gmail.com



بعد از قانون وظایف، قانون «استخدام کشوری» در ۲۲ آذر ۱۳۰۱ به تصویب رسیده است. حسب این قانون کلیه کارمندان دولت از حقوق مساوی برخوردار شدند. در فصل چهارم این قانون ذیل ماده ۴۳ نوشته شده است: «عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاعد خود را از دولت بخواهند: ۱- پس از سی سال خدمت و شصت سال عمر. ۲- در صورت داشتن پنجاه و پنج سال عمر و بیست و پنج سال خدمت مشروط بر اینکه بیست سال آن را متصدی شغل بوده باشد و هرگاه تحلیل قوا و ضعف و پیری مانع نشود و مایل باشد تا سن هفتاد سالگی باید حتماً از خدمت معاف شوند. دولت نیز می‌تواند با شرایط ۱ و ۲ مستخدمی را متقاعد نماید. مواد بعدی این فصل به جزئیات بیشتری در خصوص تقاعد و برقراری حقوق آن پرداخته است.

اسناد ارائه شده در این مقاله مربوط به درخواست آقای محمدحسن خان صدری (اجلال السلطنه) جهت برقراری حقوق تقاعد مشارالیه است. نویسنده قصد دارد با ارائه مختصری از زندگی و خدمات اجلال السلطنه که بیشتر این اطلاعات را از خود اسناد استخراج کرده به معرفی اسناد مربوط با تکیه بر سندی از مظفرالدین شاه قاجار بپردازد.

معرفی اجلال السلطنه

از اجلال السلطنه اطلاعات بسیاری کمی در دست بوده و در منابع گوناگون فقط ذکر مختصری در خصوص سمت‌های وی آمده است.

محمدحسن خان، نام فامیل: صدری، لقب: اجلال السلطنه

تاریخ تولد: میزان (مهر) ۱۲۴۳ شمسی

محل تولد: تبریز

نام پدر: حاج محمدحسین خان صدرالدوله

وضعیت تأهل: متأهل

تعداد فرزند: ۳

محل اقامت: تهران^۱

برادر اجلال السلطنه شکرالله خان صدری یکی از چهره‌های سرشناس دوره مظفری و بعد از آن است. وی چهره‌ای مؤثر از آزادی خواهان بوده و به دستور محمدعلی شاه از تهران تبعید و به اروپا رفته است. شکرالله خان پس از فتح تهران مناصبی چون وزیر تجارت، حاکم اصفهان، حاکم تهران، وزیر فواید عامه، حاکم لرستان، پیشکار شیخ خزعل را داشته است. وی با مرحوم

۱. بانک اسناد مهم و ملی اداره کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوه قضائیه با کد: ۶۴۰-ج.



مدرس همکاری داشته و با تلاش شیخ خزعل به مجلس دوره پنجم راه یافت (سلیمانی، بی‌تا، ص ۱۲۴).

مناصب اجلال السلطنه

- یاور اول نظام (وزارت جنگ) (۲۰ دی ۱۲۶۵ الی ۱۶ شهریور ۱۲۶۷)
- سرهنگ نظام (وزارت جنگ) (۱۷ شهریور ۱۲۶۷ تا ۳ مهر ۱۲۷۱)
- سرهنگ نظام (وزارت جنگ) (۲۵ تیر ۱۲۷۲ الی ۱۳ تیر ۱۲۷۳)
- پیشخدمت خاصه (وزارت دربار) (۳ تیر ۱۲۷۴ الی ۲۱ شهریور ۱۲۷۶)^۱
- رئیس ذخیره (وزارت جنگ) (۱۷ فروردین ۱۲۷۷ الی ۷ فروردین ۱۲۸۲) در کتاب افضل‌التواریخ در خصوص این پست چنین نوشته شده است: «وزارت کل ذخایر عسکریه ممالک محروسه به عهده کفایت حسن خان اجلال السلطنه، پیشخدمت خاصه حضور همایونی، واگذار شد. اجلال السلطنه به یک حلقه انگشتی الماس بریلیان سرافراز گردید» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۲۷۶ و ۴۲۳). همچنین میرزا ابراهیم شیبانی نوشته است: «وزارت ذخایر عسکریه به میرزا حسن خان اجلال السلطنه مرحمت شد. اجلال السلطنه به یک ثوب پالتو و سردوشی مخلع گردید» (شیبانی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹ و ۳۶۴).

- حکومت کاشان (وزارت داخله) (۵ اسفند ۱۲۸۴ الی ۲۳ بهمن ۱۲۸۵) اجلال السلطنه حاکمی نیک‌نفس بوده که دست به اصلاحات زیادی زده است (نراقی، ۱۳۴۵، ص ۳۰۰). بعد از مشروطه یکی از درخواست‌های مردم کاشان از حاکم وقت، اصلاح و تسویه دستگاه فرمانداری شهر از یکصد و پنجاه تن عناصر فاسد از اشرار و اوباش و غارتگر به نام فراش، نایب و یوزباشی بود که بدون وظیفه معینی زورگویی و تعدی می‌نمودند. اجلال السلطنه تقاضای اهالی را انجام داده و خوشنودی همگانی را جلب کرد (نراقی، ۱۳۶۴، ص ۹۱).

- وزارت نظمیه (وزارت داخله) (۵ تیر ۱۲۸۶ الی ۱۱ آبان ۱۲۸۷). یکی از کتاب‌هایی که به این سمت اجلال السلطنه اشاره می‌کند «فتح تهران» است: «ریاست اداره پلیس با اجلال السلطنه بود. وی در تمام مدت جشن [جشن نخستین سالگرد مشروطیت] که دو روز طول کشید آبی آرام نگرفت و به شخصه اظهار کاردانی می‌کرد. شخصاً به همه‌جا می‌رسید و افراد پلیس چه با اونیفرم چه با لباس عادی مخفی، در جلو طاقماها ایستاده مراقب اوضاع بودند» (نوائی، ۱۳۵۶، ص ۱۴۲).

همچنین در مورد همکاری اجلال السلطنه با آزادی‌خواهان نوشته شده: «محمدعلی‌شاه محرکین مانند حاج میرزا یحیی و غیره را حکم داد بگیرند، اجلال السلطنه رئیس نظمیه آنها را گریزانند» (جابری انصاری، بی‌تا، ص ۳۵۷).

۱. بانک اسناد مهم و ملی اداره کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوه قضائیه با کد: ۶۴۰.



- ریاست فوج دماوند و فیروزکوه (وزارت داخله) (۵ مهر ۱۲۸۸ الی ۱۲ مهر ۱۲۸۹)
- ریاست فوج فریدن و چهارمحال (وزارت داخله) (۲۹ آبان ۱۲۸۹ الی ۲۶ مهر ۱۲۹۰)
- حکومت عربستان (وزارت داخله) (۲۷ مهر ۱۲۹۰ الی ۱۸ اردیبهشت ۱۲۹۳)
- ریاست فوج فریدن و چهارمحال (وزارت داخله) (۲۳ تیر ۱۲۹۸ الی ۳۰ اسفند ۱۳۰۱).^۱

اسناد

اسناد استفاده شده در این مقاله مربوط به پرونده اجلال السلطنه در اداره کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوه قضائیه است. در این پرونده اسنادی شامل درخواست اجلال السلطنه برای برقراری حقوق تقاعد، سنوات خدمت وی، لایحه وکیل اجلال السلطنه، نامه های وزارت داخله و مالیه به دیوان عالی کشور و رأی دیوان عالی کشور می باشد. یک سند خاص هم به چشم می خورد و آن نامه ای از مظفرالدین شاه قاجار خطاب به اجلال السلطنه که رضایت خود را از خدمات وی ابراز داشته است.

محمدحسن خان صدری در ابتدا به لحاظ عمر و سنوات خدمت که مشمول تقاعد بوده، از وزارت داخله درخواست برقراری حقوق تقاعد را می کند. وزارت داخله به علت آخرین خدمت اجلال السلطنه که رئیس فوج فریدن و چهارمحال بوده، مشارالیه را جزو مستخدمین داخله ندانسته و وی را منتظر خدمت وزارت جنگ معرفی کرده است. به دنبال این تصمیم وزارت داخله، وزارت مالیه هم محمدحسن خان صدری را مستحق دریافت حقوق تقاعد ندانسته و سند خدمتی هم که برای استخدام کشوری مشارالیه صادر شده بود را به طور رسمی باطل اعلام می کند. شکایت اجلال السلطنه به دیوان عالی تمیز می رود و در آنجا رأی به برقراری حقوق تقاعد او صادر می شود.

۱. بانک اسناد مهم و ملی اداره کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوه قضائیه با کد: ۶۴۰ ج.



اجلال السلطنه انشاء الله احوالت خوبست کاغذی که بصدیق السلطنه نوشته بودید بعرض رساند تقدیمی
شما را هم تقدیم کرد بحمداله تعالی حالت ما در نهایت خوبی است از اول این ماه بصاحبقرانیه آمده ایم و
جای شما در حضور خالی است از خدمات صادقانه شما همیشه خاطر ما راضی است مراحم ما را همیشه
شما همیشه غلامان اضر است مراحم ما را همیشه غلامان
خود بر این شهر جمادی الاولی ۱۳۲۴

[نشان قصر صاحبقرانیه]

قصر صاحبقرانیه

اجلال السلطنه انشاء الله احوالت خوبست کاغذی که بصدیق السلطنه نوشته بودید بعرض رساند تقدیمی
شما را هم تقدیم کرد بحمداله تعالی حالت ما در نهایت خوبی است از اول این ماه بصاحبقرانیه آمده ایم و
جای شما در حضور خالی است از خدمات صادقانه شما همیشه خاطر ما راضی است مراحم ما را همیشه
شما همیشه غلامان اضر است مراحم ما را همیشه غلامان

شامل حال خود بدانید شهر جمادی الاولی ۱۳۲۴

[امضاء]





وزارت مالیه

اداره قمارخانه

سواد ثبت شماره مورخه وزارت که اصل آن شماره ثبت شد اداره

تقریر مذمت سید بن کوری نمونه دفتر کار کل قمارخانه			
۱- آقا محمد خاوری - نائب - تاریخ احوال اعلیّه - تاریخ استیفاء - سید بن کوری - خاندان طرانی			
۲- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۳- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۴- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۵- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۶- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۷- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۸- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۹- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۰- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۱- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۲- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۳- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۴- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۵- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۶- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۷- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۸- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۱۹- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			
۲۰- سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری - سید محمد خاوری			



٥٥٢-ج

ردیف	تاریخ	شرح	مبلغ	ملاحظات
۱	۱۳۸۵	...	...	...
۲	۱۳۸۶	...	...	...
۳	۱۳۸۷	...	...	...
۴	۱۳۸۸	...	...	...
۵	۱۳۸۹	...	...	...
۶	۱۳۹۰	...	...	...
۷	۱۳۹۱	...	...	...
۸	۱۳۹۲	...	...	...
۹	۱۳۹۳	...	...	...
۱۰	۱۳۹۴	...	...	...
۱۱	۱۳۹۵	...	...	...
۱۲	۱۳۹۶	...	...	...
۱۳	۱۳۹۷	...	...	...
۱۴	۱۳۹۸	...	...	...
۱۵	۱۳۹۹	...	...	...
۱۶	۱۴۰۰	...	...	...
۱۷	۱۴۰۱	...	...	...
۱۸	۱۴۰۲	...	...	...
۱۹	۱۴۰۳	...	...	...
۲۰	۱۴۰۴	...	...	...
۲۱	۱۴۰۵	...	...	...
۲۲	۱۴۰۶	...	...	...
۲۳	۱۴۰۷	...	...	...
۲۴	۱۴۰۸	...	...	...
۲۵	۱۴۰۹	...	...	...
۲۶	۱۴۱۰	...	...	...
۲۷	۱۴۱۱	...	...	...
۲۸	۱۴۱۲	...	...	...
۲۹	۱۴۱۳	...	...	...
۳۰	۱۴۱۴	...	...	...

خوارزمیہ ایف و جی فونڈ (۱۳۱۳ء)

مدرسہ اسلامیہ

۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱

۱۳۱۳

ادارہ تعلیمات اسلامیہ

اداره تقاعد کشوری

ل-۵۵۲

[آرم شیر و خورشید]

وزارت مالیه

سواد تعرفه خدمت نمره ----- وزارت/اداره که اصل آن به نمره -----
 --- ثبت شد

تعرفه خدمت مستخدمین کشوری

نمره دفتر کسور کل تقاعد

اسم- آقای محمد حسن خان- لقب- سابق اجلال السلطنه- تاریخ امتحان- محل اقامت
 خانواده طهران

پدر مرحوم حاج محمد حسین خان صدرالدوله- محل تولد- تبریز- ملیت و تبعیت- اسلام
 و ایران

نام خانواده- صدری- تاریخ تولد- میزان ۱۲۴۳ شمسی- تأهل- دارند
 مستمری و شهریه و غیره با ذکر نمره- ۱۴۳۸ تومان به خرج اصفهان که فعلاً نمی
 گیرند- عده اولاد ۳ نفر

شغل و انتقال	تاریخ و مدت خدمت	حقوق ثابت	مدرک	ملاحظات
شغل	اداره یا وزارتخانه	از	تا	مستمری احکام و مدارک دال بر تصدی
یاور اول نظام	وزارت جنگ	۲۰ جدی ۱۲۶۵	۱۶ سنبله ۱۲۶۷	احکام و مدارک و اساسنامه
سرهنک نظام	"	۱۷ سنبله ۱۲۶۷	۳ میزان ۱۲۷۱	"
بیکار	"	۱۴ میزان ۱۲۷۱	۲۴ سرطان ۱۲۷۲	-
سرهنک نظام	"	۲۵ سرطان ۱۲۷۲	۱۳ سرطان ۱۲۷۳	مستمری سالنامه جواب تلگراف نمره ۶۵
بیکار	"	۱۴ سرطان ۱۲۷۳	۱۲ سرطان ۱۲۷۴	-



شغل و انتقال	تاریخ و مدت خدمت	حقوق ثابت	مدرک	ملاحظات
پیشخدمت خاصه وزارت دربار		۳ سرطان ۱۲۷۴	۲۱ سنبله ۱۲۷۶	مستمری احکام سالنامه
بیکار	-	۲۲ سنبله ۱۲۷۶	۱۶ حمل ۱۲۷۷	
رئیس ذخیره	وزارت جنگ	۱۷ حمل ۱۲۷۷		
بیکار	"	۸ حمل ۱۲۸۲	۴ حوت ۱۲۸۴	-
حکومت کاشان وزارت داخله	-	۵ حوت ۱۲۸۴	۲۳ دلو ۱۲۸۵	فرمان سالنامه نمره ۱۷ و نمره ۴۴ مدرک
بیکار		۲۴ دلو ۱۲۸۵	۴ سرطان ۱۲۸۶	-
وزارت نظمیه	"	۵ سرطان ۱۲۸۶	۱۱ عقرب ۱۲۸۷	فرمان و مدارک و دستخط همایونی
ریاست فوج	"	۵ میزان ۱۲۸۸	۱۲ میزان ۱۲۸۹	نمره ۹۷۵ نمره ۶ نمره ۴۹ نمره ۷۶۳ نمره
دماوند و فیروزکوه				۱۰۲/۳۶۲
بیکاری	"	۱۳ میزان ۱۲۸۹	۲۸ عقرب ۱۲۸۹	-
ریاست فوج	"	۲۹ عقرب ۱۲۸۹	۲۶ میزان ۱۲۹۰	۹۸۹۹ م ۵۴۳ نمره نمره ۳۵۷۴ نمره ۹۹۶۸
فریدن و چهارمحال				نمره ۱۹۶۵ نمره ۶۰۴۶/۲۰۸۹ نمره ۸۲۴۹ نمره ۵۹۴۸/۱۸۴۲
حکومت	"	۲۷ میزان ۱۲۹۰	۱۸ ثور ۱۲۹۳	۵۰۰۰ تومان نمره ۴۶۶ نمره ۸۸۶۲ نمره



شغل و انتقال	تاریخ و مدت خدمت	حقوق ثابت	مدرك	ملاحظات
عریستان				۶۲۱/۱۰۱۲ نمره ۲۸۹ ریاست فوج را نیز دارا بود
ریاست فوج	"	۱۹ ثور ۱۲۹۳	۲۲ سرطان ۱۲۹۱	مدارک دال بر تصدی و تصدیق آقای علایی
فریدن و چهارمحال				نمره ۱۴۰۹ ۱۷۱۲
بیکاری	"	۲۳ سرطان ۱۲۹۸	۳۰ حوت ۱۳۰۱	-
انتظار خدمت	"	اول حمل ۱۳۰۲	الی اکنون	

ظهر ورقه امضاء محمد حسن صدری (مهر محمد حسن) مورد مطابق اصل است

۱۳/۶/۲۸ [امضاء]

[مهر اداره تقاعد کشوری]



[آرم شیر و خورشید]

دیوان عدالت عظمی

نمره ورقه تحقیقات و صورت مجلس نمره ۳۰۶ استخدامی

صفحه

مدعی	مدعی علیه	مدعا به	تاریخ
------	-----------	---------	-------

کارتن

دوسیه

در خصوص شکایت استخدامی آقای محمدحسن خان صدری به طرفیت وزارتخانه داخله و اداره تقاعد کشوری وزارت مالیه خلاصه آن که (مشارالیه به موجب مراسله نمره ۳۲۰۰ وزارتخانه داخله جزو منتظرین خدمت آن وزارتخانه بود و از حیث عمر و سنین خدمت مشمول تقاعد شده و برای صدور سند تقاعد و دریافت حقوق به وزارتخانه متبوعه مراجعه نموده و هیچگونه اقدامی به عمل نیاورده‌اند) و تقاضی نموده است که مطابق مادتين ۶۴ و ۴۳ قانون استخدام کشوری حکم مقتضی صادر شود پس از ارسال شکایت نامه شاکی به وزارت داخله و اداره تقاعد کشوری جوابی راجع به شکایت شاکی داده شده که خلاصه این است (چون قبل از اجرای قانون استخدام کشوری افواج محلی تحت اختیار حکام بوده و شاکی هم آخرین شغلش ریاست فوج فریدن و چهارمحال بوده مستخدم وزارت داخله تشخیص داده شده و پیشنهادی هم به هیئت وزراء تقدیم گردیده ولی پیشنهاد وزارت داخله طبق مرقومه نمره ۵۲۹۲۱ ریاست محترم وزراء از لحاظ اینکه آخرین خدمت آقای محمدحسن خان صدری ریاست فوج بوده و از آن به بعد هم در وزارت داخله خدمتی انجام نداده به اتکاء ماده ۱ تصویب نامه نمره ۴۴۸۵ مورخه ۱۳۰۲/۷/۹ رد شده و آقای صدری را منتظر خدمت وزارت جلیله جنگ شناخته و در نتیجه تصمیم مزبور سنه خدمتی هم که برای استخدام کشوری مشارالیه صادر شده رسماً از طرف وزارت مالیه ابطال گردیده و وزارت داخله آقای صدری را جزء مستخدمین این وزارتخانه نمی‌شناسد) و دوسیه قضیه برای رسیدگی به شعبه چهارم دیوانعالی تمیز ارجاع گردیده است

شعبه مزبوره مرکب از آقایان مرقومین: [امضاء محمد فاطمی]

آقای حاج میرزا سید محمد فاطمی رئیس آقای آقاحسین رضوی مستشار آقای آقامرتضی نجم آبادی مستشار

در جلسه ۲۲ اسفند ۱۳۱۳ پس از قرائت راپورت آقا رضوی و رسیدگی به اوراق دوسیه و اظهار عقیده کتبی آقای آقامیرزا سید علی بهبهانی نماینده محترم پارک دیوان عالی تمیز که بر ورود شکایت شاکی بوده مشاوره نموده چنین رأی می‌دهند:
چون مطابق تبصره ۳ ماده ۱۶ قانون اجازه تأسیس دانشگاه مصوب هشتم خرداد ۱۳۱۳

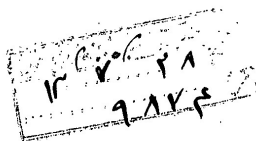


تشخیص رتبه و حقوق استخدامی اعم از رسمی و کنتراتی و غیره با وزارتخانه مربوطه و اداره
تقاعد است و وزارت جلیله داخله در مراسله ۳۰۸/۳/۲۵ نمره ۳۲۰۰ و مراسله دی‌ماه ۱۳۰۹
نمره ۷۱۱۶ تصدیق کرد که آقای صدری جزو منتظرین خدمت وزارت داخله و داخل مضمولین
کشوری محسوب است و به‌همین ترتیب هم سند خدمت صادر گردیده بنابراین مستخدم
کشوری ندانستن مشارالیه به استناد مراسله رئیس‌الوزراء وقت صحیح نبوده و شکایت آقای
صدری وارد و مشارالیه منتظر خدمت وزارت داخله محسوب و از حقوق استخدام کشوری حق
خواهد داشت استفاده نماید.

[امضاء نجم آبادی] [امضاء رضوی] [امضاء فاطمی]



15/1/59



موقع هیئت محترم شعبه چهارم دیوان عالی تمیز دامت شوکتهم
در تعقیب عرض حال استخدامی آقای حاج محمدحسن خان صدری (اجلال السلطنه) به عنوان
تشخیص مراتب استخدامی معزی الیه جهت تأدیه حقوق تقاعد و الزام وزارت متبوعه موکل
پرداخت آن با ملاحظه دو فقره جواب که از وزارتین جلیله تین داخله و مالیه ارسال داشته اند خاطر
آن هیئت محترم را به مراتب ذیل معطوف داشته و صدور حکم عادلانه را خواستار است.

۱- مورد بحث و اختلاف این است که وزارت داخله با صادر نمودن سند خدمت آقای صدری
و تصدیق به اینکه معزی الیه در عداد مستخدمین آن وزارت جلیله می باشد بعداً به استناد مرقومه
صادر از مقام ریاست وزراء عظام سابقه خدمت ایشان را کان لم یکن فرض نموده اند و از اعطاء
حقوق تقاعدی خودداری می نمایند و حال آنکه مرقومه ریاست وزراء عظام تشخیصات اداری را که
موجد حق و مشخص آن می باشد کان لم یکن ننموده و نمی نمایند - من باب مثال - فرض کنیم
وزارتخانه بر طبق سوابق و مدارک رتبه یا مقامی را طبق مقررات قانون برای مستخدم خود شناسد
و ریاست محترم وزراء عظام تصمیم نمایند که حق تشخیص واقعی را درباره آن مستخدم شناسد
البته چنین تصمیمی که مخالف با مشخصات اداری و قانون باشد فاقد اعتبار قانونی بوده و مؤثر
می تواند بود و حتی تصمیمات هیئت وزراء عظام هم که به نام رفع ابهام قانون یا طریقه و تفسیر
آن اتخاذ می شود مخالف با کلیه اصول مقرر است زیرا تفسیر و رفع ابهام وظیفه خاص اداره
مربوطه که مجری قانون شناخته می شود خواهد بود در صورتی که تصمیم اداره مربوطه معارض با
حقوق اشخاص باشد به نص قانون رفع اختلاف با دیوان عالی تمیز است -

بنابراین با تشخیص وزارت جلیله داخله که از طرف اداره تقاعد و وزارت جلیله مالیه نیز
به تصویب و تصدیق شده است تصمیم ریاست محترم وزراء عظام که معارض با مشخصات
مذکوره است مؤثر در قضیه نخواهد بود و باید طبق تشخیص اداره و وزارتخانه مربوطه که در
مقامات قانونی خود تصویب نشده سابقه خدمت و مقام مشخص شناخته شود -

۲- اما جواب مرقومه جوابیه وزارتین داخله و مالیه به اینکه طبق مرقومه ریاست وزراء به استناد
تصویب نامه خدمت آقای صدری را خدمت لشگری تشخیص داده عرضه می دارد که آقای صدری
تا بدو تأسیس حکومت مشروطه وزارت داخله تصدیق نموده پیشخدمتی دربار را داشته و با
داشتن شغل و خدمت مزبور برای انجام خدمتی به سمت های مختلفه مأمور و منصوب می شدند
و در ایامی که سمت یا شغل دیگری غیر از خدمت پیشخدمتی همایون و دربار را داشته اند مقام
ایشان در دربار محفوظ بوده چنانکه سالنامه های سلطنتی اشعار می دارد و همیشه در دربار حائز
مقام مخصوص و سمت پیشخدمتی خاصه را داشته اند و در حقیقت با داشتن سمت پیشخدمتی
سلطنتی در دربار خدمت دیگری را هم انجام می داده اند و واقعاً سمت دائمی و رسمی ایشان همان
خدمت درباری بوده و با اینکه خدمت درباری در عداد خدمات کشوری تشخیص و محسوب



گردیده و به‌طوری که از سند خدمت صادره از وزارت داخله به تصدیق تقاعد و وزارت مالیه هم رسیده مفهوم می‌شود خدمات دیگر آقای صدری (با حفظ اینکه علاوه بر خدمات درباری بوده) بیشتر از نصف تمام خدمت دولتی ایشان است طبق ماده ۱ تصویب‌نامه هیئت وزراء عظام که سواد در دوسیه مشاهده می‌شود نیز جزو مستخدمین کشوری محسوب بوده و از این حیث نیز مرقومه ریاست محترم وزراء عظام مخالف با تصویب‌نامه مذکوره فوق شناخته نشده و نمی‌تواند نافی حقوق مشخصه ایشان طبق قوانین و مقررات باشد برای روشن شدن قضیه در نظر آن هیئت محترم سواد مرقومه نمره ۷۱۱۶ [مورخ] ۶/دیماه/۱۳۰۹ وزارت جلیله داخله که برای ریاست وزراء عظام تقدیم شده مستقیماً تقدیم و استدعا دارد با توجه به مرقومه فوق‌الذکر که سابقه خدمت کشوری آقای صدری را کاملاً ثابت و مدلل می‌نماید احقاق حق فرموده و نگذارید حق قانونی یک مستخدم معمر که سنین عمر خود را در خدمت دولت صرف نموده از بین برود زیرا با در نظر گرفتن عقیده ریاست محترم وزراء که آخرین خدمت را خدمت لشکری تشخیص و آقای صدری را مستخدم وزارت جنگ دانسته‌اند لازمه‌اش این است که تقاضای تقاعد از وزارت جلیله جنگ بشود- در صورتی که تشکیلات جدید قشون به‌وسیله فرمانی که کلیه مناصب و القاب را از بین برده حق قبول این‌گونه مستخدمین را در جرگه خود نداشته و فقط مستخدمینی که پس از تشکیلات جدید داخل خدمت مشغول خدمت وزارت جنگ شده‌اند در عداد خود دانسته و حقوق تقاعد می‌دهد- همچنین برای مثال عرض می‌کنید که اگر تصمیم ریاست محترم وزراء عظام را در این قسمت صحیح بدانیم لازمه‌اش این است که کلیه شاهزادگان و رجال سابق که از بدو طفولیت یا بعداً دارای مناصب لشکری تا رتبه سرداری و امیر تومانی بوده بایستی جزو افراد قشونی و مستخدمین وزارت جنگ باشند در صورتی که اغلب هم فرمانفرما و والی بوده و در حوزه مأموریت هم از استعداد افواج محلی استفاده نموده و حفظ انتظامات محلی با همین‌گونه افراد بوده در صورتی که بر عکس کلیه این قبیل اشخاص در قانون استخدام کشوری مستخدم کشوری تشخیص و جزو متقاعدین وزارت داخله معرفی شده‌اند که عده آن‌ها زیاد و از جمله فرمانفرما- سردار کل- سپهدار- غیره غیره بنا به مراتب مزبور صدور حکم عادلانه از آن هیئت محترم مورد تقاضا است-

وکیل بلاواسطه [امضاء]

[ناخوانا]

[مهر] تاریخ ۱۳/۷/۲۸

ضمیمه دوسیه است

نمره ۹۸۷۴

۱۳/۷/۲۹



تاریخ: ۲۸/۹/۱۳۱۵
شماره: ۱۹۸۹۳



وزارت مالیه

اداره تقاعد کشوری

دایره -

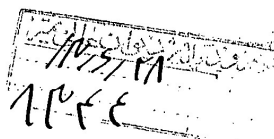
دیوان عالی تمیز

مراسله نمره ۷۶۴۰ مورخه پانزدهم شهریورماه ۱۳۱۳ دفتر آن دیوان محترم منضم نسخه ثانیه
عرض حال استخدای آقای میرزا جواد خان روشن ضمیر بوکالت از طرف آقای حاج محمد حسن خان صدری -
(۷۷ تقاعد) دایر پانک موکل مشارالیه با استناد سند خدمت نمره ۲۶۳۷۸ مورخه سوم شهریورماه ۱۳۰۸ خود را
منتظر خدمت کشوری و مشمول مقررات قانون استخدام دانسته در ۱۷ شهریور واصل جوابان تصدیح میدهد:
مطابق نعره خدمتی که ظهر آنرا آقای صدری امضا نموده اند و سواد صدق آن بضمیمه ارسال میشود
خدمات ایشان قبل از اجرای قانون استخدام بالاخص آخرین خدمت ایشان (ریاست فوج فریدن و چهارمحال)
خدمت لشکری بوده و اصولاً مستخدمین لشکری مشمول هیچیک از مقررات قانون استخدام نمیشوند و از تاریخ
اجرای قانون استخدام هم مصدر خدمتی واقع نشده اند و در نتیجه نمیتوانند از صندوق تقاعد که بمستخدمین
کشوری اختصاص دارد استفاده نمایند.

برقراری حقوق تقاعد درباره ایشان بشرح مرقومه نمره ۹۲۹۱ - ۲۸ بهمن ۱۳۰۸ ریاست محترم وزرا
عظام که سواد آن بضمیمه ارسال میشود مخالف قانون شناخته شده و بدلائل مندرجه در مرقومه مزبوره آقای -

صدری نمیتوانند مستخدم کشوری بوده و از مزایای قانونی این طبقه بهره مند شوند.

از طرف وزیر مالیه



۲۰۳
۱۳۱۵



[آرم شیر و خورشید]

ل-۵۵۱

وزارت مالیه

بتاریخ ۶/۲۸ ماه ۱۳۱۳

اداره تقاعد کشوری

نمره ۲۱۹۸۹ ضمیمه ۳

دایره-----

دیوان عالی تمیز

مراسله نمره ۷۶۴۰ مورخه پانزدهم شهریورماه ۱۳۱۳ دفتر آن دیوان محترم متضمن نسخه ثانی عرض حال استخدامی آقای میرزا جواد خان روشن ضمیر به وکالت از طرف آقای حاج محمدحسن خان صدری (۷۷ تقاعد) دایر به اینکه موکل مشارالیه به استناد سند خدمت نمره ۲۶۳۷۸ مورخه سوم شهریورماه ۱۳۰۸ خود را منتظر خدمت کشوری و مشمول مقررات قانون استخدام دانسته در ۱۷ شهریور واصل جواباً تصدیع می‌دهد:

مطابق تعرفه خدمتی که ظهر آنرا آقای صدری امضاء نموده‌اند و سواد مصدق آن به ضمیمه ارسال می‌شود خدمات ایشان قبل از اجرای قانون استخدام بالاخص آخرین خدمت ایشان (ریاست فوج فریدن و چهارمحال) خدمت لشکری بوده و اصولاً مستخدمین لشکری مشمول هیچ‌یک از مقررات قانون استخدام نمی‌باشند و از تاریخ اجرای قانون استخدام هم مصدر خدمتی واقع نشده‌اند و در نتیجه نمی‌توانند از صندوق تقاعد که به مستخدمین کشوری اختصاص دارد استفاده نمایند.

برقراری حقوق تقاعد درباره ایشان به شرح مرقومه نمره ۹۲۹۱-۲۸ بهمن ۱۳۰۸ ریاست محترم وزراء عظام که سواد آن به ضمیمه ارسال می‌شود مخالف قانون شناخته شده و به دلائل مندرجه در مرقومه مزبوره آقای صدری نمی‌توانند مستخدم کشوری بوده و از مزایای قانونی این طبقه بهره‌مند شوند.

از طرف وزیر مالیه

[امضاء سروری]





سواد ...
مورخه ۹ قوس ۱۳۰۲
نمره ۱۰۷۰۴

هیئت وزراء در جلسه ۲ قوس تند کوزیل ۱۳۰۲ پیشنهاد وزارت مالیه نمره ۲۷۷۳۷ /
۶۶۱۵ را در باب سابقه خدمت وزارت جنگ و ژاندارمری سابق و تنظیمه مطرح مذاکره قرار
داده نظر باینکه برای خدمت بدولت چه در ادارات کشوری و چه در سلك نظام وجه
افتراقی نیافته و خدمت را در هر اداره مساوی و یکسان می بینند ماده واحده ذیل را
تصویب مینمایند .

ماده واحده - سابقه خدمت هر يك از صاحب منصبان نظامی که بطایب خاطر یا بقتضای
باداشتن اجازه و تصدیق از وزارت جنگ از خدمت نظام خارج و داخل خدمات کشوری شده
یا می شوند همچنین سابقه خدمت در امنیه و تنظیمه جزو خدمات کشوری محسوبست . امضا
رضا - ذکا الملك - محسن سلیمان - محمود مدیر الملك - عزالملك خدایار -
قاسم صوراسرافیل .

سواد مطابق با اصل است .



سواد تصویب‌نامه

مورخه ۹ قوس ۱۳۰۲

[نشان شیر و خورشید]

نمره ۱۰۷۰۶

ریاست وزراء

هیئت وزراء در جلسه ۲ قوس تنکوزئیل ۱۳۰۲ پیشنهاد وزارت مالیه نمره ۶۶۱۵/۲۷۷۳۷ را در باب سابقه خدمت وزارت جنگ و ژاندارمری سابق و نظمیه مطرح مذاکره قرار داده نظر به اینکه برای خدمت بدولت چه در ادارات کشوری و چه در سلک نظام وجه افتراقی نیافته و خدمت را در هر اداره متساوی و یکسان می‌بینند ماده واحده ذیل را تصویب می‌نمایند.

ماده واحده- سابقه خدمت هریک از صاحب‌منصبان نظامی که به طیب خاطر یا به مقتضیاتی با داشتن اجازه و تصدیق از وزارت جنگ از خدمت نظام خارج و داخل خدمات کشوری شده یا می‌شوند و همچنین سابقه خدمت در امنیه و نظمیه جزو خدمات کشوری محسوبست. امضاء

رضا- ذکاءالملک- محسن سلیمان- محمود مدیرالملک- عزالمالک- خدایار- قاسم

صوراسرافیل.

سواد مطابق اصل است

[امضاء]

[مهر]





درارت صید بایه

پیشاد نمره ۵۶ ۸۹ ۴ نفیقه و بیه خدمت قاضی حضان صدر (احمد المظنه باین) دایره برقرار ایام بصدقه خدمت دهگان حوزان
حقوق قاعده دربار شاه را به لحاظ و با سراج به بقره و مدارک خدمت او معلوم شد که او بخدمت شاه را به بابت درج حوزان
و چه حاصل بوده که در تاریخ ۲۳ سرطان ۱۲۹۸ شمسی فائده یافته و از آن تاریخ بجهت بصدقه خدمت شاه و نه قبل از اجرای قانون
انکدام کشوری حکم انتظام خدمت او در وزارت صید داده و باره او صادر کرده که او در درجه و بابت خدمت او در وزارت صید
مستقر گردد.

بنابر این موجب داده شد که در تصویب نامه ۳۱۵۵ سرخه ۹ مرداد ۱۳۰۲ قاضی صید را بخدمت شاه را بابت دهگان
شماره ۵۶ ۸۹ ۴ نفیقه و بیه خدمت قاضی حضان صدر (احمد المظنه باین) دایره برقرار ایام بصدقه خدمت دهگان حوزان
که صلاحیت ارتباط قاضی را با آن بر طبق موازین تصویب نامه مزبور بصدیق کرد و در ارت حاکم می باشد.
بعده پیچ گشته در درجه ۴ بیه خدمت شاه را به لحاظ خدمت که تقبیل نهاد تصویب نامه نمره (۱۰۷۰۶) سرخه ۹ فروردین ۱۳۰۲
در باره او معلوم سازد - نظر باین سادات معلوم شد که صدور خدمت کشی برای شاه را به و تقاضای برقراری بیه چنین حقوق
تقاضای از خدمت شاه را به بصدیق کرد و باره او بصدیق با کدام قانون و سادات هم تصویب - کرد و بیه امر که مشهور
پیشاد داشت در این است محمداً اعاده شد - بصدیق در ارت حاکم می باشد.

سرور وزارت صید
۲۸ فروردین ۱۳۰۲



اداره تقاعد کشوری

ل-۵۵۲

[نشان شیر و خورشید]

(وزارت مالیه)

سواد مرقومه نمرة ۹۲۹۱ مورخه ۲۸ بهمن ۱۳۰۸ وزارت / اداره-
ریاست محترم وزراء عظام که اصل آن به نمرة ثبت شد
وزارت جلیله مالیه

پیشنهاد نمرة ۴۸۹۵۶ به ضمیمه دوسیه خدمت آقای محمدحسن خان صدری
(اجلال السلطنه سابق) دائر به برقراری ماهی یکصد و شصت و نه تومان دو قران حقوق تقاعد
درباره مشارالیه ملاحظه و با مراجعه به تعرفه و مدارک خدمت او معلوم شد که آخرین خدمت
مشارالیه ریاست فوج فریدن و چهارمحال بوده که در تاریخ ۲۲ سرطان ۱۲۹۸ شمسی خاتمه
یافته و از آن تاریخ به بعد نه مصدر خدمتی شده و نه قبل از اجرای قانون استخدام کشوری
حکم انتظار خدمتی از وزارت جلیله داخله درباره او صادر گردیده که او را در ردیف منتظرین
خدمت آن وزارتخانه به توان [ناخوانا] فرض کرد.

بنابراین به موجب ماده ۱ از تصویب نامه نمرة ۴۴۸۵ مورخه ۹ مهرماه ۱۳۰۲ آقای صدری
را منتظر خدمت وزارتخانه می توان شناخت که اخیراً جزو مستخدمین آنجا بوده و مدت
خدمتش در آن وزارتخانه معادل ربع مجموع خدمات دولتی او بوده است و وزارتخانه که
صلاحیت ارتباط آقای صدری را با آن بر طبق موازین تصویب نامه مزبور می توان تصدیق کرد
وزارت جنگ می باشد.

به علاوه هیچ گونه مدرکی در جزو دوسیه خدمت مشارالیه ملاحظه نشد که تطبیق مفاد
تصویب نامه نمرة (۱۰۷۰۶) مورخه ۹ قوس ۱۳۰۲ را درباره او ممکن سازد- نظر به این مقدمات
معلوم نشد که صدور سند خدمت کشوری برای مشارالیه و تقاضای برقراری یک چنین حقوق
تقاعد گزافی از صندوق تقاعد مستخدمین کشوری درباره او منطبق با کدام قانون و مقررات
دولتی است- لذا دوسیه امر که مشتمل بر پنجاه و هشت ورق است ممهوراً اعاده شد- محل
امضاء مهدی قلی هدایت
سواد مطابق اصل است

مهر ریاست وزرا

[امضاء] [مهر اداره تقاعد کشوری]



منابع

- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ*. به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جابری‌انصاری، محمد حسن (بی‌تا). *تاریخ اصفهان و ری*. [بی‌جا].
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). *القاب قاجاریه*. تهران: نشر نی.
- شیبانی، میرزا ابراهیم (صدیق‌الممالک) (۱۳۶۶). *منتخب‌التواریخ*. تهران: انتشارات علمی.
- مصوبات مجلس، دوره ۱، ج ۱.
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
- نراقی، حسن (۱۳۴۵). *تاریخ اجتماعی کاشان*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- نراقی، حسن (۱۳۶۴). *کاشان در جنبش مشروطه ایران*. تهران: انتشارات ایران.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۵۶). *فتح تهران*. تهران: بابک.





گزارش همایش نکوداشت نود و ششمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان با عنوان «میرزا کوچک خان در آینه اسناد ملی ایران»

پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به مناسبت نکوداشت نود و ششمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان، همایش یک‌روزه با عنوان «میرزا کوچک خان در آینه اسناد ملی ایران» را با مشارکت و مرکز بازشناسی نهضت جنگل و بنیاد شهید انقلاب اسلامی رأس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۹۶/۹/۱۳ در سالن دکتر پرهام ساختمان سازمان اسناد ملی برگزار کرد.



در ابتدا دکتر کنارودی دبیر علمی همایش از روند شکل‌گیری این همایش، از ابتدا تا زمان برگزاری و دعوت از اساتید و پژوهشگران برای شرکت در همایش و ارائه مقالات و برنامه‌ریزی و برگزاری سه جلسه پیش از همایش گزارشی ارائه کردند. آنگاه جناب آقای عزیزی دبیر اجرایی همایش به شرکت‌کنندگان و مدعوین خیرمقدم گفته و از روند برنامه‌ریزی همایش و همکاری‌هایی که در برگزاری نمایشگاه اسناد در این همایش تلاش کردند، تشکر نمودند. سپس آقای اصغر نیا رئیس مرکز بازشناسی نهضت جنگل از نحوه همکاری این مرکز در برگزاری همایش و همچنین برگزاری چندین همایش در سال‌های پیش از این به مناسبت درگذشت میرزا کوچک‌خان اشاره کردند. بعد از آن، چند تن از پژوهشگران تاریخ معاصر و نهضت جنگل تازه‌ترین پژوهش‌های خود را با تمرکز بر اسناد سازمان اسناد ملی و دیگر مراکز اسنادی ارائه دادند.



سخنران نخست این همایش سیدعلی کسایی از اعضای هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی بود که مقاله خود را با عنوان «مقدمه‌ای بر شناخت منابع موجود درباره میرزا کوچک‌خان در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» ارائه داد. وی با معرفی آثار موجود در سازمان مزبور، آن‌ها را به منابع تاریخی مکتوب، منابع دیداری-شنیداری، اسناد، پایان‌نامه‌ها و مقالات تقسیم کرده و به علت عدم دسترسی به برخی از این آثار اشاره کردند. از جمله مواردی که مورد توجه و نقد ایشان قرار گرفت، نحوه واژه‌گزینی و استفاده از کلمات مرکب برای معرفی اشخاص بود. از نظر کسائی قرارنگرفتن اسامی رجال و واژه‌ها در داخل گیومه یکی از موارد

عدم دسترسی صحیح اسناد و مدارک از سوی جست‌وجوگران این سازمان است.

سخنران دوم دکتر عباس پناهی عضو هیئت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی بود. عنوان سخنرانی او «تأثیر منابع تاریخی نهضت جنگل بر تاریخ‌نگاری توده‌ای ایران» بود. دکتر پناهی در واقع به مآخذشناسی توصیفی نهضت جنگل و مقایسه برخی از آثار نوشته‌شده دربارهٔ نهضت جنگل و شخص میرزا کوچک‌خان و تأثیر آن آثار در تاریخ‌نگاری دوران بعد از نهضت جنگل پرداختند. وی منابع تاریخی مربوط به نهضت جنگل را به شش قسم مآخذ و کتاب‌های اصلی جنبش جنگل که توسط نزدیکان، کوشندگان و شاهدان عینی جنبش اعم از موافقان و مخالفان نگارش شده، تقسیم کردند. دسته دیگر خاطرات کارگزاران دولت‌های روسیه و انگلیس و حتی برخی از فعالان جنبش که در اصل اروپایی بودند و جذب نهضت جنگل شده بودند. دسته سوم اسناد و مکاتبات سیاسی گزارش‌های سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها است. دسته چهارم تحقیقات جدید داخلی و خارجی است و دسته پنجم آثار هنری نزدیک به دوره موردنظر که در دفاع و یا تکذیب نهضت جنگل شکل گرفته و دسته ششم روزنامه‌ها و مآخذ مطبوعاتی است که علیه نهضت جنگل و یا در دفاع از آن به نگارش درآمده است.

سخنران بعدی این همایش دکتر مجید تفرشی سندپژوه و پژوهشگر مستقل در لندن بود. موضوع سخنرانی وی «تئودور روتشتین سفیر مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران و جنبش جنگل» بود. دکتر تفرشی با معرفی پیشینه و سرگذشت روتشتین و فعالیت‌های سیاسی و روزنامه‌نگاری ایشان در لندن و همکاری با سوسیالیست‌های مخالف حکومت تزاری و نزدیکی او به دستگاه دیپلماسی بریتانیا و همچنین دولت تازه‌تأسیس اتحاد شوروی اشاره کردند. ایشان در بخشی از سخنان خود علت انتخاب روتشتین را به واسطه آشنایی با دولتمردان بریتانیایی و سیاست‌های دولت انقلابی شوروی و وصل کردن سه ضلع مهم در سیاست آن روز ایران یعنی شوروی، بریتانیا و دولت مرکزی ایران دانستند. روتشتین که مرد آگاه به مسائل خاورمیانه و ایران بود پس از مدت کوتاهی که تلاش او برای نزدیک کردن میرزا کوچک‌خان و نهضت او به دولت شوروی بی‌ثمر شد، به نزدیک کردن دولت مرکزی با شوروی و از طرف دیگر بریتانیای کبیر دست زد. روتشتین پس از بازنشستگی با احترام در مسکو زندگی کرد. در بریتانیا نیز او و خانواده‌اش علی‌رغم سوسیالیست و روسی بودن همواره مورد احترام دولتمردان و سیاستمداران بودند.

سخنران دیگر این همایش مصطفی نوری پژوهشگر پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بود که با موضوع «جنبش جنگل و ارتباط آن با حرکت‌های مشروطه‌خواهی و ضد رژیم قاجاری در مازندران و گرگان» به بیان دیدگاه‌های خود پرداخت. وی در ابتدا به مخالفت سردار مؤید سوادکوهی و فرزندان ایشان با حکومت وقت قاجار و ارتباط گرفتن



آنان با دیگر مشروطه‌خواهان در قضایای بندر گز و مقابله با نیروهای محمدعلی‌شاه اشاره کرد و آنگاه به بیان نحوه ارتباط نیروهای جنگل و مخصوصاً سعدالله‌خان درویش با برادران سوادکوهی پرداخت. در پایان نیز به علت مخالفت و جدایی این نیروها در مازندران اشاره کردند.

سخنران دیگر همایش نکوداشت میرزا کوچک‌خان، دکتر قربانعلی کنارودی عضو هیئت‌علمی پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بود. موضوع سخنرانی او «بررسی جامعه‌شناختی نهضت جنگل بر مبنای نظریه تغییرات اجتماعی» بود. وی با بیان این نکته که نظریات جامعه‌شناسی درباره تغییرات و جنبش‌ها می‌تواند در شناخت بهتر نهضت جنگل به پژوهشگران کمک کند، به روند شکل‌گیری و ادامه نهضت جنگل با توجه به ایدئولوژی متکی بر اتحاد اسلامی و ایرانیت پرداخت. بخش دیگری از سخنان دکتر کنارودی به نحوه تغییرات و تحولات در درون نهضت جنگل و علت کاهش هیجانات انقلابی و رواج افراطی‌گری و ضدیت با رهبران اصلی حرکت و نهضت و به‌وجود آمدن ضد حرکت و جنبش در درون نهضت جنگل و عدم همراهی و هم‌آوازی کنش‌گران اولیه نهضت اختصاص داشت. اختلاف در بین نیروهای جنگل موجب سستی و ضعف و افول نهضت جنگل و تسلیم برخی از یاران میرزا و فرار برخی دیگر از همراهان او به شوروی شد و در نهایت شهادت میرزا انجامید. سخنران پایانی همایش دکتر ناصر عظیمی دوبخسری عضو هیئت‌علمی دانشگاه گیلان و صاحب کتاب «تاریخ اجتماعی و اقتصادی گیلان از صفویه تا پایان قاجاریه» بود. موضوع سخنرانی وی «میرزا کوچک‌خان پیش از جنبش جنگل» بود. دکتر عظیمی در یک سیر تاریخی به نشو و نما می‌رساند که میرزا در مدارس رشت به‌عنوان تنها اطلاعات تاریخی قبل از مشروطه اشاره کرد. آنگاه به نحوه ورود میرزا به حرکت مشروطه‌خواهی و رفتن به همراه دیگر هم‌فکران و مشروطه‌خواهان به تهران و جریان فتح تهران اشاره داشت. سپس در بخش دیگری از سخنان خود به ماجرای خلع محمدعلی‌شاه و اخراج او به روسیه تزاری و به‌دنبال آن کودتای محمدعلی‌شاه و ورود او به ترکمن‌صحرا و درگیری مجاهدان تهران و مازندران و گیلان اشاره کرده و مجروح‌شدن و انتقال میرزا به باکو و تفلیس را بخش دیگری از سرگذشت سیاسی میرزا دانست. دکتر عظیمی در بخش دیگری از سخنان خود اشاره کرد که پس از آشنایی میرزا با اتحاد اسلام، وی به رشت آمده و ابتدا به‌صورت پنهانی و با گرفتن اجازه ورود از کنسول روسیه در رشت فعالیت خود را در غالب اتحاد اسلام آغاز و بلافاصله به همراه شش نفر از یاران خود به تولم رفته و با ارسال بیانیه‌ای به رشت و انتشار آن در بین مردم نهضت خود را اعلام کرد.



در بخش اختتامیه همایش آقای محمدحسن اصغرنیا مسئول مرکز بازشناسی نهضت جنگل به نمایندگی از برگزارکنندگان همایش از دست‌اندرکاران برگزاری همایش عوامل و نیروهای پژوهشکده اسناد و سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مرکز بازشناسی نهضت جنگل و بنیاد شهید انقلاب اسلامی تقدیر و تشکر به‌عمل آوردند. این همایش در ساعت ۱۵ به پایان رسید.

در این همایش بیش از ۵۰ سند موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران دربارهٔ میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل در قالب یک نمایشگاه در معرض دید شرکت‌کنندگان قرار گرفت.



تحلیلی جامعه‌شناختی بر نهضت جنگل بر مبنای نظریات تغییرات اجتماعی

دکتر قربانعلی کناررودی

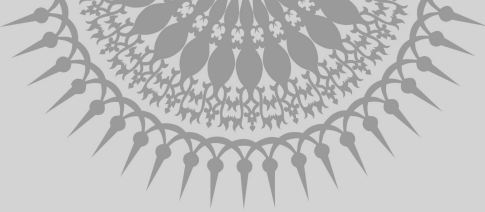
چکیده:

تاریخ معاصر ایران شاهد تحولات و جنبش‌های متعدد اجتماعی علیه دولت مرکزی و نیروهای استعمارگر و مداخله‌گر خارجی بوده است. یکی از این جنبش‌های انقلابی و اجتماعی که مبارزات خود را با استبداد داخلی و استعمار خارجی در سال ۱۲۹۴ش. شروع کرد و به مدت هفت سال ادامه داد، نهضت جنگل بود. هدف این مقاله نه پرداختن به ادبیات است و نه بررسی فلسفه نهضت، بلکه هدف مطالعه و شناخت نهضت جنگل به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در تاریخ معاصر ایران است. تحلیل شواهد تاریخی بر مبنای نظریه تغییرات اجتماعی نشان داد که جنبش جنگل تحت تأثیر نهضت مشروطه‌خواهی ایرانیان و تفکر اتحاد اسلام حرکت خود را آغاز کرده و در دوره میانی نهضت، خواهان ایجاد نظام جمهوری شورایی در ایران شد و با از دست دادن نیروهای وفادار و روبه‌رو شدن با نیروهای مخالف خود و همچنین افراطی‌گری برخی همراهان و کاهش اتحاد و هیجان جمعی به پایان راه خود رسید.

روش به‌کار گرفته شده در این مقاله روش تاریخی است. در ابتدا اطلاعات تاریخی لازم درباره نهضت جنگل و رهبری و نیروهای نزدیک به رهبری و فضای اجتماعی حاکم بر آن جمع‌آوری و سپس داده‌های مناسب از منابع به‌صورت فیش‌های موضوعی استخراج و سازماندهی و منظم شده و در انتها فرضیه مطرح‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

گیلان، نهضت جنگل، جنبش‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی، اتحاد اسلام، قاجار.



تحلیلی جامعه‌شناختی بر نهضت جنگل بر مبنای نظریات تغییرات اجتماعی

دکتر قربانعلی کنارودی^۱

مقدمه:

در ایران معاصر هم‌زمان با تاریخ جهانی شاهد شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌های متعددی هستیم. برخی از جنبش‌ها مانند زنجیره به هم پیوسته می‌مانند که اهدافی مشترک را دنبال می‌کنند. هم‌زمان حرکت‌ها و جنبش‌های کوچک‌تر و با خصلت‌های محلی و منطقه‌ای نیز پیدا می‌شوند. یکی از این جنبش‌ها، جنبش‌های اجتماعی-محلی نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان در گیلان بوده است. این نهضت پس از ۹ سال از وقوع مشروطه آغاز شد و به مدت ۷ سال از سال ۱۲۹۴ / ۱۹۱۶ تا ۱۳۰۰ / ۱۹۲۲ در جنگل‌های گیلان ادامه یافت ولی علی‌رغم تلاش‌ها و کوشش‌های فراوان بدون دستیابی به اهداف مهم خود شکست خورد.

میرزا کوچک‌خان در نامه خود به لنین در سال ۱۲۹۹ نهضت خود را در ادامه حرکت مشروطه‌خواهی ملت ایران دانسته و با عنوان انقلاب ۱۴ ساله ملت ایران از آن یاد می‌کند (فخرایی، ۱۳۶۲، ص ۲۸۲). گیلان در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت و با توجه به ترکیب اجتماعی رهبری مشروطه، طیف‌هایی از مستبدان سابق و مالکان و خوانین که برای حفظ منافع خود تلاش می‌کردند و برخی از طبقات و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی شهرهای گیلان و گروه‌های مردم محروم و ستم‌کش که به دنبال استقرار مشروطه و مجلس شورای ملی و فرار از ظلم و ستم اقتصادی و سیاسی بودند، تشکیل شد (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰)؛ اما بعد از استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس شورای ملی تغییری در وضعیت مردم پیش نیامد. رابطه

۱. استادیار، عضو هیئت‌علمی
پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛
gh.k.edu@gmail.com



دولت و حکام محلی و خوانین و اربابان به مانند سابق ادامه یافت و فقر و فقدان امنیت اجتماعی در زندگی دهقانان گیلانی ترمیم نشد (فخرایی، ۱۳۶۲، ص ۲۹). دهقانان در بسیاری از دهات گیلان به سبب نرخ ظالمانه بهره در زیر فشار سنگین وام از مالکان به وضعیت وخیمی رسیده بودند و به ناچار زمین و خانه خود را ترک می کردند (رابینو، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

در چنین شرایطی بود که میرزا کوچک خان در تهران با جمعیت اتحاد اسلام آشنا شد و به عضویت آن درآمد. پس از اندکی هیئت اتحاد اسلام در رشت تشکیل شد و بنیاد حرکت نهضت جنگل را بنا نهاد. می توان گفت نهضت میرزا در قالب اتحاد اسلام گیلان آغاز شد. اما پس از مدتی میرزا به همراه شش نفر از هم فکران خود از جمله دکتر حشمت از رشت خارج شده و در تولم در نزدیکی صومعه سرا رسماً ایجاد حکومتی بر مبنای اتحاد اسلامی و مبارزه با حکومت مرکزی، حکومت استعماری انگلیس و روسیه را اعلام کرد. نهضت جنگل پس از هفت سال تلاش در نهایت به دلیل اختلاف میان رهبران جنبش و تفرقه و جدایی آنان، پیوستن به روسیه و قوای قزاق تحت امر حکومت مرکزی، شکست خورد.

این مقاله به دنبال آن است تا از دریچه نظریات اجتماعی به خصوص از منظر تغییر اجتماعی، شناختی بهتر و دقیق تر از ابعاد مختلف نهضت جنگل ارائه دهد و دلایل شکل گیری، فرایندهای طی شده در آن و فروپاشی و مهم تر از آن بافت اجتماعی ایران در سال های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ را معلوم سازد و به این سؤال که نهضت جنگل طی هفت سال فعالیت از شکل گیری تا افول خود چه تغییراتی را پشت سر گذاشت پاسخی مناسب و درخور بدهد. فرض ما این است که نهضت جنگل بر مبنای ایدئولوژی اتحاد اسلام شکل گرفت و در ادامه حرکت خود به اصالت دینی و ملی میهنی روی آورد و در مقطعی از تفکر بلشویکی استفاده کرد. به همراه آن ترکیب ناموزون و ناهمگون اجتماعی در درون نهضت موجب تضاد در منافع و در نهایت تضعیف و شکست نهضت شد.

نظریات تغییر اجتماعی

بدون تردید یکی از واقعیتهای و خصوصیات مسلم اجتماعی، تغییر اجتماعی است. از تغییر اجتماعی تعاریف گوناگونی از سوی نظریه پردازان ارائه شده است که در زیر به چند نمونه اشاره می شود.

استفان واگو تغییر اجتماعی را فرایندی از جایگزینی کمی و کیفی پدیده های اجتماعی می داند که ممکن است با برنامه یا بی برنامه باشد. از نظر او هر تغییر اجتماعی مشتمل بر چهار وجه هویت تغییر، سطح تغییر، دوره زمانی تغییر و جهت تغییر است (واگو، ۱۳۷۳، ص ۱۳). از نظر گی روشه، تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان



به صورتی که موقتی یا کم دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثرگذار و جریان تاریخ آن را دگرگون کند. از منظر او باید میان تغییر و تحول تفاوت قائل شد. تحول اجتماعی مجموعه‌ای از تغییرات در طی چندین نسل است ولی تغییر اجتماعی تغییر در یک نسل یا یک دوره کوتاه مدت است و نیز در محیط جغرافیایی و اجتماعی محدود رخ می‌دهد (روشه، ۱۳۷۰، ص ۲۶).

تعریف جورج ریتزر از تغییر اجتماعی تنوع و دگرگونی در روابط اجتماعی میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، فرهنگ و جامعه است (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۵). کینزبرگ تغییر اجتماعی را به معنای تغییر در ساختار اجتماعی، در اندازه جامعه، در ترکیب یا تعادل اجزای آن و یا در نوع سازمان‌های آن می‌داند (Ginsberg, 1958, p.205).

ایدئولوژی نهضت جنگل

امروزه دیگر انقلاب‌ها و نهضت‌ها به صورت صد درصد ابدایی وجود ندارد زیرا نمی‌توان از انتقال تجارب و دستاوردها از انقلابی به انقلاب دیگر ممانعت به عمل آورد. از سوی دیگر، هر تحولی در ارتباط با تجارب و شرایط جدید متفاوت و متحول می‌شود. در واقع هیچ سنتی تثبیت شده و بدون تغییر نبوده و نیست. یکی از نکاتی را که می‌تواند در شناخت ایدئولوژی نهضت جنگل کمک کند، وابستگی آن به جمعیت اتحاد اسلام است. هیچ سخنی صریح‌تر و روشن‌تر از مرام‌نامه نهضت جنگل نمی‌تواند در این باره گویا باشد.

ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم و به این جمعیت مقدس منتسبیم ولی باید دانست که طرفدار اتحاد اسلامیم به نام ساده (انما المومنون اخوه) یعنی می‌گوییم در این موقع که تشتت کلمه و اختلاف اسلامیان، مسلمانان را به دست دشمن عمومی، ذلیل و زبون کرده نباید مسلمانان برادرکشی کنند و به نام شیعه و سنی و سایر عناوین مذهبی به جان هم افتاده و مجال استفاده به دشمن عمومی بدهند ... و به حکم اینکه ما ایرانی هستیم و مسئول و وظیفه دار حفظ این آب و خاک ایران و وطن مقدس ایرانیان در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت به انجام وظایف ایرانیان البته برادران اسلامی مادامی که به وظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهند بود و از استقلال ممالک اسلامی خرسند و از تزلزل استقلال خانه‌های مسلمین متأثر می‌شویم (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره ۲۸، ص ۲-۳).

نکته دیگری که اعلام مواضع مندرج در روزنامه جنگل به چشم می‌خورد تکیه رهبران نهضت جنگل به وظایف ایرانیان است. دیگر اینکه هیئت اتحاد اسلام در گیلان و به طور کلی نهضت جنگل، پیرو سیاست‌های خاص دولت عثمانی که می‌کوشید تحت عنوان حمایت از



جنبش اتحاد اسلام در میان توده‌های مسلمان به مقاصد سیاسی و نظامی خود دست یابد، نخواهد شد و اسلامی‌بودن نهضت جنگل را از ایرانی‌بودن رهبران و یاران این نهضت نمی‌توان جدا کرد (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

برنامه آغازین اتحاد اسلام حاکی از آن است که هدف‌های اعلام‌شده، صرف‌نظر از هدف اخراج نیروهای بیگانه، بسیار عام و کلی بود. رفع بی‌عدالتی و مبارزه با خودکامگی و استبداد از آن جمله است درحالی‌که بعضی از سازمان‌دهندگان اتحاد اسلام از صیانت تاج و تخت سلطنت و اطاعت از شهریار تاجدار سخن می‌گفتند، نهضت جنگل از جمهوری سخن به میان می‌آورد (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک‌خان، با وجودی که از قوای عثمانی که طرفداری از اتحاد اسلام می‌کردند و آلمانی‌ها که بر ضد روسیه و انگلیس به تشویق و تحریک قوای ایرانی می‌پرداختند، استفاده نظامی می‌کرد، ایرانیت و اسلامیت خود را از دست نداده و همواره بیگانه را بیگانه می‌دانسته است. هر که بوده باشد. چنان‌که روس‌ها مکرر می‌خواستند او را تطمیع کرده و به دام خود بکشند اما او فریب آن‌ها را نخورد. عده زیادی از وطن‌خواهان هم که عاشق دیدار یک قوه ایرانی خالص بودند از تشکیل نهضت جنگل دلخوش و به آنجا متوجه بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۳۱، ص ۹۳-۹۴).

طرد وضعیت حاضر

یکی از صفات ممیزه هر تحول اجتماعی این است که موجودیت رژیم خاصی را به‌شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را غیرقابل‌قبول و غیرقابل‌تحمل و محکوم می‌کند. بنابراین ایدئولوژی، جنبش‌ها در جهت طرد و نفی کامل وضعیت موجود همواره از آینده‌ای سخن به میان می‌آورند که کاملاً با وضعیت حال متفاوت است. معمولاً آنچه را که برای آینده پیشنهاد می‌شود، کم‌وبیش روشن و مشخص است و برگرفته از همان اصول اساسی انسانی است. عناوینی چون آزادی انسان، برابری کامل و حقیقی، رفاه جمعی، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدل و برادری، تعاون و همبستگی و امثال آن.

هیچ سندی بهتر از مرام‌نامه نهضت جنگل معرف طرز تفکر و آرمان‌های رهبران آن که در راه استقلال و آزادی توده‌های محروم جامعه ایرانی فداکاری کرده‌اند، نیست. در این مرام‌نامه آمده است:

آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش (زارع، کاسب، کارگر) ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقیقی و تساوی افراد انسانی بدون فرق نژاد و مذهب در اصول زندگانی و حاکمیت اکثریت به‌واسطه منتخبین ملت. در ماده اول این مرام‌نامه صراحتاً آمده است که:

- ۱- حکومت عامه و قوای عالیّه در دست نمایندگان ملت جمع خواهد شد.
- ۲- قوای مجریه در مقابل منتخبین مسئول بوده و تعیین آن‌ها از مختصات نمایندگان متناوب ملت می‌باشد.
- ۳- کلیه افراد بدون فرق نژاد و مذهب از حقوق مدنیّه به‌طور تساوی بهره‌مند خواهند بود.
- ۴- آزادی تامه افراد انسان در استفاده کامل از قوای طبیعی خود.
- ۵- الغای کلیه شئون و امتیازات (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۵۲۷).

در بیانیه چهاردهم خرداد ۱۳۹۹ ه.ش. میرزا کوچک‌خان تحت‌عنوان اعلام جمهوری صراحتاً به طرد حکومت قاجار اشاره می‌کند:

مطابق این بیانیه عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را متوجه می‌سازد که جمعیت انقلاب سرخ ایران نظریاتش را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن به وجه ملزومی وفادار خواهد بود به اطلاع عموم می‌رساند. ۱- جمعیت انقلاب سرخ ایران اصول سلطنت را ملغی کرده جمهوریت شورایی را رسماً اعلام می‌کند. ۲- حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را به عهده می‌گیرد. ۳- هر نوع معاهده و قراردادی که به‌ضرر ایران قدیم و جدیداً با هر دولتی شده لغو و باطل می‌شناسد. ۴- حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته تساوی حقوق درباره آنان قایل و حفظ شعائر اسلامی را از فرائض می‌داند (رئیس‌نیا، ۱۳۶۰، ص ۲۳۶).

اصل عمومیت یا تمامیت

اصل عمومیت یا تمامیت در تمامی جنبش‌های اجتماعی به نوعی مصداق پیدا می‌کند و به چند صورت دیده می‌شود. اول آنکه ایدئولوژی انقلابی به اصولی متوسل می‌شود که دارای ارزش جهانی بوده و قابل قبول تمام انسان‌ها در تمام جوامع و ازمینه می‌باشد. این اصول از نقطه نظر عمومی و جهانی چنان بالارزش است که به عنوان اصول بدیهی به سرعت مقبولیت عام پیدا می‌کند. مانند حق آزادی و خوشبختی برای هر فرد. دوم آنکه سنت ایدئولوژی انقلابی عمده‌تاً مبتنی بر تجسم و معرفی انسانی است که تمام ابعاد وجودش در جامعه کنونی خرد و مرعوب شده است و لذا ایدئولوژی انقلابی قصد نجات او را دارد. سوم آنکه برای نجات انسان نیازمند تجدید بنا یا بازسازی کل جامعه بر اساس معیارهای نو می‌باشد.

برای پی‌بردن به وجود اصل عمومیت اقتضا می‌کند به مرام‌نامه نهضت در ماده دوم تا هشتم مراجعه شود.

ماده دوم: حقوق مدنیّه

- ۱- مصونیت شخصی و مسکن از هر نوع تعرض و حریت اقامت. ۲- آزادی فکر عقیده،



اجتماعات، مطبوعات، کار، کلام، تحصیل. ۳- تساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی. ماده سوم ۱- انتخابات باید عمومی و متناسب و مساوی و مستقیم باشد. ۲- هر یک از افراد ۱۸ ساله حق انتخاب کردن و ۲۴ ساله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا هستند. ماده چهارم: اقتصاد

۱- منابع ثروت از قبیل خالصه‌جات، رودخانه، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، معادن، طرق و شوارع و کارخانجات جزو علاقه عمومی است. ۲- مالکیت ارضی با ملاحظه تأمین معیشت عمومی تا حدی تصدیق می‌شود که حاصل آن عاید تولیدکننده شود. ۳- ممنوع بودن انحصار و احتکار ارزاق و سرمایه. ۴- تبدیل مالیات‌های غیرمستقیم به مستقیم تدریجاً. ماده پنجم: معارف، روحانیت، اوقاف

۱- تعلیمات ابتدایی برای کلیه اطفال مجانی و اجباری است. ۲- تحصیلات متوسط و عالیّه برای اطفالی که استعداد داشته باشند مجانی و حتمی است. تبصره: محصلین در انتخاب هر فنی از فنون آزادند. ۳- انفکاک روحانیت از امور سیاست و معاشی. ۴- دیانیت چون از عواطف قلبیه است باید مصون از تعرض باشد. ۵- ضبط و اداره کل اوقاف در دست عامه و تخصیص عواید آنها به مصارف عمومی و امور خیریه و صحیه و تأسیس کتابخانه‌های عمومی. ماده ششم: قضاوت

۱- قضاوت باید سریع، ساده و مجانی باشد. ۲- تبدیل تنبیهات به اصول تکذیری. ۳- حبس مقصرین به اعمال شاقه باید به مدرسه و دارالتربیه اخلاقی تبدیل شود. ماده هفتم: دفاع

۱- ورزش و مشق نظامی برای مدارس ابتدایی و متوسطه اجباری است. ۲- برای تحصیل فنون نظام مدارس عالیّه تأسیس خواهد شد. ۳- در مقابل تهاجمات ضد اصول اجتماعی و تجاوزات کشور ستانی دفاع از وظایف عمومی و اجباری است. ماده هشتم: کار

۱- ممنوع بودن کار و مزدوری برای اطفالی که سنشان به چهارده سال نرسیده. ۲- برانداختن اصول بیکاری و مفتخواری به وسیله ایجاد مؤسسات و تشکیلاتی که تولید کار و شغل می‌نماید. ۳- ایجاد و تکثیر کارخانجات با رعایت حفظ و صحه کارگران. ۴- تحدید ساعات کار در شبانه‌روز منتهی به هشت سال. استراحت عمومی و اجباری در هفته یک روز (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۵۲۷-۵۲۹؛ فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۵۶-۵۹).

گذشته‌گرایی

معمولاً ایدئولوژی انقلابی گرایش دارد خود را با گذشته‌ای کم‌وبیش اسطوره‌ای و منزّه یعنی



گذشته‌ای که هنوز فساد کنونی در جامعه رواج نیافته بود، پیوند دهد. به عنوان مثال، جامعه قبل از مالکیت خصوصی، قبل از سلب آزادی، قبل از وابستگی، قبل از ماشین و فناوری و ... البته این به معنی برگشت به عقب یا سیر قهقرايي نیست زیرا هدف ایدئولوژی انقلابی همان گونه که پیشتر گفته شد فردایی نو و منزه را در نظر دارد. بنا بر این می‌خواهد به گذشته‌ای دور و آینده‌ای ایده‌آل و کامل‌تر از آنچه که تاکنون بشر به خود دیده است، پیوند دهد.

نهضت جنگل نیز با آرزوی به‌ثمر رساندن امیدها و تصورات مردم محروم ایران از نهضت مشروطه به‌پاخاست و از نظر اجتماعی دنباله آن نهضت به‌شمار می‌رود. گرایش‌های فکری میرزا کوچک‌خان که در طی نهضت جنگل به بلوغ خود رسید از خیلی پیشتر در او پرورده شده بود. او در دوران جوانی در طلب علم، کسوت روحانیت را بر تن کرده و از این‌رو گرایش‌های مذهبی در او تقویت شد. همچنین به‌سرعت سرنوشت خود را با مبارزات اجتماعی ترقی‌خواهانه پیوند زد. او سخت معتقد به انجام فرایض دینی و مؤمن به اصول اخلاقی بوده و در برابر هر بی‌عدالتی قیام می‌کرد و با آغاز نهضت مشروطیت خود را از لحاظ اعتقادی در مدار بالاتری قرار داد (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

نگرش مذهبی میرزا در لابه‌لای نامه‌ها و بیانیه‌های او منعکس شده است. در یکی از نامه‌ها می‌نویسد: «بنده به حول قوه الهی مستغنی از هرگونه کمک و معاضدت بوده هیچ چیز بر عزم آهنین و عقیده متین استوارم رخنه نمی‌کند ...» (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۴۸۹). میرزا در آخرین نامه‌اش به تاریخ ۵ آبان ۱۳۰۰ تقریباً یک‌ماه قبل از شهادتش می‌نویسد: «... ولی اتکاء بنده و همکاران به خداوند دادگری است که در بسیاری از این اتفاقات ما را در پرتو توجهات خود محافظت کرده است. به‌جز از خداوند به هیچکس مستظهر نبوده و امیدوارم که توجهات کامله‌اش شامل حال و یار و معین ما باشد» (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۵۰۴-۵۰۵). میرزا در نامه‌ای به کیکاچنکف، رئیس آتریات تهران - که خواهان تسلیم میرزا شده بود - می‌نویسد:

کابینه حاضر می‌گوید من محض استفاده شخصی باید مملکت را در بازار لندن به ثمن بخش بفروشم. در قانون اسلام مدون است که کفار وقتی که به ممالک اسلامی مسلط شوند مسلمین باید به مدافعه برخیزند. در مقابل جوابی را که موسی (ع) در مقاتله با فرعون و محمد (ص) به ابوجهل و سایر مقنین و قاعدین آزادی و روحانی در محکمه عدل الهی می‌دهند من هم می‌دهم (موسوی، ۱۳۵۸، ص ۲۶).

همچنین آمده است که در گوراب زرمیخ - مرکز تأسیسات نظامی جنگل - جلسات منظمی برای قرائت شاهنامه فردوسی و تهییج روح سلحشوری افراد ترتیب داده شده بود (فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۳۸).



فرایند حرکت های اجتماعی

در بسیاری از موارد حرکت های اجتماعی ناگهان و یکباره عملی نمی شود بلکه برعکس به تدریج و به صورت جریانی متوالی در مقابل حوادث ظاهر شده و گسترش می یابد. غالباً این گونه حرکت های اجتماعی با حوادثی کوچک و حتی بی اهمیت آغاز می شود. رفتارهای اجتماعی از یک سری تصمیمات پی درپی و طولانی و اعمالی که ظاهراً در ابتدا ارتباطی بین آنها وجود ندارد و نیز از انباشت تدریجی عدوات ها ناشی می شود. حوادثی که باعث حرکت آغازین حرکت های اجتماعی می شود و یا به عبارتی دیگر، جرقه انقلاب را ایجاد می کند ممکن است با نتایجی که به بار می آورد، هم سنگ نباشد و یا به عبارتی دیگر، آنچه که در نهایت موجب پیش آمدن حرکت های اجتماعی می شود شرایط و زمینه های انفجارگونه ای است که از مدت ها قبل بر هم انباشته شده است.

میرزا کوچک خان در جریان نهضت مشروطیت ایران، دست از تحصیلات خود کشیده و در تحصن آزادی خواهان رشت در شهرداری عثمانی شرکت داشت و پس از واقعه مدیریه و قتل سردار افخم حاکم رشت به دست مجاهدان به به صف انقلابیون پیوست. سپس در اردوی گیلان به منظور فتح تهران شرکت کرد. او حتی برای مقابله با محمدعلی شاه مخلوع که پس از خلع از سلطنت و فرار به روسیه قصد داشت تا بار دیگر و با حمایت دولت روسیه تزاری به ایران بازگردد، به گمش تپه در ترکمن صحرا رفت و در یکی از جنگ های آنجا سخت مجروح شد و برای درمان به بادکوبه و سپس تفلیس اعزام شد. پس از بازگشت به ایران و در ایام استقرار نظام مشروطه، با دستگاه دولتی و حکام جدید و قدیم که قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست خود گرفته بودند به مخالفت پرداخت. پس از این تلاش ها تصمیم گرفت برای ایجاد مرکزی سیاسی و نظامی و مستقل به شمال ایران برود و در سایه جنگل های انبوه آن سازمان مردمی و انقلابی خود را پی ریزی کند.

جدایی ها و هم آوازی ها

در حرکت های اجتماعی نقطه آغاز زمانی است که شکافی عمیق و غیرقابل ترمیم بین محافظه کاران و کسانی که سعی دارند تغییراتی را به وجود آورند، ایجاد می شود و بدین ترتیب این موضوع آشکار می شود که باید قدرت و رژیم موجود را واژگون کرده و آن را در هم کوبید در چنین حالتی تصویری از رژیم موجود مجسم می شود که در آن کلیه اتهامات و تمام دشمنی هایی که ایجاد کرده است متبلور می شود؛ آنگاه از طریق ادبیات سیاسی و با استفاده از تبلیغات، ترانه ها، کاریکاتورها، رژیم را با کنایه و طنز مورد حمله قرار می دهند. ایجاد جدایی کامل بین قدرت حاکم و جنبش های اجتماعی موجب اتفاق نظر و هم آوازی بین نیروهای



اجتماعی را فراهم آورده و در نتیجه باعث حفظ و افزایش قدرت این نیروها می‌شود. در این زمینه می‌توان به روشنی نشان داد چگونه نهضت جنگل برای آمادگی اذهان عمومی در جهت اجرای برنامه‌های خود ابتدا به بررسی وضعیت افکار عمومی و آماده کردن آنان در جهت الغای سلطنت دست زد. جنگلی‌ها برای تحقق افکار خود مبنی بر فتح تهران پس از خروج کامل قوای روسیه از ایران به آمادگی افکار عمومی پرداختند. آنان در گزارشی اوضاع تهران را مناسب فتح دانسته و در نتیجه مردم را آماده همراهی با خود کردند. در گزارشی از وضع تهران چنین آمده است:

اوضاع تهران به اندازه‌ای بد و خراب است که قلم از نوشتن عاجز است. اغلب دکانین نانوائی بسته، هر روزه عده کثیری از فقراء در گوشه خیابان‌ها و کوچه‌ها از گرسنگی جان می‌دهند. وزراء هم به واسطه همین پریشانی مردم و سختی امر نان تا اندازه‌ای منفور عامه شدند. جمعی را عقیده اینست سبب این سختی سفارت انگلیس و طرفداران او هستند که گندم را به هر قیمتی که بوده خریده و انبار می‌کنند که مردم از زور پریشانی، به سفارت پناهنده شوند. بدون تعارف و ظاهرسازی عرض می‌کنم تمام مردم از هر دسته بلااستثناء و بدون خروج فردی از طبقه زارع و فعله تا اعیان و علماء و اشراف یگانه علاج را به وجود جنگلی‌ها می‌دانند. حتی احزاب سیاسی هم عاجز از هر گونه اقدامات هستند. چاره به جز تهیه مقدمات برای ورود جنگلی‌ها نمی‌دانند (کشاورز، ۱۳۷۱، ص ۵۶-۵۸).

در مورد الغای سلطنت می‌توان به نامه‌ای از میرزا اشاره کرد که در آن از جمهوری نام می‌برد. در آن نامه میرزا به صراحت اعلام می‌کند که برنامه اعمال مشروطیت به نتیجه مطلوب نرسیده است و اعلان جمهوریت همچون نیروی الهام‌بخش در سطح جهان در درون مرزهای ایران نیز لازم می‌آید.

بنده می‌گویم انقلابات امروزه ما را تحریک می‌کند مثل سایر ممالک دنیا، در تمام ایالات ایران، اعلان جمهوریت در داده و رنجبران را از دست راحت‌طلبان برهانیم. ولکن درباریان تن در نمی‌دهند که مملکت ما با قانون مشروطیت از روی پروگرام دموکراسی اداره گردد (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۲۴۰).

اتحاد و هیجان جمعی

هر جریان اجتماعی نقاط اوجی نیز دارد. این نقاط اوج لحظاتی هستند که در آن حوادث و وقایع در قالب نوعی اتحاد و هیجان جمعی سیر می‌کند. این وقایع معمولاً از نوع کنش‌های اصیل و یا رفتارهای شجاعانه‌ای هستند که خبر و نوید از پیروزی و دگرگونی اجتماعی را می‌دهند. این وقایع ممکن است جنگ و یا تصرف مکانی مهم و یا ساختمانی راهبردی یا نمادین و یا اعدام



یک شخصیت رژیم و نظیر اینها باشد. آنچه را که مهم است، چنین واقعه‌ای وحدت و قدرت نیروهای اجتماعی و هدف جنبش را در مبارزه علیه رژیم در خود متمرکز ساخته و نقطه عطف و لحظه خاص در روند حرکت اجتماعی را پدید می‌آورد. در چنین لحظه‌ای حرکت اجتماعی تمامی پیام‌های خود را علنی کرده و با قدرت هرچه تمام‌تر به پیش می‌برد. یکی از ویژگی‌های اصلی نهضت جنگل ضدیت با انگلیس و همچنین با مظاهر و دنباله‌های داخلی آن بوده است. ابتدای نهضت جنگل و تأسیس آن، اخراج ارتش روس و انگلیس از ایران از اهداف عمده آنان بود. سپس لغو قرارداد ۱۹۱۹م. و براندازی و ثوق الدوله به عنوان دنباله داخلی انگلیس از اهداف دیگر نهضت جنگل بوده است. این نوع نگاه و برخورد جنگل با آن‌ها موجب محبوبیت ملی و پیوستن مردم بوده است. این ویژگی با اعلام جمهوری ایران از سوی نهضت جنگل تداوم یافت زیرا متحدان جدید نهضت نیز بخشی از اهداف خود را مبارزه علیه انگلستان می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند که نفی دیگر مظاهر ستم در ایران از مبارزه علیه انگلستان جدا نیست (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳-۱۳۴).

افراطی‌گری و اعتدال‌گرایی

معمولاً در پس اتفاق‌نظرها و وحدت موجود در حرکت‌های اجتماعی اختلاف‌نظرهای عمیقی نیز می‌توان یافت. جنبش‌های فراوانی هستند که اختلاف آن‌ها با یکدیگر تا حدود زیادی قابل‌مقایسه با اختلافاتی است که با رژیم حاکم دارند. این جنبش‌ها ممکن است موقتاً هدف مشترکی داشته باشند و در مقابل دشمن مشترک با هم متحد شده و ائتلاف کنند و رهبری واحدی را برگزینند اما در عین حال بر سر اختلاف‌نظر خود باشند. مهم‌ترین اختلاف‌نظر و جدایی بین دو گروه شاید آن باشد که ما آن را تفرقه بین افراطیون و اعتدالیون نام می‌نیم. در تمامی انقلابات و حرکت‌های اجتماعی این دو گروه را در مقابل هم می‌بینیم. افراطیون اساسی‌ترین پیشنهادها را ارائه داده و طرفدار توسل به شیوه‌های خشن و قهرآمیز هستند و در مقابل اعتدالیون طرفدار تحولی تدریجی و گام‌به‌گام بوده و سعی در ارائه روش‌های مسالمت‌آمیز دارند. دشمنی بین این دو گروه، گاه آنچنان قوی است که متقابلاً یکدیگر را خطرناک‌تر از دشمن مشترکشان تلقی می‌کنند و به نظر هر یک از آن‌ها گروه مقابل به دلیل افراطی‌بودن یا میانه‌رو بودن حرکت اجتماعی را به خطر انداخته و به هدفی که هر دو مشترکاً برای آن مبارزه می‌کنند، خیانت می‌ورزند.

جمهوری جنگل از دو طیف تشکیل می‌شد. در یک طیف میرزا کوچک‌خان و در طیف مقابل، احسان‌الله خان و خالو قربان، حزب کمونیست ایران و روس‌های سرخ قرار داشتند. این دو در موارد زیر با یکدیگر اختلاف داشتند. انترناسیونالیست، ضدیت با استعمار، آزادی‌خواهی



و ضدیت با مذهب. نگاه افرادی مانند احسان‌الله خان و خالو قربان به جمهوری، اعتقادی در خدمت مجموعه‌ای بزرگ‌تر به‌عنوان انقلاب جهانی دیده می‌شد. آنان می‌خواستند تا از طریق جمهوری گیلان مرام خود را در ایران اشاعه دهند. آنان آرمان و آمال خویش را در سطح جهانی تعریف می‌کردند. چنانچه در مرام‌نامه حزب کمونیست ایران می‌خوانیم مقصود و مسلک ما مساوات و برابری اقتصادی و سیاسی بنی نوع بشر است. در نتیجه این طیف نگاهی کاملاً خوشبینانه نسبت به روس‌های سرخ داشته و به‌جای تأکید بر یک ملت خاص کل بشریت را از منظر ایدئولوژیک در نظر می‌گرفت (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۵۵-۵۶).

این در حالی است که میرزا کوچک‌خان پایه حرکت خود را بر تأمین منافع ملی قرار داده بود. از نظر او منافع ملی زمانی تأمین می‌شد که استقلال جنبش، جمهوری و کل کشور حفظ شود. طیف میرزا ضمن همدلی با مبارزات آزادی‌بخش در سطح جهان، حل مسئله ایران را یک ضرورت اعتقادی تلقی می‌کرد و همکاری با روس‌های سرخ را فقط تا حدی طلب می‌کرد که استقلال جنبش حفظ شود. در نتیجه او هرگز به آن‌ها اعتماد مطلق نمی‌کرد.

جناح‌های افراطی در نهضت جنگل به این نتیجه رسیده بودند که میرزا کوچک‌خان به نظریه‌پرداز نظام سرمایه‌داری تبدیل شده و خواهان قطع همکاری با او و همچنین خواستار جنگ مسلحانه علیه وی بودند (رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۵). همچنین طیف مقابل میرزا مبارزه با استعمار را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی حرکت خود مطرح می‌کردند. این گروه می‌کوشیدند که از طریق مبارزه با استعمار در ایران ضمن تحقق بخشی از نظریه خود، یعنی نفی استعمار در ایران، زمینه را برای تحقق بخش دیگر نظریه خود یعنی تحقق اهداف جهانی هموار کنند (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

در زمینه آزادی‌خواهی گروه‌های مقابل میرزا کوچک‌خان آزادی را مبتنی بر نفی استبداد به‌عنوان دنباله استعمار برای ایجاد زمینه دگرگونی در سطح جهانی و طرح حقوق قشرهای تحت ستم فرهنگ سنتی می‌دانستند. ذکر این نکته ضروری است، درک آنان از آزادی متضمن تساهل نسبت به عقاید دیگر نبوده است. عدالت‌خواهی نیز یکی از مؤلفه‌های اساسی ایدئولوژی طیف مقابل میرزا کوچک‌خان بوده است. به‌طور کلی درک آنان از عدالت عبارت است از تغییر شرایط اجتماعی در مسیر سوسیالیست که در قالب برنامه‌های دو طیف قابل توجه است.

یکی دیگر از مؤلفه‌های جناح مقابل میرزا کوچک‌خان، ضدیت با مذهب بود. چنانچه احسان‌الله خان بارها بر هویت غیرمذهبی خود تأکید داشته و حتی میرزا را نیز به ترک مذهب تشویق می‌کرد. در گزارشات متعدد آمده است که کمونیست‌ها بارها دست به کار تبلیغات ضد مذهبی می‌زدند. برای مثال در چند هفته اول حکومت جمهوری نوزده مسجد را بست، تعلیمات مذهبی را ممنوع اعلام کرد و رفع حجاب زنان را اجباری خواند، روحانیون مسلمان که شدیداً



مخالف این اقدامات بودند، علناً مورد استهزاء قرار گرفتند (ذبیح، ۱۳۶۴، ص ۵۵) و این در حالی است که میرزا به تبلیغات ضد مذهبی آنان که به روند انقلاب آسیب می‌رساند در نامه‌ای به یوسف ضیاء اشاره می‌کند (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲).

در زمینه مذهب نیز اختلافاتی بین دو طیف مشاهده می‌شد. طیف میرزا دارای اعتقادات مذهبی بود و ادبیات مذهبی در سخنان آن‌ها کاملاً نمود داشت.

ضد انقلاب (مخالفان جنبش‌های اجتماعی)

هر حرکت اجتماعی در جریان تداوم خود ناگزیر با نیروهای مخالف روبه‌رو می‌شود. این نیروی مخالف ممکن است در آغاز جریان اجتماعی و یا حتی قبل از آن ظاهر شود. مخالفان جریان‌های اجتماعی در قالب اختناق تلاش می‌کنند که آن را در نقطه خفه کنند. آنان از طریق روش‌هایی مانند وعده و وعید دادن و قبول بخشی از برنامه‌های جریان‌های اجتماعی و تضمین انجام دادن تغییرات، سعی در نابودی آن دارند. بدین ترتیب، ضدانقلاب تحولی تدریجی را جایگزین انقلاب کرده که به‌زعم آنان مؤثرتر از انقلاب است. آنان در مقابل سمبل‌ها و تصورات ذهنی انقلابیون با ایجاد سمبل‌ها و تصاویر ذهنی مخالف به مقابله برمی‌خیزند و بدین ترتیب انقلاب قریب‌الوقوع یا در جریان را خطرناک و خونین جلوه داده و نتایج آن را شوم تلقی کرده و انقلابیون را تحت عناوین خرابکاران و محرکین، انقلابیون تخیلی و از این قبیل معرفی می‌کنند. از سوی دیگر نباید این تصور را داشت که ضدانقلاب منحصرأ از بین نیروهای حاکمیت موجود برمی‌خیزند زیرا اتفاق می‌افتد که از درون گروه‌های انقلابی و به دنبال تفرقه‌های درونی ضد انقلاب پدید می‌آید.

در یک تقسیم‌بندی، گروه‌ها و نیروهای مخالف نهضت جنگل را می‌توان به زمین‌داران بزرگ، سیاستمداران و سرمایه‌داران، دولتی‌ها، روحانیون وابسته، احمد شاه قاجار و خوانین و اشراف منطقه‌ای مانند خوانین طالش و تنکابن، قزاق‌های ایرانی و نیروهای انگلیسی و روسی، نیروهای انشعابی احمدخان کسمایی و مأموران ادارات مالیه در گیلان تقسیم کرد (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۸، ص ۷۵-۸۱).

نهضت جنگل تا پیش از تأسیس جمهوری و ارتش سرخ ایران بزرگترین تضاد درونی خود را در سطح رهبری تجربه کرد و آن جدایی حاج احمد کسمایی و مجاهدین کسمایی همراه او بوده است. آنان همواره نسبت به اقدامات میرزا کوچک‌خان در تأسیس پایگاه نظامی در گوراب زرمیخ و عدم توجه به کسما و به‌کارگیری افراد غیربومی به‌جای نیروهای گیلانی اعتراض داشتند. تضاد دیگری نیز وجود داشت و آن شرکت‌ندادن احسان‌الله خان از سران نهضت جنگل در جلسات مشاوره و اخذ تصمیمات مهم بوده که همواره مورد اعتراض و شکایت احسان‌الله



خان بوده است (فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۳ و ۲۳۹).

همچنین می‌توان به تقسیم حکومت انقلابی گیلان به چهار منطقه از نظر نظامی و سازمانی و سیاسی اشاره کرد که منطقه فومن و جنگل‌های گیلان به رهبری میرزا کوچک‌خان، منطقه انزلی به رهبری حیدرخان عموغلی، منطقه رشت در دست خالو قربان و منطقه لاهیجان توسط احسان‌الله خان اداره می‌شد (رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹). این امر گواهی بر ناهمگونی و اختلاف بین سران نهضت جنگل است.

در کنار آنان باید از سیاستمداران و سرمایه‌داران هم یاد کرد. این گروه بر اثر جنگ‌های متوالی و همچنین قطع راه‌های تجاری و پیدایش ناامنی‌های اجتماعی و آوارگی طولانی‌مدت سرمایه‌داران در آرزوی صلح بوده‌اند. این افراد با افزایش فشار دولت مرکزی از نهضت جنگل جدا شدند. این اقشار و طبقات مرفه و ثروتمند گیلان زمانی که نهضت جنگل اوج می‌گرفت به جانبداری آن پرداخته و زمانی که شکست‌های سیاسی و نظامی بر جنگل وارد می‌شد از آن فاصله می‌گرفتند. زمین‌داران نیز نمی‌توانستند با جنگلی‌ها که عموماً از دهقانان و کشاورزان بی‌زمین و یا کم‌زمین بودند، هماهنگ شوند زیرا دهقانان دیگر از پرداخت بهره‌های مالکانه خودداری می‌کردند. همین موضوع کافی بود تا زمین‌داران به مخالفت با نهضت جنگل بپردازند (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۸، ص ۷۶-۷۷؛ رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۲).

نتیجه‌گیری:

اگر جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی در سده اخیر را بررسی کنیم به برخی وجوه مشترک در آن‌ها بر خواهیم خورد. در این مقاله تلاش شد تا به صورت موردی با نگاه به نهضت جنگل به این مهم پرداخته شود. سیر حوادث و وقایع نهضت جنگل و مواضع رهبری آن نشان می‌دهد که اعتقاد کامل و جاذمی به اسلام و ایران و عدالت‌خواهی و ملی‌خواهی داشتند و تمامی تلاش خود را در جهت حفظ استقلال و آزادی سرزمین ایران و به‌ویژه گیلان از حضور بیگانگان و دخالت و حمایت آنان از دولت مرکزی به کار گرفتند.

برنامه‌های نهضت، جنبه‌های عام و مردمی داشت و از نظر ترکیب اجتماعی شامل دهقانان محروم و ستمکش، اقشار کم‌درآمد شهری، افرادی از قشر خرده مالکان و بخشی از روشنفکران ملی‌گرا و روحانیون وابسته به کمیته اتحاد اسلام در گیلان بودند. در ادامه راه نهضت و در زمان ورود ارتش سرخ به گیلان عده‌ای از نیروهای وابسته و معتقد به جنبش‌های مارکسیستی نیز به ترکیب اجتماعی نهضت جنگل پیوستند.

تقویت و گسترش نهضت جنگل و ترکیب ناموزون و ناهمگون اجتماعی آن موجب شد تا رهبران نهضت در تضاد منافع با یکدیگر قرار گرفته و به اتهام‌زدن به یکدیگر پرداخته و در



نهایت این مسئله به تضعیف نهضت و شکست آن انجامید. مالکان بزرگ گیلان که در دولت وابسته به استعمار نیز صاحب نفوذ بودند با ریشه‌گرفتن هر چه بیشتر نهضت و رشد آگاهی کشاورزان و اقشار کم‌درآمد شهری، منافع خود را در خطر دیده و از ورود قوای دولتی به گیلان و رشت استقبال کردند.

در درون نهضت نیز بین نیروهای مذهبی و غیرمذهبی آن اختلاف به‌وجود آمد. یکی از مؤلفه‌های جناح مقابل میرزا کوچک‌خان، ضدیت با مذهب بود. چنانچه احسان‌الله خان بارها بر هویت غیرمذهبی خود تأکید داشته و حتی میرزا را نیز به ترک مذهب تشویق می‌کرد. در گزارش‌های متعدد آمده است که کمونیست‌ها بارها دست به کار تبلیغات ضدمذهبی می‌زدند. اقشار و طبقات مرفه و ثروتمند گیلان زمانی که نهضت جنگل اوج می‌گرفت به جانبداری آن پرداخته و زمانی که شکست‌های سیاسی و نظامی بر جنگل وارد می‌شد از آن فاصله می‌گرفتند. زمین‌داران نیز نمی‌توانستند با جنگلی‌ها که عموماً از دهقانان و کشاورزان بی‌زمین و یا کم‌زمین بودند هماهنگ شوند زیرا دهقانان دیگر از پرداخت بهره‌های مالکانه خودداری می‌کردند.



منابع

- دولت آبادی، یحیی (۱۳۳۱). *حیات یحیی*. تهران: ابن سینا.
- ذبیح، سپهر (۱۳۶۴). *تاریخ جنبش کمونیستی در ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: انتشارات عطایی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۱). *نهضت جنگل*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۳). *نهضت میرزا کوچک خان جنگلی*. تهران: نشر چاپخش.
- روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره ۲۸.
- روشه، گی (۱۳۷۰). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۶۰). *حیدر عمو/وغلی در گذر از طوفان‌ها*. تهران: انتشارات دنیا.
- فخرائی، ابراهیم (۱۳۶۸). *سردار جنگل*. تهران: انتشارات جاویدان.
- کریمی، بهنام (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی نهضت جنگل*. تهران: نشر قصیده.
- کشاورز، فتح‌الله (۱۳۷۱). *نهضت جنگل و اتحاد/سلام*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.
- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب جنگل*. رشت: نشر گیلکان.
- موسوی، سیدصفا (۱۳۵۸). *تاریخ مکمل جنگل*. رشت: چاپ حقیقت.
- واگو، استفان (۱۳۷۲). *درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی*. ترجمه احمد غروی‌زاد. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Ginsberg , M. (1958). Social change, British Jornal of Sociology. 4, p.205.



تأثیر جنبش جنگل بر تاریخ‌نگاری توده‌ای ایران

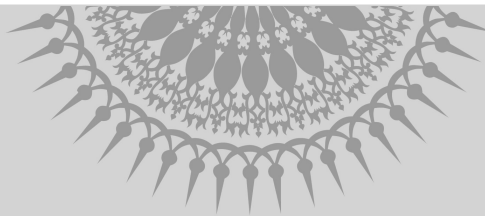
دکتر عباس پناهی

چکیده:

تاریخ‌نگاری جنبش جنگل نقش مؤثری بر تاریخ‌نگاری توده‌ای ایران به‌جا گذاشت. زیرا از نظر فراوانی اسناد و یادداشت‌های باقی‌مانده به جرأت می‌توان گفت نوشته‌های بی‌بدیل و ارزشمندی از این واقعه برجای مانده است و اغلب این نوشته‌ها را مأموران خارجی، مبارزان و مجاهدان جنگل، نگاشته‌اند. در حقیقت پس از نوشته‌های کسروی درباره نقش توده‌ها در خیزش‌های اجتماعی و نگاه توده‌ای به تاریخ، یادداشت‌های مربوط به جنبش جنگل تداوم این شکل از تاریخ‌نگاری به‌شمار می‌رود. با اینکه جنبش جنگل حرکتی اصیل و مردمی بود، اما بعد از مرحله دوم جنبش و رخنه اندیشه‌های گوناگون و متناقض به جنگل زمینه‌های شکست آن فراهم آمد. به گفته اغلب تحلیل‌گران، مهم‌ترین عامل شکست نهضت، ورود اندیشه‌های کمونیستی و دو دستگی در جنبش بود. زیرا پس از نفوذ شخصیت‌های افراطی در جنبش، این افراد زمینه‌های انشعاب و تفرقه را در جنبش فراهم آوردند. ورود انقلابیون بلشویکی و قفقازی به گیلان موجب شد که نفوذ این افکار در میان جنگلی‌ها انشعاب و دو دستگی عمیق و قطعی به‌وجود آورد. علاوه‌براین، عدم حمایت بلشویک‌ها از جنگل و سازش آنان با دولت ایران و انگلیسی‌ها، جنبش جنگل در آتش دو دستگی یاران جاه‌طلب رها شد و در نتیجه جنبش به ورطه سقوط فرو افتاد. تمامی جریان‌ها و گرایش‌های فکری که به نوعی در جنبش جنگل مشارکت داشتند، آثاری ارزنده از خود به یادگار گذاشتند. این نوشته‌ها از نظر محتوایی یادداشت‌های رهبران و مجاهدان جنگلی بوده که به نوعی بازتاب‌دهنده اقشار مختلف با دیدگاه‌های گوناگون در این جنبش بوده است و از این منظر برای پژوهش در تاریخ‌نگاری توده‌ای آثاری ارزنده به‌شمار می‌روند. نگارنده به روش تحلیلی سعی دارد ضمن تقسیم‌بندی دیدگاه کنش‌گران و نویسندگان جنبش جنگل نقش آنان را در تاریخ‌نگاری مردمی جنبش جنگل مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

کلیدواژه‌ها

گیلان، جنبش جنگل، تاریخ‌نگاری توده‌ای.



تأثیر جنبش جنگل بر تاریخ‌نگاری توده‌ای ایران

دکتر عباس پناهی^۱

مقدمه:

گیلان یکی از پیشگامان انقلاب مشروطیت بود و نهضت جنگل پیامد مستقیم این انقلاب به‌شمار می‌آید. این پیشگامی ریشه در علل مختلف و متعددی دارد که برشمردن همه آن‌ها در این نوشتار نمی‌گنجد، ولی می‌توان عمده‌ترین این دلایل را فهرستوار بیان کرد. این علل، نهضت جنگل را نیز که در حقیقت فرزند ناکامی‌های انقلاب مشروطیت است دربرمی‌گیرد. بنابراین پرداختن به زمینه‌های نهضت جنگل بدون توجه به عواملی که به ناکامی و شوربختی انقلاب مشروطیت انجامید، امکان‌پذیر نخواهد بود.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از پایان جنگ جهانی اول به‌دلیل صدمه‌های ناشی از جنگ جهانی اول و اوضاع متشنج داخلی به‌شدت ناگوار بود. در کنار عوامل فوق، وقوع انقلاب در کشور روسیه و گسترش تب انقلابی در اروپا که با تبلیغات بلشویک‌ها نیز همراه گشت، موجب شد تا انگلستان برای حفظ موقعیت خود قرارداد موسوم به ۱۹۱۹ را به دولت ایران که در آن زمان وثوق‌الدوله بر رأس آن بود پیشنهاد کند. این قرارداد در ظاهر برای نوسازی ساختارهای اقتصادی، اداری، اجتماعی و نظامی ایران، مطرح شده بود، اما هدف انگلستان از انعقاد این معاهده با دولت ایران تسلط بر منابع اقتصادی ایران و در اختیار گرفتن نیروی نظامی با هدف مقابله با تهدیدهای بلشویک‌ها بود. در برابر این قرارداد، جنبش‌های ضد استعماری متعددی در سراسر ایران بر پا گشت که از جمله مهم‌ترین این قیام‌ها، قیام جنگلی‌های گیلان

۱. استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشکده
گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان؛
panahi76@yahoo.com



بود. این جنبش در میان قیام‌هایی که علیه قرارداد ۱۹۱۹ م. بر پا شده بود و از سوی دیگر به جهت وسعت و گروه‌ها و افرادی که به آن پیوسته بودند، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. زیرا گستره قیام از قلمرو غربی مازندران آغاز شده و تمامی سرزمین گیلان را به مدت تقریباً هفت سال -سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ خورشیدی- دربرگرفت.

جنبش جنگل یکی از قیام‌های مهم تاریخ معاصر ایران است که در مقطع حساسی از تاریخ ایران و جهان و هم‌زمان با جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب بلشویکی که در روسیه در جریان بود، شکل گرفت. ظهور و خیزش این جنبش فقط به پایداری مردانی بود که فکر می‌کردند تمامی تلاش‌های آنان در خیزش مشروطه و اعاده آن پایمال گشته است. لذا برای احیای استقلال ایران به جنگل روی آوردند. با اینکه جنبش جنگل حرکتی اصیل و مردمی بود، اما بعد از مرحله دوم جنبش و رخنه اندیشه‌های گوناگون و متناقض به جنگل زمینه‌های شکست آن فراهم آمد. به گفته اغلب تحلیل‌گران، مهم‌ترین عامل شکست نهضت ورود اندیشه‌های کمونیستی و دو دستگی در جنبش بود. زیرا پس از نفوذ شخصیت‌های افراطی در جنبش، این افراد زمینه‌های انشعاب و تفرقه را در جنبش فراهم آوردند. ورود انقلابیون بلشویکی و قفقازی به گیلان موجب شد که نفوذ این افکار در میان جنگلی‌ها انشعاب و دو دستگی عمیق و قطعی به‌وجود آورد. علاوه‌براین، مسئله عدم حمایت بلشویک‌ها از جنگل و سازش آنان با دولت ایران و انگلیسی‌ها، جنبش جنگل را در آتش دو دستگی یاران جاه‌طلب رها کرد و در نتیجه جنبش به ورطه سقوط فرو افتاد.

به جهت اینکه جنبش جنگل جریانی تلفیقی از گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی بود، بر همین اساس در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل نیز اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی دیده می‌شود. هر گروه در نگارش خاطرات‌شان سعی در تبرئه خود داشتند. باین‌حال، آراء و اندیشه‌های گوناگون موجب شکل‌گیری تاریخ‌نویسی متنوعی در جنبش جنگل شده است به‌طوری‌که از خلال این نوشته‌ها خوشبختانه تنوع زیادی درباره اندیشه‌های جنگلی‌ها می‌توان یافت و آن‌ها را مورد بررسی و پژوهش قرار داد.

تاریخ‌نگاری جنبش جنگل

امروزه بدون شک و تردید، مآخذشناسی در پژوهش‌های علمی از اهمیت زیادی برخوردار است. در مطالعات بنیادی نیز یکی از شاخصه‌های مؤسسات و نهادهای پژوهشی برای رهیافت‌ها و نتایج علمی، اتکای آنان به داده‌های پژوهشی متکی بر مآخذ پژوهشی است. این نیاز در مطالعات نظری با توجه به اینکه تکیه این نوع مطالعات بر تهیه داده‌های علمی از طریق مآخذ است، اهمیت این دسته از منابع را بیشتر می‌کند. در نتیجه مآخذشناسی در مطالعات



علمی و پژوهشی نقش مهمی در پیشبرد موضوعات علمی و تحقیقاتی دارد. به طوری که بدون آگاهی دقیق از مآخذ و تحقیقات در زمینه موضوع مورد پژوهش، تحقیقات علمی به خوبی انجام نمی‌گیرد. از این رو مآخذشناسی و شناخت اسناد و مدارک تاریخی و علمی هر دوره‌ای در بررسی‌های تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا بدون آشنایی با اسناد تاریخی امکان تحقیق علمی درباره هر موضوعی با دشواری صورت می‌پذیرد. خوشبختانه درباره تاریخ گیلان از دوره صفویه تا جنبش جنگل مآخذ تاریخی، خاطرات، یادداشت‌ها و اسناد گزارش‌های زیادی ارائه کرده‌اند. اما این فراوانی مطالب تاریخی به طور یکسان در همه دوره‌های تاریخی به چشم نمی‌خورد. از دوره صفوی گیلان به جهت ارتباط با فرنگ از راه روسیه به دنیای جدید متصل گشت، اما این پیوند بعدها در عصر قاجار به دلیل طمع روسیه موجب استعمار این ایالت توسط روس‌ها شد. در نتیجه روس‌ها طی نزدیک به دو سده ثروت گیلان را به یغما بردند. با وجود سکوت هیئت حاکمه ایران و حاکمان سرسپرده، مردم گیلان به جهت این غارتگری‌ها آماده شورش علیه هیئت حاکمه و روسیه بودند و این فرصت پس از انقلاب مشروطه ۱۹۰۵م. روسیه و پیامد آن در انقلاب مشروطه ایران پدید آمد، در نتیجه گیلانی‌ها پیش‌تاز نهضت مشروطه‌خواهی شدند. پس از سرکوب مجلس و جریان آزادی‌خواهی نیز مجاهدان گیلانی که از نظر فکری تحت تأثیر اندیشه‌های جدید سوسیال دموکرات‌خواهی و به طور کلی آزادی‌خواهی بودند، حاضر به پذیرش دگرباره استبداد نشدند و هنگامی که شمع انقلاب تبریز در حال خاموشی بود، مردم گیلان آن را مشتعل ساخته و با نقش‌آفرینی مجاهدان گیلانی و بختیاری، مشروطه را دگر بار بازآفریدند. این زمان بود که علاوه بر شخصیت‌های مشهور، نام‌های مردم عادی و طبقات متوسط و فرودست جامعه نظیر میرزا کوچک‌خان، میرزا رحیم شیشه‌بر و دیگران بر سر زبان‌ها افتاد. مشارکت همین افراد متوسط در جنبش مشروطه بود که پس از انحراف برخی از اصول مشروطه و تسلط استعمار روس و انگلیس بر کشور و سازش برخی از دولتمردان موجبات قیام کوچک‌خان را در گیلان فراهم آورد.

حال که بیش از یکصد سال (۱۳۹۴ خورشیدی یکصدمین سالگرد طلوع جنبش) از این جنبش می‌گذرد اسناد، خاطرات، مقالات، تصاویر و ده‌ها مقوله پژوهشی درباره جنبش جنگل از مخالفان، موافقان و پژوهشگران نگاشته شده است، اما با وجود تنوع نوشته‌ها درباره جنبش جنگل و با وجود برگزاری بیش از چهار همایش سراسری و ملی تاکنون مآخذشناسی جامعی درباره این جریان مهم و تأثیرگذار منتشر نشده است. البته تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته، اما بازگوکننده و در برگیرنده تمامی اسناد و نوشته‌ها درباره جنبش جنگل نبوده است. برای نمونه پژوهشگر فرهیخته استاد جکتاجی جزوه‌ای تحت عنوان «کتابشناسی جنبش جنگل» سال‌ها پیش تدوین کرده‌اند، همچنین دبیرخانه همایش کنگره میرزا، کتابی



تحت عنوان «کتابشناسی جنبش جنگل» انتشار داده‌اند که صرفاً فهرست موضوعی کتابخانه ملی درباره جنبش جنگل است و در آخر نیز آقای رحیم نیکبخت مقاله‌ای مفصل تحت عنوان «مآخذشناسی جنبش جنگل» انتشار داده‌اند که در وبگاه‌های مرتبط با جنبش جنگل دیده می‌شود، اما تمامی این سه اثر فقط بخشی از مآخذشناسی جنبش جنگل را در بر دارد.

تجزیه و تحلیل مآخذ جنبش جنگل

اسماعیل راثین درباره ماجرای نگارش خاطرات سران جنبش جنگل می‌نویسد، پس از تبعید رضا شاه از ایران عده‌ای از سران باقی‌مانده جنبش برای حفظ خاطرات نهضت جنگل تلاش می‌کنند تا با تدوین این خاطرات وقایع و حوادث جنبش جنگل را از فراموشی نجات دهند. یکی از این افراد مؤثر، محمدعلی خمامی (گیلک) بود. وی در این ارتباط می‌نویسد، در سال ۱۳۲۱ خورشیدی شش تن از سران باقی‌مانده جنبش جنگل درصدد برمی‌آیند هر یک خاطرات خود را نوشته همراه اسناد و عکس‌ها در اختیار محمدعلی گیلک قرار دهند تا به صورت کتابی درآید. این شش تن عبارت بودند از: مظفرزاده، میرزا صالح، میرزا اسماعیل جنگلی، ابراهیم فخرایی، محمدعلی گیلک، کاس آقا خیاط و چند تن دیگر. با آنکه این خاطرات جمع‌آوری می‌شود اما تأخیر در چاپ موجب تباهی خاطرات و مرگ تعدادی از این افراد می‌شود تا این که خاطرات برخی از این شخصیت‌ها بعدها توسط فرزندان و یا محققان دیگر به چاپ می‌رسد (راثین، ۱۳۵۷، ص ۳۱). در یک تحلیل کلی تاریخ‌نگاری جنبش جنگل را می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد. نخست مآخذ و کتاب‌های اصلی جنبش جنگل که توسط نزدیکان، کوشندگان و شاهدان عینی جنبش اعم از موافقان و یا مخالفان جنبش جنگل نگارش شد. دسته دیگر خاطرات کارگزاران دولت‌های روسیه، انگلستان و حتی برخی فعالان جنبش جنگل که در اصل اروپایی بودند، اما به روش‌های مختلف جذب جنبش جنگل شدند یا اینکه کارگزاران اداری و یا نظامی سفارت‌ها و دولت‌ها بودند؛ با این حال، گزارش‌هایی درباره جنبش جنگل از خود به یادگار گذاشتند این دسته از گزارش‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا به عنوان یک ناظر خارجی به این جریان نگریسته‌اند ... دسته سوم، اسناد، مکاتبات سیاسی، گزارش‌های سفارت‌ها و کنسولگری‌ها است. دسته چهارم تحقیقات جدید داخلی و خارجی و دسته پنجم آثار هنری-ادبی است که نزدیک به یک سده در دفاع و یا تکذیب جنگل شکل گرفته شده است. دسته پنجم مآخذ مطبوعاتی اعم از روزنامه جنگل و یا مطالب روزنامه‌های مقارن با جنبش در کشور است که علیه جنبش و یا در دفاع از جنبش نگارش شده است.

با توجه به تنوع آثار مربوط به جنبش جنگل مهم‌ترین بخش از مآخذ جنبش، در حقیقت همان مآخذی است که توسط شاهدان عینی و دست‌اندرکاران جنبش نگارش شده است. این



دسته از مآخذ شامل آثار زیر می‌شوند:

سردار جنگل اثر فخرایی، یادداشت‌ها و خاطرات حاج احمد کسمایی، تاریخ انقلاب جنگل محمدعلی گیلک، قیام جنگل نوشته اسماعیل جنگلی و به اهتمام و مقدمه اسماعیل رائین، نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل نوشته محمدحسن صبوری دیلمی، بیگانه‌ای در کنار کوچک‌خان اثر یان کولارژ، تصرف تنکابن به دست مجاهدان مازندران، خاطرات رضا خواجه‌نوری، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین، نوشته صادق کوچک‌پور، جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان، خاطرات میر احمد مدنی، شوروی و جنبش جنگل یادداشت‌های یک شاهد عینی، نوشته گریگور یقیکیان، نهضت جنگل و معین‌الرعا (حسن‌خان آلیانی)، نگارش و جمع‌آوری دکتر شاپور آلیانی، گوشه‌هایی از تاریخ گیلان بهاءالدین املشی، خاطرات و یادداشت‌های املشی، همچنین نوشته‌های مخالفان جنبش جنگل مانند یادداشت‌های بحرالعلوم و یادداشت مؤلف گمنامی تحت‌عنوان «تاریخچه جنگلیان».

در یک جمع‌بندی کلی نوشته‌های مورد اشاره -مآخذ اصلی- جنبش جنگل را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. نخست نوشته‌های طرفداران جنبش مانند فخرایی، اسماعیل جنگلی، میر احمد مدنی، املشی و چند گزارش دیگر که سعی داشتند از جنبش جنگل تصویر واقع‌گرایانه ارائه دهند و گرد فراموشی که بر جنبش جنگل نشسته بود را بزایند. هر چند کتاب سردار جنگل اثر فخرایی نخستین کتاب در زمینه تاریخ جنبش جنگل نیست، اما مهم‌ترین اثری است که مؤلف روایتی زنده از جنبش در کتاب خود ارائه می‌دهد و با این اثر نام سردار جنگل و قهرمان آن را جاودانه می‌سازد. این کتاب تا اندازه‌ای بر تاریخ‌نگاری توصیفی جنبش جنگل سایه انداخته بود که بعد از فخرایی دیگران کم‌وبیش از وی در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل پیروی کرده‌اند.

دسته دوم، نوشته‌های مارکسیست‌ها و جناح چپ جنبش که به طرفداری از نقش شوروی در این ماجرا و دفاع از عملکرد خود پرداخته‌اند؛ این دسته از یادداشت‌ها شامل خاطرات کوچک‌پور، احسان‌الله خان، رضا خواجه‌نوری، یقیکیان و دیگر طرفداران شوروی، می‌شود این شخصیت‌ها برعکس نویسندگان دسته اول که اساس گزارش‌های خود را بر پایه شخصیت میرزا قرار داده بودند در مقابل به دفاع از عملکرد شوروی و بر حق جلوه دادن رفتارهای سیاسی نظامی خود برخاسته‌اند. هرچند کتاب یقیکیان اثری ارزشمند در این زمینه محسوب می‌شود و کمتر به حواشی پرداخته است. این آثار گزارش‌های خوبی از نقش شوروی در جنبش ارائه کرده‌اند.

دسته سوم مآخذ مربوط به جنبش جنگل، یادداشت‌های شخصیت‌های مغموم در جنبش نظیر حاج احمد کسمایی و تا اندازه‌ای حسن‌خان آلیانی و دیگران است. روح کلی این خاطرات و یادداشت‌ها از سوی مؤلف با هدف دفاع از عملکردشان در جنبش نگارش شده است.



خاطرات حاج احمد کسمایی توسط او به دخترش بازگو شده و بعدها دخترش آن را نخست در امریکا به چاپ رساند و سرانجام در ایران نیز چاپ و منتشر شد. حاج احمد با وجود احترام به میرزا در خاطراتش، خود را فردی مبارز اصیل معرفی می‌کند که تمامی اموال و دارایی خود را وقف مبارزه کرده بود. وی همچنین از تسلیم خود به نیروهای دولتی با توجیه به‌پایان‌رساندن خونریزی‌ها در گیلان یاد می‌کند. سایر شخصیت‌های مغموم نیز کم‌وبیش از همین رویکرد در خاطرات خود تبعیت می‌کنند.

دسته چهارم مأخذ اصلی، یادداشت‌های مخالفان عقیدتی، مذهبی و سیاسی جنبش جنگل است. این دسته از مخالفان با الفاظی کینه‌توزانه و زشت از جنبش جنگل و شخصیت میرزا یاد می‌کنند. در این گروه دو اثر به چشم می‌خورد. یکی تاریخچه جنگلیان و دیگری یادداشت‌های بحرالعلوم. هرچند به نظر می‌رسد نوشته‌های دیگری نیز آن زمان علیه جنبش جنگل نگارش شده باشد، اما تاکنون آثاری از این نوع نوشته‌ها منتشر نشده است. «تاریخچه جنگلیان» یکی از مخالفان جنگلی‌ها و به‌منظور تخریب فکری جنبش جنگل نگاشته، توسط استاد فریدون نوزاد تصحیح شده است. در آن کتاب مؤلف با الفاظی زشت از میرزا یاد می‌کند و همچنین از حاج احمد کسمایی به‌عنوان بزازی ورشکسته یاد می‌کند و پیروانشان را مشت‌رند و چپاولگر نام می‌برد. علاوه بر متنی که استاد نوزاد به تصحیح آن پرداخته است، آقای افشین پرتو نیز متن تاریخچه میرزا کوچک‌خان که نوشته سید محمد بن هبه‌الله موسوی قزوینی مشهور به بحرالعلوم است را تصحیح کرده است. مؤلف از ناخرسندان و مخالفان میرزا کوچک‌خان بوده است و متن حاضر را در سال ۱۳۳۹ خورشیدی نگاشته کرده است. هرچند قلم بحرالعلوم به تندی قلم مؤلف گمنام تاریخچه جنگلیان نیست، اما بحرالعلوم نیز میرزا را فردی شرور می‌خواند که به دنبال منافع سیاسی و کسب قدرت بود.

در کنار گزارش‌ها، یادداشت‌ها و خاطرات داخلی، گزارش‌ها، خاطرات و یادداشت‌های کوشندگان خارجی و مأموران روسیه و انگلستان نیز جزو اسناد مهم و معتبر جنبش محسوب می‌شوند. هرچند برخی از این اسناد و یادداشت‌ها با هدف ناچیز جلوه‌دادن جنبش و با انگیزه معرفی قیام جنگل به‌عنوان حرکتی شرورانه نگارش شده است، اما در متن این یادداشت‌ها می‌توان به اهداف سیاسی دولت‌های روسیه تزاری، شوروی و انگلستان پی برد. به‌عنوان نمونه آبرونساید با اینکه کاملاً آگاه به تحولات سیاسی و نظامی جنبش جنگل بود، به‌طور عمدی اشاره زیادی به جنبش در خاطراتش نمی‌کند و از میرزا به‌عنوان فردی «شرور و یاغی» یاد می‌کند. علاوه بر یادداشت‌های شخصیت‌هایی نظیر دنسترویل، آبرونساید، نیکیتین و دیگران که به‌عنوان نماینده دولت خارجی و سرکوبگر بودند، از یادداشت‌های کولارژ، گائوک و دیگران باید یاد کرد که با هدف آرمان‌گرایانه به جنبش می‌نگریستند. در این یادداشت‌ها می‌توان شواهد جدیدی درباره



رفتارهای سیاسی و اهداف جنگلی‌ها را در طول عمر جنبش و نقش دولت‌ها جست‌وجو کرد. علاوه بر یادداشت‌های مورد اشاره که جملگی در زمره مآخذ جنبش به‌شمار می‌آیند، اسناد و مکاتبات میرزا با سیاستمداران شوروی، نظیر لنین و تروتسکی، دولتمردان ایرانی و سایر شخصیت‌ها به‌عنوان اسناد معتبر جنبش به‌شمار می‌آید. در سال ۲۰۱۴م. بخشی از نامه‌های میرزا به لنین و تروتسکی توسط تامارا کنیاشکینا، محقق تاریخ دوره قاجار انستیتو کشورهای آسیا و آفریقای دانشگاه دولتی مسکو در روسیه به چاپ رسید.

همچنین مجموعه اسناد کتاب آبی -اسناد انگلستان- مجموعه اسناد سازمان اسناد ملی، مجلس شورای اسلامی و اسناد چاپ‌شده توسط مرحوم ایرج افشار و همچنین بخشی از مجموعه عریضه‌های مردم گیلان به مجلس شورای ملی از ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ خورشیدی که به اهتمام نگارنده و توسط مرکز اسناد و آرشیو مجلس شورای اسلامی به چاپ می‌رسد، به‌عنوان مجموعه ارزشمندی در خصوص بررسی تحولات جنبش جنگل در نظر گرفته می‌شوند.

در زمینه تحقیقات جدید نیز آثار پژوهشی ارزشمندی در حوزه مطالعات جنبش جنگل صورت گرفته است. هر چند در دهه‌های گذشته اساس پژوهش در این زمینه با تکیه بر بازگویی خاطرات شخصی و شفاهی بر جنبش جنگل متمرکز شده بود، اما از دهه هشتاد خورشیدی پژوهشگران با تکیه بر اسناد، خاطرات و نوشته‌هایی که در زمره مآخذ جنبش جنگل هستند، پژوهش‌های ارزنده‌ای در این زمینه انجام داده‌اند. البته اغلب این پژوهش‌ها در ذیل تحولات تاریخ معاصر است. باین‌حال، برخی از پژوهشگران گیلانی آثاری مستقل در زمینه‌های تاریخی و جامعه‌شناسی جنبش جنگل منتشر کرده‌اند که از زوایای مختلف به چگونگی شکل‌گیری، گسترش و دلایل شکست جنبش اشاره شده است.

بی‌تردید یکی از نخستین پژوهش‌های جدید در حوزه جنبش جنگل توسط دکتر شاپور رواسانی صورت گرفته است. بعدها شخصیت‌هایی نظیر: دکتر عباس نعیمی، دکتر افشین پرتو، استاد نوزاد، مویسی آرونوویچ پرسیتس، خسرو شاکری، ناصر عظیمی دوبختری، بهنام کریمی، جعفر مهرداد، فریدون شایسته و از مؤسسات پژوهشی نیز پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان و تعدادی دیگر، پژوهش‌های ارزنده‌ای در این زمینه انجام داده‌اند.

البته به‌رغم پژوهش‌های انجام‌گرفته تاکنون مأخذشناسی جامعی درباره جنبش جنگل تهیه نشده بود. اما با تلاش‌های چندساله نگارنده مقاله، کتابی تحت عنوان مأخذشناسی تحلیلی-توصیفی جنبش جنگل در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. در این مأخذشناسی محقق توانسته تمامی پژوهش‌هایی که از آغاز تا امروز درباره جنبش جنگل صورت گرفته است را علاوه بر تدوین مورد تحلیل و نقد قرار دهد. مجموعه حاضر می‌تواند راهنمایی‌های ارزنده‌ای در زمینه جنبش جنگل‌شناسی در اختیار پژوهشگران قرار دهد.



نتیجه گیری:

با نگاهی تحلیلی به نوشته‌های کوشندگان جنبش می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مهم‌ترین دلیل شخصیت‌ها و مبارزان جنگلی برای نگارش خاطراتشان، جاودانه کردن مبارزاتشان در طول هفت‌سال نبرد با دشمنان‌شان بوده است. از سوی دیگر در دوره پهلوی به جهت حجم‌های فکری و سیاسی که نسبت به جنبش جنگل در فضای فکری و اجتماعی انجام می‌گرفت، شخصیت‌های درگیر در جنبش جنگل خاطرات‌شان را برای نسل آینده نگارش کردند. به‌طور کلی شخصیت‌های جنگلی هر یک اساس خود را در نگارش تاریخ جنگل دفاع از شخصیت و عملکردشان قرار داده‌اند. باین‌حال این آثار با آنکه از تنوع برخوردارند، اما گزارش‌های آنان کم‌وبیش شبیه به هم است. فقط مطالعات اسنادی و پژوهش‌هایی که طیف چپ در جنبش جنگل انجام داده‌اند، اندکی با سایر تألیفات سنتی جنبش جنگل تفاوت‌هایی دارند، ولی محور اغلب این متون بر ستایش از شخصیت میرزا کوچک‌خان و در درجه دوم آرمان‌گرایی جنبش جنگل قرار دارد.

از منظر تاریخ‌نگاری، نوشته‌ها و یادداشت‌های مربوط به جنبش جنگل آثار ارزنده‌ای در حوزه تاریخ‌نگاری توده‌ای به‌شمار می‌آیند. زیرا از یک‌سو حوزه مکانی مورد بررسی این نوشته‌ها سرزمین گیلان و منطقه‌ای کوچک بوده که کمتر مورد توجه تاریخ‌نگاران رسمی بوده و از سوی دیگر حوادث مورد بررسی تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مردم، اقتصاد و اجتماع مردم این پهنه بوده است. از این منظر پس از نوشته‌های کسروی که توجه زیادی به نقش و کارکرد مردم در تحولات اجتماعی داشت، این یادداشت نیز به‌گونه‌ای بر احوال مردم گیلان تمرکز دارد.



منابع

- املشی، بهاءالدین (۱۳۵۲). *گوشه‌هایی از تاریخ گیلان*. به کوشش حبیب یغمایی و محمد هادی میزان. تهران: چاپخانه بهمن.
- آلیانی، شاهپور؛ رفیعی جیردهی، علی (۱۳۷۵). *نهضت جنگل و معین‌الرعا یا (حسن‌خان آلیانی)*. تهران: انتشارات میشا.
- پناهی، عباس (۱۳۹۵). *مآخذشناسی تحلیلی توصیفی جنبش جنگل*. رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- جنگلی، اسماعیل (۱۳۵۷). *قیام جنگل*. با مقدمه اسماعیل راثین. تهران: جاویدان.
- خواجه‌نوری، رضا (۱۳۹۱). *تصرف تنکابن به دست مجاهدان مازندران (به سرکردگی سالار فاتح و پیوستن آنها به نهضت گیلان)*. یادداشت‌های رضا خواجه‌نوری معزالسلطنه، به کوشش منوچهر خواجه‌نوری. تهران: نشر نامک، چاپ اول.
- صبوری‌دیلیمی، محمدحسن (۱۳۵۸). *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل*. تهران: مظاهری.
- عباسی، هوشنگ (۱۳۹۰). *یادبودهای انقلاب جنگل*. به کوشش محمدرضا توسلی. رشت: انتشارات بلور.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷). *سردار جنگل*. تهران: جاویدان.
- کسمایی، احمد (۱۳۵۷). *یادداشت‌ها/ احمد کسمایی از نهضت جنگل*. گردآوری، تصحیح و تحشیه منوچهر هدایتی خوشکلام. رشت: کتیبه گیل.
- کوچک‌پور، صادق (۱۳۶۹). *نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین*. به کوشش محمدتقی میرابولقاسمی. رشت: گیلکان.
- کولارژ، یان (۱۳۸۴). *بیگانه‌ای کنار کوچک‌خان*. ترجمه رضا میرچی. تهران: انتشارات فرزاد.
- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب جنگل*. رشت: گیلکان.
- مدنی، میر احمد (۱۳۷۷). *جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان*. به کوشش محمدتقی بوالقاسمی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- یقیکیان، گریگور (۱۳۶۳). *شوروی و جنبش جنگل یادداشت‌های یک شاهد عینی*. به کوشش برزویه دهگان. تهران: انتشارات نوین.



مقدمه‌ای بر پژوهش درباره میرزا کوچک‌خان جنگلی در منابع سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سیدعلی کسائی

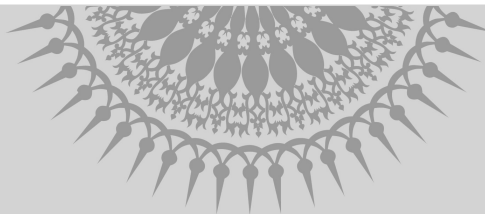
چکیده:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران دارای منابع مکتوب و غیرمکتوب کشور است که برای تحقیق منابع ارزشمندی دارد. برای استفاده از این منابع شناخت نرم‌افزار کتاب‌شناسی ملی ایران لازم می‌نماید. این نوشتار که مقدمه‌ای بر پژوهش درباره منابع مربوط به میرزا کوچک‌خان جنگلی در کتابخانه ملی و آرشیو ملی ایران است با تکیه بر کلیدواژه‌های تحقیق درباره میرزا کوچک به کاربرد نکته‌هایی برای تسریع در جست‌وجوی منابع و رسیدن به مجموعه‌ای جامع از مواد پژوهشی موردنظر است و به نکته‌هایی مانند استفاده از گیومه، نیم‌فاصله، وجه‌مشترک کلیدواژه‌ها و عملگرهای نرم‌افزار کتاب‌شناسی ملی ایران اشاره می‌کند و پس از بررسی منابع مربوط به میرزا کوچک‌خان جنگلی بر اساس کلیدواژه‌های پیشنهادی و حذف تکراری‌ها، تعداد تقریبی کتاب، سند، مقاله، مواد دیداری-شنیداری و پایان‌نامه موجود در این سازمان را در اختیار اهل تحقیق قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

میرزا کوچک‌خان جنگلی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتاب‌شناسی ملی ایران، کلیدواژه‌ها، روش تحقیق، روش جست‌وجوی منابع.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲، صص: ۲۰۷-۲۰۰



مقدمه‌ای بر پژوهش درباره میرزا کوچک خان جنگلی در منابع سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سید علی کسائی^۱

مقدمه:

این تحقیق به دنبال منابع مرجع و تاریخی نیست که تاریخ زندگی و مبارزات میرزا کوچک و نهضت جنگل در آن آمده باشد. از این رو از جست‌وجوی کتب تاریخ سیاسی و اجتماعی و شرح احوال و تاریخ نهضت‌ها و مانند آن‌ها صرف‌نظر کرده و به منابع خاص و منحصر درباره میرزا کوچک جنگلی و نهضت جنگل تکیه کرده است.

کلیدواژه‌های تحقیق درباره میرزا کوچک

می‌توان تعداد رکوردهای به‌دست آمده در رسا یا کتاب‌شناسی ملی ایران را به‌دست آورد تا به تعداد اطلاعات موجود با این کلیدواژه‌ها پی برد. کلیدواژه‌هایی مانند:

۱- میرزا کوچک

۲- میرزا کوچک خان

۳- میرزا کوچک خان جنگلی

۴- نهضت جنگل

۵- یونس بن میرزا بزرگ

۶- کوچک جنگلی

۷- کوچک خان

۱. مربی، عضو هیئت‌علمی سازمان اسناد
و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛
alikasai@yahoo.com



- ۸- میرزا یونس
- ۹- قیام جنگل
- ۱۰- جنبش جنگل
- ۱۱- انقلاب جنگل
- ۱۲- روزنامه جنگل
- ۱۳- سردار جنگل
- ۱۴- جنگلی‌ها

چند نکته

نکته اول: انتخاب حد مشترک کلیدواژه‌ها برای جست‌وجوی کامل

در بین سه کلیدواژه اول یعنی میرزا کوچک، میرزا کوچک خان، میرزا کوچک خان جنگلی، دو کلمه «میرزا کوچک» حد مشترک است و بیشترین رکورد را دارد. تعداد رکوردهای منابع موجود با این کلیدواژه‌ها بدین ترتیب است:

میرزا کوچک: ۳۲۲

میرزا کوچک خان: ۲۱۴

میرزا کوچک خان جنگلی: ۳۰

با جست‌وجوی کلیدواژه «میرزا کوچک» در واقع هر سه کلیدواژه را جست‌وجو کردیم و گرچه برخی منابع را از دست می‌دادیم. چون بعضی منابع میرزا کوچک خان جنگلی با عنوان یا توصیفگر «میرزا کوچک» نوشته یا فهرست کرده‌اند. پس یافتن حد مشترک کلیدواژه‌ها برای جست‌وجو اهمیت به‌سزایی دارد.

نکته دوم: کلیدواژه مرکب در میان «گیومه»

در کلیدواژه میرزا کوچک بدون گیومه ۶۱۵ رکورد داریم و با گیومه یعنی «میرزا کوچک» ۳۲۲ رکورد. ۶۱۵ رکورد هم شامل منابعی است که در آن‌ها دو کلمه میرزا و کوچک در کنار هم آمده است و نام میرزا کوچک را بیان می‌کند و هم منابعی که در آن‌ها دو کلمه میرزا و کوچک جدا از هم آمده که بیان‌کننده نام میرزا کوچک نیست. از جمله منابعی که این دو کلمه جدا از هم در دو قسمت از فهرست آمده‌اند مانند:

- نسخه خطی ۵-۳/۲۳۴۶۲ جامع‌الاسرار نورعلیشاه، کاتب میرزا امین آجودان ابن کوچک خان سمیرمی.
- سند ۸۸۱/۹۹۸/۹۶ مصالحه‌نامه بین میرزا سید حسین فرزند میرزا سید زین‌العابدین از



حاجی محمد حسن فرزند آقا کوچک.

- مقاله ۷۸۹۱-۸۵ کارگردانی برای آنسوی آتش : کیانوش عیاری/نوید میرزا علی، قاب کوچک جام جم، ش. ۷۱، (۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۵)، ص. ۸.
- کتاب سربی کفایه‌التعلیم اثر میرزا حسن رشديه، قطع: ۱۲۸۱۹/۵ س.م. (ربعی کوچک) رکورد ۱۰۰.
- عکس ۴۳۱۰۰۳ محمد علی میرزا قاجار با لباس قزاقی سوار بر اسب، نمای پشت او درختان بلند و گلدانهای کوچک چیده شده بر روی زمین.
- پایان نامه ۳۹۳۹۶۰۳ بررسی عوامل مؤثر پذیرش تجارت الکترونیک بر تبیین استراتژی بازاریابی در بنگاه‌های کوچک (مطالعه موردی: شرکت‌های شهرستان شبستر) [پایان نامه]/ زهرا خلیلیان وایقان؛ استاد راهنما میرزا احسن حسینی؛ استاد مشاور فاطمه عیدی.
- کتاب خیال، نام کوچک توسل/ مهدی میرزا رسول زاده.

البته رکوردهایی که ترکیب میرزا کوچک را در کنار هم در بر دارد همگی در معرفی میرزا کوچک خان جنگلی نیست. در بررسی ۶۱۵ رکورد کلیدواژه میرزا کوچک متوجه می‌شویم که از ۱۰۰ رکورد اول حدود ۳۰ رکورد و از ۱۰۰ رکورد دوم ۵۸ رکورد مربوط به میرزا کوچک جنگلی نمی‌شود؛ به طوری که یا نام فردی دیگر است مانند محمد شفیع وصال شیرازی خوشنویس معروف قرن سیزده و محمد قاسم اصفهانی خوشنویس قرن دوازدهم که آن‌ها هم مشهور به میرزا کوچک بودند. از جمله این افراد بعضی معروفند مانند:

- میرزا کوچک اصفهانی خوشنویس سده ۱۲ رکورد ۳۰ شاگرد درویش، مانند قطعه خط ۴۸-۷۹۳۵، اصفهان: کاتب: محمد قاسم میرزا کوچک اصفهانی: اوائل ربیع الاول ۱۲۹۲ق.
- میرزا کوچک وصال شیرازی خوشنویس سده ۱۳ق. که قطعه‌های خوشنویسی و کتاب‌های خطی بسیاری کتابت کرده مانند نسخه خطی ۶۰۲۴ ع که در انجامش آمده: انجام نسخه: من الجنة و الناس ... و انا العبد المذنب العاصی محمد شفیع شیرازی المشتهر بمیرزا کوچک المتخلص بالوصال غفرالله له و لوالديه.
- و بعضی غیر معروفند مانند افراد منابع ذیل:
- سند ۵۵۱۶/۲۹۵ پرداخت مستمری، برپائی تعزیه امام حسین (ع) از سوی حاجی میرزا کوچک شیرازی، ۱۲۵۲ و ۱۲۵۵ق.
- سند ۸۷۳۲/۲۹۳ شکایت یکی از بانوان نسبت به نحوه تقسیم عواید موقوفات حاج میرزا کوچک در برخوار اصفهان.
- پایان نامه ۵۱-۶۴۰۷ باشگاه فرهنگی دفاع مقدس [پایان نامه] دانشجو سعید پدرام؛ استاد



راهنما: احمد میرزا کوچک خوشنویس، استاد مشاور: فریبرز کریمی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در قزوین، ۱۳۸۲.

- پوستر تبلیغاتی ۱۱۲۷۰۰۵ محمدحسین صدیقی (معروف به میرزا کوچک خان) کاندیدای سومین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر بردسکن.
- یا افراد دیگر مانند درویش رحمتعلی معروف به حاجی میرزا کوچک در سند ۳۲۳/۲۸۰/۹۹ و محمد حسین بن زین‌العابدین معروف به میرزا کوچک مشهور به نائب‌الصدر، ۱۲۸۵ ق، کاتب کتاب خطی ۵۰۷۴-۱۱۱ مراح الارواح اثر احمد بن علی یا محمدعلی مشهور به آقا میرزا کوچک ساوجی در بعضی از منابع.
- رکوردهایی هم با نام میرزا کوچک آمده که در توصیف فرد خاصی نیست بلکه نام مرکز یا مکانی است مانند:
- پایان‌نامه ۳۶۳۸۵۵۷ تحلیل وضعیت کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی و ارتباط آن با هوش سازمانی: (مطالعه موردی: شرکت توسعه نیشکر میرزا کوچک خان)
- پایان‌نامه ۵۱-۷۱۰۵۲ بررسی اثر داروی سیزاپراید در وزن‌گیری نوزاد LBW مبتلا به ریفلاکس کاستروازوفازئال (GERD) در بیمارستان میرزا کوچک خان تهران از بهمن ۸۱ لغایت بهمن ۸۳
- سند ۳۸/۲۹۳/۹۰ نام‌گذاری فرودگاه بین‌المللی رشت به فرودگاه بین‌المللی میرزا کوچک خان.
- کتاب روزی که دنیا را لرزاند/ جان رید؛ ترجمه از رحیم نامور، بهرام‌دانش، [تهران]: نشر کوچک خان.
- بنابراین طبیعی است که حدود نیمی از ۶۱۵ رکورد مربوط به میرزا کوچک خان جنگلی نباشد.

نکته سوم: رعایت حد فاصله و گاه عدم رعایت آن

در کلیدواژه «میرزا کوچک» بین دو کلمه فاصله‌ای وجود دارد که در هر نوشته‌ای از جمله فهرست‌نویسی رعایت می‌شود. اما گاه ممکن است فهرست‌نویس اشتباهاً این فاصله را رعایت نکند و یا واژه مرکب به هر دو صورت نوشته شود و فهرست‌نویس بنویسد: «میرزا کوچک». در این صورت اگر ما هم در جست‌وجویمان به این صورت ننویسیم برخی منابع را از دست می‌دهیم. در مورد همین کلیدواژه در منابع کتابخانه ملی در دو حالت با فاصله و بدون فاصله این رکوردها را در جست‌وجو می‌بینیم:

«میرزا کوچک»: ۳۲۴



«میرزا کوچک»: ۳۵۵

و این یعنی بعضی از کتاب‌ها به صورت «میرزا کوچک» بدون فاصله یا با نیم‌فاصله فهرست شده است. و تعداد آن‌ها که مکمل تحقیق مان است با حذف کتب تکراری ۲۸۴ عنوان است. مانند:

- کتاب درآمدی تحلیلی-تاریخی بر شخصیت، آراء و اندیشه‌های میرزا کوچک خان جنگلی و مکاتبات سردار جنگل با نگاهی به اسناد/ جعفر مهرداد.
- سند ۳۱۸۲/۲۹۶ سفارش میرزا کوچک خان به سید محمدعلیخان کمیسر مالیه در واگذاری پست به آقامیرزاعلی اصغرخلیلی در فومن ۱۳۳۸.
- مقاله بزرگ سردار جنگل-مروری بر مبارزات میرزا کوچک خان جنگلی در عصر مشروطه/ علوی، یحیی.
- پوستر ۲۸۸۲۵۹۲ رهبر نهضت اسلامی جنگل میرزا کوچک خان جنگلی
- جنبش جنگل و میرزا کوچک خان: خاطرات میر احمد مدنی، عضو شورای اتحاد اسلام و مدیر روزنامه پرورش / محمدتقی میرابوالقاسمی.
- اگر محقق این نکته را رعایت نکند از حدود ۲۸۴ کتاب بی‌خبر می‌ماند. و این بحث در سایر کلیدواژه‌ها هم می‌تواند صادق باشد. مانند «نهضت جنگل»:
- نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه / وزارت امور خارجه.
- این اثر اگر کلیدواژه نهضت جنگل بدون فاصله یا با نیم‌فاصله یعنی به یکی از دو صورت «نهضت جنگل» یا «نهضتجنگل» تایپ و جست‌وجو نشود، به دست نمی‌آید.
- شاید این چالشی در فهرست‌نویسی و یا مستندنویسی باشد. زیرا کلیدواژه مستند برای میرزا کوچک را در منابع کتابخانه ملی به دو صورت با فاصله و بدون فاصله مشاهده می‌کنیم:
- میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق.
- میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق.
- و امید آن که از سوی همکاران کتابدار به رفع آن اقدام شود.
- بنابراین به نظر می‌رسد که برای دستیابی به منابع جامع نیازمند آنیم که هم با فاصله و هم بدون فاصله و هم با نیم‌فاصله کلمات را در کلیدواژه جست‌وجویمان قرار دهیم.

نکته چهارم: استفاده از امکانات جست‌وجوی پیشرفته

در برنامه پارس آذرخش که نرم‌افزار کتاب‌شناسی ملی ایران بر اساس آن تهیه شده، امکان جست‌وجوی پیشرفته وجود دارد که برای رسیدن به منابع موردنظر مفید است. در این برنامه با روش جست‌وجوی ترکیبی یا حذفی می‌توان با استفاده از عملگرهای: و، یا، بجز، کلمات را



با هم یا بدون هم در منابع جست‌وجو کرد.

مثلاً «میرزا کوچک» با استفاده از گزینه بجز به همراه کلمه خان جست‌وجو شود ۲۳۷ مورد رکورد می‌دهد و با استفاده از گزینه بجز به همراه کلمه خان ۸۵ رکورد. و نتیجه اولی می‌شود میرزا کوچک خان و دومی میرزا کوچک که غالباً آثار آقا میرزا کوچک وصال را معرفی می‌کند. به‌جای استفاده از عملگر و می‌توان از ایجاد فاصله در جست‌وجو استفاده کرد. یک فاصله بین دو کلمه به معنی جست‌وجوی یک کلمه با کلمه دیگر است و نتیجه جست‌وجو رکوردهایی است که هر دو کلمه را دارا می‌باشد. از عملگر بجز می‌توانیم برای حذف تکراری‌ها استفاده کنیم. مثلاً اگر منابع کلیدواژه «میرزا کوچک» را جست‌وجو کردیم و سپس منابع کلیدواژه «نهضت جنگل» را جست‌وجو می‌کنیم چون تعدادی از رکوردهای این دو کلیدواژه مشترک است و در هر دو جست‌وجو آمده است برای حذف تکراری‌ها از عملگر بجز بهره می‌گیریم و کلیدواژه «نهضت جنگل» را با عملگر بجز و کلیدواژه «میرزا کوچک» جست‌وجو می‌کنیم. در این صورت منابعی که در آن کلیدواژه «نهضت جنگل» آمده ولی کلیدواژه «میرزا کوچک» نیامده، به‌دست می‌آید. همین کار را با کلیدواژه‌های دیگر مانند جنبش جنگل، قیام جنگل و غیره انجام می‌دهیم تا با منابع تکراری مواجه نشویم.

با عملگر یا از منابعی که دارای دو کلیدواژه چه با هم و چه بدون هم باشند، مطلع می‌شویم. مثلاً اگر می‌خواهیم از منابعی که در مورد «میرزا کوچک» یا «نهضت جنگل» است باخبر شویم، این دو کلیدواژه را در دو فیلد و با استفاده از عملگر یا جست‌وجو می‌کنیم. در این صورت همه منابع مربوط به میرزا کوچک یا نهضت جنگل به‌دست می‌آید. البته نرم‌افزار کتاب‌شناسی ملی قابلیت‌های بسیاری دارد که دانستن آن در مراحل مختلف جست‌وجو از انتخاب کلیدواژه تا ذخیره اطلاعات برای محقق مفید است.

منابع مربوط به میرزا کوچک خان و نهضت جنگل

الف- کتاب: تعداد کتاب‌ها با توجه به کلیدواژه‌ها با حذف تکراری‌ها: ۱۱۹

- میرزا کوچک ۹۲
- نهضت جنگل ۱۹
- جنبش ۳
- انقلاب ۳
- روزنامه جنگل ۱
- کوچک خان ۱

البته گاه ممکن است از طریقی دیگر به منابع بیشتری دست یابیم. مانند کتاب‌شناسی آخر



کتاب‌ها و مقالات و یا کتاب‌هایی باشند که با هیچ یک از کلیدواژه‌های انتخاب‌شده نتوان یافت و یا به کلیدواژه‌های دیگری نیاز است.

ب- سند: تعداد اسناد با توجه به کلیدواژه‌ها با حذف تکراری‌ها: ۲۵۱

- میرزا کوچک ۷۴
- نهضت جنگل ۷۴
- جنبش جنگل ۹۶
- کوچک خان ۴
- روزنامه جنگل ۲
- جنگلی ۱

ج- مقالات: تعداد مقالات با توجه به کلیدواژه‌ها با حذف تکراری‌ها: ۱۹۴

- میرزا ۱۳۲
- نهضت ۲۱
- جنبش ۳۹
- کوچک جنگلی ۱
- سردار ۱

د- دیداری-شنیداری: تعداد منابع دیداری-شنیداری با توجه به کلیدواژه‌ها با حذف

تکراری‌ها: ۴۵

ه- پایان‌نامه‌ها: تعداد پایان‌نامه‌ها با توجه به کلیدواژه‌ها با حذف تکراری‌ها: ۱۶

و- تاریخ شفاهی: تعداد منابع تاریخ شفاهی: ۲

مجموع منابع: تقریباً $۶۲۷ = ۱۱۹ + ۲۵۱ + ۱۹۴ + ۴۵ + ۱۶ + ۲$



حمله قوای جمهوری انقلابی جنگل به مازندران

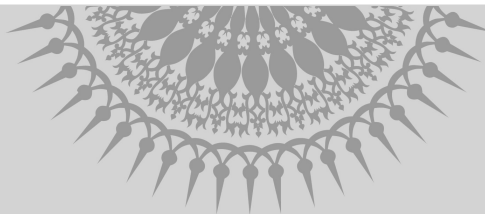
مصطفی نوری

چکیده:

با شکل‌گیری جمهوری انقلابی گیلان در بهار ۱۳۹۹ خورشیدی، بخشی از قوای گیلان به امید همراه کردن سران ناراضی و قوای نظامی در مازندران برای حمله به تهران رو به سوی آن صفحات نهادند. آنان هنگامی در مشهد سر پیاده شدند که کابینه وثوق‌الدوله سقوط کرده بود و کابینه مشیرالدوله روی کار آمد. با توجه به تغییر اوضاع در مرکز، پیش‌بینی قوای جنگل غلط از آب درآمد و آن‌ها نتوانستند اطمینان قوای نظامی را به‌دست بیاورند. مضاف بر آن پسران امیرمؤید که عمده‌ترین نیروی معترض حاضر در صحنه بود، با روی کار آمدن مشیرالدوله ترجیح دادند با دولت مرکزی کنار بیایند. از سوی دیگر، افراد استاروسلسکی فرمانده قوای قزاق، به بارفروش یورش بردند و درحالی‌که خبر شکست بخشی از نیروی جنگل اعزامی به بندرگز به سعدالله‌خان درویش فرمانده آنان رسید، او به مشهدسر عقب‌نشینی کرد. بروز اختلاف بین میرزا کوچک‌خان و قوای بلشویک در نهایت منجر به بازگشت سعدالله‌خان به گیلان شد. این مقاله بر آن است تا با استفاده از منابع و اسناد و همچنین با بررسی خاطرات و دست‌نوشته‌های منتشرنشده، این واقعه را مورد بررسی و بازبینی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها

قوای جنگل، مازندران، گیلان، سعدالله‌خان، میرزا کوچک‌خان.



حمله قوای جمهوری انقلابی جنگل به مازندران

مصطفی نوری^۱

مقدمه:

بامداد روز سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ خورشیدی ارتش سرخ پس از شلیک چند تیر توپ به سواحل غازیان در بندر انزلی پیاده شد. راسکولنیکف فرمانده ارتش سرخ علت این حمله را تعقیب قوای ضدانقلابی ژنرال دنیکن قلمداد کرد. سران جنگل پس از اطلاع از این رویداد نماینده‌ای برای اطلاع از نیات آنان نزد فرمانده ارتش سرخ فرستاد و چیزی نگذشت که میرزا کوچک‌خان وارد انزلی شد و بلافاصله مذاکرات آغاز شد. گفت‌وگوها پیرامون پیشرفت انقلاب روسیه و مساعدبودن زمان برای برافراشتن پرچم انقلاب سرخ در ایران دور می‌زد که همه درباره آن اتفاق نظر داشتند. با توجه به ملاحظات مذهبی که میرزا داشت در نهایت توافق شد تا حکومت جمهوری انقلابی موقت بدون اجرای اصول کمونیسم و مسائلی نظیر الغاء مالکیت و مصادره اموال تشکیل شود و پس از ورود به تهران و تأسیس مجلس مبعوثان هر نوع حکومتی که نمایندگان ملت بپذیرند را محترم شمارند و شوروی‌ها مداخله‌ای در ایران نداشته باشند. اندکی بعد رشت در تصرف نیروهای جنگل درآمد و بر حسب توافقی که صورت گرفته بود، برای اداره امور کمیته‌ای مرکب از اعضاء ایرانی و روس در رشت تشکیل یافت (فخرایی، ۱۳۵۷، ص ۲۳۳-۲۶۳).

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
m_n_savadkouhi@yahoo.com



وضع مازندران هم‌زمان با اتفاقات گیلان

مقارن همان اوقات، هیچ‌یک از تلاش‌های ظهیرالملک در مازندران برای واداشتن پسران امیرمؤید به تسلیم نتیجه نداد و در نهایت دست‌به‌دست کردن و مقاومت نه‌ماهه سیف‌الله‌خان و هژیرالسلطان آنان را به نتیجه مطلوب رساند. کابینه وثوق‌الدوله سقوط کرد و مشیرالدوله در چهاردهم تیرماه ۱۲۹۹ خورشیدی رسماً ریاست دولت را پذیرفت. این بهترین بشارتی بود که می‌توانست به پسران امیرمؤید برسد. هم‌زمان با روی کار آمدن مشیرالدوله، جمهوری انقلابی گیلان در مقام تعمیم سیطره‌اش بر تمام ایران برآمد. بنابراین رفع غائله گیلان که مردم را در سراسر کشور به انقلاب فراخوانده بود اولین وظیفه دولت مشیرالدوله تلقی می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۲۳۲-۲۳۴).

نقشه میرزا برای حمله به تهران

در این هنگام نقشه میرزا کوچک‌خان تصرف تهران از دو سو؛ یکی از طرف منجیل و قزوین بود و دیگری از سمت مازندران، تا «... کار را یکسره کنند و بتوانند در مرکز، دولت حقیقتاً ملی تشکیل داده و سیاست اجنبی را به کلی قطع کنند.» در جهت دست یافتن به چنین هدفی بود که رفیق سعدالله درویش از اعضای «حکومت شوروی ایران و جمعیت انقلاب سرخ» با سمت «صدارت شورای انقلابی قشون سرخ اعزامی مازندران ... برای پیشرفت انقلاب سرخ ایران در صفحات مازندران و استرآباد ...» مأموریت یافت (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵-۱۳۸).

چنان‌که سعدالله‌خان درویش در خاطراتش نوشت وی با یک کشتی جنگی و مهمات فراوان، همراه با یک‌صد نفر مجاهد به ریاست مشهدی انام، یک‌صد نفر سرباز روس به سرکردگی پلایف، پنجاه نفر قزاق تحت فرمان سلطان حسن‌خان و گروهی از صاحب‌منصبان رو به سوی مازندران نهاد. آنان مهمات فراوان برای تجهیز قوای نظامی مازندران به همراه داشتند که امیدوار بودند به آن‌ها ملحق شوند (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵-۱۳۸؛ فخرایی، ۱۳۵۷، ص ۲۶۳).

واکنش سران مازندران به ورود قشون سرخ

از سوی دیگر در مازندران اوضاع در حال دگرگونی بود، خبر سقوط کابینه وثوق‌الدوله به منطقه رسیده بود و حکمران با صلابت دوران وثوق‌الدوله؛ یعنی ظهیرالملک در حالت بلاتکلیفی به سر می‌برد. اردوی ژاندارمری در سوادکوه به ریاست حبیب‌الله‌خان شببانی نیز در شرایط مشابهی به سر می‌برد. در این میان با پیاده‌شدن یک واحد از قوای جمهوری سوسیالیستی گیلان در



مشهدسر در بعدازظهر روز دوشنبه چهاردهم تیرماه، ظهیرالملک موقعیت متزلزلی پیدا کرد. آنان «... حین ورود به مخاطب‌السلطان^۱ حاکم بارفروش که اتفاقاً آن روز در آنجا بود برخورد «... و او را به کشتی جنگی خود بردند (مُتما،^۲ ۵۵-۸۰۲-۱۴م). دستگیری مخاطب‌السلطان باعث شد پاره‌ای از اعیان، متمولین و تجار بارفروش به ساری بگریزند. در خلال این رویدادها چنان‌که ظهیرالملک نوشت به ملاحظه وجود فقط صد نفر نیروی ژاندارم و دویست نفر قزاق در مرکز حکومت و «... به واسطه نداشتن تلفن، فقدان وسایل تحقیقی که هر دقیقه امکان داشت حکومت هم محصور گردد، ناچاراً خود را به اردوی ژاندارمری در شیرگاه رساند (مُتما، ۵۵-۸۰۲-۱۴ م، ۱۵۵ تا ۴۶۱۴۹-ن) گزارش ظهیرالملک به رئیس‌الوزراء، ۱۸ سرطان ۱۲۹۹). سعدالله‌خان علت رعب و وحشت ظهیرالملک را آن دانست که هنگام پیاده‌شدن قوای انقلابی در مشهدسر و استقرار در اداره گمرک آنجا دستور داده بود کشتی جنگی چند تیر توپ به کوه‌های مرتفع مازندران شلیک کند «... همین چند تیر توپ سبب شد که آقای ظهیرالملک با تمام قزاق‌های مأمورین حکومتی، مازندران را تخلیه و فوراً به طهران رفتند». اندکی بعد نیز قوای سعدالله‌خان وارد بارفروش شدند (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷-۱۴۸).

تلاش برای جلب اطمینان قوای نظامی حاضر در مازندران

در این هنگام مهم‌ترین اقدامی که می‌بایست صورت می‌گرفت جلب اطمینان نیروهای نظامی حاضر در مازندران نسبت به قوای انقلابی بود. با دگرگونی‌هایی که در عرصه سیاست در روزهای اخیر صورت گرفته بود تمامی پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته غلط از آب درآمد. حبیب‌الله‌خان شبیانی رئیس اردوی ژاندارمری مازندران که از دوستان دوران تحصیل سعدالله‌خان بود پیشنهاد ریاست ارکان حرب جنگل را رد کرد «... و در جواب گفت: اگر وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء بود حتماً قبول می‌کردم که به جنگل بروم، چون فعلاً مشیرالدوله رئیس امور است باید به او کمک کرد.» (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹). در نوزدهم تیرماه هنگامی که ظهیرالملک خود را به فیروزکوه رسانده بود و عازم تهران بود خبر عقب‌نشینی قوای نظامی مستقر در اردوی شیرگاه را نیز به اطلاع رساند (مُتما، ۵۵-۸۰۲-۱۴ م؛ ایران، ۲۰ سرطان ۱۲۹۹ ش، ص ۲).

واکنش پسران امیر مؤید به ورود ارتش سرخ گیلان

غیر از نیروی ژاندارمری تحت فرمان حبیب‌الله‌خان که حاضر نشد با انقلابیون گیلان همکاری کند، تنها نیروی نظامی بومی که نیروی جنگل می‌توانست از آن برای فتح تهران بهره ببرد، تفنگداران پسران امیر مؤید بودند. اینکه ظهیرالملک عقیده داشت این دو برادر از زمانی که

۱. مخاطب‌السلطان رفیعی از خویشاوندان حسن‌خان ظهیرالملک بود (مهجوری، ۱۳۴۵، ص ۲۹۹).
۲. مُتما: مؤسسه تاریخ معاصر ایران.



«... جمعیتی را دور خود جمع کرده و بنای این اقدامات را تحت عنوان حق طلبی ...» گذاشته بودند «... همیشه انتظاراتی از طرف دریا برده ... انتظاراتی هم از طرف استرآباد و مهدی شاه و ترکمنان ...» می‌بردند و جنگلی‌ها برای حمایت آنان و همراهی آنان آمده بودند، احتمالاً برآورد بی‌اساس نبود (مُتَمَّا، ۱۵۵ تا ۴۶۱۴۹-ن). این نظر هنگامی تقویت می‌شود که شروین باوند که در دل حادثه بود، در خاطراتش اظهار داشت قوای انقلابی ایران «... برای کمک به جنگجویان باوند وارد آب‌های بابلسر و مشتاق دیدار فوری با پارتیزان‌های باوندند» (آریان به گرد یک درفش، زندگی‌نامه و گزیده آثار آریاپارت شروین باوند، ۱۳۹۳، ص ۴۷؛ نگاهی به زندگی و خاطرات پرفسور شروین باوند، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵-۱۵۸). البته چنان که پیشتر آمده است هدف آنان تصرف تهران بود تا کمک به جنگجویان سوادکوه. جمهوری گیلان هنگامی دست به اقدام زد که دیگر رؤیای مبارزه با وثوق‌الدوله بر سر پسران امیرمؤید نبود و آنان خود را به رسیدن حق پایمال شده خود نزدیک می‌دیدند.

علت ورود پسران امیرمؤید به بارفروش

پس از ورود نیروهای جنگل به مازندران و پیشروی آنان تا بارفروش وضعیت حاکم بر آن سامان به کلی تغییر یافت و مواضع قوای سوادکوه از رویارویی با دولت مرکزی به حمایت از آن تغییر کرد. اینک با توجه به مخاطراتی که مازندران را تهدید می‌کرد سیف‌الله‌خان و هژبرالسلطان که با همراهان خود در جنگل‌های بابل کنار مستقر بودند، چاره‌ای جز ورود به بارفروش نداشتند، زیرا از یک‌سو بلشویک‌ها خواستار ملاقات با آنان بودند و از سوی دیگر امیراشرف عموی آن‌ها که حکمران بارفروش بود، به همراه خانواده‌اش در شهر سکونت داشتند. از عوامل دیگر می‌توان به مأموریتی که سهام‌الدوله^۱ حکمران جدید مازندران به عهده سیف‌الله‌خان گذاشته بود یاد کرد مبنی بر اینکه «... خودتان را سریعاً به عنوان مساعدت به بارفروش برسانید و به قدری که در قوه دارید برای جلوگیری از تجاوزات به اهل شهر و اهالی مازندران کوشش نمایید. بلکه از جدیت شما ساکنین بارفروش و مازندران از هرگونه آسیبی تا ورود اردو در امان باشند» (یادداشت‌های سیف‌الله‌خان سرتیپ، ص ۲۰-۲۱).

در خلال این روزها مکاتباتی چند، بین سیف‌الله‌خان سرتیپ و رفیق سعدالله‌خان رد و بدل شد. اظهار بی‌طرفی از سوی سیف‌الله‌خان مورد موافقت سعدالله‌خان قرار نگرفت و از او خواسته شد مبالغ قابل ملاحظه‌ای «... از اهالی بارفروش گرفته به‌طور اعانه به منفعت شورای جمهوری انقلاب ایران ...» تحویل دهد و تصریح کرد برای رفاه و سعادت ایران با آن‌ها متحد شود (دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، مجموعه اول، ص ۱۸). سیف‌الله‌خان در بیستم تیرماه به ماژور حبیب‌الله‌خان فرمانده کل قوای دولتی مستقر در سوادکوه اطلاع داد به دلیل «...

۱. وی در اواسط سرطان ۱۲۹۹ ش. «مأمور تسویه امورات و رسیدگی به تظلمات عارضین ...» شده بود و سپس به حکمرانی مازندران منصوب شد (ساکیا: ۲۹۳۰۰۲۷۱۴).



پیشامد بارفروش و خالی نمودن قوای دولتی ...» و وحشت فوق‌العاده اهالی و همچنین به‌علت حضور خانواده امیرالشرف در شهر، خود را به گتاب در نزدیکی بارفروش رساند. وی در تلاش بود موجبات رهایی امیرالشرف را فراهم آورد. در این بین اهالی بارفروش نیز از سیف‌الله‌خان درخواست کردند برای محافظت از آنان در برابر تجاوزهای احتمالی جنگلی‌ها وارد بارفروش شوند (دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، مجموعه اول، منتشرنشده، اوراق نخست بدون شماره صفحه).^۱

از سوی دیگر سهام‌الدوله با نوید رهایی قریب‌الوقوع امیرمؤید و فراهم‌شدن موجبات آسایش پسران امیرمؤید از سیف‌الله‌خان خواست که به‌عنوان مساعدت با جنگلی‌ها داخل آن‌ها شوند و شروع به تحقیقات کنند و تأکید کرد «... نمایش موافقت را قسمی بدهید که احدی تصور این مقصود باطن نباشد» و از او خواست پس از بررسی اگر عده و استعداد آنان در حدی بود که قادر به دفع آن‌ها بود، اقدام نماید و در غیر این صورت به اولیای دولت گزارش دهد (دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، مجموعه اول، ص ۶۲). در خلال همین ملاحظات بود که علما و محترمین بارفروش نیز در ۲۴ تیرماه از سیف‌الله‌خان و هژبرالسلطان خواستند «... دقیقه‌ای وقت را از دست نداده حیات هفت‌هزار اهالی بارفروش را ...» احیا کنند. و سنت «... مرضیه پدر بزرگوارتان را که در هر موقع خطرناک حامی و حافظ مازندران بود، در نظر گرفته هرچه زودتر خودتان را به بارفروش برسانید» (یادداشت‌های سیف‌الله‌خان سرتیپ نسخه منتشر نشده، ص ۲۰-۲۲).

سیف‌الله‌خان در نامه پیش‌گفته به ماژور حبیب‌الله‌خان یادآور شد که از آغاز قصد و نیتی جز احقاق حق خود و انفصال آقای وثوق‌الدوله نداشتند و اینک نیز فقط منتظر مراجع دولت و اصلاح امور خودشان هستند. وی همچنین افزود: «... لیکن از نقطه‌نظر حفظ منافع ایلیت ناگزیر از حمایت اهل شهر و مساعدت آن‌ها و جلوگیری از تعدیات اجانب به‌قدر وسع خود خواهیم بود» (دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، مجموعه اول، اوراق نخست بدون شماره صفحه). در چنین چارچوبی سیف‌الله‌خان و هژبرالسلطان با همراهانشان وارد بارفروش شدند و با قوای بلشویک جنگل ملاقات کردند. دیری نگذشت که سیف‌الله‌خان و سعدالله‌خان به رتق و فتق امور سیاسی مشغول شدند و هژبرالسلطان با جنگجویان جنگلی و سوادکوهی و فرماندهان روس در باغ امیرمکرم لاریجانی که خود اینک در تبعید بود مستقر شدند. شروین باوند در اشاره به این تحولات اظهار داشت: «... هژبر و من و یک افسر روسی فرمانده آتشبارها در پارک کنار شهر به تشکیلات صرفاً جنگی پارتیزانی و آشنایی با تیربارها پرداخته به دور از امور سیاسی و این مهم را سرتیپ [سیف‌الله‌خان] و گویا یکی از سران مازندران، سعدالله‌خان نماینده جنگل ...» بر عهده داشتند (آریان به گرد یک درفش، زندگی‌نامه و گزیده آثار آریاپارت شروین باوند، ۱۳۹۳، ص ۴۸-۴۹).

۱. این نامه با عنوان «سیف‌الله‌خان باوند کیوسیه» به امضاء رسید.



اعزام قوای قزاق به فرماندهی استاروسلسکی

در کنار تلاش‌هایی از این دست که حفظ جان و مال اهالی در اولویت اصلی آن قرار داشت اگرچه در آغاز قوای نظامی با انتشار خبر حملهٔ بلشویک‌ها بی‌درنگ پا به فرار گذاشته بودند و عقب‌نشینی کردند اما دولت مرکزی بیکار ننشست. به حکم احمدشاه سردار استاروسلسکی^۱ رئیس کل قزاق‌خانه «... به سمت فرماندهی کل قوا دفاعیه مازندران و طهران انتخاب شد و علاوه بر قوایی که از تشکیلات قزاق تهران با او اعزام شدند «... فرماندهی کل نظامیان سواحل و محلی مازندران اعم از سوار و سرباز و توپچی به عهدهٔ ... وی واگذار شد. هیئت دولت نیز در یک تصویب‌نامهٔ هجده ماده‌ای در جلسهٔ نوزدهم تیرماه ۱۲۹۹ خورشیدی اختیارات تام به استاروسلسکی داد که اجرای حکومت نظامی در مازندران و نواحی آن، سرکوبی متجاوزین بلشویک و جمع‌آوری اسلحه از اهداف اصلی آن به شمار می‌آمد (روزنامه ایران، سرطان ۱۲۹۹، ص ۱).

استاروسلسکی که اینک فرماندهی کل قوای دفاعیهٔ مازندران را بر عهده داشت در روزهای پایانی تیرماه خود را به فیروزکوه رساند و طی اعلانی در مطبوعات به اهالی مازندران و حومه اطمینان داد اردوی قزاق زحمتی برای اهالی ندارند و از سوی دیگر به رؤسای نظامی حاضر در ساری نیز گوشزد کرد مسئولیت شرارت و غارتگری احتمالی قزاق متوجه آنان است و «... مرتکب باید قویاً مجازات شده و حتی بدون معطلی تیرباران شوند» (روزنامه ایران، ۳۱ سرطان ۱۲۹۹، ص ۱).

اعزام قوا به بندر جز و شکست در جنگ

چیزی نگذشت که با توجه به خالی‌بودن ساری از قوای نظامی و دولتی، این شهر نیز تحت اشغال نیروهای جنگل قرار گرفت. در خلال این ایام چنان‌که سعدالله‌خان روایت کرد بر اساس نامه‌ای که از بندرجز به او رسیده بود و عده‌ای اعلام آمادگی کرده بودند که برای فتح تهران به او بپیوندند، مشهدی صفر و همراهانش را با یک کشتی به بندرجز فرستاد. بر اساس گزارش مقصودلو ۲۵ نفر از قوای اعزامی آن‌ها دو ساعت از شب گذشته به ساحل وارد شدند و گمرک‌خانه را تصرف کردند و پس از گرفتن چند قبضه تفنگ از نظمیه و قطع سیم تلگراف امور بندر را در دست گرفتند. پس از اطلاع قائم‌مقام، حاکم استرآباد، یک‌صد و پنجاه نفر قزاق با دو عراده توپ برای مقابله به بندرجز اعزام شدند. مهدی‌خان ایلخانی و سایر خوانین و سرکردگان نیز با عده‌ای از سواران خود عازم بندر شدند (مخابرات استرآباد، گزارش‌های حسین‌قلی مقصودلو وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳، ص ۷۱۸-۷۱۹).

در نتیجهٔ تصادم و جنگ بین طرفین، مشهدی صفر و همراهانشان کشته شدند. فرمانده

۱. راجع به زندگی‌نامهٔ استاروسلسکی به روزنامهٔ ایران، ۲ جدی ۱۲۹۹ ش، ص ۲ مراجعه کنید.



کشتی که از ساحل جان به در برده بود، خود را به کشتی رساند و با بی‌سیم شرح موقوف را به اطلاع سعدالله‌خان رساند. در اقدامی تلافی‌جویانه سعدالله‌خان دستور داد شصت تیر توپ به سوی بندر شلیک شود (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷) و یک طرف گمرک را خراب کردند. با ورود نیروهای دولتی دکان‌های تجار رشت مقیم بندر جز که احتمالاً در نامه نوشتن به سعدالله‌خان و دعوت وی به شهر دست داشتند چپاول شد. مظنونین بازداشت و در زندان نظمیّه حبس شدند (مخابرات استرآباد، گزارش‌های حسین‌قلی مقصودلو و کیل‌الدوله، ۱۳۶۳، ص ۷۱).

عقب‌نشینی سعدالله‌خان درویش به مشهدسر

شکست قوای جنگل در بندر جز و هم‌زمان رسیدن خبر ورود قریب‌الوقوع اردوی قزاق به مازندران، سعدالله‌خان درویش را واداشت به ساحل دریا یعنی مشهدسر عقب‌نشینی کند. سعدالله‌خان در خاطرات خود روایت کرد: «... روزی که از بارفروش به مشهدسر با عده‌ای از سواران روس می‌رفتم دیدم چند تیر از جنگل مجاور به طرف ما خالی شده، فوری فهمیدم که باید از طرف سیف‌الله‌خان پسر امیرمؤید که خیلی مودبی به‌نظر آمده بود خالی شده که ما را مجبور کند به بارفروش برگردیم، با حمایت رسمی ایشان از بارفروش به مشهدسر برویم». سعدالله‌خان بدون توجه به این تیراندازی‌ها خود را به مشهدسر رسانده بود. وی مقداری تجهیزات و مهمات نظامی را برای هژبرالسلطان فرستاد و تلاش داشت سیف‌الله‌خان را به نحوی به مشهدسر بکشاند. در این باره در خاطرات او آمده است: «... خیال داشتم پس از آمدن به مشهدسر او را همان‌جا نگاه دارم و اجازه ندهم تا مدتی به بارفروش برود» (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰-۱۵۱).

بی‌اعتمادی سعدالله‌خان به قوای سوادکوهی کاملاً بجا بود زیرا در خلال همین روزها سیف‌الله‌خان چندین مرتبه علمای ساری و بارفروش را نزد سران اردوی دولتی نظیر کاپیتان لاسن فرستاد تا آمادگی خود را برای شروع جنگ با بلشویک‌ها - در صورتی که «... به فوریت مذاکرات آن‌ها با دولت به طور قطعی خاتمه پیدا کند» - اعلام نمایند (مُتَمّا، ۳-۲۶۸۱-۱۲ م، نامه سیف‌الاسلام از علمای بارفروش به امیرمؤید، ۴ اسد ۱۲۹۹. ش؛ ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹). مشیرالدوله که از همراهی پسران امیرمؤید با قوای دولتی خرسند بود به امیرمؤید خبر داد «... از قراری که کاپیتان لاسن تلگراف کرد، سیف‌الله‌خان و سایر بستگان جنابعالی خواسته‌اند که به اردو آمده مشغول خدمتگذاری باشند» (دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، ص ۳۳).

بروز اختلاف بین میرزا و قوای بلشویک

درحالی‌که سعدالله‌خان در مازندران در تدارک حمله به سوی تهران سیر می‌کرد، تحولاتی

۱. همچنین به ابلاغیه وزارت جنگ در روزنامه ایران، ۳ اسد ۱۲۹۹. ش، شماره ۷۱۲ مراجعه کنید.



که در همین ایام در نهضت جنگل در جریان بود و پیشامد اختلاف نظری که به رویگردانی میرزا کوچک خان از بلشویک‌ها منجر شد، این نقشه را ناکام گذاشت. در نتیجه این تحولات سعدالله خان به گیلان احضار شد. از سوی دیگر اطلاع از عملیات نظامی قریب الوقوع قزاق، سعدالله خان را بر آن داشت همه قوای خود را به مشهدسر فراخواند. جز قدرت‌الله خان مدیر برادر ضیاءالله خان و همراهانش که در بارفروش مانده بودند، کلیه قسمت‌های قشون سرخ در مشهدسر متوقف شدند (خاطرات سعدالله خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹).

تصرف بارفروش به وسیله قوای قزاق

در این بین یک ستون از اردوی قزاق به فرماندهی کاپیتان دیگملوف خود را از راه سوادکوه به علی‌آباد و ستون دیگر از راه هراز خود را به آمل رسانده و از دو سو بارفروش را تهدید می‌کردند. درحالی که سیف‌الله خان با همراهانش در بیرون شهر سکونت داشتند و تصور نمی‌کرد به واسطه مذاکراتی که بین سعدالله خان و کلنل حبیب‌الله خان، رئیس ژاندارمری مازندران در جریان بود اردوی قزاق وارد بارفروش شود، این اتفاق به زودی روی داد. سیف‌الله خان با افرادش خود را به شهر رساند. اگرچه عده‌ای را نجات داد اما نتوانست قدرت‌الله خان، مامالف و عده‌ای دیگر از قوای جنگل که به امید فرار به مشهدسر از خانه‌ها خارج شده بودند را نجات دهند. همچنین تلاش‌های شروین باوند برای نجات خانواده پدری خود که اینک در شهر بارفروش سکونت داشتند بی‌نتیجه ماند (یادداشت‌های سیف‌الله خان سرتیپ، ص ۲۲؛ آریان به گرد یک درفش، ص ۴۹؛ مُتما، ۲۸۰۵۱-ن، تلگراف نایب دوم مقدس‌زاده رئیس ژاندارمری مأمور فیروزکوه به دیویزیون قزاق).

قزاق‌ها با این تصور که امیراشرف از همراهان بلشویک‌ها بود به خانه او حمله بردند. ساویر باوند کوچک‌ترین پسر امیراشرف که در آن روز در خانه پدرش بود به یاد داشت، صبح جمعه که قزاق‌ها به بارفروش حمله آوردند، قدرت‌الله خان با دو نفر از همراهانش از راه پشت‌بام خود را به خانه امیراشرف رسانده بودند. درحالی که قزاق‌ها این خانه را هدف قرار داده بودند، امیراشرف حضور آن‌ها را صلاح ندانسته و پسرش ساویر را با آنان همراه کرد تا بگریزند. سه بلشویک خود را به گلدسته مسجد شهر رساندند و در آن پناه گرفتند. پس از فرار آن‌ها قزاق‌ها منزل امیراشرف را به رگبار بستند و پس از شکستن در به داخل خانه ریختند. درحالی که امیراشرف هنوز لباس خواب بر تن و یک عبا بر دوش داشت به دست قزاق‌ها دستگیر شد. درگیری بین قزاق‌ها و خانواده امیراشرف به خصوص همسر و دخترانش بیش از یک ساعت به طول انجامید، تا آنکه فیلیپ‌اف فرمانده روسی، امیراشرف را شناخت و او را از چنگ قزاق‌ها نجات داد. در این حادثه بازوی چپ همسر امیراشرف با سرنیزه قزاق‌ها زخمی شد. قدرت‌الله خان نیز به دست

قزاق‌ها کشته شد (مصاحبه آقای مهران نوری با ساويز باوند، ۹ شهریور ۱۳۷۵. ش). سیزده نفر از قوای جنگل که دو نفرشان روس بودند به اسارت قزاق درآمدند (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰). با انتشار خبر ورود قزاق‌ها به بارفروش، سعدالله‌خان دیگر تاب مقاومت نیاورد و با قوای باقی‌مانده خود رو به سوی گیلان نهاد و اندکی بعد به میرزا کوچک‌خان که به فومن رفته‌بود، پیوست (خاطرات سعدالله‌خان درویش، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸-۱۵۹).

قضاوت امیرمؤید درباره این رویداد

امیرمؤید در متحدالمالی که پس از زد و خورد با قوای امیراحمدی در سال بعد از این ماجراها منتشر کرد در اشاره به این تحولات نوشت: «... در موقع ورود متجاسرین به مازندران و عقب‌نشینی قوای دولتی به سمنان، اولاد بنده چه خدمات بزرگی از نقطه‌نظر تعصب ایرانی‌ت به مازندران و مازندرانی بلکه ایران نمودند و چگونه یک مازندرانی را که ممکن بود از رشت بدتر شود از چند کرور خسارت متصوره مصون و محفوظ داشته، بدون دیناری خسارت وسیله حرکت متجاسرین را قبل از ورود اردوی دولتی از مازندران به سمت دریا فراهم نمودند و دو عراده توپ هم گرفته بودند» (دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، مجموعه اول، ص ۳۰).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت عمده‌ترین دلیل غلط از آب در آمدن پیش‌بینی قوای جنگل مبنی بر همراهی قوای نظامی ژاندارمری و قوای محلی پسران امیرمؤید تغییر کابینه و نشستن مشیرالدوله به جای وثوق‌الدوله بود که اساساً جهت‌گیری‌های سرکردگان مازندران را تغییر داد.



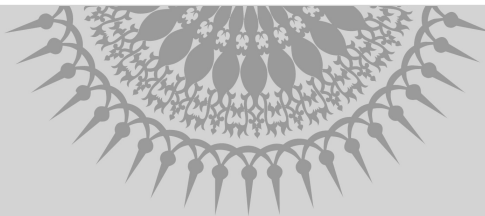
منابع

- آریان به گرد یک درفش، زندگی‌نامه و گزیده آثار آریاپارت شروین باوند (۱۳۹۳). به کوشش کاوه بیات و مصطفی نوری. تهران: پردیس دانش.
- ترکمان‌دهنوی، محمد (۱۳۷۸)، اسناد/امیرمؤید سوادکوهی. تهران: نشر نی.
- خاطرات سعدالله‌خان درویش (۱۳۸۷). به کوشش جهانگیر درویش. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- روزنامه ایران، ۲۰ سرطان ۱۲۹۹ ش، ص ۲.
- روزنامه ایران، ۲۸ سرطان ۱۲۹۹، ص ۱.
- روزنامه ایران، ۳۱ سرطان ۱۲۹۹، ص ۱.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷). سردار جنگل. تهران: جاویدان.
- کاتوزیان محمدعلی همایون (۱۳۸۰). دولت و جامعه در ایران. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- مَتما، ۱۵۵ تا ۴۶۱۴۹-ن.
- مَتما، ۲۸۰۵۱-ن، تلگراف نایب دوم مقدس‌زاده رییس ژاندارمری مأمور فیروزکوه به دیویزیون قزاق.
- مَتما، ۳-۲۶۸۱-۱۲ م، نامه سیف‌الاسلام از علمای بارفروش به امیرمؤید، ۴ اسد ۱۲۹۹ ش.
- مَتما، ۵۵-۸۰۲-۱۴ م.
- مَتما، ۵۵-۸۰۲-۱۴ م.
- مخابرات استرآباد (گزارش‌های حسین‌قلی مقصودلو وکیل‌الدوله) (۱۳۶۳). به کوشش ایرج افشار-محمدرسول دری‌گشت. تهران: نشر تاریخ ایران، ج ۲.
- مهبجوری، اسماعیل (۱۳۴۵). تاریخ مازندران. ساری.
- نگاهی به زندگی و خاطرات پرفسور شروین باوند (۱۳۷۲). به کوشش حسین صمدی. در قلمرو مازندران، ج ۲، قائم‌شهر: فرهنگسرای مازندران.

منابع منتشر نشده

- امیرمؤید سوادکوهی، دفتر مکاتبات امیرمؤید سوادکوهی، مجموعه اول.
- سیف‌الله‌خان سرتیپ، یادداشت‌های سیف‌الله‌خان سرتیپ.
- مصاحبه آقای مهران نوری با ساويز باوند، ۹ شهریور ۱۳۷۵ ش.





راهنمای انتخاب کاغذ با ماندگاری بالا

کارگروه تدوین شیوه‌نامه‌های آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران^۱

اطلاعات موجود در این مستند در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است و استفاده از آن برای تمام دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت، نهادها و سایر مؤسسات توصیه می‌شود.

مقدمه:

علی‌رغم ظهور فناوری‌های جدید، اتوماسیون‌های اداری و شبکه‌های تبادل اطلاعات بین دستگاه‌ها، کماکان کاغذ و فرآورده‌های کاغذی، وسیله‌ای برای ثبت، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات است و اهمیت ویژه‌ای در تولید اسناد دارد.

معمولاً اسناد اداری، از نظر طول عمر نگهداری ارزش متفاوتی دارند. لذا برای اسنادی که از ابتدا برای انجام اهداف مهمی تولید می‌شوند، انتخاب کاغذ مناسب از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از آنجاکه کاغذها بر اساس نوع مواد مصرف‌شده در تهیه آن‌ها و فرایند تولیدشان، دارای ویژگی‌های متفاوت هستند لذا کیفیت کاغذ، نه تنها متناسب با مواد مصرفی مورد استفاده در حین فرایند تولید، می‌تواند از کاغذی تا کاغذ دیگر تغییر کند، بلکه پس از تولید نیز در اثر عوامل مختلف تحت تأثیر قرار گرفته و عمر و کیفیت آن تغییر خواهد کرد. برای مثال، در اثر تابش نور، تغییرات دما، رطوبت، مجاورت با قارچ‌ها، مواد شیمیایی نظیر اسیدها، آلاینده‌های جوی و نیز زنگ‌زدگی کیفیت کاغذ می‌تواند تغییر کند.

۱. اعضای این کارگروه عبارت بودند از: جناب آقای غلامرضا عزیزی و سرکار خانم‌ها صدیقه روحی دهبینه، فاطمه قدرتی برنج‌آبادی و رقیه محمودی



هدف

هدف از تدوین این راهنما، معرفی انواع مناسب کاغذ برای تولید اسناد دائمی و موقتی است. در این راهنما، اسناد موقتی به عنوان اسنادی با دوره نگهداری کوتاه مدت (دوره زمانی کمتر از ۳۰ سال) یا دوره نگهداری بلندمدت (دوره زمانی سی سال یا بیشتر) و اسناد دائمی به عنوان اسنادی با مدت نگهداری نامحدود معرفی شده است.

این راهنما برای تمام دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت، نهادها و مؤسسات کاربرد دارد و در آن به ویژگی‌های کاغذ برای حفاظت هرچه بیشتر اسناد کاغذی اشاره می‌شود.

انواع کاغذ

از آنجا که انتخاب کاغذ مناسب با توجه به طول عمر نگهداری اسناد، می‌تواند از صرف هزینه‌های هنگفت جلوگیری کند. به همین جهت انواع کاغذ مورد استفاده در تولید اسناد دائمی و موقتی به صورت زیر طبقه‌بندی شده است:

– کاغذ ماندگار (آرشیوی)

این نوع کاغذ تا ۵۰۰ سال ماندگاری خواهد داشت و برای اسناد دائمی با دوره زمانی نامحدود و اسناد موقتی با دوره زمانی سی سال یا بیشتر (دوره زمانی نگهداری بلندمدت) مناسب است. این نوع کاغذ برای اسناد سیاسی، حقوقی، فرهنگی نظیر دستورات مقام معظم رهبری (زید عزه) و مکاتبات اصلی رؤسای سه قوه تا سطح وزیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوع کاغذ، نوع و طول الیاف، مقاومت کششی، میزان اسیدیته و میزان قلیائی بودن باید مطابق با استانداردهای مربوط باشد.

– کاغذ با کیفیت خوب

این نوع کاغذ معمولاً دارای دوام تا صد سال بوده و برای اسناد موقتی با دوره نگهداری سی سال یا بیشتر مناسب است. وزن آن از هشتاد گرم بر مترمربع کمتر نیست و برای استفاده در دستگاه‌های چاپ، رونوشت و نامبر مناسب است. معیارهای شفافیت و کدری برای این دسته از کاغذها ضروری است اما فاکتورهای مربوط به اندازه طول الیاف، مقاومت کششی و میزان قلیائی بودن را همانند استانداردهای کاغذ ماندگار ندارد.

کاغذ بازیافتی

این نوع کاغذ از مواد بازیافت شده کاغذی تولید می‌شود که در طی فرایندی، جوهرزدایی و مجدداً خمیر می‌شود. این کاغذ برای استفاده در دستگاه‌های چاپ، رونوشت و نامبر مناسب است. ممکن است این نوع کاغذ الزامات کدری، سفیدی، شفافیت و میزان



قلیائی بودن را برآورده کند اما طول الیاف مناسب و مقاومت کششی را شامل نمی‌شود. این کاغذ بین ده تا سی سال دوام خواهد داشت و برای اسناد موقتی با دوره زمانی نگهداری کمتر از ۳۰ سال همانند پاکت، پوشه، رونوشت‌ها، دفترچه‌های یادداشت و پیغام، پیش‌نویس اسناد، بروشورها کاربرد دارد.

- کاغذ حرارتی

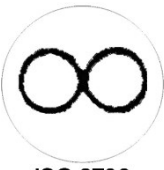
این نوع کاغذ پایدار نیست و استفاده از آن برای اسناد توصیه نمی‌شود زیرا نوشته‌ها در مدت چند ماه کمرنگ می‌شود و عمر آن بیش از پنج سال نیست. اسنادی که روی این نوع کاغذ تولید می‌شوند باید رونوشتی از اصل سند و برای جایگزینی موقت باشد. رسیده‌های بانکی الکترونیکی و رونوشت شرح مذاکرات در این شمار هستند.

برای تهیه اسناد مهم که نیاز به نگهداری طولانی‌مدت دارند، باید از کاغذهایی با دوام و پایداری بیشتر استفاده کرد لذا برای سهولت تشخیص کاغذهای ماندگار، برخی از مشخصات آن در ادامه آمده است.

یادآور می‌شود برای شناسایی کاغذهای ماندگار، علاوه بر مشخصات ذکرشده در این راهنما، اداره کل حفاظت و نگهداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، توانایی انجام آزمایشات تخصصی برای مطابقت کاغذهای ارسالی با استانداردهای موجود را دارد.



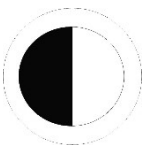
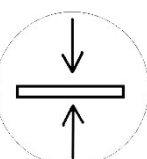
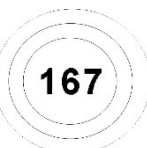
ویژگی‌های اصلی کاغذ با ماندگاری بالا

ردیف	ویژگی	حدود قابل قبول	علامت تجاری	توضیحات
۱	جنس الیاف	طبیعی (کتان، کنف، لینتر پنبه، پنبه)		این نوع کاغذ به محیط زیست آسیب نمی‌رساند.
۲	مقاومت در برابر پارگی	۳۵۰ میلی نیوتن		علامت تجاری فوق روی بسته‌بندی نشانگر مطابقت کاغذ با ویژگی‌های کاغذ ماندگار است (با استاندارد ملی ایران ۵۶۳۳ و استاندارد ایزو ۹۷۰۶ مطابقت دارد).
۳	مقاومت در برابر تاخوردگی	۲,۴۲ - ۲,۱۸		
۴	اسیدیته	۷,۵ - ۱۰		
۵	الیاف	کتان، کنف، لینتر پنبه، پنبه		
۶	باقی مانده قلیایی	۰,۴ مول اسید در هر کیلوگرم		
۷	مقاومت به اکسیداسیون	۵		
۸	اسیدیته	۷,۵ - ۱۰		کاغذ بدون اسید کاغذی است که الیاف، اسیدیته و مقدار لیگنین آن مطابق با استاندارد ملی ایران ۵۶۳۳ است.
۹	باقی مانده قلیایی	۰,۴ مول اسید در هر کیلوگرم		
۱۰	سفید کردن خمیر کاغذ	بدون استفاده از کلر		هنگام ساخت کاغذ و در مرحله سفید کردن از کلر استفاده نشده باشد.



امروزه با توجه به پیشرفت تجهیزات اداری، کاغذ علاوه بر مشخصات ذکر شده برای ماندگاری طولانی مدت، باید دارای ویژگی‌های دیگری از قبیل بهترین کیفیت چاپ با چاپگرهای جوهرافشان یا لیزری باشد. در زیر به برخی از آن مشخصات اشاره شده است:

ویژگی‌های چاپ کاغذ با ماندگاری بالا

ردیف	ویژگی	علامت تجاری	توضیحات
۱	وضوح و روشنی		باید وضوح و کنتراست رنگ در تصاویر چاپ شده عالی باشد.
۲	صافی (نرمی) کاغذ		برای قابلیت چاپ بهتر، باید صافی کاغذ بهبود داده شده باشد.
۳	کدري کاغذ		باید کاغذ دارای کدري و ضخامت مناسب برای چاپ دو طرفه باشد.
۴	سفیدی کاغذ		کاغذ باید دارای سفیدی مناسب باشد تا در هنگام چاپ، کنتراست رنگ‌ها به درستی انجام شود.



پیوست‌ها

استاندارد ویژگی‌های کاغذ بادوام براساس استاندارد ملی ایران 56331 ISIRI

ویژگی	حدود قابل قبول (مرز پذیرش)	شماره استاندارد
الیاف	کتان، کنف، پنبه، لینتر، پنبه	استاندارد ملی ایران شماره ۱۴۱۷
جرم پایه (گرم بر مترمربع)	حداقل ۷۰ گرم بر مترمربع	استاندارد ملی ایران شماره ۱۴۷۱- تجدیدنظر
مقاومت به پاره شدن (در جهت ماشین و در خلاف جهت آن)	حداقل ۳۵۰ میلی نیوتن	استاندارد ملی ایران شماره ۱۳۹۷- تجدیدنظر
دوام در برابر خوردگی کاغذ (در هر دو جهت) الف- در دستگاه SCHOPPER ب- در دستگاه MITLHOMARGY یا MOLIN-KOHLER	حداقل ۲/۴۲ حداقل ۲/۱۸	استاندارد ملی ایران شماره ۱۴۰۴- تجدیدنظر اول استاندارد ملی ایران شماره ۱۴۰۴- تجدیدنظر اول
PH محلول استخراجی	۷/۵ - ۱۰	استاندارد ملی ایران شماره ۳۵۶۸
قلیایی باقی مانده	حداقل ۰/۴ مول اسید در هر کیلوگرم	استاندارد ملی ایران شماره ۴۰۹۹
مقاومت به اکسیداسیون (عدد کاپا)	حداکثر ۵	استاندارد ملی ایران شماره ۱۴۱۴ - تجدیدنظر اول

۱. استاندارد ملی ایران به شماره ISIRI 5633 بر اساس استاندارد بین‌المللی ایزو به شماره ۹۷۰۶ (ISO 9706) تدوین شده است.



استاندارد ویژگی‌های کاغذ بادوام بر اساس استاندارد آمریکا^۱

طبق استانداردهای موجود در آمریکا، کاغذ به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شود:
 نوع اول: کاغذهایی با ماندگاری بسیار بالا، برای نگهداری صدها سال
 نوع دوم: کاغذهایی با ماندگاری بالا، برای نگهداری بیشتر از یک صد سال
 نوع سوم: کاغذهایی با ماندگاری متوسط برای نگهداری بیش از ۵۰ سال
 در مورد اسناد آرشیوی باید از کاغذهایی با ماندگاری بسیار بالا استفاده کرد، بنابراین ویژگی‌های کاغذ نوع اول، باید مورد توجه قرار گیرد.

ویژگی‌ها	کاغذ نوع اول	کاغذ نوع دوم	کاغذ نوع سوم
میزان PH	۷٫۵-۹	حدافل ۶٫۵	حدافل ۵٫۵
مقدار قلیایی باقی‌مانده	٪۲	٪۲	٪۲

استاندارد ویژگی‌های کاغذ بادوام بر اساس استاندارد هند^۲

ردیف	ویژگی	میزان
۱	جنس الیاف	کتان، پنبه یا مخلوطی از هر دو
۲	آلفا سلولز	حدافل ۸۵٪
۳	عدد کاپا	حداکثر ۲
۴	باقی‌مانده خاکستر	حداکثر ۲٪
۵	PH	حدافل ۵٫۵
۶	بعد از پیرسازی در دمای ۱۰۳ درجه سانتی‌گراد به مدت ۷۲ ساعت	۹۸٪ از آلفا سلولز بدون تغییر باقی بماند. - عدد کاپا بیشتر از ۰٫۵٪ افزایش نیابد. - مقاومت به تاخوردگی تا ۵۰٪ اولیه حفظ شود.

1. Survey on national standards on paper and ink to be used by the administration for records creation: a RAMP study with guidelines/1987
 2. Survey on national standards on paper and ink to be used by the administration for records creation: a RAMP study with guidelines/1987



منابع

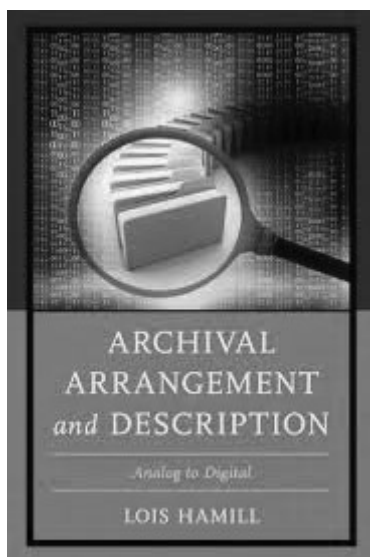
- ISIRE 5633
- ISO 9706
- www.paperone.com
- Select paper of National Archives of Australia (www.sro.wa.au/state-recordkeeping/preservation-advice/paper-selection)
- Guide to paper selection for permanent and temporary retention public record of Queensland State Archives.
- Survey on national standards on paper and ink to be used by the administration for records creation: a RAMP study with guidelines/1987.



معرفی کتاب

تنظیم و توصیف آرشیوی: آنالوگ به رقمی^۱

میترا تابش^۲



کتاب «تنظیم و توصیف آرشیوی: آنالوگ به رقمی» اشاره‌هایی به پس‌زمینه تاریخی، دریافت اسناد، استانداردها و ارزشیابی فنی برای قالب‌های رقمی دارد. این کتاب مدل حفاظت سامانه اطلاعات آرشیوی باز (ا.ا.ی.سی.) را همراه با پردازش قالب‌های رقمی ارائه می‌کند و روند کار گام‌به‌گام و ضmann مفیدی را ارائه می‌دهد. کتاب با موارد محتمل و چالش‌های پیش‌رو پایان می‌یابد.

این کتاب که نوشته لوئیس همیل بوده در ۲۱۴ صفحه و ۹ فصل توسط انتشارات رومن و لیتفیلد در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است،

1. Hamill, Lois (2017). Archival Arrangement and Description: Analog to Digital. Rowman & Littlefield Publishers
۲. لیسانس مترجمی زبان، کارشناس گروه ارتباط آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
Mitratash@yahoo.com

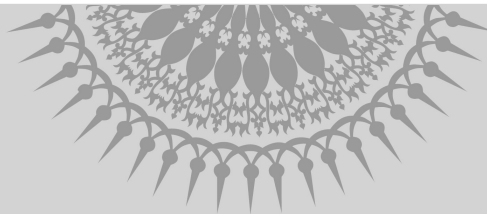
خلاصه‌ای جامع از تفکر جاری در زمینه اسناد آرشیوی رقمی است که توصیه‌هایی را به آرشیوداران جدید و مجرب ارائه می‌دهد. متخصصان می‌توانند از این کتاب برای تلفیق روند کار اشیاء رقمی با روال آشناتر اسناد آنالوگ استفاده کنند. کتاب پس از ارائه مقدمات تنظیم و توصیف برای منابع آنالوگ، به تدریج با استفاده از مدل حفاظت سامانه اطلاعات آرشیوی باز (ا.ا.ی.سی.) وارد بحث منابع رقمی می‌شود. اگرچه، ثبت اسناد و ارزشیابی فنی پیش از پردازش انجام می‌شود، با این وجود این مباحث نیز مورد بررسی قرار گرفته اند زیرا برای منابع رقمی



به نحو متفاوتی انجام می‌شوند و نقطه آغاز متفاوتی برای پردازش پرونده‌های رقمی ایجاد می‌کنند. توصیف، خارج از محدوده مدل حفاظت سامانه اطلاعات آرشیوی باز (ا.ا.ی.سی.) قرار می‌گیرد، اما با آن مرتبط است. پیشرفت‌های اخیر در زمینه توصیف همراه با نگرانی‌های مربوط به توانایی آرشیوهای کوچکتر برای مشارکت در پیشرفت‌های پیش‌بینی‌شده که بر فناوری تکیه دارند، ارائه می‌شود. تخصص‌های نوین مانند نگهداری رقمی و نگهداری داده‌ها نشان‌دهنده ارتباط مستمر تخصص آرشیو با آینده رقمی است.

نویسنده کتاب، آرشیودار دانشگاهی و دانشیار کتابخانه دانشگاه کنتاکی شمالی است. وی برای بیش از ۱۷ سال آرشیودار بوده است. همیل دارای گواهی تخصص در زمینه آرشیو رقمی از انجمن آرشیوداران رقمی است و به سخنرانی در زمینه موضوعات آرشیوی در کتابخانه آرشیو و کنفرانس‌های تاریخ و همچنین ارائه طرح‌های پژوهشی می‌پردازد.





گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزار شده اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) زمستان ۱۳۹۶

فریبا امیری^۱ و حمیده بختیاری^۲

از سالیان گذشته و برای معرفی اسناد و گسترش جامعه مخاطبان عام و خاص، برگزاری نمایشگاه‌های اسناد در فرهنگسراها، مکان‌های پرتردد و دانشگاه‌ها شکل گرفته است. برای انجام این مهم پوشه‌های آماده‌سازی شده اسناد، برای شعبه‌های استانی و سازمان‌ها و نهادهای درخواست‌کننده داخلی و خارجی ارسال می‌شود.

نمایشگاه‌های سیار

۱- نمایشگاه اسناد بلدی و شهرداری

نمایشگاه اسناد بلدی و شهرداری با ۵۸ عنوان شامل ۷۵ برگ سند و ۴۸ آرم شهرداری آماده‌سازی و در همایش شهرداران و شوراهای اسلامی شهرها در کیش به نمایش گذاشته شد. بازه اسناد از ۱۲۸۸ ش. تا ۱۳۷۴ ش. را در برمی‌گرفت. قدیمی‌ترین سند به نمایش گذاشته شده در نمایشگاه بخشی از قانون مالیات بلدی بر وسائل نقلیه مصوب مجلس شورای ملی در ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ق. برابر با ۱۲۸۸/۱/۷ ش.؛ و جدیدترین سند با عنوان «تصویب و ابلاغ بودجه سال ۱۳۷۵ شهرداری بابلسر از طرف استانداری مازندران در ۱۳/۱۲/۱۳۷۴ ش.» بود. دیگر عناوین این نمایشگاه به ترتیب دوره تاریخی عبارتند از:

- دوره قاجار

۱. کارشناس برنامه‌ریزی و بررسی اسناد و مدارک، کارشناس اداره کل اطلاع‌رسانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛
amirifariba42@yahoo.com
۲. کارشناسی‌ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، کارشناس اداره کل اطلاع‌رسانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
h-bakhtiari@nlai.ir



بخشی از قانون مالیات بلدیة بر وسائل نقلیه، مصوب مجلس شورای ملی، ۵ ربیع الاول ۱۳۲۷ ق. / ۱۲۸۸/۱/۷ ش؛ اعلان اداره بلدیة تهران برای اعلام روزهای تعیین شده برای حضور اجاره‌دهندگان قنات‌های شخصی و اجاره‌کنندگان آب در تهران به منظور تأمین آب شهر در تابستان. [۱۳۲۹ ق. / ؟. ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ ش.؟]؛ نامه عده‌ای از اعیان و محترمان تهران به وزارت داخله برای اعتراض به عملکرد رئیس اداره میاه بلدیة، ۱۶ حوت ۱۳۲۹ ق. / ۱۲۸۹/۱۲/۱۶ ش؛ درخواست اهالی نهبوند از نماینده ولایت ثلثه برای تأسیس تلگرافخانه، نظمیه و بلدیة، [۱۳۳۲ ق. / ؟. ۱۲۹۲ - ۱۲۹۳ ش.؟]؛ پیشنهاد تأسیس، مدرس، مرضیخانه و بلدیة در کردستان از محل عایدات اداره نواقل، ۲۴ جوزای ۱۳۳۲ ق. / ۱۲۹۳/۳/۲۴ ش؛ گزارش اداره مالیة قم و محلات به خزانه‌داری کل، در خصوص میزان عایدات بلدیة قم و دریافت صدقینار از هر دکان بابت مصارف روشنایی بازار، ۲۲ سنبله ۱۳۳۲ ق. / ۱۲۹۳/۶/۲۲ ش؛ آگهی حکومت دارالخلافه و بلدیة تهران برای اعلام نرخ یخ تا آخر ماه رمضان، ۱۶ شعبان ۱۳۳۵ ق. / ۱۲۹۶/۳/۱۷ ش؛ دستور حکومت و بلدیة تهران به دائرة میاه برای رفع بی‌آبی محله سیدناصرالدین، ۱۴ رمضان ۱۳۳۵ ق. / ۱۲۹۶/۴/۱۳ ش؛ گزارش ایالت فارس به وزارت داخله، در خصوص مخارج تنظیف شهر و درخواست از مالیة برای پرداخت آن، ۲۸ رمضان ۱۳۳۵ ق. / ۱۲۹۶/۴/۲۷ ش؛ شماره فوق‌العاده روزنامه گلستان، در مورد اوضاع نظافت شهر شیراز، عملکرد رئیس قشون، برگزاری انتخابات شورای بلدیة و شروع به کار اعضای منتخب در بلدیة شیراز، ۲ محرم ۱۳۳۸ ق. / ۱۲۹۸/۷/۵ ش؛ نامه حسن یزدانی (نصیراشرف) به رئیس‌الوزراء، در خصوص رسیدگی به اعتراض اهالی محله حسن‌آباد به افزایش حقابه و حق‌الشرب در کمیسیون منعقد در اداره بلدیة، ۸ محرم ۱۳۳۹ ق. / ۱۳۰۰/۵/۲۱ ش؛ حکم انتصاب ابراهیم‌خان مخبرزاده به سمت ریاست بلدیة بروجرد، ۲۴/۱۰/۱۳۰۳ ش؛

- دوره پهلوی:

ابلاغ قانون اعتبار بلدیة تهران و واگذاری عوائد مستغلات به بلدیة‌ها، ۱۳۰۶/۱۰/۲ ش؛ مکاتبه بلدیة دامغان با وزارت داخله، در خصوص لزوم توسعه ساختمان بلدیة به دلیل کوچک‌بودن فضای آنجا، ۱۳۰۸/۲/۲۴ ش؛ رونوشت حکم انتصاب سرتیپ کریم آقاخان بوزرجمهری به سمت بلدیة تهران، ۱۳۰۹/۴/۲۵ ش؛ نظامنامه داخلی انجمن بلدی کرمانشاه، ۱۳۰۹/۷/۵ ش؛ رونوشت نظامنامه داخلی انجمن بلدی اصفهان، [۱۳۱۰ ش.؟]؛ تقاضای اصلاح بودجه بلدیة تهران، ۱۳۱۲/۵/۴ ش؛ گزارش نواقص و کمبود پزشک صحنه بلدیة چهارمحال به صحنه کل مملکتی، ۱۳۱۳/۱۰/۱ ش؛ گزارش هیئت بازرسی همگانی وزارت دارایی، از صندوق درآمد شهرداری کرمان، ۱۳۱۹/۱۱/۱۷ ش؛ آگهی بخشدار و شهردار شهرکرد، در خصوص تعیین قیمت اجناس و خوارو بار، ۱۳۱۹/۱۱/۲۸ ش؛ سیاهه کلیه آب‌های شهرداری



تهران شامل: آب کرج، قنات‌های استیجاری، وقفی و ملکی، ۱۳۲۰/۲/۱۶ ش.؛ بخشی از آمار درآمد و هزینه، خلاصه اقدامات مربوط به بینوایان شهرداری مشهد در شش ماهه دوم سال ۱۳۲۰ ش.؛ آگهی شهرداری بوشهر در مورد اعلام نرخ حمامی‌ها، ۱۳۲۴/۸/۲۲ ش.؛ مکاتبه استاندار کرمان با وزارت کشور، در مورد عملکرد خوب سرگرد شریفی؛ شهردار وقت آن شهر، درخواست عدم تغییر وی و پیشنهاد افرادی برای سمت شهرداری در صورت عزل شریفی، ۱۳۲۸/۳/۳ ش.؛ خلاصه فعالیت انجمن نظارت حوزه ۴ انتخابات شهرداری شیراز، ۱۳۳۴/۹/۱۸ ش.؛ آگهی شهرداری یزد، در خصوص شروع طرح توسعه فلکه پارک شهر، تخلیه اماکن و مستغلات واقع در مسیر طرح و لزوم ارائه مدارک و اسناد مالکیت صاحبان اماکن به منظور انجام اقدامات قانونی، ۱۳۳۸/۶/۱۸ ش.؛ عوارض مصوب شهرداری‌ها در هیئت وزیران و بودجه تخصیص یافته برای تقویت کادر عمرانی شهرها و روستاها از محل صدی ده عوائد، ۱۳۴۲/۱/۲۶ ش.؛ بخشنامه اتحادیه شهرداری‌ها به استانداری بنادر و جزایر و سواحل جنوب، در خصوص چگونگی استخدام در شهرداری، ۱۳۴۵/۶/۳۰ ش.؛ مکاتبه شهرداری گرگان با استانداری مازندران، در خصوص اتمام عملیات تعمیر عمارت شهرداری و تقاضای اعزام مهندس دفتر فنی جهت تحویل آن، ۱۳۴۵/۱۱/۲۹ ش.؛ انتصاب مهندس جواد شهرستانی به عنوان شهردار تهران از سوی انجمن شهر تهران، ۱۳۴۷/۸/۱۳ ش.؛ انتصاب یحیی نظیری به سمت شهردار همدان، ۱۳۴۸/۹/۵ ش.؛ صورت جلسه انجمن شهر اهواز، ۱۳۴۸/۱۰/۱۰ ش.؛ صورت درآمد شهرداری زنجان در ۹ ماهه سال ۱۳۴۹، ۱۳۴۹ ش.؛ درخواست شهرداری تهران از وزیر مشاور، مبنی بر تصویب قانون خاص برای اجرای وصول اضافه ارزش زمین‌های عمرانی از سوی شهرداری پایتخت، ۱۳۵۰/۲/۱۹ ش.؛ اتمام دوره خدمت دوساله غلامرضا نیک‌پی شهردار پایتخت و انتصاب مجدد وی از سوی انجمن شهر پایتخت، ۱۳۵۰/۷/۶ ش.؛ دستور شهرداری تهران به معاون طرح و برنامه‌ریزی، به منظور تهیه طرحی جدید برای ساختمان شهرداری از سوی اداره کل فنی و لزوم خرید مغازه‌های واقع در مسیر طرح، ۱۳۵۱/۶/۴ ش.؛ متن استعفاي غلامرضا نیک‌پی شهردار پایتخت، ۱۳۵۶/۵/۲۵ ش.؛ درخواست شهردار منطقه ۱۲ تهران از شهرداری، در خصوص اجازه پرداخت مبالغی به کارکنان فعال در ساعات غیراداری، از محل اعتبار محرمانه شهرداری و موافقت با پیشنهاد یادشده، ۱۳۵۶/۸/۹ ش.؛ خواسته‌های قانونی کارکنان شهرداری از شهردار پایتخت و تهدید به اعتصاب از ۱۲ تا ۱۸ مهرماه و ادامه آن تا حصول نتیجه نهائی، مهر ۱۳۵۷ ش.؛

- دوره جمهوری اسلامی:

درخواست شهردار تهران از سرپرست وزیر کشور، مبنی بر پرداخت هزینه‌های انجام شده در شهرداری از محل اعتبارات پرسنلی به دلیل تأخیر در پرداخت بودجه و حذف بودجه برای



هزینه‌های خاص در شهرداری، ۱۳۵۸/۱۰/۲۲ ش.؛ مکاتبه نماینده وزیر کشور در شهرداری با شهردار تهران، مبنی بر مراقبت در مصرف اعتبارات منظور شده تحت عنوان هزینه‌های خاص برای شهرداری، ۱۳۵۸/۱۲/۴ ش.؛ نامه محمود مولوی نماینده وزیر کشور در شهرداری تهران، به مهندس توسلی شهردار تهران، در خصوص متفی بودن ایجاد دو ناحیه در سازمان شهرداری منطقه هفت، ۱۳۵۹/۴/۳۱ ش.؛ متمم بودجه شهرداری ارومیه، [۱۳۶۲ ش.؛ نامه اداره کل اوقاف استان گیلان به استانداری استان گیلان در خصوص احداث پارک شهر در منطقه لشت‌نشاء و پیشنهاد واگذاری زمین موقوفه به صورت اجاره به شهرداری جهت احداث آن، ۱۳۶۲/۱۲/۸ ش.؛ نامه محمدنبی حبیبی شهردار تهران به سیدمرتضی طباطبائی قائم مقام وزیر کشور در شهرداری و تقاضای تخصیص اعتبار از بودجه مصوب سال ۱۳۶۵ شهرداری تهران برای احداث بیمارستان شهرداری در اراضی طرح عباس آباد، ۱۳۶۵/۳/۲۸ ش.؛ درخواست معاون مالی و اداری شهرداری تهران از قائم مقام شورای شهر تهران، مبنی بر ابلاغ پرداخت برآورد هزینه‌های مالی باقیمانده پروژه شهرداری منطقه ۳ تهران، ۱۳۶۷/۷/۱۱ ش.؛ اعلام درجه شهرداری‌های استان سمنان با ذکر درجه از سوی مدیرکل امور شوراهای اسلامی شهر و شهرداری‌ها به استاندار سمنان، ۱۳۶۷/۱۲/۲۲ ش.؛ اسامی شهرداران منصوب از بین کارکنان وزارت آموزش و پرورش در شهرداری‌های استان بوشهر، ۱۳۶۸/۵/۱۹ ش.؛ تصویب و ابلاغ بودجه سال ۱۳۷۵ شهرداری بابلسر از طرف استانداری مازندران، ۱۳۷۴/۱۲/۱۳ ش.؛

از دیگر اسناد این نمایشگاه همچنین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نظام‌نامه موقتی شورای بلدی، فاقد تاریخ؛ اعلان بشیرالممالک از طرف اداره حکومتی گیلان و طولانش، برای اعلام اسامی اعضای منتخب انتخابات انجمن بلدیة رشت و تعیین مدت زمان ارائه اعتراض به آن. فاقد تاریخ؛ بخشی از کتابچه قانون بلدیة، فاقد تاریخ؛ اعلامیه حکومت گیلان و طولانش در خصوص اعلام نتیجه انتخابات بلدیة رشت، فاقد تاریخ؛ در بخش دیگر نمایشگاه آرم شهرداری‌های کشور در دوره پهلوی به نمایش گذاشته شده بود. تصویر یک ۵ نمونه از آرم‌های به نمایش گذاشته شده در نمایشگاه را نشان می‌دهد.

۲- نمایشگاه امیرکبیر

محمدتقی فراهانی معروف به امیرکبیر، سیاستمدار و صدراعظم ناصرالدین‌شاه قاجار، در سال ۱۲۲۲ ق. در روستای هزاره از توابع اراک، به دنیا آمد. با هوش و استعداد بالا توانست اعتماد قائم مقام را به خود جلب کرده و وارد امور دیوانی شود. پس از کمک به ناصرالدین‌شاه برای رسیدن به سلطنت عنوان امیراتابک و صدراعظمی را گرفت. اقدامات او در عمر کوتاه صدراعظمی منشأ تحولات عظیمی در کشور شد که به مزاق بسیاری از دولتمردان و بیگانگان





شهرداری برچرد



شهرداری طبس

وزارت کشور



شهرداری آبان (قشم)



شهرداری سبزوار



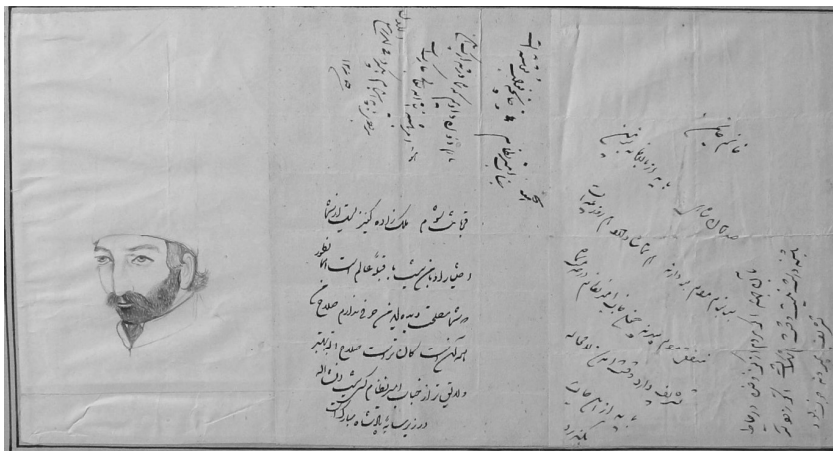
شهرداری زنجان

تصویر ۱- تعدادی از آرم‌های به نمایش گذاشته شده در نمایشگاه

خوش نیامد و با دسیسه او را عزل و سپس حکم قتلش را از شاه گرفتند و در ۲۰ دی‌ماه سال ۱۳۳۰ ش. در فین کاشان آن را اجرا کردند. به همین مناسبت نمایشگاهی شامل ۲۷ عنوان در قالب ۲۷ برگ سند در گروه ارتباطات آرشیوی آماده‌سازی و به ۱۲ نمایندگی استانی و برای جهت برگزاری نمایشگاه هم‌زمان ارسال شد.

یکی از اسناد ارائه‌شده در نمایشگاه مربوط به ازدواج امیرکبیر با خواهر شاه است. در این سند تک‌برگی شاه طی نامه‌ای از مهدعلیا، مادر خود، درباره ازدواج ملک‌زاده خانم با امیرکبیر نظرخواهی کرده است. مهدعلیا نیز در پاسخ اختیار ازدواج ملک‌زاده را به مصلحت شاه واگذار کرده و از لیاقت امیرنظام برای این امر سخن گفته است. در ادامه سند، دستخط ناصرالدین شاه خطاب به امیرنظام و صدور اذن ازدواج او با عزت‌الدوله است. این سند احتمالاً در تاریخ ۱۲۶۵ ق. صادر شده است [تصویر ۲].





تصویر ۲- نظرخواهی ناصرالدین‌شاه از مهدعلیا، در مورد ازدواج ملک‌زاده خانم با امیرکبیر؛ [اعلام نظر مهدعلیا] در خصوص واگذار کردن اختیار ازدواج ملک‌زاده به مصلحت شاه و بیان لیاقت امیرنظام برای این امر؛ دستخط ناصرالدین‌شاه خطاب به امیرنظام و صدور اذن ازدواج؛ [۱۲۶۵ق.]

دیگر عنوان‌های نمایشگاه عبارتند از: دستخط امیرکبیر به شاه، دربارهٔ مأموریت میرزاجعفرخان به کرد و حدود ذهاب و پاسخ شاه به آن؛ نامه‌ای به امیرنظام در خصوص دستور شاه برای ماندن نویسنده و درخواست تعیین تکلیف وی مبنی بر ماندن یا رفتن نزد شاه؛ دستور برای کارسازی تنخواه بروات [ترکمانان] و عریضه‌ای دربارهٔ تصرف عدوانی قریهٔ ورنکش؛ دستخط امیرکبیر به شاه در مورد امور مربوط به آماده‌سازی تدارکات برای سوارکاری و پاسخ شاه در این خصوص؛ دستخط ناصرالدین‌شاه، مبنی بر نگهداری از دست‌نوشته‌های خود خطاب به امیرنظام؛ عریضه به ناصرالدین‌شاه مبنی بر موقوف‌نمودن رسم «خانه‌نزولی» و درخواست جلوگیری از ایجاد رعب و وحشت مردم توسط سواران نظام و دستور شاه به امیرنظام در این خصوص؛ دستخط ناصرالدین‌شاه به امیرنظام و احوال‌پرسی از ایشان و دعوت از وی برای سواری به سمت آتشگاه؛ دستخط‌های ناصرالدین‌شاه به امیرنظام، احوال‌پرسی از ایشان و وصف ابتلای خود به زکام؛ صدور دستوراتی به امیرنظام، با موضوع آمدن شیل و دستور به مستوفی‌الممالک برای آوردن حساب‌ها؛ دستخط ناصرالدین‌شاه به امیرنظام مبنی بر تبریک اتمام بنای عمارت ایشان؛ دستخط امیرکبیر به شاه مبنی بر ملاقات هم‌زمان محمدجعفر مجتهد آباد و امام جمعهٔ اصفهان در یک روز و موافقت شاه با آن؛ ارسال نوشتجات وزرای مختار [دول روس و انگلیس] برای شاه، اعتراض شاه به بی‌طرف نبودن وزاری مختار در خصوص مسائل ایران و عثمانی و تأکید بر مالکیت ایران بر جزیرهٔ الخضر طبق عهدنامه؛ حکم ناصرالدین‌شاه،



دربارهٔ محافظت از امیرکبیر و خانواده‌اش در زمان تبعید به کاشان؛ دستخط امیرکبیر به شاه، ابراز تشکر از احوالپرسی شاه و تیهوی مرحمتی و نیز اعلام آزاد نمودن محمدامین میرزا از حبس؛ دستخط امیرکبیر به شاه در باب مسائلی چون قرض از تجار خارجی، اختلاف نظر در اعطای لقب سرتیپی و گفتگو با مفتی هرات؛ دستخط امیرکبیر به ناصرالدین شاه دربارهٔ سوءتفاهم‌های پیش آمده میان آن‌ها؛ سواد دستخط ناصرالدین شاه با عضدالملک، دربارهٔ لزوم حفظ و نگهداری از او اولاد امیر بعد از قتل وی و سپردن رسیدگی تمام مسائل مربوط به آن‌ها به عضدالملک؛ ۱۳۰۰ق.؛ دستخط امیرکبیر در مورد کوچ شاه به علت نگرانی از شیوع بیماری در شهر؛ دستخط امیرکبیر به شاه، دربارهٔ حسادت و بدگویی برخی از درباریان نسبت به وی و درخواست شرفیابی جهت رفع سوءتفاهم‌ها؛ دستخط امیرکبیر به شاه، دربارهٔ انتقاد از حمایت وزیر مختار [انگلیس] از میرعلی نقی خان و میرهاشم خان؛ دستخط امیرکبیر به شاه، دربارهٔ تأخیر در پاسخ‌گویی به نامهٔ شاه به دلیل حضور در مجلس تعزیه؛ دستخط امیرکبیر به شاه، دربارهٔ رسیدگی به کارهای میرزا احمدخان؛ دستخط امیرکبیر به شاه، در خصوص اشتباه پیش آمده در گزارش مربوط به وزیرنظام؛ نامهٔ دلجویانهٔ امیرکبیر خطاب به شاه با هدف اصلاح ذهنیت شاه؛ درخواست امیرکبیر از ناصرالدین شاه برای ملاقات؛ مأموریت از سوی صدراعظم برای بیان گزارشاتی در خصوص روانه شدن باقرخان و تفنگچیان به خراسان، تمام شدن مطالب چند تن از مأموران ایرانی در اسلامبول و بغداد، جواب عرایض حکام و بازدید و برآورد خرج بنایی برج انزلی و دریافت پاسخ؛ صدور دستوراتی به معیرالممالک در خصوص عیال شجاع‌السلطنه؛ درخواست جواب نقل بهمن میرزا به نایب‌وزیر دول خارجه از شاه؛ دستخط‌های امیرنظام در خصوص اعزام حمزه میرزا و قشون جنگی به مشهد برای مبارزه با ترکمانان؛ نامهٔ امیرنظام به وزرای مختار دولتین روس و انگلیس و اعتراض به تجاوز رشیدپاشا به خاک ایران و نیز درخواست رفع اختلافات و تعیین حدود دو کشور ایران و عثمانی و دستخط ناصرالدین شاه به امیرنظام، مبنی بر آماده کردن نوشتجات خراسان و اعزام عباس‌قلی خان میرپنجه با قشون به هرات؛ عناوین دیگر این نمایشگاه بود.

۳- نمایشگاه اسناد دانشگاه تهران

نمایشگاه یادشده شامل ۵۶ عنوان سند با معرفی ۱۹۶ برگ سند آماده‌سازی و برای روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به منظور نمایش در دانشگاه تهران ارسال شد. اسناد به نمایش درآمده شامل اسنادی از ۱۳۱۳ش. تا ۱۳۵۵ش. بود. قانون اجازه تأسیس دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۰ش. قدیمی‌ترین سند نمایشگاه بود که در بیست و یک ماده و در دورهٔ نهم مجلس شورای ملی تصویب و برای اجرا ابلاغ شد. جدیدترین سند نیز نامهٔ رئیس



دانشگاه تهران به محمدعلی جمالزاده است. این نامه پس از اعطای دکترای افتخاری دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به سید محمدعلی جمالزاده و غیبت وی در مراسم اعطای منشور نوشته شده است و رئیس دانشگاه در تاریخ ۱۳۵۵/۹/۲ ش. از جمالزاده خواسته است که چگونگی ارسال منشور یادشده به وی را اعلام کند.

از دیگر سندهای نمایشگاه می‌توان به رونوشت قبالة و نقشهٔ اولیهٔ دانشگاه تهران اشاره کرد که مربوط به سال ۱۳۱۳ است [تصویر ۳ و ۴]. دیگر عناوین این نمایشگاه به شرح زیر است:

رونوشت فرمان اجرای قانون اجازه تأسیس دانشگاه تهران، ۱۳۱۳/۴/۲۴ ش.؛ رونوشت لایحهٔ قانونی تأسیس دانشگاه در پایتخت، [۱۳۱۳ ش.]; رونوشت قبالة زمین و نقشهٔ ساختمان دانشگاه تهران، ۱۳۱۳ ش.؛ قرارداد استخدام مابین اداره کل صناعت و فلاح و دکتر و کتن طبیب بیطار تبعهٔ فرانسه به سمت مدیر فنی امور مربوط به تربیت حیوانات اهلی، اصلاح نژاد آن‌ها و تدریس در دانشکدهٔ فلاحی کرج و دانشکدهٔ بیطار تهران به مدت سه سال، ۱۳۱۳/۷/۱۷ ش.؛ اسامی اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران در دروس علمی و فنی و عنوان دروس و محل تدریس آنان، [۱۳۱۳ ش.]; نظام‌نامهٔ شورای دانشگاه تهران، ۱۳۱۴/۱/۲۸ ش.؛ نظام‌نامهٔ اجراء تبصرهٔ اول مادهٔ ۱۶ قانون تأسیس دانشگاه تهران، ۱۳۱۴/۲/۲ ش.؛ ابلاغ قانون اجازه استخدام سه استاد آلمانی برای تدریس در دانشگاه تهران، ۱۳۱۴/۹/۱۸ ش.؛ کارنامهٔ دروس ادبی و حقوقی و علمی و فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵، [۱۳۱۴ ش.]; نظام‌نامهٔ انتخاب دانشیار دانشگاه تهران، ۱۳۱۴/۳/۸ ش.؛ قانون تأسیس و نظام‌نامه‌های دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۱۴ ش.؛ نظام‌نامهٔ اموال دانشگاه تهران، [۱۳۱۴ ش.]; گواهینامهٔ دکترای عباس اقبال آشتیانی در رشتهٔ ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۱۵/۲/۵ ش.؛ تصدیق موقت دارالانشاء دانشگاه تهران برای اعلام پایان تحصیلات محمدحسین افشار قاسملو در دورهٔ لیسانس رشتهٔ زبان خارجه، ۱۳۱۵/۷/۸ ش.؛ نظام‌نامهٔ تعیین وظایف محصلین دانشکدهٔ معقول و منقول در تعطیلات تابستان، [۱۳۱۵ ش.]; نظام‌نامه و مقررات دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ش.، [۱۳۱۵ ش.]; نظر دانشکدهٔ فنی - ریاضی دانشگاه تهران، در خصوص نامهٔ ستاد ارتش برای آموزش مهندسان متخصص فنون هوایی و لزوم تهیهٔ ابزار مورد نیاز، ۱۳۱۶/۵/۶ ش.؛ متمم اساسنامهٔ دانشسرای عالی، مصوب شورای دانشگاه تهران، ۱۳۱۸/۲/۲۳ ش.؛ نامهٔ وزیر دارایی به خزانه‌داری کل، برای اعلام محل پرداخت بهای زمین‌های خریداری شده برای کوی دانشگاه؛ ۱۳۲۱/۳/۲۶ ش.؛ درخواست ابلاغ دستور اجرای تصویب‌نامه، در مورد ضمیمه شدن دانشکدهٔ کشاورزی به دانشگاه تهران، ۱۳۲۵/۸/۸ ش.؛ لایحهٔ امور مالی دانشگاه تهران در راستای استقلال مالی آن، ۱۳۳۱/۱۰/۲۷ ش.؛ ابلاغ رونوشت تصویب‌نامهٔ هیئت وزیران، مبنی بر

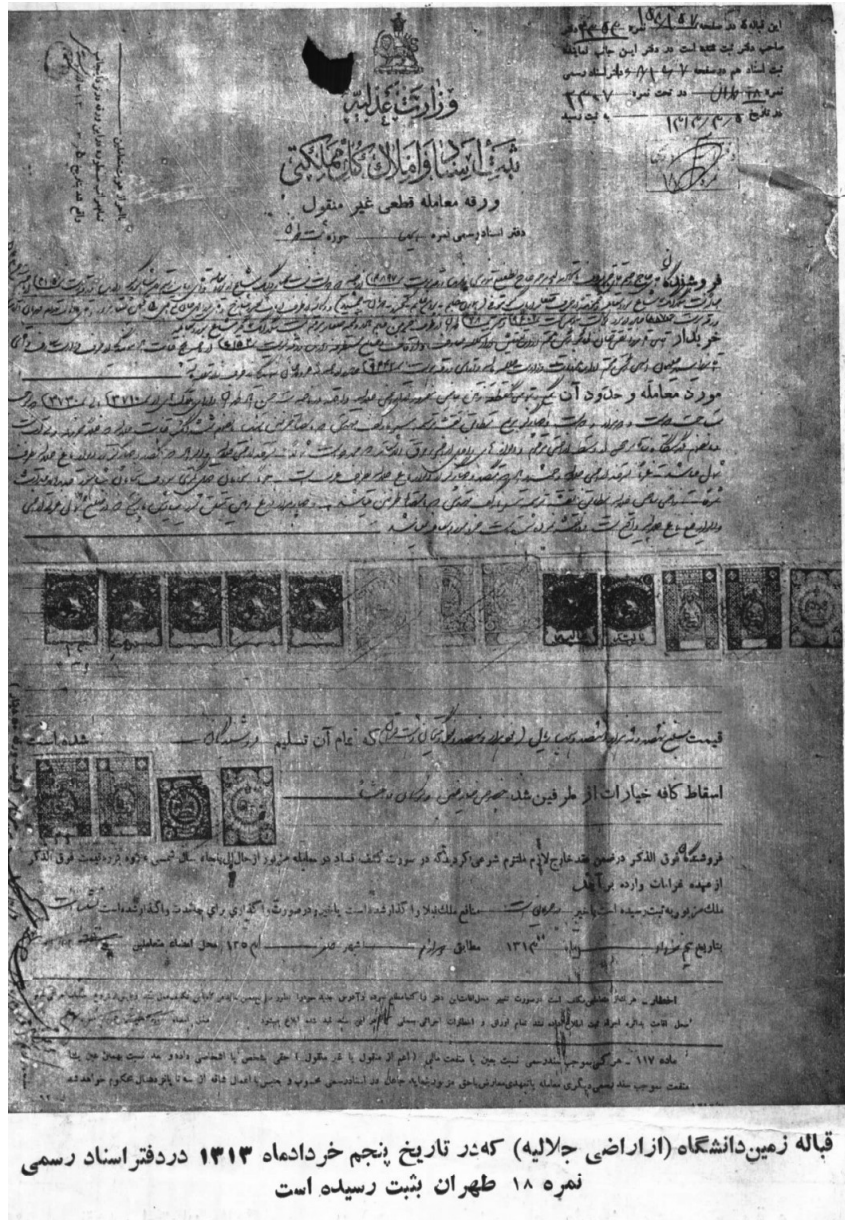


واگذاری اراضی دوشان تپه به دانشگاه تهران با هدف ایجاد ایستگاه و مزرعه نمونه دامپروری و تلقیح مصنوعی و اصلاح نژاد اسب، ۱۳۳۱/۱۲/۱۳ ش.؛ رونوشت تصویب نامه هیئت وزیران برای انتقال هنرسرای عالی به دانشگاه تهران، ۱۳۳۴/۳/۲۷ ش.؛ اساسنامه دوره کتابداری و بایگانی دانشگاه تهران، [۱۳۳۴ ش.]; گزارشی از برنامه ها و آینده مؤسسه علوم اداری دانشگاه تهران، ۱۳۳۵/۸/۲ ش.؛ حکم وزیر فرهنگ برای انتصاب دکتر موسی عمید به ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، ۱۳۳۶/۱/۲۶ ش.؛ دلایل رئیس دانشگاه و دانشکده پزشکی تهران، در خصوص عدم ایجاد کرسی شکسته بندی در دانشکده پزشکی، [۱۳۳۶ ش.]; ترجمه متن سخنرانی دکتر سیاسی در مراسم اهدای دکترای افتخاری دانشگاه تهران به آندره گذار و هانری کرین، [دی ۱۳۳۷ ش.]; درخواست از وزیر فرهنگ برای امضای حکم استادی مظفرالدین خان فرخ، دانشیار دانشسرای عالی، ۱۳۳۷/۱۲/۲۳ ش.؛ نامه وزیر فرهنگ به رئیس دانشگاه تهران در خصوص برگزاری جشن یک هزار و صدمین سال تولد رودکی و تأکید بر سخنرانی هادی حائری در مراسم مذکور، ۱۳۳۷ ش.؛ گزارش مراسم اهدای دکترای افتخاری دانشگاه تهران به آندره گذار و هانری کرین، [دی ۱۳۳۷ ش.]; اعتراض اتحادیه ملی دانشجویان سوئیس به اقدامات پلیسی دولت ایران علیه دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۴۰/۲/۱۴ ش.؛ آئین نامه اجرای ماده ۱۷ قانون تأسیس دانشگاه، مصوب هیئت وزیران، ۱۳۴۱/۱/۱۱ ش.؛ آئین نامه انضباطی دانشگاه تهران، [۱۳۴۱ ش.]; قانون توسعه و تکمیل امور دانشگاه تهران، [۱۳۴۱ ش.]; درخواست مدیر کل دبیرخانه دانشگاه تهران از وزیر فرهنگ، برای تصویب اعطای درجه دکترای افتخاری دانشگاه به پروفیسور یان ریپکا، استاد دانشگاه شارل اول پراگ، به پاس خدمات وی به زبان و ادبیات فارسی و اعلام موافقت با پیشنهاد یادشده، ۱۳۴۲/۲/۱۵ ش.؛ موافقت دکتر خانلری، وزیر فرهنگ، با رأی شورای دانشگاه تهران برای اعطای درجه دکترای افتخاری به سرواپالی [رادها] کریشنان، رئیس جمهور هند، ۱۳۴۲/۲/۲۷ ش.؛ حکم وزیر فرهنگ برای انتصاب دکتر ذبیح الله صفا به سمت ریاست دانشکده ادبیات، ۱۳۴۲/۱۰/۱۰ ش.؛ بودجه هزینه سال ۱۳۴۳ دانشگاه تهران، [۱۳۴۲ ش.]; پیام رئیس دانشگاه تهران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۳-۱۳۴۴ به دانشجویان سال اول، [۱۳۴۳ ش.]; گزارش های تفضیلی دانشکده های دانشگاه تهران، [۱۳۴۳ ش.]; حکم وزیر آموزش و پرورش برای انتصاب مجدد دکتر جهان شاه صالح به سمت ریاست دانشگاه تهران، ۱۳۴۵/۲/۱۸ ش.؛ اعطای نشان دانش درجه اول به جهان شاه صالح، به پاس تحقیقات و اکتشافات علمی وی، ۱۳۴۵/۵/۲ ش.؛ ابلاغ رونوشت تصویب نامه هیئت وزیران، مبنی بر عضویت دانشگاه تهران در جامعه بین المللی کتابخانه ها و مراکز مبادلات آمریکا، ۱۳۴۵/۱۲/۲۹ ش.؛ شرح حال و مدارج علمی، اداری و دانشگاهی برخی از استادان دانشگاه تهران، [۱۳۴۵ ش.]; موافقت هیئت وزیران با الحاق دانشگاه تهران به مراکز بین المللی



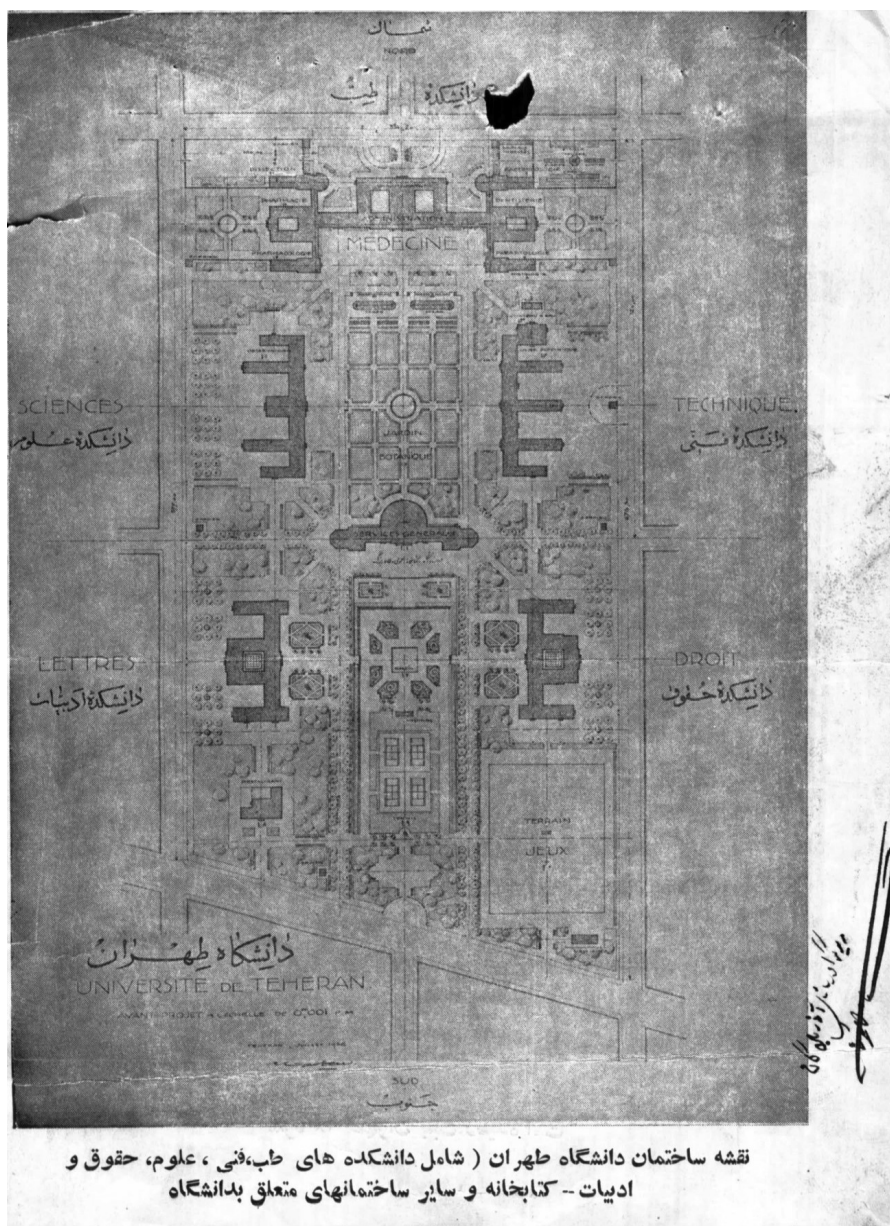
و اعلام محل اعتبارات بودجه برای پرداخت حق عضویت، ۱۳۴۶/۲/۳۰ ش.؛ سیاهه مشخصات دانشکده‌های دانشگاه تهران، [۱۳۴۷ ش.؛ اعطای نشان دانش درجه اول به جلال همائی، استاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۲/۴/۲ ش.؛ اعطای نشان فرهنگ درجه دوم به صادق مبین، استاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش.؛ اعطای نشان فرهنگ درجه دوم به محمدعلی رحمتی، استاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش.؛ اعطای نشان هنر درجه دوم به پرویز تناولی، دانشیار دانشگاه تهران، به پاس خدمات وی در شناساندن هنر و فرهنگ ایران، [۱۳۵۲ ش.؛ اعطای نشان سپاس درجه اول به دکتر ابوالحسن ندیم، استاد و رئیس دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه تهران و فهرست مقالات فارسی و انگلیسی وی، ۱۳۵۴/۱۱/۱ ش.؛ اعطای دکترای افتخاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به سید محمدعلی جمالزاده و غیبت وی در مراسم اهدا و درخواست برای اعلام چگونگی ارسال منشور یادشده، ۱۳۵۵/۹/۲ ش.؛ نظام‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، فاقد تاریخ؛ سیاهه اسامی استادان دانشگاه تهران، درجه و حقوق دریافتی آنان، فاقد تاریخ.





تصویر ۳- سند ملکی زمین دانشگاه تهران



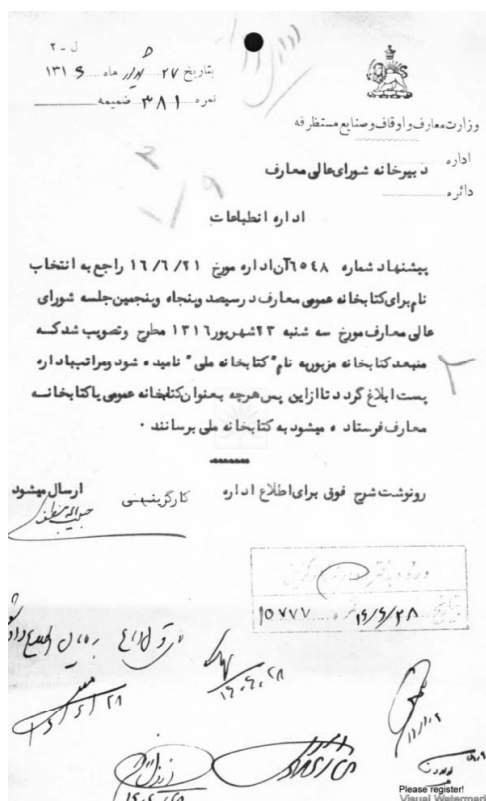


نقشه ساختمان دانشگاه تهران (شامل دانشکده های طب، فنی، علوم، حقوق و ادبیات -- کتابخانه و سایر ساختمانهای متعلق بدانشگاه

تصویر ۴- نقشه ساختمان دانشگاه تهران و محل دانشکده‌ها

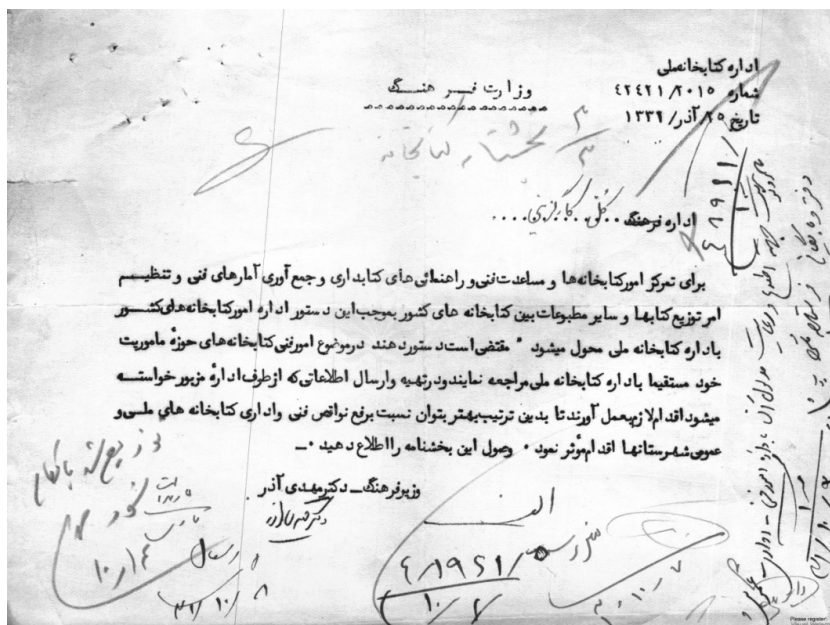
۴- اسناد کتابخانه‌های ایران

گروه ارتباطات آرشیوی، اسناد کتابخانه‌های ایران را به مناسبت هشتادمین سال تأسیس کتابخانه ملی با ۶۶ عنوان و معرفی ۱۰۱ برگ آماده‌سازی و به روابط عمومی سازمان ارسال کرد. به همین منظور تعدادی از اسناد ۴ کتابخانه مهم و بزرگ کشور شامل کتابخانه آستان قدس (۱۲ عنوان در ۲۸ برگ)، کتابخانه دانشگاه تهران (۶ عنوان در ۱۰ برگ)، کتابخانه ملی (۳۹ عنوان در ۴۹ برگ) و کتابخانه مجلس (۹ عنوان در ۱۴ برگ) انتخاب شده بود. از اسناد منتخب این نمایشگاه می‌توان به تغییر عنوان کتابخانه عمومی معارف به کتابخانه ملی در سال ۱۳۱۶ ش. و ابلاغ آن به اداره پست برای ارسال مراسلات [تصویر ۵]، بخشنامه دکتر مهدی آذر، وزیر فرهنگ وقت، برای واگذاری اداره امور کتابخانه‌های کشور به اداره کتابخانه ملی [تصویر ۶] و متن ترجمه خبر روزنامه النداء بیروت در خصوص اهداء چهار جلد کتاب خطی از سوی مستشرق دانمارکی کریستینسن به کتابخانه مجلس اشاره کرد. نامبرده در زمان حضور در ایران و شرکت در جشن فردوسی این کتاب‌ها را به کتابخانه مجلس شورای ملی اهدا کرده است.

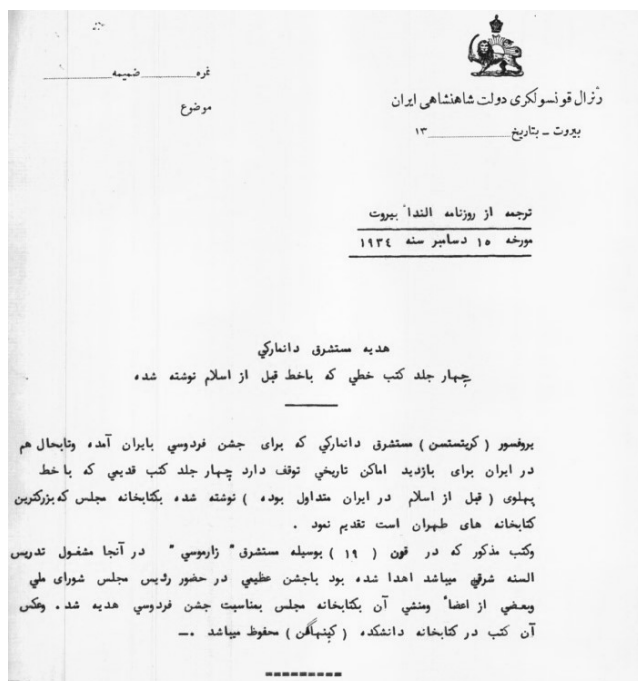


تصویر ۵- اعلام تغییر نام کتابخانه معارف به کتابخانه ملی





تصویر ۶- بخشنامه واگذاری امور کتابخانه‌های کشور به کتابخانه ملی



تصویر ۷- متن ترجمه خبر اهدای ۴ جلد کتاب خطی از سوی مستشرق دانمارکی به کتابخانه مجلس



عناوین نمایشگاه به تفکیک کتابخانه‌ها عبارتند از:

– کتابخانه آستان قدس:

بخش‌هایی از دفتر ثبت قرآن، کتب، مطبوعات و نوشتجات آستان مقدس رضوی، [۱۳۰۵ش.]؛ پیشنهاد وزیر معارف و اوقاف به کتابفروشی‌های مهم کشور جهت اهدای نسخه‌ای از کتاب‌های منتشره خود به کتابخانه آستان قدس، ۱۳۱۶/۱۲/۱۰ش.؛ فهرست کتاب‌های اهدایی کتابفروشی و چاپخانه بروخیم به کتابخانه آستان قدس، ۱۳۱۶/۱۲/۱۱ش.؛ فهرست کتاب‌های اهدایی کتابفروشی مظفری به کتابخانه آستان قدس، ۱۳۱۶/۱۲/۱۱ش.؛ گزارشی از تاریخچه و وضعیت کتابخانه‌های کشور، ۱۳۱۷ش.؛ قبض رسید پانزده جلد کتاب اهدایی کتابفروشی مظفری طهران به کتابخانه آستان قدس، فروردین ۱۳۱۷ش.؛ صورت کتاب‌های اهدایی به کتابخانه آستان قدس، فروردین ۱۳۱۷ش.؛ قبض رسید سی و دو جلد کتاب و پنج قطعه نقشه اهدایی کتابفروشی بروخیم به کتابخانه آستان قدس، فروردین ۱۳۱۷ش.؛ نامه نایب تولیت عظمای آستان قدس به وزیر معارف و اوقاف برای اعلام ارسال قبض رسید کتاب‌های دریافتی از کتابفروشی بروخیم و مظفری و سپاسگزاری از مساعدت‌های وی نسبت به کتابخانه آستان قدس، ۱۳۱۷/۱/۱۵ش.؛ فهرست کتاب‌های اهدایی به کتابخانه آستان قدس، [تیر ۱۳۱۷ش.]؛ نامه نایب تولیت آستان قدس رضوی به فرماندار اصفهان جهت استعلام بهای طلای ورق مورد نیاز برای تکمیل تذهیب کتب آستان قدس، ۱۳۱۸/۴/۳۰ش.؛ نامه [منجم‌باشی] تولیت آستان قدس رضوی، در خصوص نگهداری کتابچه ثبت موقوفات تحویلخانه مبارکه، کتابخانه و مهر زمرد نزد وی و تقاضای ارسال نسخه‌ای از آن برای نویسنده نامه، فاقد تاریخ.

– کتابخانه دانشگاه تهران

ابلاغ رونوشت تصویب نامه هیئت وزیران، مبنی بر عضویت دانشگاه تهران در جامعه بین‌المللی کتابخانه‌ها و مرکز مبادلات آمریکا، ۱۳۴۵/۱۲/۲۹ش.؛ مکاتبه معاون کل وزارت آبادانی و مسکن با رئیس دانشگاه تهران، در خصوص مذاکرات کمیسیون رسیدگی به وضع ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، و درخواست اعلام نظر در این زمینه، ۱۳۴۶/۱۱/۱۵ش.؛ مکاتبه کمیته فرهنگ و آموزش سازمان برنامه با معاون طرح و برنامه‌ریزی دانشگاه تهران؛ در خصوص معرفی مهندس مشاور و مقاطعه کار برای تجهیز کتابخانه مرکزی دانشگاه، به منظور افتتاح آن، ۱۳۴۶/۱۲/۸ش.؛ اعلام موافقت معاون سازمان برنامه با تأمین اعتبار عمرانی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از محل اعتبارات عمرانی و ترک مناقصه آن، ۱۳۴۷/۲/۴ش.؛ دستور معاون واحد طرح و برنامه‌ریزی دانشگاه تهران به کمیته آموزش



و فرهنگ دفتر مرکزی؛ برای صدور دستور تعیین مهندس مشاور به منظور تقویت پست ترانسفورماتور دانشکده ادبیات و محوطه سازی جنوب کتابخانه مرکزی در آستانه افتتاح؛ ۱۳۴۷/۲/۱۲ ش. درخواست رئیس دانشگاه تهران از معاون سازمان برنامه، در خصوص تأمین اعتبار لازم برای تجهیز کتابخانه و ساختمان مرکزی دانشجویان، ۱۳۴۷/۲/۲۹ ش.

– کتابخانه ملی

درخواست وکلای کتابخانه ملی از وزیر علوم و اوقاف، در خصوص کمک و مساعدت به کتابخانه ملی، جمادی الاخر ۱۳۲۵ ق. / تیر یا مرداد ۱۲۸۶ ش.؛ تقاضای وزارت معارف از خزانه داری کل، در خصوص واگذاری عمارت فوقانی دارالفنون برای تأسیس کتابخانه ملی، ۱۴ دلو ۱۳۳۲ ق. / ۱۴/۱۱/۱۲۹۲ ش.؛ بخشنامه لزوم ارسال دو مجلد از هر کتاب منتشرشده به وزارت معارف و کتابخانه ملی، ۵ جمادی الاول ۱۳۳۵ ق. / ۹/۱۲/۱۲۹۵ ش.؛ گزارش تحقیق انجام شده درباره صندوق های محتوی کتاب های کتابخانه ملی در مدرسه طب و درخواست کسب تکلیف از رئیس مدرسه طب، ۱۳۰۲/۷/۲۹ ش.؛ پیشنهاد استفاده اختصاص اعتبار در بودجه کتابخانه ملی، جهت امور نجاری به منظور تعمیرات سقف و درها و سایر لوازم ضروری، ۱۳۰۲/۸/۳۰ ش.؛ تقسیمات جزء اعتبار برای تأسیس موزه و کتابخانه ملی جهت ارسال به وزارت مالیه، ۱۳۰۵/۷/۲۸ ش.؛ گزارش لزوم تهیه فهرست جامعی از کتاب های موجود در کتابخانه های عمومی به منظور طبع و نشر آن جهت تسهیل در کار فضلا و اهل علم و دانشمندان، ۱۳۰۵/۱۱/۲۰ ش.؛ درخواست تأمین بودجه از مجلس شورای ملی به منظور تکمیل بنای کتابخانه ملی، ۱۳۰۶/۵/۴ ش.؛ تغییر نام کتابخانه عمومی معارف به کتابخانه ملی، ۱۳۱۶/۶/۲۷ ش.؛ اعلام تغییر نام کتابخانه معارف به کتابخانه ملی، پس از تصویب در شورای عالی معارف، ۱۳۱۶/۶/۲۷ ش.؛ درخواست ارسال فهرست کتب خطی کتابخانه ملی برای دکتر غلامحسین صدیقی دانشیار دانشسرای عالی، ۱۳۱۶/۷/۴ ش.؛ مکاتبه با سروان لوائی نویسنده کتاب وندهای پارسی جهت تحویل دو جلد از کتاب خود به کتابخانه ملی و دریافت قبض رسید، ۱۳۱۷/۲/۳ ش.؛ ابلاغ برنامه کلاس کتابداری، مصوب شورای عالی معارف، ۱۳۱۷/۴/۵ ش.؛ مکاتبه اداره نگارش در خصوص مشخص نمودن اشتراک مجله خارجی «آموزشگاه و جامعه» با کتابخانه ملی، ۱۳۱۸/۸/۲۷ ش.؛ اعلام اوقات کاری در تالار کتابخانه ملی در دو شیفت کاری و درخواست دستور استخدام دو نفر برای اجرای برنامه تالار، ۱۳۲۳/۷/۴ ش.؛ ترفیعات پیشنهادی اداره کتابخانه ملی برای سه نفر از کارکنان خود برای سال ۱۳۲۳ ش.، ۱۳۲۲/۷/۱۱ ش.؛ قرارداد سه ماده ای وزارت فرهنگ با مهدی بیانی برای تألیف فهرست ۱۵۰ نسخه از کتاب های خطی فارسی کتابخانه ملی، ۱۳۲۴/۱/۲۲ ش.؛ درخواست استخدام یک نفر دوچرخه سوار برای



ارسال قبض رسمی از سوی اداره نگارش به چاپخانه‌ها به منظور ارسال نشریات چاپی خود به کتابخانه ملی، ۱۳۲۵/۴/۲۰ ش.؛ نامه مهدی بیانی، رئیس کتابخانه ملی، به وزارت فرهنگ برای تنظیم قرارداد با حسین موسوی نسل (ادیب بجنوردی) و سیدجلال محدث به منظور تألیف فهرست تفصیلی دویست نسخه از کتاب‌های خطی عربی کتابخانه ملی و تأیید صلاحیت آنان، ۱۳۲۵/۱۱/۱۶ ش.؛ قرارداد وزارت فرهنگ با میرجلال محدث و حسین موسوی نسل (ادیب بجنوردی) برای تهیه فهرست سیصد نسخه از کتاب‌های خطی عربی کتابخانه ملی، ۱۳۲۵/۱۲/۲۶ ش.؛ قرارداد وزارت فرهنگ با مهدی بیانی برای تألیف فهرست کتاب‌های خطی فارسی کتابخانه ملی، ۱۳۲۶/۴/۳۰ ش.؛ درخواست مهدی بیانی، رئیس اداره کتابخانه ملی، از وزارت فرهنگ برای پرداخت حق‌التألیف قرارداد تألیف فهرست قسمتی از کتاب‌های خطی کتابخانه ملی، پس از پایان کار و تحویل آن، ۱۳۲۷/۴/۱۶ ش.؛ طرح کتابخانه ملی برای نمایشگاه خطوط خوش کتابخانه سلطنتی و درخواست تأمین اعتبار آن، ۱۳۲۸/۵/۲۳ ش.؛ اعلام تنظیم قرارداد برای واگذاری تألیف و چاپ فهرست نمایشگاه خطوط خوش کتابخانه سلطنتی به دکتر بیانی، رئیس اداره کتابخانه ملی، بر اساس مصوبه شورای عالی فرهنگ و درخواست از وزارت فرهنگ برای تصویب آن، ۱۳۲۸/۱۰/۱۸ ش.؛ مکاتبه با اداره باستان‌شناسی، کتابخانه ملی و اداره مردم‌شناسی در خصوص اعلام تعداد پاسبانان موردنیاز خود به اداره بازرسی جهت اقدام برای تأمین اعتبار محل حقوقی آنان، ۱۳۳۰/۹/۴ ش.؛ درخواست نیرو جهت حفاظت و نگهداری از کتابخانه ملی، ۱۳۳۰/۹/۱۲ ش.؛ بخشنامه محول‌شدن اداره امور کتابخانه‌های کشور به اداره کتابخانه ملی، ۱۳۳۱/۹/۲۵ ش.؛ گزارش معاون اداره کتابخانه ملی به وزارت فرهنگ در خصوص قراردادهای تألیف فهرست کتاب‌های خطی فارسی و عربی کتابخانه ملی و دستور وزیر فرهنگ در پی‌نوشت برای پیگیری کارهای انجام شده، ۱۳۳۴/۳/۲۳ ش.؛ اقدام امور فنی و اداری کتابخانه ملی برای مذاکره با ناشران کتاب و به‌دست آوردن ۴۰۲ جلد کتاب به‌صورت رایگان برای کتابخانه ملی، ۱۳۳۴/۱۱/۳۰ ش.؛ نامه دکتر مهران، وزیر فرهنگ، برای تقدیر از حکمت، سفیرکبیر ایران در هند، در توجه به ادب و فرهنگ ایران و ارسال دو جلد از اثر خود با عنوان «نقش پارسی بر احجار هند» و اهدای یک نسخه از آن به کتابخانه ملی، [مهر ۱۳۳۶ ش.؛ فهرست سیصدجلدی کتاب‌های خطی عربی کتابخانه ملی و درخواست از وزارت فرهنگ برای تنظیم قرارداد جدید جهت انجام فهرست‌نویسی بقیه کتاب‌ها در صورت صلاحدید، ۱۳۳۷/۷/۲۴ ش.؛ درخواست مجوز از وزارت فرهنگ برای عقد قرارداد با دکتر مهدی بیانی، مدیرکل کتابخانه ملی، برای تهیه فهرست هزار جلدی کتاب خطی عربی کتابخانه‌های ملی و مسجد سپهسالار، ۱۳۳۷/۱۱/۸ ش.؛ درخواست ثبت مشخصات کتاب روزنامه‌نگاری در کتابخانه ملی، ۱۳۵۰/۴/۳۰ ش.؛ صورت اداره و دوائر فنی کتابخانه ملی، فاقد



تاریخ؛ جدول اطلاعات پرسنلی بخش‌های مختلف کتابخانه ملی، فاقد تاریخ؛ اعلام شرایط لازم برای متقاضیان مناقصه کارهای نجاری کتابخانه ملی، فاقد تاریخ؛ نظام‌نامه کتابخانه ملی ایران، فاقد تاریخ؛ صورت اسامی کارمندان اداره کتابخانه ملی، فاقد تاریخ؛ گزارش مبالغ پرداختی جهت احداث ساختمان کتابخانه ملی، فاقد تاریخ.

– کتابخانه مجلس

مکاتبات در خصوص تحویل یک جلد قرآن ممتاز خطی برای مراسم تحلیف وکلای مجلس و یک جلد قرآن چاپی ممهور به مهر وکلای دوره اول مجلس از کتابخانه دولتی به کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۰۱/۲/۱۳ ش.؛ نظام‌نامه داخلی کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۰۴/۱۱/۱۰ ش.؛ مکاتبه مجلس شورای ملی با اداره کل گمرکات، در خصوص لزوم تسریع در ترخیص یک صندوق اسناد پارلمانی بلژیک ارسالی برای کتابخانه مجلس از گمرک بوشهر، ۱۳۰۸/۱۲/۱۷ ش.؛ مکاتبه معاون اداره مباشرت مجلس شورای ملی با وزارت مالیه، در خصوص لزوم تخصیص مبلغ یک‌هزار و دویست و هفتاد پوند برات اسعار خارجه نزد بانک ملی، برای خرید لوازم مطبعه و کتابخانه مجلس، ۱۳۱۰/۳/۲۷ ش.؛ ارسال برات پانصدریالی به حکمران اصفهان برای تحویل به نیرالکتاب اصفهانی از بابت بهای کتاب گلستان سعدی به خط وی، ۱۳۱۱/۳/۲۹ ش.؛ ترجمه خبر روزنامه النداء بیروت، در خصوص اهداء چهارجلد کتاب خطی از طرف پرفسور کریستنسن دانمارکی به کتابخانه مجلس، [۱۹۳۴ م.]/[۱۳۱۳ ش.]; درخواست اداره مباشرت مجلس شورای ملی از وزارت مالیه، در خصوص ارسال دائمی یک نسخه از کلیه نشریات، راپورت‌ها، نظام‌نامه‌ها، مجلات و اعلانات چاپی آن وزارت‌خانه به کتابخانه مجلس، ۱۳۱۳/۳/۱ ش.؛ مکاتبه اداره مباشرت با اداره انطباعات مجلس شورای ملی، در خصوص تعداد کتاب‌های کتابخانه مجلس و ارسال یک نسخه از نظام‌نامه آن، ۱۳۱۴/۱۰/۲۸ ش.؛ تاریخ تأسیس برخی کتابخانه‌های عمومی کشور به‌همراه آمار کتاب‌های آن‌ها، فاقد تاریخ.



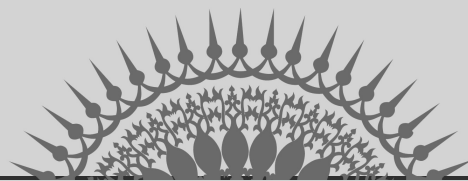


Table of contents

National Archives Quarterly 12; Vol. 3, No. 4, Winter 2018

Preface

Three Encyclopedias; **Gholamreza Azizi**

Articles on Archives

Developing Electronic Records Management Strategy: The Malaysian Government's Experience (1); **Alireza Entehaie**

An Investigation of the Viewpoint of Information Science Students on the Archives; **Dr. Rahman Ma'refat**

Articles on History (Based on Records)

An Investigation of the Integration of the National Archives Organization and the National Library of Iran (3): A Consideration of Legal Entity; **Shirin Mizandar and Dr. Assadollah Yavari**

Establishment and Development of the National Library of Iran; **Parisa Asgari**

Malek Al-Shoara Bahar: A litterateur Politician or a Political litterateur; **Hoorieh Saeidi**

The Status of the Records in Reconstruction of the History of States without History; A Case Study of Kermanshahan of the Qajar Period; **Dr. Motaleb Motalebi**

An Introduction of Records on the Claim for the Salaries of Ajlall al-Saltanah from the Archives of the Department of Records and Affairs of the Translators of the Supreme Court, Relying on a Record from Mozaffar al-Din Shah; **Fatemeh Noubakht**

Special Event for the Forest Movement

A Report on Conference of the Ninety-Sixth Anniversary of Mirza Kuchak Khan's Martyrdom, "Mirza Kuchak Khan in the Mirror of National Records of Iran"

A Sociological Analysis of the Forest Movement Based on the Ideas of Social Changes; **Dr. Ghobanali Kenarroudi**

The Impact of Forest Movement on Iranian Mass Historiography; **Dr. Abbas Panahi**

An Introduction to the Research on Mirza Khan Khan Jangali in the Resources of the National Library and Archives of Iran; **Seyyed Ali Kasaie**

The Attack of the Revolutionary Forces of the Forest to Mazandaran; **Mostafa Noori**

Articles on Records Preservation, Restoration and Maintenance

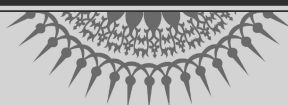
A Guide For Selection of High-durability Paper; **Working Group on Development of Archival Guidelines of the National Archives**

Book Introduction

Archival Arrangement and Description; **Mitra Tabesh**

Reports on Archival Exhibitions

A Report on "Mobile Exhibitions Organized by the Department of Information and Communication (Archival Communication Group) in the Winter of 1396; **Fariba Amiri and Hamideh Bakhtiyari**



National Archives Quarterly

(12)

Vol.3, No.4, Winter 2018

Islamic Rep. of Iran's National Archives and Library Org.

Managing Director & Editor-in-Chief: Gholamreza Azizi; greazizi@gmail.com

Executive secretary: Neda Rasouli

Editor: Zahra Zarghami

Editorial Boord:

Dr. Sediqe Ahmadi Fasih, Dr. Amir-reza Asnafi, Gholamreza Azizi, Ayoub Banavi,
Dr. Abolfazl Hassan Abadi, Dr. Fariborz Khosrawi, Dr. Elham Malekzadeh, Dr. Nourollah Moradi,
Dr. Mohammad Javad Moradi-nia, Dr. Mohammad Qahri, Dr. Saeed Rezaei Sharif Abadi, Dr. Seyyed
Mahmoud Sadat, Horiyeh Saedi, Mahboob Shabazi, Dr. Shahram Yousefi-far, Behnaz Zarinkelki

Publisher: National Library & Archive of Islamic Republic of IRAN

Cover Designer: Shohreh Khouri

Translator: Zahra Zarghami

Address: National Library and Archives of I. R. Iran,

Tehran, Iran. P. O. Box: 19935-655

Tel/Fax: +98 21 26402977

Email: 1395naq@gmail.com